

فصلنامه علمی

راهبرد اجتماعی فرهنگی

۳۹

سال دهم - شماره سی و نهم - تابستان ۱۴۰۰

هیئت تحریریه

محمدباقر خرمشاد / استاد علوم سیاسی دانشگاه علامه طباطبائی

مهرداد نوابخش / استاد دانشکده ادبیات دانشکده علوم تحقیقات دانشگاه آزاد اسلامی

بهرام بیات / استاد جامعه شناسی دانشگاه عالی دفاع ملی

غلامرضا خواجه سروری / استاد علوم سیاسی دانشگاه علامه طباطبائی

مرتضی فرهادی کمره‌ای / استاد جامعه شناسی دانشگاه علامه طباطبائی

محبوبه مباشری / دانشیار ادبیات دانشگاه الزهرا

ابراهیم فیاض / دانشیار انسان شناسی دانشگاه تهران

حمید پارسانیا / دانشیار جامعه شناسی دانشگاه تهران

سیدمحمد حسینی / دانشیار الهیات دانشگاه تهران

نشانی: تهران، خیابان آیت‌الله طالقانی، نرسیده به پل حافظ، پلاک ۳۷۶

کدپستی: ۱۵۹۱۸۱۶۹۱۱ تلفن: ۶۶۹۷۱۶۸۱ نمابر: ۶۶۴۹۹۱۲۱

وبسایت: rahbordfathangi.csr.ir

پست الکترونیک: rahmagiran@gmail.com

قیمت: ۳۰۰۰۰۰ ریال

این فصلنامه به استناد نامه شماره ۹۰/۲۵۵۹۵ مورخ ۹۰/۱۰/۴ هیئت نظارت بر مطبوعات منتشر می‌شود.

به استناد نامه شماره ۳۵۱۱/۱۸/۲ مورخ ۹۲/۰۳/۱۲ وزارت علوم، تحقیقات و فناوری فصلنامه راهبرد اجتماعی فرهنگی دارای مرتبه علمی - پژوهشی است.

فصلنامه راهبرد اجتماعی فرهنگی در پایگاه‌های زیر نمایه می‌شود:

www.isc.gov.ir

پایگاه استنادی علوم جهان

www.sid.ir

مرکز اطلاعات علمی جهاد دانشگاهی

www.magiran.com

بانک اطلاعات نشریات کشور

www.csr.ir

پژوهشکده تحقیقات راهبردی

www.ensani.ir

پرتال جامع علوم انسانی

www.civilica.com

مرجع دانش

www.noomags.ir

پایگاه مجلات تخصصی نور

بسم الله الرحمن الرحیم



پژوهشکده تحقیقات راهبردی

صاحب امتیاز

پژوهشکده تحقیقات راهبردی
مجمع تشخیص مصلحت نظام

مدیر مسئول

محسن رضایی میرقائد
دانشیار دانشگاه امام حسین (ع)

سر دبیر

غلامرضا جمشیدپهنا
استاد دانشگاه تهران

دبیر تخصصی

احسان خضری

مدیر داخلی

عقیقه عابدی

ویراستار

مهناز پوره‌اشمی

صفحه‌آرا

نجمه قادری

شاپا: ۷۰۸۱-۲۲۵۱

شاپای الکترونیک: ۲۵۸۸-۶۵۵X

تیراژ چاپی: ۱۵۰ نسخه

انتشارات

پژوهشکده تحقیقات راهبردی

• اهداف فصلنامه

۱. ایجاد زمینه برای انتشار مقالات علمی - پژوهشی در حوزه مسائل فرهنگی - اجتماعی کشور؛
۲. مساعدت به نظام سیاست‌گذاری و تصمیم‌گیری فرهنگی - اجتماعی کشور؛
۳. اشاعه و توسعه ادبیات مطالعات راهبردی و سیاست‌گذاری در میان محققان و پژوهشگران علوم اجتماعی؛
۴. ایجاد زمینه برای پیوند تحقیقات و مطالعات اجتماعی و فرهنگی با حوزه سیاست‌گذاری و تصمیم‌گیری کشور؛
۵. ارتقای کیفیت راهبردها و سیاست کلان کشور در حوزه‌های فرهنگی - اجتماعی

• راهنمای تدوین مقاله و شرایط پذیرش آن در فصلنامه راهبرد اجتماعی فرهنگی

فصلنامه راهبرد اجتماعی فرهنگی به‌منظور ایجاد زمینه برای انتشار مقالات علمی - پژوهشی در حوزه مسائل اجتماعی و فرهنگی کشور، تازه‌های پژوهشی صاحب‌نظران این حوزه را منتشر می‌کند تا در دسترس علاقه‌مندان قرار گیرد.

مقالات ارسالی باید شرایط زیر را دارا باشند:

الف) شرایط علمی

۱. مقاله باید دارای اصالت و نوآوری (Original research)، تحلیلی و نتیجه‌کاوش‌های نویسنده یا نویسندگان باشد.
۲. در نگارش مقاله باید روش تحقیق علمی رعایت شود و از منابع معتبر و اصیل نیز استفاده شده باشد.
- توضیح: مقاله پس از دریافت، نخست در هیئت تحریریه بررسی و ارزیابی می‌شود و در صورت داشتن شرایط لازم، برای داوران ارسال می‌گردد. پس از وصول دیدگاه‌های داوران، نتایج و امتیازات کسب شده، در هیئت تحریریه مطرح می‌شود و در صورت کسب امتیازات کافی و پذیرش آن، در نوبت چاپ قرار می‌گیرد.

ب) شرایط نگارش

۱. مقاله باید از جهت نگارش، ساختاری محکم و استوار داشته باشد و اصول فصاحت و بلاغت در آن رعایت شود.
۲. عنوان مقاله باید کوتاه و گویا باشد.
۳. نام مؤلف یا مؤلفان همراه با درجه علمی، نشانی محل کار و نشانی اینترنتی (Email) ذکر شود (ذکر شماره تلفن مسئول مکاتبات نیز لازم است).
۴. چکیده فارسی حداکثر پانزده سطر (۱۵۰ تا ۲۰۰ کلمه) باشد.
۵. کلیدواژه فارسی حداکثر شش کلمه باشد.
۶. مقاله باید دارای مقدمه روشن و دقیق باشد چنانکه خواننده را برای ورود به مبحث اصلی آماده سازد.
۷. بیان پیشینه تحقیق از شرایط مقاله است.
۸. در متن اصلی مقاله باید موضوع به‌طور روشن تحلیل شود.
۹. مقاله باید دارای نتیجه‌گیری دقیق باشد.
۱۰. چکیده انگلیسی حداکثر پانزده سطر (۱۵۰ تا ۲۰۰) کلمه باشد.
۱۱. کلیدواژه انگلیسی حداکثر پنج کلمه باشد.
۱۲. نام نویسنده و درجه علمی و محل کار به لاتین ذکر شود.
۱۳. ارجاعات متن باید داخل پرانتز به ترتیب نام نویسنده، سال و صفحه ذکر شود؛ مثال: (زرین کوب، ۱۳۷۲: ۲۵۴) (Giddens, 2009: 14).
۱۴. منابع و مأخذ پایانی باید به ترتیب زیر ذکر شود:

الف: کتاب: نام خانوادگی (شهرت)، نام، سال انتشار (درون پرانتز)، نام کتاب، نام مترجم یا مصحح، شهر محل نشر، نام ناشر، نوبت چاپ

ب: نشریه: نام خانوادگی (شهرت)، نام، سال انتشار (درون پرانتز)، عنوان مقاله (درون گیومه) نام نشریه، شماره دوره، صفحات مقاله (از ص تا ص)

ج: مجموعه مقالات: نام خانوادگی، نام، سال انتشار (درون پرانتز)، عنوان مقاله (درون گیومه)، نام گردآورنده یا ویراستار، نام مجموعه مقالات، محل نشر، نام ناشر، شماره صفحات مقاله (از ص تا ص)

د: سایت‌های اینترنتی: نام خانوادگی، نام، (آخرین تاریخ)، عنوان موضوع (درون گیومه)، نام و نشانی اینترنتی به صورت ایتالیک

ه: لوح فشرده: نام خانوادگی، نام، سال انتشار (درون پرانتز)، عنوان، نام لوح فشرده، محل نشر، نام ناشر

۱۵. مقاله باید حداکثر ۲۵ صفحه و هر صفحه در ۲۳ سطر تنظیم شود.

۱۶. مقاله باید از طریق سایت فصلنامه ارسال شود.

۱۷. اسامی خاص و اصطلاحات لاتین و ترکیبات خارجی بلافاصله پس از فارسی آن داخل پرانتز در متن مقاله ذکر شود.

۱۸. مقالات مستخرج از پایان‌نامه باید تأیید استاد راهنما را همراه داشته باشد.

۱۹. مقالات ارسالی به‌هیچ وجه برگردانده نمی‌شود.

۲۰. مقاله نباید در هیچ مجله یا همایشی ارائه شده باشد.

یادآوری: مجله در پذیرش یا نپذیرفتن مقاله همچنین ویراستاری آن آزاد است.

دریافت مقاله از طریق سایت فصلنامه انجام می‌گیرد.

یادآوری: مشخصات تمامی نویسندگان در بخش مورد نظر در سایت ذکر شود.

راهبرد اجتماعی فرهنگی

شماره ۳۹، تابستان ۱۴۰۰، سال دهم

فهرست مطالب

بررسی بایسته‌های حق به شهر در فرایند سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی توسعه شهرها (موردی توسعه

حمل و نقل شهر تهران

معصومه اشتیاقی، محمود شارع پور، محمد فاضلی / ۲۲۳

کاربرد فناوری واقعیت افزوده در راهبردهای ارتباطی ایران

زهره خرازی آذر، افسانه مظفری، طاهره ساعدی / ۲۵۹

شناسایی و اولویت‌بندی مسائل و آسیب‌های اجتماعی استان ایلام

علی فیض‌اللهی، خلیل کمربگی / ۲۸۷

مطالعه جامعه‌شناختی شیوع پاندمی کووید-۱۹ و رابطه آن با احساس ناامنی اجتماعی (مطالعه موردی

شهروندان شهر تهران)

طوبی زمانی، جواد مداحی، یزدان کریمی منجرمونی، غلامرضا باغ شیرین / ۳۱۹

شناسایی مؤلفه‌های مؤثر بر سرمایه اجتماعی در مواجهه با بیگانگی اجتماعی (مورد مطالعه دانشجویان

دانشگاه تهران و دانشگاه آزاد واحد علوم و تحقیقات)

فاطمه عادل نژاد، میرطاهر موسوی، علیرضا محسنی تبریزی / ۳۵۲

تبیین اصول ارتباط اجتماعی زن و مرد از منظر اسلام با تأکید بر سیره‌ی انبیاء و اولیاء الهی علیهم‌السلام

سمیه اسماعیلی، مریم حاج عبدالباقی / ۳۹۳

نقش مهارت‌های ارتباطی در تحرک اجتماعی میان‌نسلی (مورد مطالعه: ساکنین بالای ۳۰ سال شهر

تهران)

نوروز هاشم زهی، سحر لایقی باروق / ۴۲۳

اسامی داوران

غلامرضا جمشیدیها، علی اکبر ضیایی، حسین محبوبی منش، محمد حسین پناهی،
محمد حسینی مقدم، فاطمه ثقفی، حسن بشیر، محمد سلطانی فر، حسین میرزایی،
سید مجید امامی، علی احمدی، یعقوب احمدی، علی اشرف نظری، یاسر برخوردار،
رقیه سعادت مومن، فاطمه صغری شفیعی، علی مرشدی زاد، علی کمیجانی،
علی کریمی مله، فاطمه نارنجی ثانی، حسن بشیری

Examining the Requirements of the Right to the City in the Policy-Making Process and Development Planning of the Cities: A Case Study of Tehran Transportation Development

Masoumeh Eshtiaghi

Corresponding Author, PhD Student in Sociology, University of Mazandaran, Babolsar,
Iran. eshtiyaghi87@yahoo.com

Mahmoud Sharepour

Full Professor, Department of Social Sciences, Mazandaran University, Babolsar, Iran.
Sharepour@yahoo.com

Mohammad Fazeli

Assistant Professor, Department of Social Sciences, Shahid Beheshti University, Tehran,
Iran. m.fazeli@gmail.com

Abstract

Urban transport policy-making and planning is of great importance in determining the forms of the development of a city. Not only the future of the urban life but also the city dwellers' daily lives depend on how the cities make transportation decisions. Considering the position of transportation policy in the citizens' lives, this study aims at exploring and examining the requirements of the right to the city in the process of transport policy in Tehran. The study data were qualitative integrated and were collected through semi-structured interviews, higher-order documents, and libraries and were analyzed through grounded theory method. Then, through theoretical and purposeful sampling, 20 experts including some managers of different urban managerial systems and some citizens were interviewed until the data saturation. Later on, the collected data were coded and analyzed in the form of 9 axial categories and one core category. Findings indicate that the legal capacity for participation, institutional capacity, and transparency and oversight mechanisms are among the causal conditions of the requirements of the right to the city in Tehran's transportation policy. The macrostructure of Tehran's urban planning, the underlying

conditions, and the macro-decision-making system of the intervening conditions were identified. Reconstructing the requirements of the right to the city in the process of policy-making and planning for the development of Tehran's transportation system indicates that a comprehensive network of transparency and oversight, along with participatory planning, are the strategies that can be employed. According to the findings of this study, the requirements of the right to the city in the transport policy process can lead to good urban governance in this area as well as at the general level of urban management.

Keywords: *Urban transport policy, qualitative research, right to the city, Tehran, grounded theory*

بررسی بایسته‌های حق به شهر در فرایند سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی توسعه شهرها (موردی توسعه حمل و نقل شهر تهران)^۱

معصومه اشتیاقی

نویسنده مسئول، دانشجوی دکترای جامعه‌شناسی دانشگاه مازندران، مازندران، ایران
eshtiyaghi87@yahoo.com

محمود شارع پور

استاد تمام گروه علوم اجتماعی دانشگاه مازندران، مازندران، ایران Sharepour@yahoo.com

محمد فاضلی

استادیار گروه علوم اجتماعی دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران m.fazeli@gmail.com

چکیده

سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی حمل و نقل شهری از عرصه‌های مهم و تعیین‌کننده‌ی اشکال توسعه در شهر است. نه تنها آینده‌ی حیات شهرها بلکه، زیست روزمره‌ی ساکنان شهر وابسته به چگونگی تصمیمات حمل و نقلی شهرها است. با توجه به جایگاه سیاست‌گذاری حمل و نقل در زیست شهروندان، هدف پژوهش حاضر آن است که بایسته‌های حق به شهر در فرایند سیاست‌گذاری حمل و نقل شهر تهران را کشف و مورد بررسی قرار دهد. داده‌های مطالعه، کیفی تلفیقی از طریق مصاحبه‌ی نیمه‌ساخت‌یافته، اسناد بالادستی و کتابخانه‌ای، گردآوری و از روش نظریه‌ی زمینه‌ای برای تحلیل داده‌ها استفاده شده است. از طریق نمونه‌گیری نظری و هدفمند با ۲۰ نفر از صاحب‌نظران، مدیران حوزه‌ی مدیریت شهری و شهروندان تا رسیدن به اشباع داده‌ها مصاحبه انجام شد. گردآوری داده‌ها در قالب ۹ مقوله‌ی محوری و یک مقوله‌ی هسته، کدگذاری و تحلیل شد. یافته‌ها حاکی از آن است ظرفیت قانونی مشارکت، ظرفیت نهادی، مکانیسم‌های شفاف‌سازی و نظارتی؛ شرایط علی بایدهای حق به شهر در سیاست‌گذاری حمل و نقل شهر تهران به شمار می‌آیند. ساختار کلان برنامه‌ریزی نیز شرایط زمینه‌ای و نظام تصمیم‌گیری کلان شرایط مداخله‌گر شناسایی شدند. بازسازی بایسته‌های حق به شهر در فرایند سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی توسعه‌ی حمل و نقل شهر تهران بیانگر آن

۱. این یک مقاله دسترسی آزاد تحت مجوز CC BY-NC-ND (<http://creativecommons.org/licenses/by-nc-nd/4.0/>) است.

است که شبکه‌ی جامع شفافیت و نظارت در کنار برنامه‌ریزی مشارکتی استراتژی‌هایی هستند که می‌تواند به کار گرفته شود. بر اساس یافته‌های این پژوهش، بایسته‌های حق به شهر در فرایند سیاستگذاری حمل و نقل، می‌تواند حکمروایی خوب شهری را در این حوزه و در سطح عام مدیریت شهری در پی داشته باشد.

واژه‌های کلیدی: سیاستگذاری حمل و نقل شهری، پژوهش کیفی، نظریه مبنایی، حق به شهر، تهران

تاریخ دریافت: ۹۹/۱۰/۰۷ تاریخ بازبینی: ۰۰/۰۴/۱۵ تاریخ پذیرش: ۰۰/۰۵/۱۶

فصلنامه راهبرد اجتماعی - فرهنگی، سال ۱۰، شماره ۳۹، تابستان ۱۴۰۰، صص ۲۲۳-۲۵۷

مقدمه و بیان مسئله

روند توسعه‌ی شهرها بر زندگی شهروندان تاثیر گسترده و درازمدتی بر جا می‌گذارد. حمل و نقل شهری یکی از اشکال توسعه‌ای است که با آینده‌ی شهرها ارتباط مستقیم دارد. حمل و نقل در کنار مسکن، کار و گذران اوقات فراغت، به عنوان یکی از چهار عملکرد اساسی شهر قلمداد شده است، به گونه‌ای که زندگی شهری امروز را بدون آن نمی‌توان تصور نمود (امینی و جهانشاه لو، ۱۳۸۵: ۱ به نقل از (فتوحی، ۱۳۹۱، ص. ۲۵). پیامدهای چندگانه و درازمدت مسیرهای انتخابی اشکال توسعه‌ی حمل و نقل شهری موجب شده تا سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی حمل و نقل شهری در شمار موضوعات بسیار مهم قرار گیرد. اهمیت سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی حمل و نقل شهری به حدی است که می‌تواند در عین پویایی بخشی به حیات شهری، موجب زوال آن نیز شود.

شبکه‌ی حمل و نقل شهری پاسخگوی نیازهای مختلف شهروندان در عرصه‌هایی چون فراغت، اشتغال، آموزش، خدمات و غیره است. از سوی دیگر، به واسطه‌ی تأثیری که بر نحوه‌ی کاربری زمین، میزان مصرف انرژی، ترافیک و آلودگی شهرها بر جای می‌گذارد، با کیفیت زندگی ارتباط وثیق دارد. به عبارتی، سیاست‌گذاری حمل و نقل از اجزای مهم اهداف پایداری شهرها به شمار می‌آید. ابعاد گسترده و درازمدت حمل و نقل شهری بر زندگی روزمره، موجب شده تا حق شهروندان در فرایند تصمیم‌سازی و سیاست‌گذاری حمل و نقل شهری، مورد توجه سازمان‌های جهانی در حوزه‌ی حقوق شهروندی قرار گیرد، چرا که شهروندان به عنوان ساکنان شهر بیش از هر ذینفعی با حمل و نقل شهری سر و

کار دارند و کیفیت زیست‌شان وابسته و منوط به آن است. توجه به حق به شهر به حدی است که فردریش^۱ ویژگی متمایز و برجسته‌ی سیاست‌های شهری را به دیدن شرکای سیاست‌گذار مرتبط می‌داند (فردریش، ۱۳۸۹، ص. ۲۷). به عبارتی، شهروندان شهر این فرصت را می‌یابند که درباره چگونگی تصمیمات درباره‌ی منابع در شهر و نحوه‌ی توزیع آن برای اهداف توسعه‌ای شهر، بتوانند مشارکت فعال مطابق با میل و نیازهای واقعی‌شان داشته باشند. طراحی، احداث و گسترش فضاها، تسهیلات و خدمات شهری متناسب با نیازها و شرایط متفاوت اقشار و گروه‌های اجتماعی مختلف انجام می‌شود که در مجموع به عنوان اصول ضروری سیاست‌گذاری، مدیریت و توسعه‌ی شهری محسوب می‌شود. در دهه‌های اخیر، شاهد رشد فزاینده شهر تهران از ابعاد مختلف و به ویژه حوزه‌ی نظام حمل و نقل شهری بوده‌ایم که محصول سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی توسعه‌ی تهران بوده است. در اسناد بالادستی توسعه‌ی شهر تهران، بر توسعه‌ی پایدار شهر بر مبنای رفع نیارهای همه‌ی گروه‌های اجتماعی شهر و به ویژه، گروه‌های کم برخوردار شهری به همراه تعدیل نابرابری و توزیع عادلانه‌ی حقوق شهروندی تأکید شده است (برنامه اول، دوم و سوم پنج ساله توسعه شهرداری تهران). اما این‌که ساز و کارهای سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی تهران به چه نحو است که امکان به کارگیری بایدهای حق به شهر را در گام نخست و محوری فرایند توسعه‌ی شهر برای شهروندان محتمل می‌سازد، مسئله مورد پژوهش حاضر است.

۱. اهداف و سؤالات پژوهش

هدف محوری مقاله‌ی حاضر، شناسایی بایدهای حق به شهر در فرایند سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی توسعه‌ی حمل و نقل شهر تهران است. مطابق با هدف کلی، مجموعه‌ای از اهداف جزئی شامل (۱) شناسایی شرایط علی تأثیرگذار در عملی شدن بایسته‌های حق به شهر در سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی حمل و نقل شهر تهران، (۲) شناسایی شرایط زمینه‌ای و بستر اجتماعی دخیل در رسیدن به مدف محوری مطرح شده پژوهش، (۳) شرایط مداخله‌گر و تأثیرگذار در موضوع و

۴) شناسایی استراتژی‌ها و پیامدهای منتج به بایدهای حق به شهر در سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی حمل و نقل شهر تهران دنبال می‌شود.

بر اساس اهداف پژوهش، سؤال اصلی مقاله آن است که بایسته‌های حق به شهر در فرایند سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی توسعه‌ی حمل و نقل شهر تهران چیست؟ همراه با سؤال محوری پژوهش حاضر، پرسش‌های جزئی به شرح زیر مطرح است:

- شرایط علی تأثیرگذار در عملی شدن بایسته‌های حق به شهر در سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی حمل و نقل شهر تهران چیست؟
- زمینه و بسترهای به کارگیری بایسته‌های حق به شهر در سیاست‌گذاری حمل و نقل شهر تهران چگونه است؟
- عوامل و شرایط مداخله‌گر در به کارگیری بایدهای حق به شهر در سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی حمل و نقل شهر تهران چیست؟
- استراتژی‌ها و پیامدهای بایسته‌های حق به شهر در سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی حمل و نقل شهر تهران چگونه است؟

۲. پیشینه پژوهش

از منظر حق به شهر (معروفی & وحیدی برجی، ۱۳۹۴) به بررسی فضا و تحقق‌پذیری حق شهری با ارزیابی مقایسه‌ای دو پروژه نواب در تهران و لادفانس در پاریس به روش کیفی اسنادی پرداختند. بر اساس مقایسه دو پروژه مشخص شد که هر دو پروژه غیرمشارکتی و متأثر از سیاست‌های سرمایه‌داری و تصرف فضا بوده‌اند. (سالاری & صفوی سهی، ۱۳۹۶) به نقش نهاد شورای اسلامی شهر در اعتلای حقوق شهروندی در شهر تهران به روش پیمایشی بین شهروندان و مدیران شهری پرداختند. یافته‌ها نشان داد از میان ابعاد عملکرد شورای اسلامی شهر تهران، به ترتیب متغیرهای انتخاب شهردار، نظارت بر مدیریت شهری و تصویب امور شهرداری، پیش‌بینی کننده میزان تحقق حقوق شهروندی بوده‌اند. (کاظمیان & میرعابدینی، ۱۳۹۰) نیز به آسیب‌شناسی مدیریت یکپارچه شهری در تهران از منظر سیاست‌گذاری و تصمیم‌گیری شهری به روش کیفی مصاحبه در

بین مدیران شهری تهران و برخی نهادهای دولتی مرتبط پرداختند. یافته‌ها روی ۳ عامل محوری استخراج شد: ۱- تعدد عناصر و کنش‌گران ذیربط و در نتیجه روابط متفرق میان سازمانی در سیاست‌گذاری و تصمیم‌گیری، ۲- ساختار توزیع قدرت در بین عناصر ذیربط تصمیم‌گیری و سیاست‌گذاری و ۳- عوامل مرتبط با منابع و ابزار قدرت و حاکمیت در موضوع تصمیم‌گیری و سیاست‌گذاری شامل قوانین و مقررات موجود شهری، زیرساخت‌های اطلاعاتی و ارتباطی و توانمندی‌های مالی مدیریت شهری از جمله عوامل مؤثر بر عدم یکپارچگی سیاست‌گذاری در مدیریت شهری است.

(Ma & Kent, 2018) نیز معایب حمل و نقل شهری با توجه به محرومیت اجتماعی و رفاه در مقیاس محله را به روش پیمایش در سیدنی مورد بررسی قرار دادند. بر اساس یافته‌های این مطالعه سیاست‌گذاری حمل و نقل مبتنی بر محله می‌تواند باعث کاهش احساس محرومیت در شهروندان شده و احساس پذیرش اجتماعی را برای همکاری اجرای برنامه‌های حمل و نقل بالا ببرد. (Litman, 2003) نیز طرد اجتماعی را در برنامه‌ریزی حمل و نقل شهری در کشور کانادا به روش کیفی اسنادی مورد مطالعه قرار داد. بر اساس یافته‌ها، کیفیت نامناسب نظام حمل و نقل، مانعی مهم بر مشارکت اجتماعی و روابط اجتماعی شهروندان در شهر بوده است و حمل و نقل ناپایدار عاملی بوده که گرایش افراد به سمت خودروی شخصی را افزایش داد.

مرور ادبیات تجربی حاکی از آن است که، اگر چه در تحقیقات پیشین به آسیب‌های مدیریت شهری از یک سو و جایگاه حق به شهر در پروژه‌های شهری توجه شد اما، هیچ‌گاه الزامات و ملاحظات سیاستی با توجه به سوییچ اجتماع محور آن در فرایند سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی‌های توسعه‌ی شهری دیده نشده است. پرداختن به این خلاء پژوهشی از آن رو مهم است که، مغفول ماندن این دو موضوع بدون توجه به پیوندهای ناگسستنی این دو در واقعیت جامعه، منجر به بازتولید شکلی از عدم ادراک مشترک میان جامعه با سطح کلان سیاست‌گذاری و مدیریت می‌شود. در ارتباط بین این دو سطح فرایندها، ساز و کارها و شرایط،

بسترها و استراتژی‌های مداخله‌ای وجود دارد که شناسایی آن از ملاحظات پیوند عملیاتی دو سطح سیاست‌گذارانه و جامعه‌ی محلی است. این پژوهش به دنبال شناسایی و کشف این چستی‌ها و چگونگی‌ها میان سیاست‌گذاری حمل و نقل و بایدهای حق به شهر در عمل در مورد مطالعه‌ی خاص یعنی حمل و نقل شهر تهران است. دغدغه پژوهشی که تا به حال پاسخ دقیق و مشخصی بدان از منظر پژوهش جامعه‌محور داده نشده است.

۳. تعریف مفاهیم حساس

۳-۱. چستی سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی حمل و نقل شهری

سیاست‌گذاری شهری، عرصه‌ی تصمیم‌گیری درباره‌ی روند توسعه‌ی شهر در ابعاد مختلف چون حمل و نقل شهری است. برنامه‌ریزی حمل و نقل بخش مهمی از برنامه‌ریزی کلان شهری است که تا حد امکان باید در ارتباط نزدیک‌تری با برنامه‌ریزی کاربری زمین مورد توجه قرار گیرد. به قول کالین کلارک^۱، حمل و نقل در واقع سازنده و نابودکننده‌ی شهرهاست (کلارک، ۱۹۵۷ به نقل از (سرور & امینی، ۱۳۹۲، ص. ۳۴). از دید لوفور نیز سرزندگی شهری در قالب سه متغیر ارتباطات، امنیت و تفریح قابل تعریف است. سیاست‌گذاری حمل و نقلی به شیوه‌ی انتخاب و فرصت‌های که به واسطه‌ی حمل و نقل شهری برای شهروندان ایجاد می‌شود می‌پردازد. در سیاست‌گذاری حمل و نقل شهری درباره‌ی نحوه‌ی توزیع و تخصیص منابع کمیاب مانند زمین در شهر تصمیم‌گیری می‌شود. لوکاس (۲۰۰۶) به این موضوع اشاره دارد که یک رویکرد یکپارچه در تصمیمات مربوط به کاربری زمین و موقعیت مکانی خدمات شهری در ارتباط با تصمیمات حمل و نقل شهری، می‌تواند منجر به استفاده‌ی بهینه از منابع کمیاب شود (فارینگتون، ۲۰۰۷ به نقل از (Fol & Gallez, 2014)). تصمیم‌گیری درباره‌ی چگونگی تعریف شبکه‌ی حمل و نقل در شهر با عدالت اجتماعی، برابری فرصت‌ها و دسترسی به امکانات و خدمات شهر برای گروه‌های اجتماعی مختلف و به ویژه اقشار کم

1. Colin Clark

برخوردار شهر مرتبط است. هم‌چنین، سیاست‌گذاری درباره‌ی شیوه‌های حمل و نقل پایدار به پایداری محیط زیست کمک خواهد کرد که به بهبود کیفیت زندگی منجر خواهد شد. به عبارتی، دیده شدن اهداف ذینفعان در حوزه‌ی سیاست‌های حمل و نقل یکی از مهم‌ترین مباحث در سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی حمل و نقل شهری محسوب می‌شود. دفتر برنامه‌ی اسکان بشر ملل متحد^۱، بازیگران اصلی سیاست‌گذاری شهری را شامل حکومت مرکزی، حکومت محلی یا مدیریت شهری، بخش خصوصی، جامعه‌ی مدنی اعم از تشکلهای مردم نهاد، تشکلهای غیر دولتی، رسانه‌ها، احزاب، دفاتر و نهادهای بین‌المللی، نخبگان، فعالان اجتماعی و اقتصادی و سیاسی می‌داند (کاظمیان & میرعابدینی، ۱۳۹۰، ص. ۱۳). از چالش‌های اساسی سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی به ویژه در بحث حمل و نقل شهری فرصت چانه‌زنی همه ذینفعان در فرایند سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی حمل و نقل است که سرنوشت آینده‌ی توزیع عدالت/ بی‌عدالتی و پایداری/ ناپایداری یا برابری/ نابرابری فرصت‌های توسعه پایدار شهری را می‌تواند، تحت الشعاع قرار دهد.

۳-۲. مفهوم حق به شهر

«حق به شهر»^۲ عنوان کتابی از هانری لوفور^۳ نظریه‌پرداز شهری است که در پی بحران‌های شهری سال ۱۹۶۸ فرانسه به دنبال طرح مطالبه‌ی اجتماعی در برابر نابرابری‌های شهری نوشته شده است. حق به شهر شامل دو حق اساسی برای ساکنان شهری است: حق مشارکت^۴ و حق تخصیص و تملک^۵. در حق مشارکت شهروندان باید در هر تصمیمی که به تولید فضای شهری می‌انجامد، نقش محوری ایفا کنند (Purcell, 2002). تعلق یافتن به شهر با حرکت در شهر، حضور در آن، احساس آرامش و داشتن فضاهای مناسب برای خود، ممکن می‌شود در حالی که

-
1. United Nations Housing Program Office
 2. Right to city
 3. Henry Lefebvre
 4. The right to participation
 5. The right to appropriation

مشارکت در شهر با دخالت داشتن در سیاست‌گذاری شهری، تصمیم‌گیری در مورد مسائل فضایی، کالبدی، اقتصاد شهری و مالکیت و کنترل بخشی از این فضا ممکن می‌شود (رهبری & شارع پور، ۱۳۹۳). رشد سرمایه‌محور شهرها و کالایی شدن روابط فضایی، موجب کاهش نقش آفرینی شهروندان و افزایش تسلط نخبگان شهری و سرمایه‌گذاران بر تصمیم‌گیری‌های شهری شده است. این در حالی است که کنترل بر کاربری زمین، حق مالکان زمین و نخبگان اقتصادی و سیاسی نیست، بلکه این حق از آن افرادی است که تصمیمات درباره‌ی کاربری زمین مستقیماً بر آن‌ها تاثیر می‌گذارد (معروفی & وحیدی برجی، ۱۳۹۴، ص. ۷). حق به شهر «در برگیرنده مطالبات حقوق بشر به زمین، بهداشت عمومی، حمل و نقل عمومی؛ زیرساخت اولیه، ظرفیت‌سازی و دسترسی به کالاها و خدمات عمومی-از جمله به منابع طبیعی و امکانات مالی است (برنر، مارکوزه، & مایر، ۱۳۹۶، ص. ۱۲۱). مهم‌ترین جنبه‌ی برنامه‌ریزی به عنوان فرایندی ارتباطی، اتکای آن بر اشکال دموکراسی مشارکتی است (ترکمه، ۱۳۹۰) که در آن می‌توان وجوه حق به شهر را عملی کرد. در برنامه‌ریزی شهر تاب‌آور در طی تمام مراحل - از مفهوم‌سازی تا اجرا- فرایند کار به نحوی تعریف شده که باید مشارکت تصمیم‌گیران محلی و شهروندان در نظر گرفته شود تا ارزیابی دقیق و متعبری صورت گیرد و اطمینان از رابطه‌ی بین جامعه و پروژه‌های توسعه شهری در کنار اجرای سریع‌تر حاصل شود (Amado, Moura, & Silva, 2009). مثلاً، این‌که در کجا سرمایه‌گذاری شود، شغل‌های جدید ایجاد شود، خط‌های حمل و نقل عمومی جدید راه‌اندازی شود، یا مسکن جدید ساخته شود و یا هر تصمیم دیگری که به طور برجسته‌ای به تولید فضا در شهری که در آن ساکنند مربوط باشد (Purcell, 2002)؛ (معروفی & وحیدی برجی، ۱۳۹۴، ص. ۷).

با توجه به ادبیات نظری حاضر، مقوله‌ی مشارکت شهروندان در فرایندهای سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی، شفافیت دسترسی به اطلاعات درباره‌ی برنامه‌ها و پروژه‌های توسعه‌ی حمل و نقل شهر و نظارت بر روند انتخاب و تصمیم‌گیری درباره‌ی پروژه‌های کلان حمل و نقل شهری از جمله مواردی است که در گام‌های

منتج به بایسته‌های حقوق شهروندی در سیاست‌گذاری حمل و نقل شهری مورد نظر است. بر همین اساس، مؤلفه‌ها و متغیرهای پژوهش حاضر شامل موارد زیر است؛ در یک صورت‌بندی مفهومی سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی توسعه‌ی حمل و نقل شهری، به مثابه امری کلان در ارتباط تنگاتنگ با حق شهروندی است، چرا که از زوایای مختلف بر زندگی و حیات شهری تأثیر می‌گذارد. با توجه به ادبیات نظری حاضر، مقوله‌ی مشارکت شهروندان در فرایندهای سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی، شفافیت دسترسی به اطلاعات درباره‌ی برنامه‌ها و پروژه‌های توسعه‌ی حمل و نقل شهر و نظارت بر روند انتخاب و تصمیم‌گیری درباره‌ی پروژه‌های کلان حمل و نقل شهری از جمله مواردی است که در گام‌های منتج به بایسته‌های حقوق شهروندی در سیاست‌گذاری حمل و نقل شهری مورد نظر است.

۴. روش پژوهش

هدف پژوهش حاضر شناسایی و بررسی دلالت‌های حق به شهر در سیاست‌گذاری حمل و نقل شهر تهران است. بنابراین، از نظریه زمینه‌ای^۱ به عنوان یک استراتژی استقرایی برای کشف داده‌ها استفاده می‌شود تا گزارشی نظری از ویژگی‌های موضوع، فراهم شود و همزمان پایه‌ی این گزارش‌های نظری را در مشاهدات تجربی داده‌ها مشاهده نمود (Corbin & Strauss, 1990, p. 2). ایده‌های اولیه برای جستجو و حساسیت نسبت به سؤال‌های مطالعه برآمده از مفاهیم حساس است (Blumer, 1954, p. 6)، در بخش مرور ادبیات نظری پژوهش حاضر مورد بررسی قرار گرفت. جمع‌آوری داده‌ها بر مبنای مصاحبه است و در کنار آن برای روشن شدن سؤال‌ها از سایر منابع شامل گردآوری اسنادی و مدارک استفاده شد (Glaster & Strauss, 1967, pp. 161-184). برای جمع‌آوری داده‌ها از نمونه‌گیری هدفمند، برای انتخاب مطلعین و متخصصان جهت مصاحبه و اسناد مرتبط با داده‌های پرسش پژوهش استفاده شده است. فرایند تحلیل داده‌ها در نظریه‌ی زمینه‌ای توأم با استفاده از نظریه‌ی نمونه‌گیری نظری است که تحلیل گر هم‌زمان داده‌های تحقیق را جمع‌آوری، کدگذاری و تحلیل می‌کند (Glaster & Strauss,

(1967, pp. 44-45). فرایند نمونه‌گیری نظری تا زمانی ادامه می‌یابد که هیچ ویژگی جدیدی ظهور نکند، یا به عبارت دیگر، مفهوم جدیدی در خلال گردآوری داده‌ها خلق نشود. این سطح را اشباع نظری می‌خوانند (محمد پور، ۱۳۹۲، ص. ۳۲۶).

مفاهیم مستخرج از تحقیق در سه مرحله کدگذاری می‌شوند. به طور خلاصه، مراحل تحقیق به این نحو بوده که در گام اول ادبیات موضوع، جهت شفاف کردن سؤال‌ها و شناسایی مفاهیم حساس مورد بررسی قرار گرفت. در گام دوم، نمونه‌گیری هدفمند و نظری ادبیات انجام شد. در مرحله سوم، جمع‌آوری داده‌های مرتبط با سیاست‌گذاری حمل و نقل شهر تهران و حق به شهر جهت ایجاد بانک اطلاعات اولیه و افزایش اعتبار و روایی سازه‌ها انجام شد. در گام چهارم، تحلیل اولیه‌ی داده‌ها با بهره‌گیری از روش منعطف درباره‌ی سیاست‌گذاری حمل و نقل شهر تهران با توجه به گزاره‌های حق به شهر صورت گرفت. در گام پنجم، مرتب کردن داده‌ها برای تحلیل و در ادامه گام ششم تحلیل در سه مرحله کدگذاری باز، محوری و گزینشی انجام شد. در مرحله هفتم، برای دقیق‌تر کردن چارچوب کار و بسط نظری تکرار مراحل ۲ تا ۶ تا سطح اشباع نظری مد نظر قرار گرفت. در گام هشتم نیز با توجه به اشباع کار تحلیل خاتمه یافت. در مرحله نهایی نیز نظریه‌ی خلق شده با ادبیات حق به شهر در سیاست‌گذاری حمل و نقل مورد مقایسه قرار گرفت و مدل یافته‌های به دست آمده‌ی پژوهش ترسیم شد. نمونه‌ی هدفمند این پژوهش، شامل کلیه اسناد بالادستی مرتبط با سند توسعه‌ی طرح شهر تهران و توسعه‌ی حمل و نقل از دوران بعد از انقلاب تا پایان دوره مدیریتی قبلی شهرداری تهران است. هم‌چنین در بخش مصاحبه‌ی نیمه ساختارمند نیز ذی‌مدخلان مختلف مرتبط با موضوع، مد نظر قرار گرفت که در جدول ۱ آمده است.

جدول ۱. مشخصات جامعه آماری مورد تحقیق

مصاحبه		اسناد
تعداد نفر	نهادها و اشخاص مورد مصاحبه	
۶	نمایندگان شورای اسلامی شهر تهران	اولین طرح جامع شهر تهران مصوب ۱۳۴۷
۴	مدیران معاونت حمل و نقل و ترافیک شهرداری	طرح جامع تهران مصوب ۱۳۸۶

	تهران	طرح جامع حمل و نقل و ترافیک شهر تهران، ۱۳۸۶
۲	شورای عالی ترافیک وزارت کشور	برنامه پنج ساله اول شهرداری تهران سالهای ۱۳۸۸-۱۳۹۲
۳	متخصصان حوزه برنامه‌ریزی شهری و جامعه‌شناسی شهری	برنامه پنج ساله دوم شهرداری تهران ۱۳۹۳-۱۳۹۷
۵	شهروندان تهرانی	مصوبات کمیته حمل و نقل شورای اسلامی شهر تهران مصوبات شورای عالی ترافیک کشور

۵. یافته‌های پژوهش

در این بخش، نتایج تحلیل داده‌ها بر اساس مراحل سه گانه کدگذاری ارائه می‌شود. تحلیل داده‌ها به روش تحلیل خرد و سطر به سطر صورت گرفت. پس از انتزاع مفاهیم از گزاره‌ها، با یکدیگر مقایسه و مفاهیم مرتبط با عنوان یک مفهوم کلی‌تر، به نام مقوله یکپارچه شدند. با یکپارچه کردن، مقایسه و تحلیل پیرامون این مقوله‌ها، یک مقوله هسته به نام «بایسته‌های حق به شهر در فرایند سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی حمل و نقل شهر تهران» حاصل شد.

جدول ۲. نتایج مراحل سه گانه کدگذاری باز، محوری و گزینشی

نوع مقوله	مفاهیم	مقوله‌ها	مقوله هسته
شرایط علی	صراحت در قوانین مشارکت ذی‌نفعان، نواقص قانونی مشارکت ذی‌نفعان	طرفیت قانونی مشارکت	بایسته‌های حق به شهر در فرایند سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی توسعه حمل و نقل
	تعادل نهادی مشارکت ذی‌نفعان، عدم ارتباط مؤثر ذی‌نفعان نهادی	طرفیت نهادی مشارکت	
	شفافیت فرایندهای تصمیم‌سازی، عدم گزارش دهی عمومی فرایندها، شفافیت منابع مالی، شفافیت گزارش مبنای اولویت‌بندی طرح‌های کلان، برنامه‌ریزی هماهنگ و یکپارچه	مکانیسم‌های شفاف‌سازی	
	موانع قانونی نظارت ذی‌نفعان؛ چالش‌های پاسخگویی بالا به پایین	مکانیسم‌های نظارتی	
شرایط زمینه‌ای	ویژگی پایتختی بودن، ویژگی‌های جمعیتی، مدیریت چندجانبه شهر	ساختار کلان برنامه‌ریزی توسعه شهر	
شرایط مداخله‌گر	برنامه‌ریزی متمرکز دولتی متمرکز	نظام تصمیم‌گیری مدیریت کلان	
استراتژی‌ها	بازنگری قانونی مشارکت ذی‌نفعان در سطوح مختلف تصمیم‌سازی، تقویت تعامل بین بخشی، ایجاد ظرفیت نهادی تعامل سطوح تصمیم‌گیری	طرفیت سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی مشارکت محور	
	شفافیت منابع مالی، شفافیت اولویت‌بندی پروژه‌ها، گزارش دهی ماهیانه و سالانه، ارزیابی اجتماعی پیش از تصمیم، الزام به پاسخگویی، شفافیت بودجه‌ریزی، انتشار گزارش توجیهی	شبکه‌ی جامع شفافیت و نظارت طرح‌های توسعه‌ی شهر	

		پروژه‌های کلان به عموم، اطلاع‌رسانی عمومی پیش از نهایی کردن تصمیمات، ایجاد مکانیسم بازخوردی در تمام مراحل سیاست‌گذاری تا اجرای برنامه‌ها	
پایامدها	تقویت حکمروایی شهری	همکاری حداکثری همه ذی‌نفعان شهر، تقویت اعتماد، شفافیت مسئولیت نهادهای ذی‌مدخل در سیاست‌گذاری حمل و نقل شهر تهران، توزیع عادلانه و تعدیل نابرابری توسعه‌ی حمل و نقل در شهر، حاکمیت قانون، گزارش دهی عمومی پروژه‌های کلان حمل و نقلی، حضور ناظر و نمایندگان محلی در روند برنامه‌ریزی پروژه‌ها	

۵-۱. بستر و زمینه‌ها

۵-۱-۱. ساختار کلان سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی توسعه شهر

توسعه در ایران با مفهوم دولت گره خورده است. در طول تاریخ قبل و بعد از انقلاب همواره دولت، محور و رکن تصمیم‌گیری در کشور بوده است. تمرکزگرایی دولتی بیش از همه در سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی توسعه قابل رویت است که در ساختار آن، نهادهای غیردولتی مانند تشکلهای، اصناف و گروه‌های اجتماعی و شهروندان به طور عام سهمی در آن نداشته‌اند (ماهانامه اقتصاد توسعه، ۱۳۸۵). همین تمرکزگرایی تام موجب شد تا سال ۱۳۷۷ نهاد عمومی شوراهای شهر و روستا تشکیل شود. اما مطابق با ماده یک قانون تأسیس شورای عالی شهرسازی و معماری سال ۱۳۵۱؛ بررسی سیاست‌های کلی شهرسازی و اظهار نظر نسبت به منطقه‌بندی، نحوه‌ی استفاده‌ی زمین، بررسی و تصویب نهایی طرح‌های جامع شهری و تغییرات آن‌ها، خارج از نقشه‌های تفصیلی و نظارت بر آن‌ها از اختیارات این شورا است که زیر مجموعه‌ی دولت است و شهرداری‌ها مکلف به اجرای مصوبات هستند. شوراها و از جمله شورای شهر تهران، تنها نقش مشورتی را در این فرایندها دارد که این مسئله‌ای مهم در نظام سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی کلان توسعه‌ی شهرها محسوب می‌شود. از دید همه مصاحبه‌شونده‌های سیاست‌گذاری توسعه‌ی شهر تهران به دلیل ویژگی پایتختی بودن در طول زمان تحت‌الشعاع تحولات کلان کشور بوده و است. در همین زمینه یکی از اعضای شورای شهر می‌گوید:

«از اول انقلاب ما به خیل مهاجرتی به تهران روبرویم که به امید فرصت‌ها روانه تهران شدند و این با خودش بار جمعیتی عظیمی را به تهران تحمیل کرد و بی‌شمار مسئله برای مدیریت شهر»
یا یکی از اساتید برنامه‌ریزی شهری می‌گوید:

«توسعه نامتوازن باعث شد تا تهران بیمارگونه رشد کند و در همه

حوزه‌ها از جمله حمل و نقل تأثیرات خودش را بر جا بگذارد»

در اسناد و مصاحبه آن چه روشن است، سایه‌ی دولت بر همه‌ی عرصه‌ها است که در شهر تهران به دلیل ویژگی پایتخت بودن، این امر با شدت بیشتر قابل مشاهده است.

۵-۲. شرایط علی

۵-۲-۱. ظرفیت نهادی مشارکت

با توجه به مصاحبه‌ها و بررسی اسنادی، ۴ نهاد محوری در سطح سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی حمل و نقل شهر تهران شناسایی شدند. شورای عالی ترافیک و دفتر حمل و نقل در وزارت کشور، محوری‌ترین نهاد تصمیم‌ساز و سیاست‌گذار حوزه‌ی حمل و نقل شهر تهران است که از سال ۱۳۷۲ وظیفه تهیه خط‌مشی‌های لازم، طراحی، برنامه‌ریزی، سازماندهی، هماهنگی، هدایت، نظارت و انتظامات ترافیکی شهرها را در کل کشور بر عهده دارد. پس از آن، معاونت حمل و نقل و ترافیک و معاونت فنی و عمران شهرداری تهران، بالاترین مرجع در این حوزه شناخته می‌شود. تدوین، ارزیابی و انتخاب استراتژی‌های مناسب، جهت نیل به اهداف از جمله مأموریت‌های این بخش است.

در عرصه سیاست‌گذاری، کمیسیون عمران و حمل و نقل شورای شهر تهران، تنها نهاد مردمی است که مهم‌ترین وظیفه‌ی قانونی آن بررسی و تصویب طرح‌ها و نظارت بر امور و فعالیت‌های مربوط به این حوزه جهت کارآمدتر شدن سیستم حمل و نقل شهری است. هم‌چنین، استانداری تهران و کمیسیون عمران مجلس شورای اسلامی نیز به عنوان دیگر نهادها در امور مربوط به سیاست‌گذاری،

برنامه‌ریزی و نظارت بر طرح‌های توسعه‌ی حمل و نقل شهر تهران در کنار ستاد تبصره ۱۳ فعالیت دارند. محوری‌ترین موضوع از سوی مصاحبه شده‌ها در سطح ذی‌نفعان نهادی، مربوط به عدم توازن قدرت چانه‌زنی ذی‌نفعان در سطح دولتی و عمومی است. معاون سابق حمل و نقل و ترافیک شهرداری تهران در این خصوص می‌گوید:

«واقعیت آن است که در شورای عالی ترافیک وزارت کشور، شهرداری

تهران چندان نقشی ندارد چه برسد به شورای شهر»

از اعضای کمیته‌ی حمل و نقل شورای شهر تهران می‌گوید:

«اگر چه سال‌هاست مشکل ترافیک و آلودگی هوا در تهران داریم. اما

کمیته شورا نمی‌تواند بگوید اولویت اول این شهر تمرکز روی حل این

مسئله باشد چرا که هر بخشی ساز خودش را می‌زند»

یکی از اعضای سابق شورای شهر تهران در این خصوص اشاره می‌کند به این که:

«کمیته‌ی حمل و نقل شورای شهر تهران به لحاظ قانونی اختیارات

چندانی ندارد و اگر پروژه حمل و نقلی در شهر تعریف شود، شورای

عالی ترافیک در وزارت کشور تعیین کننده اصلی است. اگر چه شهردار

تهران، رئیس شورای عالی ترافیک تهران است اما مسئله‌ای که وجود دارد

این که مبنای طرح‌های حمل و نقلی، طرح جامع تهران است که مرجع

تصویب‌اش به دولت بر می‌گردد»

مدیر بخش مطالعات حمل و نقل و ترافیک شهرداری تهران به این مهم تاکید دارد:

«اگر شهرداری طرحی تهیه کند که خودرو محور باشد و نگاه وزارت

کشور هم خودرو محور باشد، برنامه خودرو محور تصویب می‌شود و

شورای شهر نمی‌تواند کاری کند، چون نه تهیه‌کننده و نه تصویب‌کننده

است و این به قوانین مجلس برگردد که چه کسی مرجع تصمیم‌گیری

باشد»

در ارتباط با سطح دایره‌ی نفوذ و اثرگذاری شورای شهر تهران بر سطوح

تصمیم‌گیری حمل و نقل شهر از صاحب‌نظران مدیریت شهری تهران می‌گوید:

«مشارکت تصمیم‌گیری حمل و نقل تهران در سطح برنامه‌ریزی خرد و

کوتاه مدت هست که در این سطح مداخله چندان تأثیرگذار نیست»

هم‌چنین دبیر کمیته حمل و نقل و ترافیک شورای شهر تهران می‌گوید:

«تصمیمات کلان حمل و نقل با شورای عالی شهرسازی و معماری یا

کمیسیون ماده ۵ و شورای هماهنگی وزارت کشور است»

دولت و نهادهای زیرمجموعه، در فرایند سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی حمل و نقل شهر تهران از سطح مداخله بالاتری برخوردار است و شهرداری در سطح دوم و در نهایت شورای شهر امکان نفوذ دارد. شورای شهر در عمده‌ی موارد، نظر مشورتی و ورود به موضوعات میانی و خرد حمل و نقلی مانند تصویب کرایه‌ی حمل و نقل عمومی، اعمال طرح زوج و فرد و موارد از این دست را عهده‌دار است.

۵-۲-۲. ظرفیت قانونی مشارکت

مشارکت در تصمیم‌گیری و سازماندهی فضاها و کاربری زمین از جمله، توسعه‌ی شبکه‌ی حمل و نقل شهری یکی از مهم‌ترین وجوه حق ساکنان بر شهر است. بررسی اسناد بالادستی مؤید آن است که طبق ماده ۲۰ آیین‌نامه نحوه‌ی بررسی و تصویب طرح‌های توسعه و عمران شهری مصوب سال ۱۳۷۸، تنها نظرخواهی از شورای شهرها بدون حق رأی صورت می‌گیرد. از سوی دیگر تنها در ماده ۴ برنامه‌ی دوم توسعه‌ی شهرداری تهران، به فراهم کردن زمینه‌ها و انجام اقدامات لازم برای جلب مشارکت فعالانه شهروندان، اشخاص حقیقی و حقوقی خصوصی، سازمان‌های مردم‌نهاد و سایر نهادها و دستگاه‌های مرتبط در حوزه حمل و نقل شهر تهران اشاره شده است.

هم‌چنین در ماده ۴۷ چشم‌انداز اهداف و راهبردهای توسعه در حمل و نقل و ترافیک شهر تهران، به ایجاد هماهنگی بین کاربری زمین و سیستم حمل و نقل و افزایش مشارکت بخش خصوصی در حمل و نقل درون شهری اشاره شده است. البته سطح مشارکت به شکل آموزشی و سرمایه‌گذاری بخش خصوصی، دیده شده است. در برنامه‌های کلان توسعه‌ی کشور نیز، اگر چه مجموعه وظایف و

اختیاراتی برای دولت و نهادهای زیرمجموعه در توسعه‌ی حمل و نقل شهری آمده اما مبحث مشارکت عمومی در هیچ یک از سطوح کلان یا خرد لحاظ نشده است. یافته‌های قوانین بالادستی حاکی از آن است که مشارکت شهروندان در امور مربوط به حمل و نقل در سطوح آموزش، مدیریت ترافیک، فرهنگ مصرف حمل و نقل شهری و انضباط اجتماعی به نحوی مسئولانه یک سویه است. سطوح تعریف شده‌ی مشارکت شهروندی در متون قانونی به شکلی نبوده که عرصه‌ی تصمیم‌سازی و برنامه‌ریزی را شامل شود. هم‌چنین نقش نهادها و تشکلهای مدنی در کنار نخبگان اجتماعی و اقتصادی مورد توجه قرار نگرفت.

۵-۲-۳. ساز و کارهای شفاف‌سازی

نشان دادن ساز و کار تصمیم‌گیری و انتخاب فرایندها و اطلاعات درباره چرایی انتخاب‌ها و روند تخصیص منابع، سرمایه و فضاهای شهر به پروژه‌های کلان حمل و نقلی در سطح عمومی یکی از موارد مطرح شده حق به شهر در عرصه‌ی سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی شهری است. شفافیت منابع مالی، شفافیت اولویت‌بندی طرح‌ها و خروجی آن برای گروه‌های اجتماعی ساکن در شهر موضوعی است که در مصاحبه‌ها بدان پرداخته شده است. یکی از اعضای کمیسیون شورای شهر تهران در همین باره می‌گوید:

«حداقل در دو دهه اخیر، مجموعه‌ی قابل توجهی از ظرفیت منابع درآمدی شهر تهران از فروش املاک و اراضی متعلق به شهرداری و درآمد از محل بارگذاری طرح تفضیلی شهر، صرف پروژه‌های حمل و نقلی در شهر تهران شده است»

استاد شهرسازی دانشگاه تهران می‌گوید:

«گزارش‌دهی و دادن اطلاعات درباره‌ی پیمانکاران و فرایندها جزو موارد امنیتی بعضاً محسوب می‌شود و این شامل پروژه‌های حمل و نقل تهران نیز است»

آقای ساکن محله‌ی فرمانیه درباره‌ی پروژه صدر اشاره دارد:

«هیچ وقت یادم نمی‌آید که از ما درباره انجام این طرح نظرخواهی کرده باشند. خودشان آمدند کلنگ زدند»
خانم میانسال ساکن محله تجریش می‌گوید:
«اگر نظر شهروندان و ساکنین اطراف پروژه صدر- نیایش مهم بود، باید اطلاع‌رسانی می‌کردند و ما هم در جریان کار قرار می‌گرفتیم. تا مدت‌ها ما نمی‌دانستیم و یادم نمی‌آید اطلاع‌رسانی هم شده باشد»
ساکن محله نواب می‌گوید:

«کارمند بازنشسته شهرداری و از قدیمی‌های نواب هستم. یک شب تصمیم گرفتند و فردا کلنگ زدند. من و خانواده‌ام نتوانستیم از محله دل بکنیم اما خیلی‌ها رفتند چون دیگر محله‌ای نیست و الان اکثراً مهاجرین اینجا ساکنند که کلی دردسر هم دارند»

بر اساس گزارش‌های منتشر شده و داده‌های مصاحبه با مدیران و صاحب‌نظران شهری نشان داده شد که فرایند سیاست‌گذاری درباره‌ی اولویت انتخاب پروژه‌های کلان حمل و نقل شهری در مجموع در معرض اطلاع عمومی قرار نگرفته است. اگر چه یکی از وظایف، طبق قوانین شهرداری، اطلاع‌رسانی به موقع و مؤثر از روند اجرایی پروژه‌ها به مردم بویژه، ساکنین محل انجام مطالعات از جمله وظایف معاونت فنی و عمران شهرداری تهران به شمار می‌رود (عملکرد معاونت حمل و نقل و ترافیک شهرداری تهران، ۱۳۸۹: ۱۶).

۵-۲-۴. ساز و کارهای نظارتی

نظارت و پاسخگویی از جمله بایدهای حق به شهر است که در سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی شهری مطرح است. وسعت تأثیرگذاری طرح‌های حمل و نقلی بر آینده‌ی توسعه‌ی شهرها موجب اهمیت یافتن چندجانبه نظارت و کنترل در فرایندهای سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی در این حوزه شده است. در همین زمینه یکی از مدیران ارشد شهری می‌گوید:

«در فصل بودجه‌ریزی آمدند هزینه صدر - نیایش را پیش‌بینی کردند و به شهرداری ابلاغ شد. ولی بودجه کافی نبود و در طول زمان منابع مالی

زیادی از شهر بلعیده شد تا هزینه‌ی این پروژه تأمین شود که هنوز
مباحث مالی و ... ادامه دارد»

عضو شورای شهر تهران در همین زمینه می‌گوید:

«با هر جا به جایی نقشه خط مترو هزینه مازادی برای شهر به وجود
می‌آید که این امر در یک مقطعی در تهران اتفاق افتاد و شورا نتوانست
کاری کند»

استاد دانشگاه می‌گوید:

«طرح جامع ۱۳۸۶ مصوب شد اما تا ۱۳۹۴ مسکوت ماند و مبنای
مشخصی برای سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی تهران نداشتیم و تصمیمات
بر اساس ملاحظات، غیر از برنامه‌ی جامع به عنوان مهم‌ترین سند
بالادستی انجام می‌شد»

نماینده سابق شورای شهر تهران می‌گوید:

«ابزار نظارت، تعریف نشده و روابط بین شهرداری و شورا و شیوه‌های
نظارت هیچ وقت تعریف دقیقی نشده است».

در همین زمینه یکی از متخصصان شهری می‌گوید:

«در یک دوره‌ای برای کسب درآمد، تراکم فروشی کردیم. مجوز ساخت
مجمع‌های تجاری در مناطق خاصی از تهران که نیازمند شبکه‌ی ارتباطی
بوده‌اند را دادیم»

مشخص نبودن ساز و کارهای نظارتی از سوی شهروندان و ضعف فرایند نظارتی
شورای شهر، از مسائلی است که از دید مصاحبه‌شده‌ها، امکان شفافیت
تصمیم‌گیری را به حداقل می‌رساند. در این میان، انجام مطالعات اتاف پروژه‌های
توسعه‌ی شهری از دید صاحب‌نظران شهری یکی از ساز و کارهای حداقلی نظارت
به شمار می‌رود که در بند (ج) برنامه پنج‌ساله دوم شهرداری تهران سال ۱۳۹۳
آمده است. عضو شورای شهر تهران در همین باره می‌گوید:

«نگرش مهندسی بر مدیریت شهری حاکم بوده و پذیرش مطالعات
ارزیابی اجتماعی برایشان چندان قابل قبول نبوده و از سوی دیگر،

تحقیقات ارزیابی اجتماعی پروژه‌ها بیشتر در سطح نظری مانده‌اند و قابل کاربست اجرایی برای مدیران نیستند»

نواقص قانونی و ضعف ساز و کارهای نظارتی از خلأهایی است که در عمل مانع از اعمال نظارت و دیده‌بانی اجتماعی طرح‌های توسعه از جمله حمل و نقل شهری شده است. تخطی از برنامه‌ی جامع و تعریف پروژه‌های حمل و نقلی سرمایه‌بر، با کمترین منافع عمومی شهر از مواردی بوده که به رغم مصاحبه شونده‌ها به دلیل ضعف نهادهای نظارتی مردمی، منابع شهر را بلعیده است.

۳-۵. شرایط مداخله‌گر

۵-۳-۱. نظام تصمیم‌گیری کلان

یکی از شرایط مداخله‌گر شناسایی شده از دل مصاحبه‌ها، درباره‌ی بایسته‌های حق به شهر در سیاست‌گذاری حمل و نقل شهر تهران مربوط به الگوهای ریشه‌دار تصمیم‌گیری در بدنه کلان مدیریتی است که بر فرایندهای اعمال شفافیت، کنترل و مشارکت حداکثر عمومی سایه انداخته است. در همین زمینه مدیر مطالعات حمل و نقل می‌گوید:

«الگوی غالب سیاست‌گذاری در ایران از بالا به پایین است و برنامه‌ریزی پاسخگو یا برنامه‌ریزی مشارکتی و دموکراتیک از جایگاه چندانی برخوردار نیست. نه در حمل و نقل، بلکه در همه‌ی حوزه‌ها این مسئله هست»

یا استاد معماری و شهرسازی می‌گوید:

«در طول سال‌های متمادی، تلاش‌های زیادی شده تا شکل تصمیم‌گیری از بالا به پایین به سمت محلی پیش برود. نمونه‌اش ایجاد سراهای محلات و شورایاری در مدیریت شهری تهران است که بنا به گزارش‌های شهرداری، درصد مشارکت شهروندان زیر ۲۰ درصد گزارش شده است»
سلطه‌ی برنامه‌ریزی غیرمشارکتی و سیاست‌گذاری از بالا به پایین مسئله‌ای کلان است که ریشه در تغییر ساختارهای نظام تصمیم‌گیری و سیاست‌گذاری دارد.

۵-۴. استراتژی‌ها

۵-۴-۱. ظرفیت سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی مشارکت محور

استراتژی برنامه‌ریزی مشارکتی با تقویت ظرفیت نهادی و اصلاح قوانین، از جمله مواردی است که از دید مصاحبه‌شده‌ها می‌توان برای تغییر و تحقق بایدهای حق به شهر در سطح سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی حمل و نقل دنبال شود. عضو پیشین شورای شهر تهران در همین زمینه می‌گوید:

«شورا به لحاظ قانونی ظرفیت بالایی دارد و اساساً، دلیل شکل‌گیری شورا، تلاش در جهت دموکراسی مردم‌سالاری بوده است. مهم این است که ما در شورا بتوانیم این ظرفیت‌ها را بالفعل و مطالبه کنیم، چون شورا مثل نهاده نوپا است و نیاز به تلاش هست»

برنامه‌ریز شهری نیز می‌گوید:

«تقویت رویکرد مشارکت‌محور هم در سطح کلان برنامه‌ریزی و هم در سطح محلی از مواردی است که می‌تواند با کمک رسانه‌ها و تمرین مدیریتی اتفاق بیفتد. تجربه‌ی جهانی هم نشان داده برای رسیدن به مشارکت و پاسخگویی باید اعتماد و روحیه‌ی تعامل تقویت شود. اینجاست که سرمایه‌ی اجتماعی مهم است. متأسفانه اعتماد به نهاد شهرداری طی دوره‌های مختلف چندان بالا نبوده است»

بازنگری قوانین و لایه‌های مشارکت ذی‌نفعان در سطوح مختلف تصمیم‌سازی و تقویت تعامل و بسترسازی فعالیت مشروع نهادهای مدنی در حوزه‌ی شهر و از جمله، حمل و نقل از مواردی است که به اعتقاد مصاحبه‌شونده‌ها، در طول زمان می‌تواند ظرفیت‌های برنامه‌ریزی مشارکت‌محور و تصمیم‌گیری دموکراسی‌محور را تقویت نماید.

۵-۴-۲. شبکه‌ی جامع شفافیت و نظارت

برای رسیدن به حق به شهر لازم است، شهروندان درباره‌ی نحوه‌ی تخصیص منابع و فضاهای شهری برای تصمیمات توسعه حمل و نقل بدانند. چرایی انتخاب و

چگونگی تعیین اولویت و هزینه و فایده آن برای گروه‌های اجتماعی ساکن در مناطق مختلف شهر معین شود. چرا که اساساً، شفافیت امکان توزیع عادلانه میان ذی‌نفعان مختلف را فراهم می‌کند و نابرابری بین گروه‌های درآمدی به ویژه در موضوع حمل و نقل عمومی را ایجاد می‌کند. در همین زمینه عضو شورای شهر تهران می‌گوید:

«ما باید به سمتی برویم که انتشار گزارش‌ها و اطلاع‌رسانی درباره‌ی پروژه‌های حمل و نقلی یک امر عادی و متداول در مدیریت شهر شود. مردم حق دارند بدانند که فلان زیرگذر یا روگذر از منطقه و محله‌ی آن‌ها قرار است بگذرد»

کارشناس اجتماعی شهرداری معتقد است:

«مطالعات اتاف نه فرمالیته، بلکه علمی و تخصصی مطالبه شود، چرا که نتیجه‌ی آن به شناسایی واقعیت‌ها و تصمیم‌گیری درست کمک می‌کند»
دکتری برنامه‌ریزی شهری و کارشناس حمل و نقل شهرداری تهران اشاره دارد:
«بخشی از کلنگ‌زنی و تصمیمات زیرساختی به ویژه حمل و نقل در تهران، نتیجه تصمیمات دیده شدن و کارهای سیاسی و نه سیاستی قائم به شخص بوده است. اگر این طور نبود چطور بخش حمل و نقل عمومی بر خلاف بخش خصوصی خودرودم‌محور از برنامه عقب مانده؟»

تعیین مکانیسم‌های شفافیت و پاسخگویی در طول فرایندهای تصمیم‌سازی و سیاست‌گذاری تا اجرایی نمودن برنامه‌ها از مواردی است که به عنوان استراتژی بایسته‌های حق به شهر در سیاست‌گذاری مطرح است. شفافیت در عرصه تخصیص منابع مالی، اولویت‌بندی پروژه‌ها، گزارش‌دهی ماهیانه و سالانه طرح‌ها و نحوه‌ی انتخاب سرمایه‌گذاران و پیمانکاران کلان، ارزیابی اجتماعی پیش از تصمیم‌گیری، الزام به پاسخگویی، شفافیت بودجه‌ریزی، انتشار گزارش توجیهی پروژه‌های کلان به عموم، اطلاع‌رسانی عمومی پیش از نهایی کردن تصمیمات، ایجاد مکانیسم بازخوردی در تمام مراحل سیاست‌گذاری تا اجرای برنامه‌ها از موارد مطرح شده است.

۵-۵. پیامدها

۵-۵-۱. تقویت حکمروایی شهری

حکمرانی خوب شهری یا حاکمیت شهری، وظیفه‌ی به اجرا در آوردن تصمیمات و سیاست‌های عمومی در جهت منافع عامه را دارد، به عنوان فرایند مشارکتی توسعه تعریف می‌شود و به موجب آن همه‌ی ذی‌نفعان شامل حکومت، بخش خصوصی و جامعه مدنی تمهیداتی را برای حل مشکلات شهری فراهم می‌آورند که نتیجه‌ی آن رفع ناپایداری توسعه‌ی شهری، رفع ناپایداری‌ها از بدنه‌ی نهادهای مدیریتی، برنامه‌ریزی شهری، کارآمدسازی و مسئولیت‌پذیری بیشتر در اداره‌ی امور شهری و تفویض قدرت، وظایف و صلاحیت‌ها به حکومت و دیگر ذی‌نفعان محلی خواهد بود (قنبری & همکاران، ص. ۸۷). متخصص شهری در پاسخ به این سؤال که آثار و پیامدهای حق به شهر در سیاست‌گذاری توسعه‌ی حمل و نقل شهر تهران چنین اظهار نظر می‌کند:

«اگر مشارکت مردم و نهادهای مردمی در تصمیمات دیده می‌شدند، شاید این همه مشکلات حمل و نقلی مثل آلودگی و ترافیک کمتر در تهران تجربه می‌کردیم»

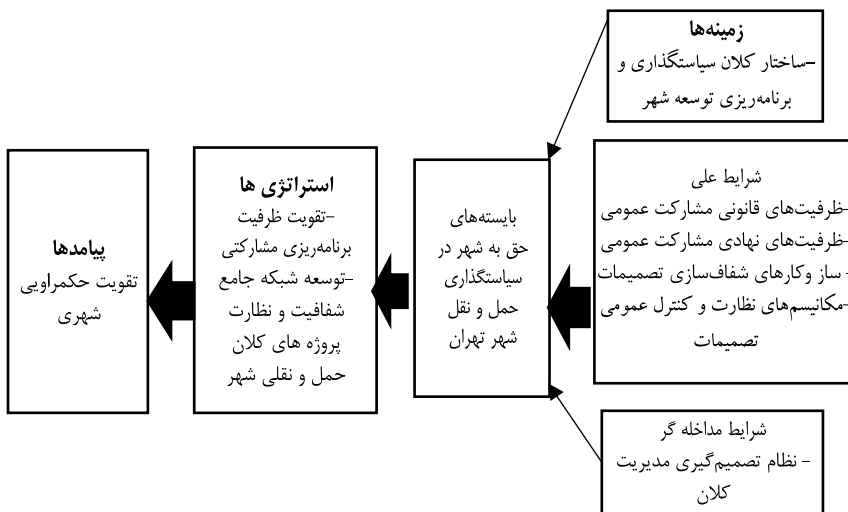
کارشناس اجتماعی شهرداری نیز در همین زمینه می‌گوید:

«آن چه باعث بی‌اعتمادی و کاهش همکاری شهروندان شده، ریشه تصمیمات یک سویه مدیریتی است. حمل و نقل یکی از همان عرصه‌های آزمون توزیع تصمیمات عادلانه در شهر است»

همکاری حداکثری همه ذی‌نفعان شهر، تقویت اعتماد، شفافیت مسئولیت نهادهای ذی‌مدخل در سیاست‌گذاری حمل و نقل شهر تهران، توزیع عادلانه و تعدیل نابرابری توسعه‌ی حمل و نقل در شهر؛ حاکمیت قانون، گزارش‌دهی عمومی پروژه‌های کلان حمل و نقلی، حضور ناظر و نمایندگان محلی در روند برنامه‌ریزی پروژه‌های توسعه حمل و نقلی در مجموع ناظر به حکمروایی است که بدان اشاره شده است.

۵-۶. نظریه زمینه‌ای پژوهش

در این بخش در پی آنیم با شرح کامل مدل پارادایمی، خط روایتی برآمده از داده‌های پژوهش را مشخص کنیم. روایت، حول مقوله‌ی هسته یعنی «بایسته‌های حق به شهر» در سیاست‌گذاری حمل و نقل شهری» پدید آمده، بر اساس پارادایم چهار بخشی، شرایط علی، زمینه، استراتژی و پیامدها در قالب مدل پارادایمی (تصویر ۱) ترسیم شده است. بر اساس مدل پارادایمی حاضر می‌توان گفت؛ بایسته‌های حق به شهر در سیاست‌گذاری حمل و نقل شهری تحت تأثیر شرایط خاصی است. این شرایط در سه دسته علی، زمینه‌ای و مداخله‌گر طبقه‌بندی شده است. شرایط علی عبارتند از: ظرفیت‌های قانونی مشارکت عمومی، ظرفیت‌های نهادی مشارکت عمومی، مکانیسم‌های شفاف‌سازی تصمیمات و مکانیسم‌های نظارت و کنترل عمومی تصمیمات. در این بین شرایط مداخله‌ای نظام کلان تصمیم‌گیری نیز بر آن مؤثر است. استراتژی‌های ناشی از این وضعیت به شکل تقویت ظرفیت برنامه‌ریزی مشارکتی و توسعه‌ی شبکه جامع شفافیت و نظارت پروژه‌های کلان حمل و نقلی شهر است که می‌تواند بایسته‌های حق به شهر را محتمل سازد. پیامد این امر تقویت حکمروایی شهری است که در تعامل و کنش رفت و برگشت با همه این مقوله‌ها قرار دارد.



شکل ۱. مدل زمینه‌ای بایسته‌های حق به شهر در فرایند سیاست‌گذاری حمل و نقل شهر تهران

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر به دنبال کشف و بررسی بایسته‌های حق به شهر در فرایند سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی حمل و نقل شهر تهران بوده است. این که تحت چه زمینه، شرایط علی، استراتژی‌ها و پیامدهایی در یک زنجیره‌ی به هم وابسته، می‌تواند تصویری واقعی از ملاحظات حق به شهر در فرایند سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی حمل و نقل شهر تهران را رقم زند. مسائل مختلفی در شهر تهران است که با روند توسعه‌ی حمل و نقل ارتباط دارد از جمله آن‌ها می‌توان به ترافیک، آلودگی هوا، کاربری زمین اشاره کرد که با کیفیت زیست شهروندان، ارتباط تنگاتنگ قرار دارد. پژوهش حاضر با روش کیفی تلفیقی و ابزار نظریه‌ی زمینه‌ای، نظریه‌ی موقعیتی، موردی و استقرایی از طریق درک مشارکت‌کنندگان از بایدهای حق به شهر در سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی شهری به دست آمده است. این نظریه در واقع بازتابی از ارزیابی مشارکت‌کنندگان تحقیق از بایسته‌های حق به شهر در سیاست‌گذاری حمل و نقل شهر تهران است.

یافته‌های پژوهش حاضر، بیانگر آن است که به لحاظ ملاحظات کلان زمینه‌ای؛ شرایط ساختاری- نهادی و حقوقی- قانونی حاکم بر نظام سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی حمل و نقل تهران عوامل، زمینه‌ها، راهبردها و پیامدهای بایسته‌های حق به شهر در این حوزه سایه افکنده است. همان‌گونه که در یافته‌های مطالعه‌ی حاضر مشخص شد، زنجیره‌ی علی از موانع قانونی- حقوقی و نهادی وجود دارد که به واسطه‌ی آن‌ها ظرفیت کافی برای مشارکت‌جویی شهروندان در سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی حمل و نقل شهر تهران ایجاد نشده است. اگر چه شورای اسلامی شهر تهران، نماینده محلی شهروندان در امور شهر به شمار می‌رود اما، برخی نواقص قانونی از منظر نظارتی و محدودیت‌های ساختاری مانع از اثربخشی این نهاد تقریباً نوپا- در مقایسه با دولت و شهرداری- در فرایندهای رسمی و غیررسمی تصمیم‌سازی توسعه حمل و نقل شهر تهران شده است. بخشی از تصمیمات کلان حمل و نقلی تهران در شورای عالی ترافیک و حمل و نقل و کمیسیون ماده ۵ گرفته می‌شود و شورای شهر به لحاظ قانونی، دارای

و جاهت حقوقی کافی برای نظارت حداکثری را ندارد. همان‌طور که در پژوهش (سالاری & صفوی سہی , ۱۳۹۶) نیز نشان داده شد که شهروندان به دلیل عدم کفایت ساز و کارهای نظارتی در نهاد شورای شهر تهران، عملکرد این نهاد مردمی را مثبت ارزیابی نکرده‌اند.

مطابق با یافته‌های حاصل از پژوهش حاضر از بعد شرایط علی، عدم اطلاع‌رسانی عمومی از روند تصمیم‌گیری‌ها و اولویت‌بندهای برنامه‌های توسعه‌ای حمل و نقل شهر از چالش‌های اساسی مغایر با حق به شهر است. در پژوهش (بهرامی & بهرامی , بی تا) یافته‌ها نشان داد که ساکنان پیرامون پروژه‌ی نواب، کمترین اطلاع و رضایت را مبنی بر اجرای پروژه در محل سکونت‌شان داشتند. هم‌چنین، در مطالعه‌ی (موسسه آینده پژوهان, ۱۳۹۱) درباره ارزیابی اتاف پل صدر حین اجرا، در بخش یافته‌های پیمایش و مصاحبه مشخص شد شهروندان پیرامون طرح، اطلاعی از اجرای پروژه نداشته‌اند. این در حالی است که برنامه‌ریزی پایدار و مبتنی بر حق به شهر مستلزم عنصر شفافیت است. به عبارتی، همان‌گونه که بررسی اسنادی نشان داده در اسناد بالادستی و مدیریتی، اشاره‌ی صریحی به ساز و کارهای اطلاع‌رسانی و مداخله نظرات شهروندان در امر تصمیم‌گیری نشده است. این در حالی است که الزام کلان مدیریتی به بازخوردگیری از شهروندان پیش از تصمیم‌گیری، اقدام به انجام پروژه‌ها تا مراحل انجام کار، نیازمند اصلاح در ساختار قانونی از زاویه شفافیت، پاسخگویی و ظرفیت‌های نهادی مشارکت عمومی است. اگر چه در دو سال اخیر، سامانه‌ی شفافیت شهرداری تهران زیر نظر کمیته شفافیت شورا در همین راستا بنا نهاده شده است اما این امر وابسته به برخی شرایط زمینه‌ای و مداخله‌ای کلان‌تر سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی شهر تهران و کشور است و با تغییر شورای شهر، این امر محتمل است که کمیته‌ی حاضر دستخوش تغییر و حتی انحلال شود. نهادمندسازی مقوله‌ی شفاف‌سازی و پاسخگویی در سطح کلی شهرداری، موضوع اساسی است که در سطح کلان‌تر مدیریت شهری مطرح است.

شنیده شدن همه‌ی صداها، مشارکت و شفافیت اطلاعات درباره تصمیمات

آینده شهر از ملزومات سیاست‌گذاری پایدار شهری است. در توسعه‌ی شهری پایدار، شهر به مرکزی برای سرزندگی، فرصت و ثروت بدل می‌شود. در این میان، به راهکارهایی نیاز است که بتواند کارآمدترین شیوه‌ی ممکن استفاده از فضا را فراهم سازد. در بحث حمل و نقل شهر تهران، یافته‌های اسنادی و مصاحبه‌ها نشان داد که برای تحقق سیاست‌گذاری حق‌محور لازم است بازنگری در قوانین و ساختارهای نهادی صورت گیرد تا ظرفیت سیاست‌گذاری با مشارکت حداکثر ذی‌نفعان حمل و نقل فراهم شود. مشارکت در برنامه‌ریزی همانطور که (Shields, 2013) بدان اشاره کرده، باعث تصمیم‌سازی شفاف‌تری در اداره امور شهر می‌شود و زمینه‌ی همکاری شهروندان و مسئولین را فراهم می‌کند. اگرچه شورایی‌ها و سرای محله‌ها در ساختار شهرداری تهران، برای مشارکت شهروندان ایجاد شدند، اما به دلایل مختلفی موفقیت‌چندانی در جلب مشارکت مردمی نداشته‌اند.

از سوی دیگر، شرایط زمینه‌ای حاکم بر نظام کلان توسعه‌ی شهرها و به ویژه تهران به عنوان پایتخت حاکم است که رویکرد مشارکت از پایین به بالا را تا حد زیادی مسدود نموده است. از استراتژی به دست آمده برای امکان‌پذیری بایدهای حق به شهر در سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی حمل و نقل به طور خاص و عام؛ لزوم بازنگری در ساز و کارهای سیاست‌گذاری کلان توسعه‌ای به سمت سیاست‌گذاری مشارکتی است که می‌تواند، پاسخگوی حلقه مفقوده‌ای وضعیت فعلی حاکم بر نظام برنامه‌ریزی باشد. این مهم می‌تواند، زمینه‌ی اثربخشی سیاست‌های شهر از جمله، حمل و نقل شهری را برای ساکنان شهر تسهیل نماید و در یک توالی علی‌بستر حکمراوی خوب شهری را در لایه‌های مدیریت و سیاست‌گذاری توسعه‌ی شهر امکان‌پذیر و عملی سازد.

از سوی دیگر، بر اساس یافته‌ها مشخص شد مطالعات ارزیابی اجتماعی و فرهنگی به عنوان سند علمی پشتیبان اقدامات توسعه‌ای در حوزه‌های مهمی چون حمل و نقل در شهر تهران چندان جدی گرفته نشده‌اند. یکی از استراتژی‌های کشف شده آن است که مطالعات اتاف پیش از انجام پروژه‌ها برای بازخوردگیری از شهروندان در طول برنامه به اشکال مختلف در سطح محله، منطقه و کلان در

نظر گرفته شود. در کشورهایی مانند سوئد برنامه‌ریزی حمل و نقل شهری در سطح محلی، توسط شهرداری‌ها انجام می‌شود و شهرداری‌ها دارای ساز و کارهای مختلف تعامل با شهروندان درباره طرح‌های شهری هستند. انتشار گزارش پروژه‌های شهری در فضاهای عمومی و شفاف بودن انتخاب پیمانکاران طرح‌ها از جمله موارد در این ساختار است. راهبردهای حاضر در سطح کلان مدیریت شهری مشارکت‌جو و شفاف می‌تواند، مورد مذاقه قرار گیرد چرا که همه‌ی لایه‌های سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی به هم مرتبط و در هم تنیده‌اند. بر اساس یافته‌هایی که در ذیل بخش زمینه‌ای بدان اشاره شد، برای ممکن شدن بایدهای حق به شهر در سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی اقدامات توسعه‌ای شهر و از جمله در حمل و نقل شهری نیاز است، بازنگری در راستای کوتاه کردن دست دولت و وسعت بخشیدن به نهادهای مدنی و آموزش حقوق شهروندی در عرصه عمومی مورد توجه قرار گیرد که به واسطه آن زمینه‌ی تغییرات بلندمدت در مسیر دموکراسی مشارکتی فراهم شده و عرصه‌ی سیاست‌گذاری حق محور در ساختار مدیریت شهر تهران رقم زده شود. در حال حاضر، ظرفیت چانه‌زنی همه‌ی ذی‌نفعان در اداره امور شهر وجود ندارد که نتیجه آن شکلی از مدیریت یک سو به را رقم زده است. آسیب‌شناسی مدیریت یکپارچه شهری در پژوهش (کاظمیان & میرعابدینی، ۱۳۹۰) نیز مؤید عدم هماهنگی و فقدان یکپارچگی در نظام تصمیم‌گیری و سیاست‌گذاری شهری است.

در مجموع یافته‌ها، حاکی از آن است که مجموعه‌ای از شرایط علی در حال حاضر، مانع بر تحقق بایدهای حق به شهر در سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی شهرها و به طور خاص حمل و نقل شهری شده است که نیاز است با اصلاحات درون شرایط زمینه‌ای، شناسایی شده و به کارگیری استراتژی‌هایی که در این پژوهش بدان رسیدیم، روند موجود به سمت به نفع سطح عمومی شهروندی انجام شود.

راهبردهای سیاستی

با توجه به یافته‌های پژوهش حاضر درباره‌ی بایسته‌های حق به شهر در سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی حمل و نقل شهر تهران چند پیشنهاد برای اصلاح

فرایندها و رویه‌های موجود پیشنهاد می‌شود.

- بازنگری در قوانین نظارتی شورای شهر تهران به عنوان تنها نماینده‌ی شناخته شده شهروندان در شهر،
- تقویت سامانه‌ی شفافیت شهرداری تهران در راستای سیاست‌های پاسخگویی و شفافیت عملکردهای تصمیم‌گیری شهر،
- نصب تابلوهای اطلاع‌رسانی عمومی درباره‌ی اولویت تصمیمات برنامه‌های شهر در حوزه‌ی حمل و نقل و سایر موارد شهری،
- انجام مطالعات اتاف، تصمیمات پیش از مرحله‌ی تصویب و اجرا و به کارگیری نتایج آن در تصمیمات،
- نیازسنجی اولویت برنامه‌های توسعه‌ی حمل و نقلی در مناطق شهر تهران با اولویت گروه‌های کم برخوردار شهر،
- تعریف و تعیین ساز و کارهای مشارکت فعالین مسائل شهری، نخبگان و دانشگاهیان در نظام تصمیم‌گیری از مجرای شورای شهر تهران در جهت مشارکت حداکثری ذی‌نفعان در اداره امور شهر و تحقق حکمروایی شهری و
- شفافیت انتخاب پیمانکاران و هزینه‌کرد طرح‌های حمل و نقلی در شهر و محل تأمین هزینه‌ی این اقدامات از محل درآمدهای شهر تهران.

منابع و مآخذ

- رنر، ن.، مارکوزه، پ. & مایر، م. (۱۳۹۶). شهرها برای مردم، نه برای سوداگری (نظریه شهری انتقادی و حق به شهر). (م.ع. زاده، Ed). تهران: نشر دفتر پژوهش های فرهنگی.
- بهرامی، ا.، & بهرامی، و. (بی تا). نقش پروژه های شهری در عدالت اجتماعی بین شهروندان مورد مطالعه: پروژه تونل توحید. تهران: بی جا.
- ترکمه، آ. (۱۳۹۰). تبیین ارتباط بین برنامه ریزی و دموکراسی در ایران. تهران: دانشکده هنر و معماری دانشگاه آزاد اسلامی.
- رهبری، ل.، & شارع پور، م. (۱۳۹۳). جنسیت و حق به شهر؛ آزمون نظریه لوفور در شهر تهران. مجله جامعه شناسی ایران، ۱۱۶-۱۴۱.
- سالاری، م.، & صفوی سهی، م. (۱۳۹۶). نقش نهاد شورای اسلامی شهر در اعتلای حقوق شهروندی (مورد مطالعه: شورای شهر تهران). فصلنامه اقتصاد و مدیریت شهری، ۱۱۳-۱۳۱.
- سرور، ر.، & امینی، م. (۱۳۹۲). تحلیل و ارزیابی تاثیر اجتماعی فرهنگی ترافیک و حمل و نقل شهری. تهران: تیسا.
- فتوحی، ن. (۱۳۹۱). چالش های مدیریتی توسعه سیستم حمل و نقل پایدار شهر تهران. دانشگاه علامه طباطبائی، دانشکده مدیریت. تهران: دانشکده مدیریت علامه طباطبائی.
- فردریش، ک. (۱۳۸۹). تکوین دموکراسی های شهری حکومت های شهری حکومت های شهری اروپا (اوایل دوره مدرن). (ع.ا. مقدم، Ed). تهران: انتشارات آذرخش.
- قنبری، ع.، & همکاران. (n.d). ابعاد الگوی حکمروایی خوب شهری در تهران با تاکید بر نظریه دولت محلی توسعه گرا. In م. م. تیسا. تهران: تیسا.
- کاظمیان، غ.، & میرعابدینی، ز. (۱۳۹۰). آسیب شناسی مدیریت یکپارچه شهری در تهران از منظر سیاستگذاری و تصمیم گیری شهری. نشریه هنرهای زیبا-معماری و شهرسازی، شماره ۴۶، ۲۷-۳۸.
- ماهنامه اقتصاد توسعه. (۱۳۸۵). بدون توسعه مناطق، توسعه ملی امکان پذیر نیست؛ گفتگو

با دکتر حجت‌الله میرزایی. تهران: ماهنامه اقتصاد توسعه.
محمد پور، ا. (۱۳۹۲). روش تحقیق کیفی ضد روش ۱ منطق و طرح در روش‌شناسی کیفی. تهران: انتشارات جامعه‌شناسان.
معروفی، ح. & وحیدی برجی، گ. (۱۳۹۴). فضا و تحقق پذیری حق شهری: شناسایی مولفه‌های فضایی برآمده از حق شهری به منظور تحلیل و ارزیابی پروژه نواب در تهران و لادفاس در پاریس. فصلنامه مطالعات شهری، شماره ۱۶، ۵-۱۴.
موسسه آینده پژوهان. (۱۳۹۱). ارزیابی تأثیرات اجتماعی پروژه ی پل طبقاتی صدر. تهران: به سفارش معاونت فنی و عمران شهرداری تهران.

- Amado, M., Moura, E., & Silva, V. (2009). Public Participation in Sustainable Urban Planning. *International Journal of Civil and Environmental Engineering*, 3, 8-17.
- Blumer, H. (1954). What is wrong with Social Theory in. *American Sociological Review*,, 3-10.
- Corbin, J., & Strauss, A. (1990). Grounded Theory Research: Procedures, Canons, and Evaluative Criteria. *Qualitative Sociology*, 13, 1-19.
- Fol, S., & Gallez, C. (2014). Social inequalities in urban access. Better ways of assessing transport improvements. Retrieved from HAL Id: <https://halsha.archives.fr/halshs>
- Glaster, B., & Strauss, A. (1967). *The Discovery of Grounded Theory*. e. Chicago: Chicago: Aldin.
- Harvey, D. (2008). The Right to the city. *New Left Review*, 23-40.
- Litman , T. (2003). *Social Inclusion as Transport Planning Issue in Canada*. Canada: Victoria Transport Policy Institue.
- Ma, L., & Kent, J. (2018). Transport Disadvantage , Social exclusion and subjective well bing : The role of neighborhood evidence from Sydnny. *The Journal of transport and land use*, II, 31-47.
- Purcell, M. (2002). Excavating Lefebver: The right to the city and its urban politics of the inhabitant . *GeoJOURNAL* , 99-108.
- Shields, R. (2013). Lefebvre and the Right to the Open City? ,*Space and Culture*, 345-348.

References

- Amado, M., Moura, E., & Silva, V. (2009). Public Participation in Sustainable Urban Planning. *International Journal of Civil and Environmental Engineering*, 3, 8-17.
- Brenner, Neil, Makouse, Peter, Meyer, Margit (1396). *Cities for the people, not for business (critical urban theory and the right to the city)*, translated by Mahmoud Abdollahzadeh, Tehran, published by the Cultural Research Office.
- Bahrami, Ardeshir, Bahrami, Vali (Bita). The role of urban projects in social justice among the studied citizens: Tohid Tunnel Project, misplaced
- Blumer, H. (1954). What is wrong with Social Theory in. *American Sociological Review*,, 3-10.
- Corbin, J., & Strauss, A. (1990). Grounded Theory Research: Procedures, Canons, and Evaluative Criteria. *Qualitative Sociology*, 13, 1-19.
- Development Economics Monthly. (1385). Without regional development, national development is not possible; Interview with Dr. Hojjatullah Mirzaei. Tehran: Development Economics Monthly.
- Fol, S., & Gallez, C. (2014). Social inequalities in urban access. Better ways of assessing transport improvements. Retrieved from HAL Id: <https://halsha.archives.fr/halshs>.
- Fotoohi, n. (2012) Managerial Challenges of Sustainable Transportation System Development in Tehran. Allameh Tabatabaei University, Faculty of Management. Tehran: Allameh Tabatabaei Faculty of Management.
- Friedrich, K . (2000). Development of Urban Democracies Urban Governments European Urban Governments (Early Early Period). (A. Moghadam, editor) Tehran: Azarakhsh Publications.
- Futurists Institute. (2001). Assessing the social impact of the Sadr Class Bridge project. Tehran: By order of the technical and civil deputy of Tehran municipality.
- Glaser, B., & Strauss, A. (1967). The Discovery of Grounded Theory. e.

- Chicago: Chicago: Aldin.
- Ghanbari, Ali et al. (2012) Dimensions of the model of good urban governance in Tehran with emphasis on the theory of development-oriented local government, p. 103-108, In Good Urban Governance (Vol. III), Tehran, Tisa.
- Harvey, D. (2008). The Right to the city. New Left Review, 23-40.
- Kazemian, Gholam Reza, Mir Abedini, Zohreh (2011) Pathology of Integrated Urban Management in Tehran from the Perspective of Urban Policy and Decision Making, Journal of Fine Arts - Architecture and Urban Planning, No. 46, p. 27-38.
- Litman , T. (2003). Social Inclusion as Transport Planning Issue in Canada. Canada: Victoria Transport Policy Institute.
- Ma, L., & Kent, J. (2018). Transport Disadvantage , Social exclusion and subjective well being : The role of neighborhood evidence from Sydney. The Journal of transport and land use, II, 31-47.
- Mohammadpour, Ahmad (1392). Qualitative research method versus method 1 Logic and design in qualitative methodology. Tehran: Sociologists Publications.
- Maroufi, Hossein, Vahidi Borji, Goldis (2015) Space and the realization of urban rights: Identifying the spatial components of urban rights in order to analyze and evaluate the Nawab project in Tehran and Ladfans in Paris, Quarterly Journal of Urban Studies, No. 16, p. 5-14.
- Purcell, M. (2002). Excavating Lefebvre: The right to the city and its urban politics of the inhabitant . GeoJOURNAL , 99-108.
- Rahbari, Laden, Sharipour, Mahmoud (1393). Gender and Space, Iranian Journal of Sociology, Volume 14, Number 1, pp. 116-141.
- Salari, Mohammad., Safavi Sehi, M. (1396). The Role of the Islamic Council of the City in Promoting Citizenship Rights (Case Study: Tehran City Council). Journal of Urban Economics and Management, 113-131.
- Sarvar, Rahim, Amini, Mehdi (2013). Analysis and evaluation of socio-cultural impact of traffic and urban transportation, Tehran. Tisa.
- Shields, R. (2013). Lefebvre and the Right to the Open City? ,Space and Culture, 345-348.
- Turkmeh, Aydin. (1390). Explain the relationship between planning and democracy in Iran. Tehran: Faculty of Art and Architecture, Islamic Azad University.

Application of Augmented Reality Technology in Iran's Communication Strategies

Zahra Kharazi Azar

Assistant Professor, Department of Communication Sciences, Science and Research
Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran. raha_kharazi@iauec.ac.ir

Afsaneh Mozaffari

Assistant Professor, Department of Communication Sciences, Science and Research
Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran dr.afsaneh.mozaffari@gmail.com

Tahereh Saedi

Corresponding Author, PhD student in Communication Sciences, Science and Research
Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran. taheresaedi@gmail.com

Abstract

Augmented reality is defined as watching a real phenomenon to which some visual, audio, and video information via computer or GPS have been added. Augmented reality technology is one of the significant developments that has affected many social areas although it has technical and technological origin. Communication is one of the fields that has gone through some extensive changes resulted from the application of this technology. Given this, the main question of this study is how augmented reality technology affects shaping the future of Iran's communication strategies. Through survey research method, the views of the statistical population of the research, which consisted of 240 ICT experts working in the field of augmented reality, were gathered and analyzed. It was then concluded that the most important application of augmented reality technology in Iran's communication strategies is media activity and the biggest influence of this technology is in the field of entertainment and recreation. The main finding is that the most important obstacle to the use and development of augmented reality technology in Iran's communication strategies is the lack of knowledge and consensus about this technology in the country. Besides, the relevant executive bodies must be program-oriented and with a strategic and

forward-looking view continuously monitor the upcoming situations, apply appropriate policies in this regard, and pave the way for application of this technology if they want this technology to be applied.

Keywords: *Augmented reality, Iran's communication strategies, technology, media activity*

کاربرد فناوری واقعیت افزوده در راهبردهای ارتباطی ایران^۱

زهرا خرازی آذر

استادیار و عضو هیئت علمی، گروه علوم ارتباطات، واحد علوم و تحقیقات تهران، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران
raha_kharazi@iauec.ac.ir

افسانه مظفری

استادیار و عضو هیات علمی گروه علوم ارتباطات، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات، تهران، ایران
dr.afsaneh.mozaffari@gmail.com

طاهره ساعدی

نویسنده مسئول، دانشجوی دکترای علوم ارتباطات واحد علوم و تحقیقات تهران، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران
taheresaedi@gmail.com

چکیده

واقعیت افزوده، تماشای یک پدیده واقعی است که به آن اطلاعات دیداری، شنیداری و ویدئویی رایانه‌ای و یا اطلاعات برخاسته از جی پی اس، افزوده شده است. فناوری واقعیت افزوده یکی از تحولات چشمگیری است که اگرچه منشا فنی و فناورانه دارد اما بسیاری از ساحت‌های اجتماعی را تحت تأثیر خود قرار داده است. حوزه ارتباطات یکی از عرصه‌هایی است که متأثر از کاربرد این فناوری متحول شده است. با توجه به این موضوع پرسش اصلی این مقاله این است که فناوری واقعیت افزوده چه تأثیر در شکل‌دهی به آینده راهبردهای ارتباطی ایران دارد؟ محقق با روش پژوهش پیمایشی دیدگاه‌های جامعه آماری تحقیق را که ۲۴۰ نفر از کارشناسان فناوری ارتباطات و اطلاعات که در حوزه واقعیت افزوده مشغول به کار هستند مورد سنجش قرارداد و به این نتیجه رسید که مهم‌ترین کاربرد فناوری واقعیت افزوده در راهبردهای ارتباطی ایران فعالیت رسانه‌ای است و بیش‌ترین نفوذ این فناوری در حوزه سرگرمی و تفریح است. یافته اصلی این مقاله آن است که مهم‌ترین مانع به‌کارگیری و توسعه فناوری واقعیت افزوده در راهبردهای ارتباطی ایران، فقدان شناخت و اجماع نظر درباره این فناوری در کشور است. و برای کاربردی شدن و تسهیل استفاده از این فناوری دستگاه‌های اجرایی ذی‌ربط باید برنامه

۱. این یک مقاله دسترسی آزاد تحت مجوز CC BY-NC-ND (<http://creativecommons.org/licenses/by-nc-nd/4.0/>) است.

مدار و با نگاه راهبردی و آینده‌نگر وضعیت‌های پیش رو را به شکل مستمر دیده‌بانی و سیاست‌های مناسب را بکار گیرند.

واژه‌های کلیدی: واقعیت افزوده، راهبردهای ارتباطی ایران، فناوری، فعالیت رسانه‌ای

تاریخ دریافت: ۰۰/۰۴/۰۷ تاریخ بازبینی: ۰۰/۰۶/۰۷ تاریخ پذیرش: ۰۰/۰۶/۱۵

فصلنامه راهبرد اجتماعی - فرهنگی، سال ۱۰، شماره ۳۹، تابستان ۱۴۰۰، صص ۲۸۵-۲۵۹

مقدمه و بیان مسئله

از جمله فناوری‌هایی که در حال رشد و نفوذ در دنیای کنونی هست، می‌توان به واقعیت افزوده اشاره نمود. در حقیقت، واقعیت افزوده با ترکیب اطلاعات موجود در دنیای واقعی و دیجیتالی یک محیط مجازی دیداری و شنیداری که اطلاعاتی فراتر از آنچه که از محیط اطراف و توسط حواس پنج گانه دریافت می‌گردد را در اختیار افراد قرار می‌دهد.

یکی از کاربردهای واقعیت افزوده در حوزه راهبردهای ارتباطی در ایران، بخش خدمات‌رسانی، اطلاع‌رسانی و ارتباطات رسانه‌ای در روابط عمومی‌های سازمان‌هاست. روابط عمومی در کشور ما نیاز به توسعه‌ی همه‌جانبه و ترقی و تعالی روزافزون دارد، چرا که امروزه کمتر سازمانی را در سطح جهان می‌توان یافت که فاقد واحد روابط عمومی باشد. این امر نشانگر جایگاه و نقش راهبردی روابط عمومی در زندگی فردی و اجتماعی افراد سازمان‌هاست.

تحقیق حاضر به دنبال تبیین کاربردهای فناوری واقعیت افزوده در حوزه راهبردهای ارتباطی ایران بوده است. این راهبردها، برنامه‌های اساسی هستند که در ساختار نهادهای ارتباطی ایران، برای ارتباط با مخاطبان و مردم به کار گرفته می‌شوند، مانند رسانه‌نگاری، روابط عمومی، جذب مشتری و مخاطب، برگزاری نمایشگاه، برگزاری تور مجازی، ارائه محصول و خدمات، تبلیغات و برندینگ. تحقیق حاضر از سوی دیگر به دنبال تبیین موانع به‌کارگیری و توسعه‌ی فناوری واقعیت افزوده در حوزه راهبردهای ارتباطی ایران بوده است.

لذا در این پژوهش، مسئله اصلی این است که کاربرد این فناوری در توسعه‌ی

نظام راهبردی ارتباطی ایران چیست؟ چگونه و بر چه اساسی می‌توان نمونه‌ای کاربردی و مناسب برای استفاده از این فناوری در نهادهای ارتباطی در ایران تدوین و معرفی کرد؟ محقق در صدد پیدا کردن پاسخی صریح و دقیق به این پرسش بنیادین بوده است.

۱. اهداف و سؤالات پژوهش

مهم‌ترین هدف این تحقیق، تبیین کاربردهای فناوری واقعیت افزوده در راهبردهای ارتباطی ایران بوده است. همچنین سؤالات اساسی ذیل در تحقیق مطرح است:

۱- فناوری واقعیت افزوده در حوزه‌ی ارائه خدمات و سرویس‌های روابط عمومی الکترونیک به مخاطبان و مشتریان در دستگاه‌های دولتی و بخش خصوصی چه کاربردی دارد؟

۲- رسانه‌های مکتوب چه استفاده‌هایی از فناوری واقعیت افزوده می‌توانند داشته باشند؟

۳- کاربرد فناوری واقعیت افزوده در فنون و تکنیک‌های ارائه‌ی محصول و خدمات به مشتریان چیست؟

۴- چگونه می‌توان از فناوری واقعیت افزوده در برگزاری نمایشگاه‌ها استفاده کرد؟

۵- فناوری واقعیت افزوده در فرآیند تبلیغات و برندینگ چه کاربرد و تاثیری دارد؟

۶- تأثیر به کارگیری فناوری واقعیت افزوده در جذب بیشتر مخاطبان و مشتریان چیست؟

۷- موانع به کارگیری و توسعه‌ی فناوری واقعیت افزوده در نهادهای ارتباطی ایران کدام‌اند؟

۲. پیشینه پژوهش

پژوهش‌ها و تحقیقات پیشین مرتبط با کاربردهای فناوری واقعیت افزوده را می‌توان به دو دسته کاربردهای ارتباطی و رسانه‌ای تقسیم کرد.

۲-۱. کاربردهای ارتباطی واقعیت افزوده

در زمینه‌ی کاربردهای ارتباطی فناوری واقعیت افزوده می‌توان به رساله‌ی کارشناسی ارشد لیلا رهنما نورآبادی با عنوان «شناخت قابلیت‌های اپلیکیشن‌های واقعیت افزوده در تصویرسازی معاصر با نگاهی به کتاب‌های دیجیتال» اشاره کرد که در سال ۱۳۹۸ در دانشگاه سوره دفاع شده است. وی در این رساله به این نتیجه رسیده که استفاده از فناوری واقعیت افزوده، راهکاری تازه را پیش روی دنیای تصویرگران قرار داده است، به‌طوری که اجرای بسیاری از ایده‌ها و راهبردهایی که تا پیش از این ناممکن به نظر می‌رسید را عملی کرده است و تحولات فناورانه و ظهور و گسترش رسانه‌ها، عامل نزدیک شدن دو حوزه تولید و مصرف رسانه‌ای است و سرانجام موجب شکل‌گیری فرهنگ مشارکتی شده است که یکی از جذاب‌ترین و درعین حال کارآمدترین آن‌ها، واقعیت افزوده است (Rahnemon-Noabadi, 2018).

در این زمینه، همچنین می‌توان به رساله‌ی کارشناسی ارشد زینب رزاق با عنوان «تأثیر پیشرفت فن‌های گرافیکی در شبکه‌های ماهواره‌ای عراق بعد از ۲۰۰۳»، اشاره کرد که در سال ۱۳۹۹ در دانشگاه ادیان و مذاهب دفاع شده است. وی نتیجه‌گیری کرده که استفاده از قالب‌های گرافیکی، مانند گرافیک ویدئویی، موشن گرافیک، اینفوگرافیک، واقعیت افزوده و واقعیت مجازی در کارهای رسانه‌ای و محتوای خبری به طور کلی، و به طور خاص در کانال‌های ماهواره‌ای، اساس کار تلویزیونی است و این امر منجر به جلب توجه بیشتر مخاطبان رسانه‌ها می‌شود (Zeynab-Razagh, 2020).

۲-۲. کاربردهای رسانه‌ای فناوری واقعیت افزوده

در زمینه‌ی کاربردهای رسانه‌ای فناوری واقعیت افزوده نیز تحقیقات متعددی انجام شده است، از جمله می‌توان به رساله کارشناسی ارشد پدرام دینداری با عنوان «پایه‌سازی سیستم واقعیت افزوده مبتنی بر یادگیری عمیق با راینش ناهمگن در گوشی هوشمند» اشاره کرد که در سال ۱۳۹۸ در دانشگاه تبریز دفاع شده است. وی در این رساله یادآور شده که امروزه، گوشی‌های هوشمند ضریب نفوذ بالایی

در بین مردم جهان دارند و برای انجام بسیاری از کارها، امکانات و تسهیلات زیادی فراهم آورده‌اند. یک نمونه از این قابلیت‌ها، واقعیت افزوده‌ی همراه است. به عنوان یک مثال کاربردی، چنین امکانی در محیط فروشگاه‌ی می‌تواند، بسیار مؤثر واقع شود، به طوری که کاربر با محصول قبل از خرید آن ارتباط برقرار نموده و اطلاعاتی در مورد آن کسب می‌نماید. وی در این رساله در صدد امکان‌سنجی پیاده‌سازی واقعیت افزوده مبتنی بر یادگیری عمیق بر روی گوشی بوده است. این امر در حوزه بازاریابی و فروش به عنوان یکی از راهبردهای ارتباطی در بخش خصوصی بسیار مؤثر است (Dindari, 2019).

همچنین در این زمینه، می‌توان به کتاب آقای سویلای اولاس^۱ محقق دانشگاه شرق نزدیک قبرس با عنوان «تحقیقات رسانه‌های جدید» اشاره کرد که در سال ۲۰۲۰ منتشر شده و در آن بر نقش واقعیت افزوده در روابط عمومی و تبلیغات تأکید شده و آمده است: همراه با تغییر در فناوری‌های ارتباطی اطلاعات، تغییراتی در شیوه‌های ارتباطی امروز مشاهده می‌شود. به ویژه استفاده شخصی و شرکتی از برنامه‌های مبتنی بر اینترنت قابل توجه است. برنامه‌های واقعیت افزوده به عنوان یک راهبرد ارتباطی در روند ارتباطات برند، جای خود را باز کرده‌اند. مؤسسات، برنامه‌های واقعیت افزوده را در فرایندهای ارتباطی خود با مخاطبان هدف به سایر روش‌های ارتباطی ترجیح می‌دهند. در این فرآیند، واقعیت افزوده یک عنصر ارتباطی ترجیحی در روابط عمومی و برنامه‌های تبلیغاتی است. در این تحقیق، وضعیت برنامه‌های کاربردی واقعیت افزوده در روابط عمومی و برنامه‌های تبلیغاتی بررسی شده است (Ulaş, 2021).

آقای جیل ویشل^۲ از دانشگاه تونته هلند نیز در رساله کارشناسی ارشد خود با عنوان «تبلیغات در فروشگاه با استفاده از واقعیت افزوده» که در سال ۲۰۲۰ از آن دفاع کرده، نتیجه گرفته است که؛ سه مدل تبلیغات تجاری در داخل فروشگاه‌های بزرگ وجود دارد: اول، تبلیغات با تصاویر، پوسترها و عکس‌های

1. Soyilas Ulas

2. Wychgel, J.

ثابت، دوم تبلیغات بر روی ال سی دی و نمایشگرها و سوم، تبلیغات با استفاده از واقعیت افزوده. از نظر وی، تبلیغات با استفاده از واقعیت افزوده در محیط فروشگاه‌ها و سوپرمارکت‌ها، می‌تواند تجربه مشتری از کالایی که خریداری می‌کند را ارتقا دهد و شانس کالاهایی که با واقعیت افزوده معرفی و تبلیغ می‌شوند، بیشتر است (Wychgel, 2020).

تفاوت آشکار تحقیقات خارجی با تحقیقات داخلی در زمینه‌ی کاربرد فناوری واقعیت افزوده در حوزه ارتباطات در این است که تحقیقات خارجی عمدتاً، نگاهی کاربردی در حوزه رسانه، ارتباطات و تبلیغات را دنبال کرده اند و تحقیقات داخلی عمدتاً، نگاهی نظری به موضوع داشته‌اند. شاید دلیل اصلی این موضوع، اجرا نشدن این فناوری به طور وسیع در ایران باشد.

۳. ملاحظات مفهومی و نظری

۳-۱. مفاهیم تحقیق

۳-۱-۱. واقعیت افزوده

واقعیت افزوده، رسانه‌ای است که از طریق آن، اطلاعات دیجیتال بر جهان واقع سایه می‌اندازد، رسانه‌ای که به ثبت فضایی و مادی جهان اطراف می‌پردازد و در تعامل و ارتباط دوسویه‌ی فوری و لحظه‌ای با مخاطب قرار دارد (Wedel et al., 2020, p. 3).

واقعیت افزوده را می‌توان با گستره‌ای از فناوری‌های مختلف به اجرا درآورد و این‌که این رسانه، ادامه‌ی واقعیات است که از طریق آن، چیزها می‌توانند، کمابیش واقعی باشند و این‌که، پدیده‌ها می‌توانند (کمابیش) از عالم واقع به سوی عالم مجازی و بر عکس حرکت کنند.

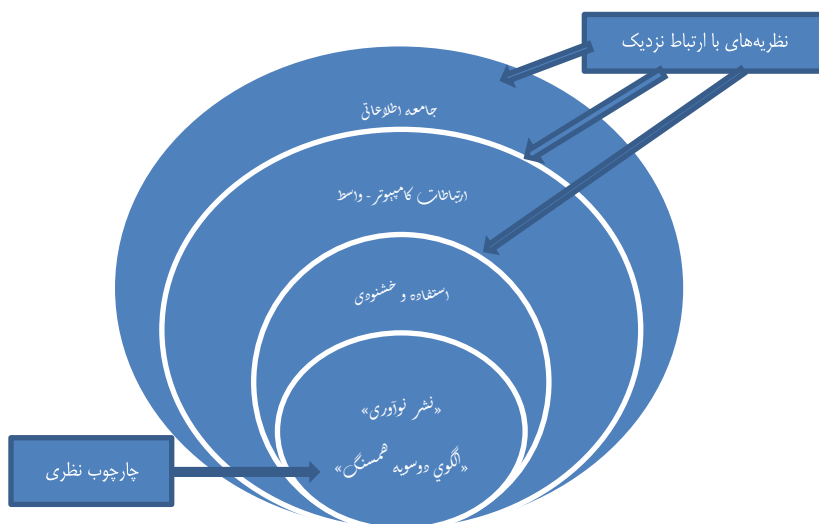
۳-۱-۲. مبدا و واقعیت افزوده

ایده‌ی اولیه‌ی واقعیت افزوده، برای نخستین بار در سال ۱۹۹۰ توسط توماس

کادل^۱، یکی از کارمندان شرکت هواپیماسازی بوئینگ مطرح شد. توماس کادل زمانی که در بوئینگ به کارکنان، برای سرهم کردن کابل‌ها در هواپیما کمک می‌کرد، مفهوم واقعیت افزوده را ابداع کرد (Djamasbi et al., 2014, p. 2). در این زمان، واقعیت افزوده را می‌توان در دو نوع گوشی‌های هوشمند و عینک‌های پوشیدنی معرفی کرد. در یکی از این حالت‌ها نرم‌افزار واقعیت افزوده بر روی گوشی هوشمند، نصب و امکانات واقعیت افزوده را به گوشی شما اضافه می‌کند. تصاویر توسط دوربین گوشی هوشمند به عنوان ورودی به نرم‌افزار واقعیت افزوده داده می‌شود و پردازش تصویر انجام‌شده و متناسب با آن، اطلاعات دیجیتالی که می‌تواند تصاویر و صدا باشد، قابل استفاده است. حالت دیگر واقعیت افزوده، به صورت گجت‌های پوشیدنی است که روز به روز، به لیست شرکت‌های توسعه‌دهنده‌ی آن افزوده می‌شود و در حال تسخیر جهان واقعیت افزوده می‌باشند که می‌توان عینک‌های واقعیت افزوده‌ی طراحی شده توسط شرکت‌های مطرحی چون گوگل، سونی و هولولنز شرکت ماکروسافت را نام برد (Nikmodern, 2016).

۳-۲. چارچوب نظری

برای این تحقیق می‌توان در دو حوزه، نظریه‌های مرتبط را ذکر کرد. اول، نظریه‌های عمومی حوزه‌ی ارتباطات که می‌تواند برای آنالیز نظری فناوری واقعیت افزوده مورد استفاده قرار گیرد و دوم، نظریه‌های تخصصی حوزه‌ی ارتباطات به ویژه دو محور اصلی ارتباطات یعنی رسانه‌نگاری و روابط عمومی است. بر این اساس در بخش اول، نظریه‌های با ارتباط نزدیک ذکر شده است که می‌توان به نظریه‌های استفاده و خشنودی، ارتباطات کامپیوتر- واسط و نظریه‌ی جامعه‌ی اطلاعاتی اشاره کرد و در بخش دوم، نظریه‌های مبنایی یا چارچوب نظری تحقیق ذکر شده که به طور مشخص به دو نظریه «نشر نوآوری» و «الگوی دوسویه همسنگ» مورد اشاره قرار گرفته است.



شکل ۱. مدل چارچوب نظری پژوهش

۳-۱-۲. نظریه‌های با ارتباط نزدیک

۳-۱-۲-۱. نظریه‌ی استفاده و خشنودی

نظریه‌ی استفاده و خشنودی که توسط بلامر و کاتز^۱ در سال ۱۹۷۴ ارایه شد، یکی از نظریه‌های اصلی درباره‌ی رسانه‌ها، وسایل ارتباط جمعی و فناوری‌های جدید ارتباطی است. بر مبنای این نظریه، مردم در رسانه‌ها و فناوری‌های ارتباطی به دنبال محتواهایی می‌گردند که بیشترین لذت و خشنودی را از آن به دست بیاورند. پرسش اساسی نظریه‌ی استفاده و خشنودی، این است که چرا مردم از رسانه‌ها استفاده می‌کنند و آن‌ها را به چه منظوری به کار می‌گیرند؟ پاسخی که داده می‌شود، این است که مردم برای کسب راهنمایی، آرامش، سازگاری، اطلاعات و شکل‌گیری هویت شخصی، از رسانه‌ها استفاده می‌کنند (Mehdizadeh, 2011, p. 72).

یکی از مفاهیم و مفروضات اصلی نظریه‌ی استفاده و خشنودی، «فعال بودن مخاطب» است. به این معنا که مخاطب در استفاده از رسانه به دنبال رفع نیازها،

1. Blumer, J. Katz, E.

کسب خشنودی و رضامندی است و باور دارد که انتخاب رسانه، رضامندی مورد نظرش را تأمین می‌کند (Windahl et al., 2008, p. 381).

بیشتر الگوهای استفاده و رضامندی، نتایج یا اثرات استفاده از رسانه‌ها را در بر می‌گیرد. با این حال، درباره‌ی رابطه‌ی استفاده‌ی اثر، پژوهش‌های اندکی صورت گرفته، این امر تا حدی به این دلیل است که الگوی رضامندی در رقابت با الگوهای اثرات دیده شده و یک گام آن‌ها را جلوتر برده است.

۴-۲-۱. نظریه‌ی ارتباطات کامپیوتر- واسط

نظریه‌ی ارتباطات کامپیوتر واسط به ارتباطی گفته می‌شود که میان انسان و کامپیوتر برقرار می‌شود. به عبارت دیگر، هر نوع ارتباطات انسانی که از طریق موبایل، فناوری‌های اینترنتی، تبلت و ابزار فناورانه برقرار می‌شود، در این چارچوب ارزیابی می‌گردد. این نظریه در سال ۱۹۷۷ توسط جان دسمبر^۱ ارایه شده و مبنای بسیاری از تجزیه و تحلیل‌های ارتباطی در نیم قرن اخیر قرار گرفته است (Littlejohn & Foss, 2010).

۴-۲-۳. نظریه‌ی جامعه اطلاعاتی

جامعه‌ی اطلاعاتی که ابتدا توسط جامعه‌شناس معروف دانیل بل^۲ مطرح شد، به این معناست که دانش و اطلاعات در حال تبدیل به عوامل کلیدی در توسعه‌ی اقتصادی و اجتماعی است. رویکرد بل به نوآوری‌های فناورانه در بخش اطلاعات، به طور گسترده‌ای خوش‌بینانه است. او استدلال می‌کند که فناوری روابط اجتماعی و شیوه‌ی نگاه کردن ما به جهان را تغییر داده و همچنین باعث کنترل فزاینده‌ی انسان بر طبیعت و بهره‌وری اقتصادی شده است (Mehdizadeh, 2011, p. 313).

این نظریه در سال ۱۹۵۴ توسط بارنز^۳ مطرح شد و از آن زمان تاکنون، مبنای نظری بسیاری از تحقیقات ارتباطی، رسانه‌ای و فناورانه قرار گرفته است. این نظریه، نحوه‌ی روابط میان ساختارهای اجتماعی در میان افراد، گروه‌ها، سازمان‌ها، اعتقادات،

1. Desember, J

2. Bell, D.

3. Barenz, J, A.

رفتارها و عملکرد آنها را مد نظر قرار می دهد (Botan & Vincent, 2019, p. 94).

۳-۲-۲. نظریه‌های مبنایی

در بخش چارچوب نظری تحقیق، دو نظریه در دو قسمت از تحقیق مبنا قرار گرفته است. در بخش واقعیت افزوده، نظریه‌ی نشر نوآوری و در بخش روابط عمومی نظریه‌ی الگوی دوسویه همسنگ مبنا قرار گرفته است.

۳-۲-۲-۱. نظریه‌ی نشر نوآوری (اشاعه)

نظریه‌ی نشر نوآوری یا اشاعه که اولین بار توسط اورت راجرز^۱ ارایه شده، به فرآیند اجتماعی نوآوری از طریق رسانه‌های ارتباط جمعی اشاره دارد. در واقع، مبنای این نظریه این است که این رسانه‌ها هستند که باعث توسعه و خلق نوآوری در جوامع می‌شوند و کشورهای درحال توسعه، بدون وجود رسانه‌های ارتباط جمعی قدرتمند، قادر به نوآوری و توسعه نخواهند بود. این نظریه، معتقد است رسانه‌ها، دانش، فناوری، آموزش، ابتکار و خلاقیت را برای مردم و جامعه به ارمغان می‌آورند (Mehrdad, 2016, p. 223).

۳-۲-۲-۲. نظریه‌ی الگوی دوسویه همسنگ

نظریه‌ی الگوی دوسویه همسنگ متعلق به جیمز گرونیک^۲ هست. این نظریه‌پرداز حوزه‌ی روابط عمومی، مدل نظری رفتار نهادهای روابط عمومی را در قالب ۴ الگوی کارکردی بیان می‌کند. وی معتقد است عمل روابط عمومی تحت فرمان این است که هدف روابط عمومی، تأثیرگذاری بر رفتار مردم، گروه‌های ذی نفوذ و سازمان‌ها است. جهان‌بینی دربردارنده این الگوها را می‌توان با چهار الگوی روابط عمومی توصیف کرد. این چهار الگوی روابط عمومی نمایانگر ارزش‌ها، هدف‌ها و رفتارهایی است که سازمان‌ها در کار روابط عمومی خود اعمال می‌کنند (Botan & Vincent, 2019, p. 59).

1. Everett M. Rogers

2. Grunig, James

۴. روش‌شناسی تحقیق

برای اثبات فرضیه‌های پژوهش، تلاش شد با استفاده از روش مبنایی، از طریق مشاهده، مصاحبه‌ی عمیق و مطالعه‌ی منابع صاحب‌نظران این حوزه اطلاعات و تهیه پرسشنامه و توزیع میان فعالان این حوزه، اطلاعات مورد نظر جمع‌آوری و مورد تجزیه و تحلیل قرار گیرد.

روش تحقیق در این پژوهش به طور کلی روش تحقیق کمی بوده است. بدین منظور، ابتدا با استفاده از منابع معتبر علمی از جمله مجلات علمی و پژوهشی، کتاب‌ها و مقالات داخلی و خارجی تلاش گردید، مطالب مرتبط با فناوری واقعیت افزوده، جمع‌آوری و پس از ترجمه مورد تجزیه و تحلیل قرار گیرد. از سوی دیگر با استفاده از منابع مختلف و آشنایی نسبی با شرکت‌ها و تیم‌های تخصصی فعال در حوزه‌ی واقعیت افزوده در ایران، اطلاعات لازم در خصوص وضعیت موجود در به کارگیری این فناوری در ایران و جهان استخراج و گویه‌های مختلف در خصوص سؤالات اساسی تحقیق، جمع‌آوری و تدوین گردید. در گام بعدی با استفاده از روش پیش‌آزمون، گویه‌ها میان چند استاد ارتباطات و کارشناس فعال حوزه‌ی فناوری واقعیت افزوده توزیع و اشکالات گویه استخراج و با این بازخورد، پرسشنامه‌ی تحقیق اصلاح شده و ویرایش‌های لازم در آن صورت گرفته است.

با هدف آگاهی و جمع‌آوری اطلاعات لازم در خصوص چالش‌ها و دستاوردهای مرتبط با به کارگیری این فناوری تلاش شد با اکثر رسانه‌های فعال در این حوزه، همانند روزنامه همشهری و مجله دیوان ارتباط برقرار شده و اطلاعات کاربردی و میدانی در این زمینه کسب شود. در حال حاضر ۶ شرکت به طور فعال در حوزه پیاده‌سازی فناوری واقعیت افزوده در ایران در حال فعالیت می‌باشند که با این شرکت‌ها و کارشناسان آن‌ها نیز ارتباط برقرار گردید و تلاش شد جزییات فعالیت‌ها و نمونه کارها و توانمندی‌ها و مشکلات آن‌ها اخذ و در تحقیق حاضر منعکس گردد.

روش تحقیق در این مقاله، پیمایش بوده، این روش اصلی‌ترین روش برای

سنجش افکار نخبگان و کارشناسان در مطالعات اجتماعی و رسانه‌ای به شمار می‌رود (SeyyedMohammad, 2017, p. 154).

۴-۱. جامعه‌ی آماری

منظور از جامعه‌ی آماری، همان جامعه‌ی اصلی است که از آن نمونه، نما یا معرف به‌دست می‌آید. جامعه‌ی آماری این تحقیق ۲۴۰ نفر از استادان ارتباطات دانشگاه‌های تهران، کارشناسان فعال حوزه‌ی فناوری اطلاعات (صاحب‌نظر در حوزه‌ی واقعیت مجازی)، کارشناسان فعال حوزه‌ی واقعیت افزوده، روزنامه‌نگاران رسانه‌های مکتوب فعال در حوزه‌ی واقعیت افزوده می‌باشند.

۴-۲. نمونه و روش‌های نمونه‌گیری و حجم نمونه

بعد از تعیین جامعه‌ی آماری، با استفاده از روش نمونه‌گیری هدفمند و برآورد حجم نمونه طبق فرمول کرچسی و مورگان و تطبیق آن با فرمول کوکران تحقیق حاضر اجرا شد. تعیین حجم نمونه یکی از اساسی‌ترین و مشکل‌ترین گام‌های هر تحقیق میدانی بوده و دقت در تعیین حجم نمونه، متضمن صحت تعمیم و نتیجه‌گیری هست. برای تعیین حجم نمونه به جامعه آماری، تعداد کل نمونه با فرض جامعه آماری محدود در سطح اطمینان ۹۵ درصد به‌صورت زیر محاسبه می‌گردد.

$$n = \frac{n \left(\frac{za}{2} \right)^2 pq}{(\epsilon)2(n-1) + \left(\frac{za}{2} \right)^2 pq}$$

$$140 = \frac{240 \left(\frac{1.96}{2} \right)^2 * .5 * .5}{(.95)2(240-1) + \left(\frac{1.96}{2} \right)^2 * .5 * .5}$$

۴-۳. روش نمونه‌گیری

در مواردی که واریانس جامعه یا درصد مورد نیاز را در اختیار نداشته باشید، می‌توان از جدول برای برآورد حجم نمونه استفاده کرد. این جدول، حداکثر تعداد نمونه را می‌دهد و اگر با فرمول کوکران نیز محاسبه شود، کمتر از این مقدار تعیین می‌شود. روش دیگر تعیین حجم نمونه، استفاده از جدول مورگان است که در

اغلب محاسبات از نظر نتیجه، مشابه فرمول کوکران است.

جدول ۱. جامعه آماری و نمونه تحقیق

جامعه آماری	تعداد جامعه آماری (نفر)	جمع (درصد)	تعداد نمونه
استادان ارتباطات دانشگاه‌های تهران (دارای درجه دکتری تخصصی)	۱۴۰	۵۸,۵	۸۲
کارشناسان فعال حوزه فناوری اطلاعات (صاحب‌نظر در حوزه واقعیت مجازی)	۳۵	۱۴,۵	۲۰
کارشناسان فعال حوزه واقعیت افزوده	۳۵	۱۴,۵	۲۰
روزنامه‌نگاران رسانه‌های مکتوب فعال در حوزه واقعیت افزوده	۳۰	۱۲,۵	۱۸
جمع	۲۴۰	۱۰۰	۱۴۰

به این دلیل که به خاطر نو بودن فناوری واقعیت افزوده، ممکن است همه‌ی استادان ارتباطات یا کارشناسان فناوری اطلاعات یا رسانه نگارها و فعالان روابط عمومی از کاربردهای این فناوری اطلاع چندانی نداشته باشند و رویکرد صرفاً آماری و استفاده از روش انتخاب تصادفی جامعه نمونه می‌تواند، نتایج تحقیق را با انحراف آشکار مواجه کند.

۴-۴. ابزار اندازه‌گیری و نحوه‌ی اجرا و ارزشیابی

یافته‌های تحقیق با استفاده از روش‌های آماری توصیفی و استنباطی مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌گیرد و ابزار تجزیه و تحلیل داده‌ها نیز، نرم‌افزار SPSS21 هست. همچنین از روش‌های آزمون‌های ضریب همبستگی پیرسون و t -یک نمونه‌ای، برای راستی‌آزمایی داده‌ها بهره‌برداری شد. در این تحقیق، ابزار اندازه‌گیری پرسشنامه بوده است.

۴-۵. روش تجزیه و تحلیل اطلاعات جمع‌آوری شده

برای تجزیه و تحلیل اطلاعات جمع‌آوری شده از آمار توصیفی، شامل جداول، نمودارها و همچنین آمار استنباطی ضریب همبستگی پیرسون و t -یک نمونه‌ای استفاده شد، ضریب همبستگی پیرسون یا ضریب همبستگی حاصل ضرب-گشتاور پیرسون میزان همبستگی خطی بین دو متغیر تصادفی را می‌سنجد. مقدار این ضریب بین ۱- تا ۱ تغییر می‌کند که «۱» به معنای همبستگی مثبت کامل، «۰» به

معنی نبود همبستگی و «۱-» به معنی همبستگی منفی کامل است. در داده‌های کمی، برای آزمودن این فرضیه که آیا میانگین یک نمونه با میانگین جامعه که فرض بر این است دارای توزیع نرمال باشد، یکسان است، از آزمون یک نمونه‌ای t استفاده می‌شود.

به منظور تجزیه و تحلیل استنباطی متغیرهای تحقیق با توجه به اهمیت موضوع و اهداف تحقیق، در ابتدا از آزمون کولموگروف اسمیرنوف^۱ برای بررسی نرمال بودن متغیرها و در ادامه از آزمون‌های t یک نمونه‌ای و ضریب همبستگی پیرسون جهت آزمون فرضیه‌ها استفاده نموده‌ایم.

روش آماری مورد استفاده در این پژوهش برای مدل سازی، روش مدل سازی معادله‌های ساختاری است که با استفاده از نرم افزار AMOS ۲۲ انجام گردیده است. مدل سازی معادله‌های ساختاری، روشی است که برای نشان دادن، برآورد و آزمون فرضیه‌ها درباره‌ی رابطه‌ی علی بین متغیرهای آشکار و پنهان به کار می‌رود. پس از تأیید روایی (اعتبار)، پایایی (اعتماد) و برازش مدل اندازه‌گیری متغیرهای پنهان پژوهش توسط تحلیل عاملی تأییدی (CFA) به منظور آزمون فرضیه‌های پژوهش از روش مدل معادله‌های ساختاری در قالب تحلیل مسیر استفاده شد.

۴-۶. روایی و اعتبار

روایی اندازه‌گیری، عبارت است از میزانی که ابزار مورد نظر، آنچه را برای اندازه‌گیری آن تخصیص یافته، اندازه می‌گیرد (Khoeinejad, 2020, p. 63). در این تحقیق، پژوهشگر به منظور بررسی روایی پرسشنامه، این که آیا سوالات مطرح شده، اهداف مورد نظر را پوشش می‌دهد و مانعی از نگارش و ابهامات در جملات ندارد، آن را در اختیار اساتید راهنما، مشاور و ۷ نفر از اساتید صاحب نظر دیگر قرارداد. آن‌ها پس از بررسی، شایستگی سنجش ویژگی مورد نظر را تأیید نمودند. همچنین، پرسشنامه به تعدادی از اساتید و کارشناسان در حوزه‌ی روابط عمومی و فناوری اطلاعات که با واقعیت افزوده کارکرده‌اند، داده شد تا شیوه‌ی نگارش و ابهامات ممکن در جملات و گزاره‌ها مورد بررسی قرار گیرد. نتایج

1. Kolmogorov-Smirnov

به دست آمده از اجرای آزمایشی نیز نشان دهنده این بود که مشکل خاصی در کلمات و عبارات پرسشنامه نبوده است.

به طور خلاصه اعتبار به معنای همسانی است (Habiballah & Tayebitolo, 2010, p. 74). از آنجاکه پرسشنامه‌ی این تحقیق بر اساس رتبه‌بندی مقیاس لیکرت طراحی شده، برای بررسی اعتبار و همسانی درونی آن از یک نمونه مقدماتی با حجم ۳۰ نفر از ضریب آلفای کرونباخ استفاده شده که دامنه آن بین ۰ تا ۱ است، بر این مبنا به پایداری درونی گویه‌ها پی برده می‌شود. در اغلب منابع در رابطه با مقدار مطلوب برای ضریب آلفا، به نوشته نونالی^۱ استناد شده است. بر اساس استدلال وی، برای پایا قلمداد کردن یک ابزار، حداقل مقدار ۰/۷ برای ضریب آلفا لازم است.

جدول ۲. اعتبار شاخص‌های تحقیق

مقدار آلفا	فراوانی	متغیر
۰.۸۱	۳۰	استفاده از فناوری واقعیت افزوده
۰.۷۳	۳۰	پیاده‌سازی نظام روابط عمومی الکترونیک
۰.۷۳	۳۰	استفاده در رسانه‌های مکتوب
۰.۷۶	۳۰	ارائه بهتر و قابل فهم تر خدمات
۰.۷۸	۳۰	کاربرد ابزارهای پوشیدنی
۰.۸۴	۳۰	تبلیغات و برندینگ
۰.۷۹	۳۰	جذب مخاطبان و مشتریان
۰.۷۷	۳۰	حوزه سرگرمی و تفریح
۰.۸۸	۳۰	شناخت فناوری واقعیت افزوده

۵. یافته‌های تحقیق

۵-۱. یافته‌های استنباطی

مهم‌ترین هدف و سؤال اساسی این تحقیق، تبیین کاربردهای فناوری واقعیت افزوده در راهبردهای ارتباطی ایران بود، بر اساس یافته‌های پژوهش، با توجه به مقدار میانگین برابر با ۳,۷۲ برای فاکتور فعالیت رسانه‌ای می‌توان گفت که مهم‌ترین کاربرد فناوری واقعیت افزوده در راهبردهای ارتباطی ایران، فعالیت

1. Nunally

رسانه‌ای است.

سؤال اول تحقیق این بود که فناوری واقعیت افزوده در حوزه‌ی ارائه خدمات و سرویس‌های روابط عمومی الکترونیک به مخاطبان و مشتریان در دستگاه‌های دولتی و بخش خصوصی چه کاربردی دارد؟ نتایج استنباطی نشان می‌دهد که بین استفاده از فناوری واقعیت افزوده در حوزه‌ی ارائه خدمات به مخاطبان و مشتریان با پیاده‌سازی نظام روابط عمومی الکترونیک در یک سازمان، ارتباط مستقیم و معناداری وجود دارد. به عبارت دیگر، با گسترش پیاده‌سازی نظام روابط عمومی الکترونیک در یک سازمان، استفاده از فناوری واقعیت افزوده در حوزه‌ی ارائه خدمات به مخاطبان و مشتریان نیز افزایش خواهد یافت و بالعکس.

سؤال دوم تحقیق این بود که رسانه‌های مکتوب چه استفاده‌هایی از فناوری واقعیت افزوده می‌توانند داشته باشند؟ بر اساس نتایج به دست آمده از این تحقیق، با توجه به مقدار میانگین برابر با ۳,۶۵ برای فاکتور جذب مخاطب می‌توان گفت که با استفاده از فناوری واقعیت افزوده در رسانه‌های مکتوب می‌توان به جذب بیشتر مخاطب کمک کرد.

سؤال سوم تحقیق این بود که کاربرد فناوری واقعیت افزوده در فنون و تکنیک‌های ارائه‌ی محصول و خدمات به مشتریان چیست؟ با توجه به یافته‌ها و با عنایت به مقدار میانگین برابر با ۳,۳۹ برای فاکتور ارائه بهتر و قابل فهم‌تر محصولات و خدمات شرکت‌ها و سازمان‌ها با کمک فناوری واقعیت افزوده، می‌توان گفت که فناوری واقعیت افزوده کمک می‌کند تا محصولات و خدمات شرکت‌ها و سازمان‌ها بهتر و قابل فهم‌تر به مشتریان ارائه شود.

سؤال چهارم تحقیق این بود که چگونه می‌توان از فناوری واقعیت افزوده در برگزاری نمایشگاه‌ها استفاده کرد؟ یافته‌ها نشان می‌دهد که با توجه به مقدار میانگین برابر با ۳,۱۸ برای فاکتور اهمیت کاربرد ابزارهای پوشیدنی، مانند عینک هوشمند مبتنی بر فناوری واقعیت افزوده، می‌توان گفت که ابزارهای پوشیدنی مانند عینک هوشمند مبتنی بر فناوری واقعیت افزوده، مهم‌ترین کاربرد را در برگزاری نمایشگاه‌ها دارند.

سوال پنجم تحقیق این بود که فناوری واقعیت افزوده در فرآیند تبلیغات و برندینگ چه کاربرد و تأثیری دارد؟ نتایج این تحقیق نشان می‌دهد که بین به کارگیری فناوری واقعیت افزوده در فرآیند تبلیغات و برندینگ با میزان شناخت مدیران روابط عمومی از کاربردهای این فناوری، ارتباط مستقیم و معناداری وجود دارد. به عبارت دیگر، با افزایش شناخت مدیران روابط عمومی از کاربردهای این فناوری، میزان به کارگیری فناوری واقعیت افزوده در فرآیند تبلیغات و برندینگ نیز افزایش خواهد یافت و بالعکس.

سؤال ششم تحقیق این بود که تأثیر به کارگیری فناوری واقعیت افزوده در جذب بیشتر مخاطبان و مشتریان چیست؟ با توجه به مقدار میانگین برابر با ۳,۸۰ برای فاکتور جذب بیشتر مخاطبان و مشتریان جوان و نوجوان با به کارگیری فناوری واقعیت افزوده، می‌توان گفت که به کارگیری فناوری واقعیت افزوده باعث جذب بیشتر مخاطبان و مشتریان جوان و نوجوان می‌شود.

سؤال هفتم تحقیق این بود که موانع به کارگیری و توسعه‌ی فناوری واقعیت افزوده در نهادهای ارتباطی ایران کدام‌اند؟ نتایج تحقیق نشان می‌دهد که مهم‌ترین مانع به کارگیری و توسعه‌ی فناوری واقعیت افزوده در نهادهای ارتباطی ایران، فقدان شناخت از این فناوری در ایران است.

۵-۲. یافته‌های توصیفی

توزیع درصدی پاسخگویان به تفکیک جنسیت، بیانگر این است که از مجموع پاسخ‌دهندگان ۶۴/۳ درصد مرد و ۳۵/۲ درصد زن بوده‌اند. از سوی دیگر، توزیع فراوانی پاسخ‌دهندگان به تفکیک میزان تحصیلات نشان داد که از کل پاسخ‌دهندگان ۶۰/۷ درصد دارای تحصیلات کارشناسی ارشد، ۲۲/۱ درصد دارای تحصیلات دکتری و ۱۷/۱ درصد نیز دارای تحصیلات کارشناسی بوده‌اند. همچنین از مجموع پاسخگویان ۶۰/۷ درصد در رشته‌ی ارتباطات و رسانه، ۱۶/۴ درصد در رشته‌ی رایانه، ۱۵ درصد در رشته‌ی فناوری اطلاعات و ۷/۹ درصد نیز در رشته‌ی روابط عمومی تحصیل نموده‌اند. بررسی کلی نتایج کسب‌شده از گویه‌های پرسش‌نامه، بیانگر این است که میزان قابل توجهی از افراد مورد بررسی

معتقدند که بیشترین کاربرد فناوری واقعیت افزوده در بخش انتشارات روابط عمومی است، درحالی که تعداد کمتری به قابلیت این فناوری در معرفی سرگرمی، تفریح و آموزش نیروی انسانی اعتقاد دارند.

این در حالی است که درصد قابل توجهی معتقدند در صورت ترکیب واقعیت افزوده با سایر فناوریها تأثیر آن افزایش خواهد یافت. همچنین بررسی اطلاعات کسب شده، نشانگر این است که نظر کلی مصاحبه‌شوندگان در خصوص تأثیر این فناوری در ارائه خدمات بهتر، ارائه اطلاعات تکمیلی و افزایش محتوای پیام‌های ارائه شده تأثیر مثبت داشته است. به طور خلاصه در تمامی موارد مورد بررسی، نظر غالب مصاحبه‌کنندگان به نفع استفاده از این فناوری بوده و سهم افراد مخالف، بسیار اندک بوده است.

محقق با توجه به آشنایی با حوزه واقعیت افزوده در ایران به ویژه بخش واقعیت افزوده روزنامه همشهری و مجریان این فناوری در روزنامه مذکور، اقدام به شناسایی دو گروه توسعه‌دهندگان و استفاده‌کنندگان از فناوری واقعیت افزوده در ایران کرد. تعداد شرکت‌های توسعه‌دهنده فناوری واقعیت افزوده در ایران با توجه به پیچیدگی‌های آن خیلی زیاد نیست. به عبارت دیگر، در ایران شرکت‌های اندکی هستند که قادر به ارائه فناوری واقعیت افزوده به سازمان‌ها و شرکت‌ها هستند، اما استفاده‌کنندگان از فناوری واقعیت افزوده در ایران تعدادشان به ۴۰ مورد می‌رسد که ۱۵ مورد، معادل ۳۷,۵ درصد از آن‌ها را سازمان‌های دولتی تشکیل می‌دهند، ۱۷ مورد معادل ۴۲,۵ درصد از آن‌ها را شرکت‌های بخش خصوصی تشکیل داده و ۸ مورد معادل ۲۰ درصد از آن‌ها را نشریات و مطبوعات تشکیل می‌دهند. به عبارت دیگر، شرکت‌های بخش خصوصی، بیشترین استفاده از فناوری واقعیت افزوده را در ایران دارند.

شرکت‌ها و موسسات دولتی و خصوصی در ایران، با ۱۸ مورد معادل ۴۵ درصد بیشترین استفاده از واقعیت افزوده را در حوزه مأموریت‌های روابط عمومی انجام می‌دهند. ۱۲ مورد معادل ۳۰ درصد نیز از این فناوری در حوزه تبلیغات و بازاریابی استفاده می‌کنند و ۱۰ مورد معادل ۲۵ درصد نیز از این فناوری

در هر دو مورد روابط عمومی و تبلیغات و بازاریابی به صورت توأمان استفاده می‌کنند. اگر دو حوزه‌ای که روابط عمومی در آن استفاده‌ای اختصاصی یا مشترک با تبلیغات دارد را با یکدیگر جمع کنیم، به نسبت ۷۰ درصد می‌رسیم. به این معنا که ۷۰ درصد استفاده از فناوری واقعیت افزوده در ایران یا به طور خاص به حوزه‌ی مأموریت‌های روابط عمومی مرتبط است یا با مأموریت‌های بخش تبلیغات و بازاریابی مشترک است. ضمن اینکه در بسیاری از شرکت‌ها و سازمان‌ها، مأموریت تبلیغات و بازاریابی با مأموریت روابط عمومی ادغام است. این نکته که در ارتباط با موضوع کانونی و هسته‌ی مرکزی تحقیق حاضر هست، یافته مهمی تلقی می‌شود.

۶. مدل پیشنهادی پژوهش

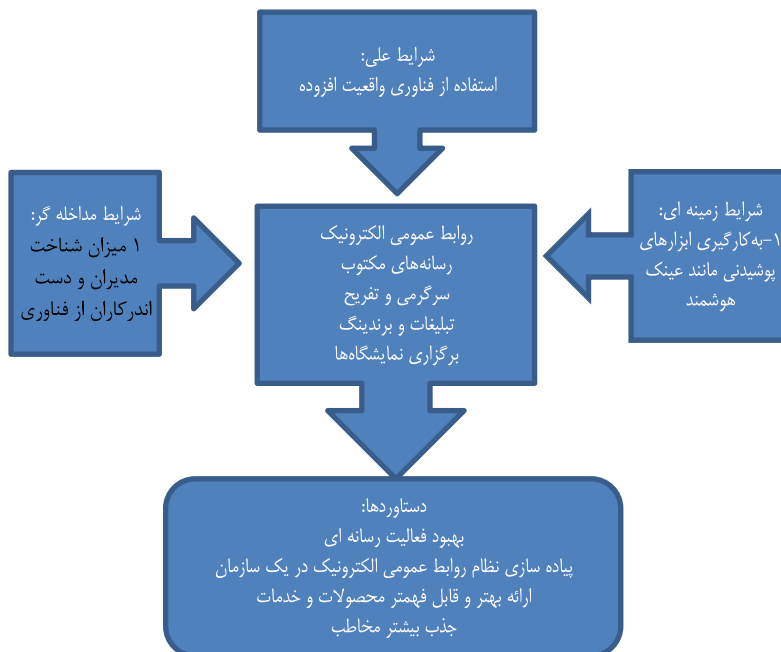
در این بخش بر اساس نتایج به‌دست آمده از تجزیه و تحلیل داده‌ها و ارزیابی فرضیه‌های تحقیق، مدل پیشنهادی پژوهش به صورت زیر ارائه می‌گردد. در این مدل، شرایط علی استفاده از فناوری واقعیت افزوده در ۵ حوزه‌ی روابط عمومی الکترونیک، رسانه‌های مکتوب، سرگرمی و تفریح، تبلیغات و برندینگ و برگزاری نمایشگاه به عنوان اصلی‌ترین حوزه‌های ارتباطی در ایران در یک سو، نشان داده شده و در دو سوی این شرایط علی، شرایط مداخله‌گر (میزان شناخت مدیران و دست‌اندرکاران از فناوری) و شرایط زمینه‌ای (به‌کارگیری ابزارهای پوشیدنی مانند عینک هوشمند) ترسیم شده است. همچنین با توجه به روش اصلی تحقیق که سنجش نظرات متخصصان حوزه‌ی فناوری و ارتباطات بوده، به این نتیجه رسیدیم که مهمترین دستاوردهای به کارگیری فناوری واقعیت افزوده در نهادهای ارتباطی ایران می‌تواند شامل موارد زیر باشد:

بهبود فعالیت رسانه‌ای،

پیاده سازی نظام روابط عمومی الکترونیک در یک سازمان،

ارائه بهتر و قابل فهمتر محصولات و خدمات و

جذب بیشتر مخاطب



شکل ۲. مدل به کارگیری واقعیت افزوده در نهادهای ارتباطی ایران

نتیجه گیری

بررسی وضعیت استفاده از فناوری‌های ارتباطی در ساختارهای ارتباطی نهادهای ایران، نشان می‌دهد که فناوری‌های ارتباطی دو سویه کمتر به کار گرفته شده و همچنان نهادها و ساختارهای ارتباطی در ایران مایل به استفاده از وسایل ارتباطی یک سویه و اطلاع‌رسانی صرف هستند و کمتر به فناوری‌های دوسویه و استفاده از فناوری‌هایی مانند واقعیت افزوده می‌پردازند و به رسانه‌ها نیز به عنوان رکن دیگر نهادهای ارتباطی به عنوان ابزاری برای تبلیغات نگریسته می‌شود.

بدیهی است همانند هر فناوری دیگری، استفاده از فناوری واقعیت افزوده، نیاز به زیرساخت‌های خاص خود از جمله؛ امکانات الکترونیکی قوی هم به لحاظ نرم‌افزاری و هم به لحاظ سخت‌افزاری دارد. سه عنصر محوری یک سیستم واقعیت افزوده سنسورها، پردازنده‌ها و نمایشگرها هستند. با وجود اینکه ممکن است در حال حاضر راه‌اندازی چنین سیستمی پرهزینه به نظر برسد اما،

خوشبختانه با پیشرفت دائمی دنیای رایانه‌ای و الکترونیکی در آینده‌ی نزدیک، این تجهیزات می‌تواند سریع‌تر و با هزینه‌ی کمتری تهیه شود. البته بدیهی است وجود نرم‌افزار و سخت‌افزارهای لازم به تنهایی کافی نبوده و وجود مدیران و نیروی کار آشنا با این فناوری به عنوان یک رسانه‌ی دوسویه و تعاملی می‌تواند نقش بیشتری در انتخاب پیام و همچنین، شیوه‌های قابل‌استفاده برای جذاب‌تر نمودن و برقراری ارتباط نزدیک‌تر با مشتری پرداخت. انتخاب پیام جذاب‌تر می‌تواند توسط نظریه‌ی خشنودی نیز تأیید شود. همان‌گونه که در این نظریه عنوان شده به طور کلی مخاطبان دنبال محتوایی هستند که خشنودکننده‌تر باشد. به عبارت دیگر، هر قدر افراد بیشتر احساس کنند که محتوای پیام، بیشتر نیاز آن‌ها را برآورده می‌کند، احتمال انتخاب آن پیام افزایش می‌یابد.

برای پیاده‌سازی این فناوری در ایران با چند مانع مواجه هستیم: اولین مانع نبود اینترنت پر سرعت برای همگان است، دوم پایین بودن ضریب نفوذ گوشی‌های هوشمند در میان مردم، سوم هزینه ساخت این نوع فناوری و چهارم فقدان توسعه نرم‌افزارهای کاربردی می‌باشد.

در مورد موانع برشمرده شده می‌توان گفت ابزار پوشیدنی، تبلت و موبایل تنها راه‌های استفاده از این فناوری می‌باشند و دیگر ابزارهای معمول دسترسی به اینترنت مانند لپ‌تاپ و رایانه‌های میزی توان استفاده از این فناوری را ندارند.

در مورد مخاطرات این فناوری و چگونگی مواجهه با آنها باید گفت بر اساس مطالعات محقق، فناوری واقعیت افزوده به ویژه در پیاده‌سازی دیتای پشت این فناوری، تهدیدات امنیتی می‌تواند وجود داشته باشد. مثلاً در نظر بگیرید در بازی پوکمون گو^۱، اگر طراحان بازی بخواهند، می‌توانند کاربران را برای شکار هیولا به محیط‌ها و مکان‌های امنیتی شهر هدایت کنند. همچنین، امکان متصل کردن پروفایل و تصاویر شخصیت‌های نظام به محتوا و تصاویر به کار گرفته شده در رسانه‌های مبتنی بر واقعیت افزوده وجود دارد. برای پیشگیری از این مخاطرات، تنها راه، بالا بردن سواد رسانه‌ای و سواد کاربری افراد است. راهکار

فیلترینگ در ایران با اینکه رایج‌ترین راه مقابله با این تهدیدات شناخته شده است، اما با توجه به گستردگی ابزارهای عبور از فیلتر، چندان جوابگو نیست. برای کاربردی‌شدن و تسهیل استفاده از این فناوری در نهادهای ارتباطی ایران، نیاز به توجیه دستگاه‌ها و فرهنگ‌سازی در میان مردم هست. بسیاری از افراد و مسئولان نهادهای ارتباطی ایران، این فناوری را نمی‌شناسند و کاربرد آن را در سازمان خود نمی‌دانند و بیشتر این فناوری نوعی پرستیژ به شمار می‌رود تا ضرورت. هر چند این فناوری فراتر از حوزه ارتباطات هست و می‌توان از آن در دانشگاه‌ها، آموزش و پرورش، بخش‌های بهداشتی و درمانی، موزه‌ها، فضاهای شهری، اماکن اقامتی و سیاحتی و مهم‌تر از آن در هر نوع رسانه چاپی مثل روزنامه، مجله، پوستر و هر نوع رسانه‌ی انتشاراتی مانند کارت ویزیت، بروشور و ماکت و بنر استفاده کرد. با این وجود به نظر می‌رسد در ایران، ارتباطاتی‌ها مهم‌ترین مصرف‌کننده‌ی این فناوری به شمار می‌روند و تا کاربردی‌شدن این فناوری در سایر بخش‌ها زمان و راه زیادی پیش رو داریم.

همچنین در این مورد که در سطوح ملی، نهادی و فردی چه استراتژی‌هایی باید اتخاذ شود تا جامعه‌ی ایران متضرر از به کارگیری و ورود گسترده این فناوری نشود، باید گفت؛ سند الزامات به کارگیری فناوری واقعیت افزوده باید در شورای عالی فضای مجازی تصویب شده و در چارچوب این سند، وظایف و مسئولیت‌های نهادهای مرتبط با موضوع مانند وزارت ارتباطات و فناوری اطلاعات، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، وزارت علوم، تحقیقات و فناوری و معاونت علمی فناوری ریاست جمهوری تدوین و مشخص شود. در سطح فردی نیز گنجاندن آموزش‌های مرتبط با سواد رسانه‌ای و سواد فناوری باید در دستور کار افراد و سازمان‌های دست‌اندر کار قرار گیرد.

منابع

- Botan, C. H., & Vincent, H. e. (2019). *Public relations theory* (A. Dehghan, Trans.). Center for Media Studies. (Routledge)
- Dindari, P. (2019). *Implementation of augmented reality based on learning system with heterogeneous computing in smartphones* Tabriz University.
- Djamasbi, S., Wyatt, J., Luan, X., & Wang, H. (2014). Augmented reality and print communication. 20th Americas Conference on Information Systems (AMCIS).
- Ghafari, Z. (2019). *Identify and prioritize augmented reality applications in marketing* Hazrat Masoumeh University.
- Habbiballah, K., & Tayebitolu, A. (2010). Relationship between customer relationship management and performance. *Business Management Outlook Quarterly*, 1.
- Khoeinejad, G. (2020). *Research methods in educational sciences* (2nd ed.). SAMT Publisher.
- Littlejohn, S. W., & Foss, K. A. (2010). *Theories of human communication*. Waveland press.
- Mehdizadeh, M. (2011). *Comparative study of planting and receiving theory*.
- Mehrdad, H. (2016). *Introduction to theories and concepts of mass communication*. Faran Cultural Research Institute Publications.
- Nikmodern. (2016). *What is Augmented Reality and its Applications*. Nikmodern Website. www.nikmodern.com.
- Rahnemon-Noabadi, L. (2018). *Understanding the capabilities of augmented reality applications in contemporary illustration by looking at digital books* Soreh University.
- SeyyedMohammad, D. (2017). *Fundamentals of Mass Communication* (M. Norbakhsh & S. Mirhosseini, Trans.). Firozeh Publishing Co.

- Sung, E. C. (2021). The effects of augmented reality mobile app advertising: Viral marketing via shared social experience. *Journal of Business Research*, 122, 75-87.
- Ulaş, S. (2021). The Role of Augmented Reality on Public Relations and Advertising: Augmented Reality and Public Relations and Advertising. In *Handbook of Research on New Media Applications in Public Relations and Advertising* (pp. 196-216). IGI Global.
- Wedel, M., Bigné, E., & Zhang, J. (2020). Virtual and augmented reality: Advancing research in consumer marketing. *International Journal of Research in Marketing*, 37(3), 443-465.
- Windahl, S., Signitzer, B., & Olson, J. T. (2008). *Using communication theory: An introduction to planned communication* (A. Dehghan, Trans.). Sage.
- Wychgel, J. (2020). *In-store advertising using augmented reality: the effectiveness of brand engagement through visual attention* University of Twente.
- Zeynab-Razagh, H. (2020). *The Impact of the Advancement of Graphic Techniques in Iraqi Satellite Networks after 2003; Case study of Al-Iraqi News* Iran Radio and Television University.

Identifying and Prioritizing the Social Problems and Harms in Ilam the Province

Ali Feizolahi

Corresponding Author, Assistant Professor in sociology, Faculty Member of Ilam University, Ilam, Iran. a.feizolahi@ilam.ac.ir

Khalil Kamarbeigi

MA in sociology, Management and Planning Organization of Ilam province, Ilam, Iran. kkkamarbeigi@yahoo.com

Abstract

This study is aims at identifying and prioritizing the social problems and harms in Ilam the province. The approach adopted is qualitative and in term of purpose it is categorized as an exploratory research which has been conducted by means of Delphi method. The statistical sample consisted of 40 specialists and experts of the province who were selected through purposive sampling and the data were collected and analyzed in three successive stages. Findings indicate that, from experts' standpoint, some problems such as poverty, inflation and livelihood troubles, unemployment of educated people, partisanship, low level of institutional trust, negative individualism, feelings of discrimination and injustice, drug addiction, social indifference, rising the age of marriage and celibacy, low level of social tolerance, suicide, street anger, divorce and collective conflict are of high priority. The results indicate the high importance and priority of the economic issues as the first and before the social ones and most of the issues in the province are related to the social and cultural macrostructure of society.

Keywords: *Delphi method, Social harm, Social problem, Public Culture Council, Ilam province*

شناسایی و اولویت‌بندی مسائل و آسیب‌های اجتماعی استان ایلام^۱

علی فیض‌اللهی

نویسنده مسئول، استادیار جامعه‌شناسی، عضو هیأت علمی گروه علوم اجتماعی دانشگاه ایلام، ایلام، ایران
a.feizolahi@ilam.ac.ir

خلیل کمربگی

کارشناس ارشد جامعه‌شناسی، سازمان مدیریت و برنامه ریزی استان ایلام، ایلام، ایران
kkamarbeigi@yahoo.com

چکیده

هدف این پژوهش، شناسایی و اولویت‌بندی مسائل و آسیب‌های اجتماعی در استان ایلام است. رویکرد این پژوهش از نوع مطالعات کیفی بوده و از لحاظ هدف در حیطه‌ی تحقیقات اکتشافی دسته‌بندی می‌شود که با استفاده از تکنیک دلفی انجام شده است. نمونه‌ی آماری آن ۴۰ نفر از متخصصان و خبرگان استان است که با استفاده از نمونه‌گیری هدفمند انتخاب شده‌اند و داده‌ها نیز در سه مرحله، گردآوری و تحلیل شده است. یافته‌های تحقیق، حاکی از در اولویت دانستن مسائلی نظیر فقر، تورم و تنگنای معیشتی، بیکاری تحصیل‌کرده‌ها، پارتی بازی، نازل بودن اعتماد نهادی، فردگرایی منفی، احساس تبعیض و بی‌عدالتی، اعتیاد به مواد مخدر، بی‌تفاوتی اجتماعی، بالا رفتن سن ازدواج و تجرد، سطح پایین مدارای اجتماعی، خودکشی، خشم خیابانی، طلاق، نزاع جمعی از دیدگاه خبرگان است. نتایج تحقیق، نشان‌دهنده‌ی اهمیت بالا و اولویت مسائل اقتصادی و سپس اجتماعی بوده و بیشتر مسائل استان مربوط به ساختار کلان اجتماعی و فرهنگی جامعه است.

واژه‌های کلیدی: روش دلفی، آسیب اجتماعی، مسأله اجتماعی، شورای فرهنگ عمومی،

استان ایلام

تاریخ دریافت: ۹۹/۱۰/۲۶ تاریخ بازبینی: ۰۰/۰۶/۲۵ تاریخ پذیرش: ۰۰/۰۶/۲۹

فصلنامه راهبرد اجتماعی- فرهنگی، سال ۱۰، شماره ۳۹، تابستان ۱۴۰۰، صص ۲۸۷-۳۱۷

۱. این یک مقاله دسترسی آزاد تحت مجوز CC BY-NC-ND (<http://creativecommons.org/licenses/by-nc-nd/4.0/>) است.

این تحقیق به پیشنهاد شورای فرهنگ عمومی و با استفاده از اعتبارات پژوهشی اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان انجام شده است.

مقدمه و بیان مسئله

در ادبیات جامعه‌شناسی به « هر نوع عمل فردی یا جمعی که در چارچوب اصول اخلاقی و قواعد عام عمل جمعی رسمی و غیررسمی جامعه محل فعالیت کنشگران قرار نمی‌گیرد و در نتیجه با منع قانونی و یا قبح اخلاقی و اجتماعی روبرو می‌شود » آسیب اجتماعی گفته می‌شود (عبداللهی، ۱۳۹۰) و زمانی رخ می‌دهد که طی آن، روند معمول زندگی بخشی از افراد جامعه از حالت طبیعی خارج شده و حالت بیمارگونه به خود می‌گیرد و وجدان جامعه از این وضعیت، احساس نامطلوب و نگران‌کننده‌ای دارد. مثلاً طلاق در ایران نه تنها از نظر فرهنگی یک آسیب تلقی می‌شود، بلکه به دلیل نرخ بالای آن یک مسئله‌ی اجتماعی نیز هست. یک آسیب اجتماعی وقتی که با فراتر رفتن از یک موقعیت محدود به کل جامعه سرایت کند، به مسئله‌ای اجتماعی تبدیل می‌شود. در این وضعیت، ساختار کلی جامعه به چالش کشیده شده و زمینه‌ی بروز بحران را فراهم می‌آورد. مسئله‌ی اجتماعی می‌تواند زمینه‌ی وقوع آسیب‌های اجتماعی را فراهم کند، ولی الزاماً همیشه معادل آسیب اجتماعی نیست. هر مسئله‌ی اجتماعی ۱ هم به عنوان یک مشکل فردی و هم یک معضل اجتماعی تلقی می‌شود و عوامل فراوانی در ارتباط متقابل با یکدیگر، منجر به پیدایش و گسترش آن می‌شوند. «به طور معمول، مسائل اجتماعی به عنوان وضعیت‌های اجتماعی تصور می‌شوند که تعداد زیادی از مشاهده‌گران آنها را نامناسب و نیازمند به اصلاح می‌دانند» (Kendall, 2018) و برخی هم، مؤلفه‌های مسئله‌ی اجتماعی را «رنج‌آوری،

نامطلوبیت شرایط، مدعاسازی، کنش چاره اندیشانه، وجود گروه اقدام و اراده‌ی حل مسئله» می‌دانند (Horsfall, 2018). بر این اساس، می‌توان گفت که هر کدام از جوامع انسانی بنا به شرایط و وضعیت خاص خویش با مسائلی مواجه‌اند که عمدتاً ریشه در ساختارها و عملکرد نهادها و نیز ارتباط آنها با سایر جوامع دارد. لذا هر کدام از این جوامع بنا به وضعیت اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و اقتصادی خاص خویش با اشکالی از مسائل اجتماعی روبرو می‌شوند که نیازمند بررسی دقیق و علمی آنها هستند. به دلیل برهم‌کنش و هم‌افزایی انواع مسائل اجتماعی در عرصه‌های واقعی حیات اجتماعی و روابط پیدا و پنهان این مسائل با یکدیگر و نقشی که متراکم و تلنبار شدن آنها در گسترش و وخیم شدن آثار و پیامدهایشان برای جامعه دارد، بررسی و شناخت آنها ضروری است. زیرا خسارت وارده بر پیکر جامعه و نهادهای آن از جانب آسیب‌ها و مسائل اجتماعی، نظام اجتماعی را در سطوح کلان با کژکارکردی و ناتوانی در ایفای نقش‌های اصلی خود مواجه ساخته و در سطح خرد نیز افزایش نگرانی‌های عمومی کنشگران اجتماعی را به همراه دارد. تداوم، ماندگاری فرساینده، تعاطی و هم‌آیندی مسائل اجتماعی در یک جامعه، هم موجب فرسایش روانی و کاهش اعتماد به نفس افراد می‌شود و هم تخریب اعتماد اجتماعی به سازمان‌های اجتماعی و نهادهای هدایت‌گر جامعه را در پی دارد و اوضاع جامعه را با بحران اجتماعی روبرو می‌سازد. چنانکه نتایج پیمایش‌های ملی، عناوین فراخوان همایش‌ها، گزارشات سازمان‌های اجرایی، برداشت عمومی جامعه و ... نشان می‌دهند که جامعه‌ی ایران از لحاظ وجود، گستره و تعدد مسائل و آسیب‌های اجتماعی در وضعیت مناسبی قرار ندارد و شرایط موجود زمینه‌های مناسبی را برای بروز، بازتولید و شیوع آسیب‌های اجتماعی فراهم می‌کند. استان ایلام نیز به عنوان یکی از استان‌های محروم و غیربرخوردار کشور به دلیل «ویژگی‌هایی نظیر ساخت جمعیتی جوان و وضعیت خاص جغرافیایی منزوی و مرزی بودن» (فیض‌اللهی & بخارایی، ۱۳۹۷) و تجربه‌ی تخریب زیرساخت‌های آن در جریان جنگ تحمیلی عراق علیه ایران با مسائل اجتماعی متعددی دست به گریبان است. محرز است که وجود و تعدد مسائل

اجتماعی، بر سر راه توسعه‌ی جامعه مانع ایجاد می‌نماید. کمبودها و نارسایی‌های عینی موجود در جامعه‌ی مورد مطالعه در حوزه‌های گوناگون، انعکاس پر دامنه‌ی مسائل استان در مطبوعات و رسانه‌های محلی، مجامع عمومی و برگزاری همایش‌های مختلف توسط دستگاه‌های مختلف در سالهای اخیر در استان بیانگر وجود، بروز و بر ساخت مسائل اجتماعی در استان است که خود را در قالب ادعاها، گفتمان‌ها و افکار عمومی جامعه نشان می‌دهد. البته در ایلام همچون سایر نقاط کشور، سازمان‌های مختلف در حوزه‌های مختلف اجتماعی فعالیت نموده و بخشی از منابع و بودجه‌های آنها صرف مقابله با مسائل و آسیب‌های اجتماعی می‌شود. اما علیرغم تلاش سازمان‌های مرتبط، نرخ بسیاری از این آسیب‌ها نه تنها کاهش نیافته بلکه سیر صعودی به خود گرفته‌اند. شاید بتوان حلقه‌ی مفقوده‌ی این ناکارآمدی را عدم شناخت صحیحی از مسائل اجتماعی استان و نیز فقدان اولویت‌بندی آنها دانست. برخی از سازمان‌های متولی پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی، تمامی توجه خود را بر تعداد معدودی از آسیب‌ها متمرکز نموده و احتمالاً شناخت مناسبی از آسیب‌ها و مسائل اصلی استان ندارند. از این رو فراوانی، تعدد، تنوع و گستردگی مسائل اجتماعی در استان و فقدان اجماع مدیران و متخصصان بر روی مسائل اجتماعی به طور کلی، و در مورد اولویت‌بندی بررسی آنها و فوریت مداخله و ارائه‌ی راه‌حل و تدوین برنامه‌ی مقابله‌ای به طور خاص، ضرورت انجام چنین تحقیقی را آشکار می‌سازد. بر این اساس شناسایی و اولویت‌بندی مسائل اجتماعی در استان کمک شایانی به تحقق برنامه‌ریزی صحیح در مقابله با مسائل اجتماعی و جلوگیری از اتلاف منابع خواهد داشت و ضرورت اجرای این پژوهش را موجه می‌سازد.

۱. اهداف و سؤالات پژوهش

هدف این تحقیق، شناسایی مهم‌ترین مسائل و آسیب‌های اجتماعی استان، تعیین اولویت و تعیین سطح تحلیلی آنهاست. در همین راستا، مطالعه‌ی حاضر حول چند سؤال محوری تنظیم شده است:

مهم‌ترین مسائل و آسیب‌های اجتماعی استان ایلام کدامند؟

کدام دسته از مسائل و آسیب‌های اجتماعی، اولویت بیشتری جهت حل شدن دارند؟

مسائل و آسیب‌های اجتماعی در استان بر اساس سطوح تحلیلی کلان، میانه و خرد در چه وضعیتی هستند؟

۲. پیشینه‌ی پژوهش

(معمدی، ۱۳۸۶) در مطالعه‌ای دریافت که بیکاری، اعتیاد، فقر، طلاق، خانواده نابسامان، سرقت، رشوه‌خواری، فحشا، ناهنجاری‌های آموزشی و دختران فراری، آسیب‌ها و مسائل اجتماعی دارای اولویت در ایران هستند. در پیمایشی ملی (تاجیک، ۱۳۸۶)، مسائل اجتماعی دارای اهمیت؛ اختلاف و چند دستگی در جامعه، پارتی بازی، اعتیاد، تبعیض، طلاق، بیکاری، ناامنی، بی‌توجهی به دین، گرانی، دزدی و کلاهبرداری بوده است. از نظر (رفیعی، مدنی قهفرخی، & وامقی، ۱۳۸۷)، اعتیاد، بیکاری، خشونت، بی‌اعتمادی اجتماعی، فقر اقتصادی، فساد، تبعیض اجتماعی، افزایش میزان جرایم، معضل ترافیک و عدم رعایت حقوق شهروندی، مشکلات در اولویت هستند. (یوسفی & اکبری، ۱۳۹۰) در مطالعه‌ای دریافتند که مسائل اقتصادی دارای بالاترین اهمیت و اولویت برای افراد جامعه‌ی ایرانی هستند. نتایج پیمایش (وزارت کشور، ۱۳۹۴)، بیانگر کم تا متوسط بودن انواع سرمایه اجتماعی، اعتماد اجتماعی، عام‌گرایی، عدالت، برابری و نیز ارزیابی بالا بودن رفتارهای منفی در بین مسئولان استان بوده است. (نایبی & لطفی خاچکی، ۱۳۹۴) نشان داده‌اند که در استان‌هایی که پیوندها و روابط خویشاوندی رو به سستی می‌نهد، آسیب‌های اجتماعی بیشتری گریبان‌گیر آن منطقه می‌شود. گزارش (مجلس شورای اسلامی، ۱۳۹۵)، نشان می‌دهد که پرخاشگری، خشونت و جنایت، خودکشی، اعتیاد و قاچاق مواد مخدر، روسپیگری، جرائم مالی، اقتصادی و سرقت نمونه‌هایی از آسیب‌های اجتماعی ایران امروز هستند. (کاظمی & محمودی، ۱۳۹۵) در تحقیقی نشان دادند که استان ایلام با نرخ ۳۵٫۸ درصد جزو سه استان دارای نرخ مشارکت پایین است. (حبیبی، عیوضی، & معظمی گودرزی، ۱۳۹۶) در مطالعه‌ی «مسئله‌شناسی فرهنگی ایران» نشان داده‌اند که

مدیریت ناکارآمد فرهنگی، تزلزل نهاد خانواده و دروغ‌گویی از مهم‌ترین مسائل کشورند.

تحقیقات بررسی شده فوق‌عمدتاً حاصل تحلیل ثانویه‌ی مقالات یا بخشی از نتایج پیمایش‌هایی بوده‌اند که کانون اصلی بررسی آنها مسائل اجتماعی نبوده است، اما در تحقیق حاضر اطلاعات ارائه شده محصول یک مطالعه میدانی با استفاده از روش دلفی و مصاحبه با صاحب‌نظران و مدیران استان بوده است که در نوع خود دارای ارزش علمی است.

۳. مبانی نظری

تعریف مسئله‌ی اجتماعی، همچون سایر مفاهیم علوم اجتماعی با دشواری‌هایی نظیر دیدگاه نظری پژوهشگر و تفاوت در تعاریف مسئله از منظر پارادایم‌های مختلف علمی مواجه است. از سوی دیگر، اینکه چه چیزی به عنوان مسئله‌ی اجتماعی، تعیین و یا تعریف شود نیز با دشواری مواجه است. مثلاً تعریف و تعیین یک موضوع به عنوان مصداق مسئله‌ی اجتماعی ممکن است از دیدگاه گروه‌های مختلف سیاسی و اجتماعی یا نخبگان حوزه‌های مختلف در معرض مناقشه قرار گیرد و چیزی را که یک گروه مسئله می‌داند، گروهی دیگر، نظری بر خلاف آن داشته باشد و وقتی که هر گروه تعریفی خاص و متفاوت از مسئله‌ی اجتماعی ارائه کند، امکان توافق بر سر راه حل‌ها هم دشواری خاص خود را خواهد داشت. زیرا، «مردم، مسائل را به شیوه‌های متفاوتی می‌بینند» (Rowmire, 2001). چنانکه در مباحثه‌ها و مناقشه‌های جاری چند سال اخیر در بین گروه‌های سیاسی در جامعه‌ی خودمان، دولت و برخی از گروه‌های سیاسی، معاهده‌ی برجام را راه حلی برای فائق آمدن بر مشکلات اقتصادی کنونی و گروهی دیگر، خود برجام را مسئله تلقی می‌کنند و از همین روست که می‌توان گفت که راه حل یک فرد یا گروه ممکن است، برای فرد یا گروه دیگری مسئله باشد و حتی یک راه حل ممکن است، خودش تبدیل به مسئله‌ی دیگری شود. همچنین، برخی دیگر بر آنند که مسائل اجتماعی، پدیده‌های اجتماعی‌ای هستند که مانع تغییر در یک وضعیت خاص در جهت رسیدن به یک وضعیت مطلوب، هم از نظر ساختاری و هم به لحاظ کنشی

می‌شوند و مانع تحقق اهداف و نیز تهدید کننده‌ی ارزش‌ها و کمال مطلوب آنها می‌شوند. در جامعه‌شناسی هر رویکردی، مبتنی بر مفروضه‌هایی در مورد نحوه‌ی عملکرد جامعه و جهت‌گیری‌های ترجیحی جهت حل مسائل اجتماعی است. این رویکردها را می‌توان به لنزهای مختلف دوربین‌های عکس‌برداری تشبیه کرد که هر کدام پرتوی خاص و یکتایی از واقعیت واحدی را ارائه می‌دهند و با وجود تفاوت‌های عمده‌ای که در نحوه‌ی ارائه‌ی واقعیت دارند، اما همه آنها تنها روی همان موضوع از مناظر مختلفی تمرکز می‌کنند و از همین روی جهت‌گیری‌های کلان و خرد، ابزارهای تحلیلی معتبری برای تحلیل نمودن همان مسئله اجتماعی یا مسائل مشابه هستند و به همین منظور، می‌توان عصاره‌ی دیدگاه‌های جامعه‌شناسی نسبت به مسئله اجتماعی را در جدول زیر نشان داد. چنانکه اطلاعات جدول ۱ نشان می‌دهد، در حوزه‌ی جامعه‌شناسی، رویکردهای متعددی نسبت به علت، راه حل و حتی مصادیق مسائل اجتماعی وجود دارد که به طور خلاصه مطرح شده‌اند.

جدول ۱. خلاصه‌ی مقایسه‌ای رویکردهای نظری در مورد مسائل اجتماعی

نظریه	علت مسائل اجتماعی	راه حلها	نظریه پردازان
رویکرد بی‌سازمانی	تغییرات اجتماعی ناشی از مهاجرت، شهرنشینی و تکنولوژی	کاستن از سرعت تغییرات، بازتعادل بخشی به نظام اجتماعی	آگبرن، کولی، تامس و زنانیکی، پارک
کارکردگرایی ساختاری ^(۱)	تغییر اجتماعی سریع، بی‌سازمانی اجتماعی که هماهنگی و تعادل نظام اجتماعی را از هم می‌گسلد، جامعه‌پذیری ناکافی و نهادهای ضعیف	جامعه‌پذیری مناسب و مطمئن، پرورش یک حس جمعی قوی از درست و نادرست	پارسونز
رویکرد کج‌رفتاری ^(۲)	جامعه‌پذیری نامتناسب، فرصت اندک برای دستیابی به اهداف مشروع، احساس فشار	ساختار باز فرصتها برای همگان، کاهش تماس گروه اولیه مهم با الگوهای رفتاری نامشروع	مرتین، کوهن، کلیوارد و اوهلین، ساترلند
نظریه‌ی تضاد	نابرابری؛ سلطه‌ی گروه‌هایی از افراد بر گروه‌های دیگری از مردم، ستم و استثمار، رقابت بین گروه‌ها. نابرابری طبقاتی (مارکسیسم)، نژادی (چندفرهنگ‌گرایی) و جنسیت (فمینیسم)	به حداقل رساندن رقابت؛ ایجاد یک نظام منصف برای توزیع منابع.	مارکس، انگلس، فمینیستها
رویکرد تضاد ارزشها ^(۳)	تضاد ارزشها یا منافع	توافق، معامله و زور	فولر و مایرز، فرانک
رویکرد انتقادی	شکل سازمان اجتماعی جامعه‌ی	اصلاح یا انقلاب جهت ایجاد	ریچارد کوبینی، اولین

نظریه	علت مسائل اجتماعی	راه حلها	نظریه پردازان
	سرمایه‌داری موجد دامنه‌ی وسیعی از مسائل اجتماعی است. نظام سلطه‌ی طبقاتی مسئله‌ی اجتماعی جرم را ایجاد و حفظ می‌کند.	جامعه بی طبقه	رید
تعامل‌گرایی نمادین (۴)	تفاسیر متفاوت از نقشها؛ برچسب‌زنی افراد، گروه‌ها یا رفتارها به عنوان منحرف؛ تعریف یک وضعیت عینی به عنوان یک مسئله‌ی اجتماعی، توجه مردم یا عوامل کنترل اجتماعی به یک موضوع. فعالیت‌های تعریف مسئله که مردم به هنگام تلاش برای جبران ناراضی‌تی خود بدانها مشغولند. ادعاسازی، مطالبه، شکایت و تعامل بین شاکیان و پاسخگویان به مطالبات آنها	کاهش تأثیر برچسب‌زنی و بدنام‌سازی مربوطه؛ اصلاح تعاریف آنچه که بعنوان مسئله‌ی اجتماعی تعریف شده است و از بین رفتن سود انگ زنها.	مید، شوترز، بلومر، لمرت، بکر، چمبلیس
برساخت‌گرایی اجتماعی (۵)		راه حل ارائه نمی‌دهد و آن را در گروه تحقیق می‌داند.	کیسوز، اسپکتور، بست

(تلفیق با اقتباس از: (Mooney, Knox, & Schacht, 2016)، (Parillo, 2005)، (رایینگتن & واینبرگ، ۱۳۸۳)، (Macionis, 2012)، (Eitzen, Zinn, & Smith, 2012)

۳-۱. جمع‌بندی مبانی نظری

به طور خاص در این تحقیق، مسئله‌ی اجتماعی به هر گونه وضعیت یا موقعیتی اشاره دارد که خبرگان و متخصصان مورد پرسش (اعضای دلفی)، از آن رو که آن وضعیت به زندگی مردم لطمه می‌زند یا انتخاب‌هایشان را محدود می‌نماید، آن را به عنوان مسئله‌ای اجتماعی تعیین کرده باشند و این امر حکایت از اتخاذ دیدگاه برساخت‌گرایی اجتماعی برای تعریف مسئله‌ی اجتماعی در این پژوهش دارد. از این روی، از دیدگاهی برساخت‌گرایانه، وجود یک مسئله براساس نوع نگاه و برخورد افراد ساخته می‌شود. البته چگونگی این تعریف و خصوصاً کسانی که تعریف را ارائه می‌دهند، «در ارزیابی یک موضوع خاص، در موقعیت خاص و تبدیل آن به مسئله‌ی اجتماعی از طریق ادعاسازی^۱ نقش مهمی دارد» (Best, 2017). به عبارتی، دیدگاه برساخت‌گرایی اجتماعی بر آن است که واقعیت اجتماعی، متکی بر تعابیر کنشگران، برساختن و تفسیر فعالیت‌های جمعی آنهاست و احتمال از جامعه نیز، چنین تعبیری دارند. لذا ادعاسازی، مطالبه، شکایت و همچنین فعالیت‌های تعریف مسئله را در معرفی، شناساندن و برساخت مسئله‌ی

1. claims making

اجتماعی مهم می‌دانند و منشاء مسئله‌مند شدن و مسئله تلقی شدن یک موضوع را در گرو چنین فعالیتی می‌دانند و مسئله اجتماعی را وضعیت‌هایی می‌دانند که به لحاظ اجتماعی، «پر دردسر و قابل تغییر یا نیازمند تغییر» (رابینگتن & واینبرگ، ۱۳۸۳) تعریف شده‌اند. به طور کلی، رویکرد برساخت‌گرایی اظهار می‌دارد که مسائل اجتماعی مبنای ذهنی دارند و قضاوت‌های افراد در مورد جهان اجتماعی خودشان را بازتاب می‌دهند. در این تحقیق، به تأسی از دیدگاه برساخت‌گرایی، مسائل اجتماعی به عنوان وضعیت‌های اجتماعی‌ای تلقی می‌شوند که تعداد زیادی از مشاهده‌گران و متخصصان مورد پرسش (اعضای دلفی) آنها را نامناسب و نیازمند به اصلاح می‌دانند یا اصطلاحاً به عنوان مسئله‌ی اجتماعی برساخت نموده‌اند. لذا، مسئله‌ی اجتماعی برآمده از ادراک و فهم متخصصان و خبرگان مورد پرسش در جریان این تحقیق از مسئله‌مند بودن یک وضعیت خاص است و علاوه بر بهره بردن از مؤلفه‌های دیدگاه برساخت‌گرایی، برای شناسایی و مسئله تلقی کردن این موضوعات، از معیارهای دیگری نیز در جریان تعیین اولویت مسائل اجتماعی استفاده شده است.^(۱)

۴. روش‌شناسی تحقیق

تحقیق حاضر از نوع مطالعات کیفی است و از نظر هدف در حیطه‌ی مطالعات اکتشافی^۱ دسته‌بندی می‌شود که با استفاده از تکنیک دلفی^۲ انجام شده است. انتخاب این روش در این مطالعه مبتنی بر دلایلی است که شایسته‌ی توضیح‌اند؛ روش دلفی نوعی مصاحبه‌ی گروهی بسیار ساختاریافته است که با هدف به دست آوردن پاسخ‌هایی متکی بر اجماع گروهی از متخصصان، مورد استفاده قرار می‌گیرد. تکنیک دلفی، عمدتاً در جایی که پیچیدگی و تحقیقات گذشته اندکی وجود دارد، مورد استفاده قرار می‌گیرد (Story, Hurdley, Smith, & Saker, 2000). در این روش، با هدف دستیابی به اجماع بین گروه از یک فرایند پرسشنامه‌ای چند مرحله‌ای استفاده شده است. چهار ویژگی کلیدی روش دلفی عبارتند از: »

1. Exploration

2. Delphi's Technique

گمنامی، تکرار، کنترل نمودن بازخورد، و تجمیع آماری پاسخهای گروه» (Rowe & Wright, 1999).

در اولین مرحله با استفاده از پرسشهای باز پاسخ، قضاوت‌های خبرگان منتخب گردآوری شده و پس از استخراج داده‌ها بر اساس نظرات خبرگان، پرسشنامه‌ای بسته پاسخ، طراحی و برای پاسخگویان ارسال گردید. در هر بار تکرار، بازخورد^۱ کنترل شده‌ای ارائه گردید که اعضا از نظرات همکاران ناشناس خود مطلع شدند. بازخوردها تحت عنوان محاسبه‌ی ضریب توافق یا اجماع خبرگان توسط پرسشنامه‌ی پالایش شده‌ی بسته پاسخ ارسال می‌شد. بدین ترتیب، «گمنامی» و «بازخورد نظرات» دو عنصر ضروری در روش دلفی تلقی می‌گردند. یکی از مزایای این روش این است که کارشناسان و متخصصان، زمانی که به واسطه‌ی دلایلی قانع‌کننده به اشتباه بودن نظر خود پی بردند، بدون از دست دادن اعتبار و وجهه‌شان می‌توانند در نظرات خود تجدیدنظر نمایند (قدیری & ناظمی، ۱۳۸۵). برای ارزیابی کیفیت تحقیق از تکنیک‌های اعتبار پاسخگو و غوطه‌وری محقق برای اعتمادپذیری و از اجماع خبرگان برای پایایی استفاده شد. برای انتخاب اعضای دلفی با استفاده از روش نمونه‌گیری گلوله برفی^۲ به تهیه‌ی فهرستی ۱۳۷ نفره از افراد صاحب‌نظر اقدام شد و نمونه‌ای ۵۵ نفری انتخاب شد که ۴۷ نفر پرسش‌نامه‌ی اولیه را تکمیل و عودت دادند. در پرسش‌نامه دوم، معیارها و مسائل اجتماعی در قالب طیف ۵ سطحی لیکرت در اختیار مشارکت‌کنندگان قرار گرفت. داده‌ها با استفاده از نرم‌افزار spss تحلیل شده و اولویت‌بندی معیارها و مسائل اجتماعی با توضیحات کامل در اختیار مشارکت‌کنندگان گذاشته شد. در این مرحله نیز تعداد ۴۳ پرسش‌نامه جمع‌آوری شد، ولی اطلاعات ۴۰ پرسش‌نامه استخراج گردید. اطلاعات حاصل از پرسش‌نامه سوم نیز با کمک نرم‌افزار spss تحلیل و اولویت‌بندی شده است.

1. feedback

2. Snowball Sampling Method

۴-۱. روش تجزیه و تحلیل داده‌ها

در پژوهش حاضر، جهت پردازش داده‌ها از آمار توصیفی، شامل محاسبه شاخص‌های مرکزی و پراکندگی استفاده شد و برای محاسبه‌ی میانگین رتبه‌ی مسائل و آسیب‌های اجتماعی از آزمون دلیو کندانال^۱ استفاده شد که به عنوان یک ضریب توافق، به سنجش میزان توافق رتبه‌ها در بین مشارکت‌کنندگان می‌پردازد. نتایج آزمون دلیو کندانال، به ما نشان می‌دهد که تفاوت در میانگین رتبه‌ها معنادار است یا خیر؟ و علاوه بر معناداری، رتبه‌بندی را نیز انجام می‌دهد.

۵. یافته‌های پژوهش

چنانکه پیشتر اشاره شد، پرسش‌نامه‌ای در دو بخش جداگانه، شامل انتخاب معیارهای تعیین مسئله و نیز بخش شناسایی مسائل اجتماعی در اختیار اعضای دلفی قرار داده شد تا در مقابل هر معیار، اهمیت آن را در تعیین مسائل اجتماعی در قالب طیفی پنج سطحی از بسیار کم تا بسیار زیاد ارزش‌گذاری کنند. از بین معیارهای متعدد مطرح شده در این تحقیق، بر اساس نمرات میانگین و آزمون فریدمن رتبه‌بندی به عمل آمد که تعداد، ۱۸ معیار، شامل همخوانی با نتایج مطالعات پیشین، حساسیت مردم، حساسیت مدیران، میزان شیوع، میزان تأثیر بر سایر آسیبها، میزان استمرار، میزان تأثیرگذاری، مداخله‌پذیر بودن، مغایرت با مقررات جاری، ناهمخوانی با هنجارهای جامعه، پذیرش کارشناسان، مقایسه‌پذیری، ماندگاری نتایج، وجود اطلاعات، میزان بروز سالانه، فوریت اقدام برای حل شدن، مغایرت با امنیت عمومی و تأثیر بر روند توسعه، بالاترین درصدها را به خود اختصاص داده و برای شناسایی مسائل و آسیب‌های اجتماعی مورد استفاده قرار گرفته‌اند. لذا، بر اساس معیارهای ۱۸ گانه‌ی حاصل از نظرخواهی از اعضای دلفی، ۸۰ مسئله و آسیب اجتماعی شناسایی گردید که پس از محاسبه‌ی درصدها و نمرات میانگین، انتخاب شده و در جدول ذیل نشان داده شده‌اند.

1. Kendall's W Ranks

جدول ۲. مسائل اجتماعی مستخرج از مرحله‌ی اول (به ترتیب درصد از نظر پاسخگویان)

درصد	آسیب	درصد	آسیب	درصد	آسیب
۶	کاهش گفتگو در خانواده	۱۴	احساس تبعیض و بی‌عدالتی	۷۱	اعتیاد به مواد مخدر
۶	افزایش صیغه موقت	۱۴	کیفیت پایین نان	۶۰	طلاق و بالا بودن نرخ رشد آن
۶	مزاحمت‌های خیابانی	۱۴	وجود فاصله طبقاتی زیاد	۵۴	بیکاری تحصیل‌کردگان
۶	کاهش احساس امنیت اجتماعی	۱۴	افزایش زنان سرپرست خانوار	۵۴	نزاع‌های فردی و جمعی
۶	الواطی‌گری	۱۴	فقدان امکانات گذران اوقات فراغت	۵۴	خشونت، پرخاشگری و وندالیسم
۳	اختلافات درون خانوادگی	۱۱	گران‌فروشی و عدم نظارت	۴۳	خودکشی
۳	کم‌توجهی به قوانین رانندگی	۱۱	کم‌توجهی خانواده‌ها به بعد تربیتی	۴۳	تخلفات و جرائم رانندگی
۳	فرار از منزل	۱۱	رانت‌خواری	۴۰	بی‌تفاوتی اجتماعی
۳	رقابت شدید در مال‌اندوزی	۱۱	آشفته‌گی کانون خانواده	۳۴	کاهش میزان اعتماد اجتماعی
۳	تهیه و مصرف مشروبات الکلی	۱۱	میزان بالای تصادفات رانندگی	۳۴	سطح پایین مدارای اجتماعی
۳	تنزل ایثار و روحیه‌ی ایثارگری	۱۱	کودکان کار و خیابانی	۳۱	قانون‌گریزی
۳	دستیابی به موفقیت بدون تلاش	۱۱	قانون‌گریزی	۳۱	فقر و مشکلات معیشتی
۳	احساس کاذب فقر و نداری	۱۱	شیوع روابط غیرشرعی بین جوانان	۳۱	تورم و کاهش قدرت خرید
۳	ازدواج‌های اتفاقی و بدون شناخت	۱۱	میزان مصرف سیگار و قلیان	۲۹	رابطه‌گرایی (پارتی‌بازی)
۳	مهریه‌ی بالا	۹	کودک‌آزاری	۲۹	فردگرایی منفی
۳	نامطلوب بودن سامان شهری	۹	قتل و دگرکشی	۲۶	انحرافات جنسی
۳	تکدی‌گری	۹	اختلاس‌های دولتی	۲۶	مهاجرت درون و برون استانی
۳	کاهش جمعیت و فرزندآوری	۹	کاهش خودبیاوری عمومی	۲۱	تبلی، بیکاری و ولگردی
۳	همبازی(ازدواج سفید)	۹	تجسس در حریم خصوصی افراد	۲۰	انواع سرقت
۳	فقدان تأمین اجتماعی مناسب	۹	کودک همسری	۲۰	نازل بودن اعتماد نهادی
۳	تمایل به تغییر جنسیت در دختران	۹	همسرآزاری	۲۰	فرسایش سرمایه اجتماعی
۳	ضعف جامعه مدنی	۹	اوباشگری (عربده‌کشی)	۱۷	رشوه‌خواری و رشوه‌گیری
۳	پایین بودن میزان نظم اجتماعی	۹	چاقوکشی و قمه‌کشی	۱۷	حاشیه‌نشینی و سکونت غیررسمی
۳	ناکارآمدی هنجارهای اجتماعی	۶	پایین بودن میزان توجه به سالمندان	۱۷	شیوع ارتباط فزانشویی
۳	کاهش احساس تعلق اجتماعی	۶	گسترش نارضایتی‌های عمومی	۱۷	اعتیاد به شبکه‌های مجازی
		۶	پایین بودن سطح مهارت زندگی	۱۷	افزایش سن ازدواج و تجرد قطعی
		۶	کلاهبرداری	۱۷	طلاق عاطفی

سوال اول این تحقیق که بایستی بدان پاسخ روشنی داده شود این است که مهم‌ترین مسائل و آسیب‌های اجتماعی ایلام کدامند؟ در پاسخ بدین سؤال چند

مرحله بایستی طی می‌شد تا به پاسخ روشنی برای این سؤال رسید و چنانکه در جدول شماره فوق نشان داده شده، استان ایلام با مسائل و آسیب‌های اجتماعی فراوانی مواجه است. لذا در مرحله دوم، از بین مسائل شناسایی شده بر اساس معیارهای هشت‌گانه، مهم‌ترین مسائل و آسیب‌های اجتماعی که موضوع پاسخ سؤال اول تحقیق است، تعیین شده‌اند و بنا بر این اطلاعات جدول شماره ۳، مسائل و آسیب‌های اجتماعی را که دارای بالاترین میانگین هستند را نشان می‌دهد. این مسائل، حاصل ارزیابی و رتبه‌بندی در مرحله دوم دلفی و بر اساس ۸ معیار، منتخب توسط اعضای دلفی بوده‌اند که بر اساس نمرات میانگین و آزمون فریدمن از هر دوی معیارها و مسائل اجتماعی، رتبه‌بندی به عمل آمده است. این معیارها شامل میزان شیوع، میزان تأثیرگذاری، تأثیر بر سایر آسیب‌ها، میزان استمرار، تأثیر بر روند توسعه، مداخله‌پذیر بودن، حساسیت مردم و فوریت اقدام برای حل شدن هستند. لذا بر اساس معیارهای فوق و نمره میانگین و مطابق رتبه‌ها، ۳۰ مسئله اجتماعی مهم و دارای اولویت احصاء شده است.

جدول ۳. نمره‌ی میانگین و رتبه مهم‌ترین مسائل و آسیب‌های اجتماعی بر اساس معیارهای ۸ گانه در

مرحله‌ی دوم

رتبه	میانگین	مسئله اجتماعی	رتبه	میانگین	مسئله اجتماعی
۱	۶۸,۲۲	بیکاری تحصیل کرده‌ها	۱۶	۵۲,۵۴	قانون‌گریزی
۲	۶۳,۹۵	تورم و کاهش قدرت خرید مردم	۱۷	۵۲,۴۱	نزول میزان اعتماد اجتماعی
۳	۶۳,۶۹	رابطه‌گرایی (پارتی‌بازی)	۱۸	۵۲,۰۳	مهاجرت درون استانی و برون استانی
۴	۶۳,۲۰	اعتماد به مواد مخدر سنتی و صنعتی	۱۹	۵۱,۷۸	فرسایش سرمایه اجتماعی
۵	۶۱,۹۵	خشونت علیه خود(خودکشی)	۲۰	۵۱,۶۱	تبلی، بیگاری و ولگردی
۶	۵۹,۵۶	گران‌فروشی و نبود نظارت	۲۱	۵۰,۰۶	فردگرایی منفی
۷	۵۹,۰۶	فقر و مشکلات معیشتی	۲۲	۴۹,۶۴	رشوه‌خواری و رشوه‌گیری
۸	۵۸,۸۶	بی‌تفاوتی اجتماعی	۲۳	۴۸,۷۱	قانون‌گریزی
۹	۵۸,۱۱	نزاع‌های فردی و جمعی	۲۴	۴۸,۳	فقدان امکانات گذران اوقات فراغت
۱۰	۵۷,۸۳	طلاق و بالا بودن نرخ رشد آن	۲۵	۴۷,۶۸	حاشیه‌نشینی و سکونت غیررسمی
۱۱	۵۵,۸۹	پایین بودن تحمل و مدارا در بین مردم	۲۶	۴۶,۶۹	گسترش نارضایتی‌های عمومی
۱۲	۵۵,۶۹	خشونت، پرخاشگری و وندالیسم	۲۷	۴۶,۶۳	رانت‌خواری و سوءاستفاده از بیت‌المال
۱۳	۵۳,۶۴	احساس تبعیض و بی‌عدالتی	۲۸	۴۶,۵۹	اعتیاد به شبکه‌های مجازی
۱۴	۵۲,۷۸	نازل بودن اعتماد نهادی	۲۹	۴۶,۱۹	میزان مصرف سیگار و قلیان
۱۵	۵۲,۵۸	افزایش سن ازدواج و تجرد قطعی	۳۰	۴۵,۶	پایین بودن سطح مهارت‌های زندگی

بر اساس اطلاعات جدول ۳، انواعی از مسائل اجتماعی با صبغه‌ی فرهنگی، اقتصادی و ... شناسایی شده‌اند که بیشترین توافق بر روی مسائلی همچون معضلات اقتصادی، اعتیاد، انواع خشونت، فرسایش انواع اعتماد و سرمایه اجتماعی و از این قبیل پدیده‌های رفتاری در سطح فردی یا جمعی بوده است که نشانگر وجود مسائل و آسیب‌های اجتماعی متعددی در حوزه‌های مختلف اجتماعی اقتصادی، سیاسی و فرهنگی در استان است.

جدول ۴. آمارهای مربوط به ۱۵ مسئله‌ی اجتماعی دارای اولویت، مرحله سوم

مسئله	فراوانی	میانگین	انحراف استاندارد	حداقل	حداکثر	میانگین کنдал
فقر	۴۰	۴,۵۳۱۳	/۴۶۹۲۰	۳,۳۸	۵,۰۰	۱۲,۲۵
تورم و تنگنای معیشتی	۴۰	۴,۵۳۷۵	/۴۹۵۳۳	۳,۰۰	۵,۰۰	۱۲,۰۸
بیکاری تحصیل کرده‌ها	۴۰	۴,۵۲۵۰	/۴۰۴۵۰	۳,۶۳	۵,۰۰	۱۱,۹۴
هتجاشدن رابطه‌گرایی(پارتی‌بازی)	۴۰	۴,۲۴۰۶	/۵۷۲۰۴	۲,۸۸	۵,۰۰	۹,۹۰
نازل بودن اعتماد نهادی (اعتمادپایین به سازمانها)	۴۰	۴,۲۸۴۴	/۵۹۳۷۶	۳,۰۰	۵,۰۰	۹,۸۴
فردگرایی منفی و منفعت طلبی	۴۰	۴,۱۷۸۱	/۶۵۶۵۱	۲,۵۰	۵,۰۰	۹,۷۵
احساس تبعیض و بی‌عدالتی	۴۰	۴,۲۵۳۱	/۵۳۶۹۸	۳,۱۳	۵,۰۰	۹,۷۴
اعتیاد به مواد مخدر	۴۰	۳,۸۹۳۷	//۸۰۰۴۲	۲,۶۳	۵,۰۰	۶,۸۸
بی‌تفاوتی اجتماعی	۴۰	۳,۸۱۵۶	/۵۳۸۵۷	۲,۵۰	۴,۷۵	۶,۶۵
بالارفتن سن ازدواج و تچرد	۴۰	۳,۷۲۸۱	/۷۴۷۸۰	۱,۰۰	۵,۰۰	۶,۳۵
سطح پایین مدارای اجتماعی	۴۰	۳,۷۳۱۳	/۶۳۰۷۷	۲,۷۵	۴,۸۸	۵,۶۰
خودکشی	۴۰	۳,۶۷۸۱	/۷۲۱۶۳	۲,۰۰	۵,۰۰	۵,۵۸
خشم خیابانی	۴۰	۳,۶۳۴۴	/۶۴۸۲۱	۲,۰۰	۵,۰۰	۵,۳۹
میزان بالای طلاق	۴۰	۳,۵۸۱۳	/۷۷۷۰۵	۱,۰۰	۴,۷۵	۴,۸۱
نزاع‌های جمعی	۴۰	۳,۳۰۳۱	/۶۲۰۷۵	۱,۸۸	۴,۷۵	۳,۲۶

در پاسخ به سؤال دوم، مبنی بر اینکه کدام دسته از مسائل و آسیب‌های اجتماعی اولویت بیشتری جهت حل شدن دارند و مطابق هدف تحقیق، در مرحله سوم بر اساس خواسته‌ی دستگاه اجرایی، تعدادی از مسائل اجتماعی که بر اساس میانگین نمرات حاصل از پرسش‌نامه‌ی دوم، مشخص شده بودند بر اساس ۳ معیار برگزیده‌ی اعضای دلفی شامل «میزان اثرگذاری و پیامد، میزان استمرار و تداوم، فوریت حل شدن» ارزیابی شده‌اند تا مهم‌ترین مسائل اجتماعی دارای اولویت برای حل شدن، تعیین و اولویت‌بندی شوند. در این مرحله برای تعیین نهایی

اینگونه از مسائل اجتماعی، از آزمون کندال استفاده شد. نتایج حاصل از تلخیص، جمع‌بندی و رتبه‌بندی ۱۵ مسئله‌ی اول و در اولویت استان، جهت تصمیم‌گیری و برنامه‌ریزی براساس فوریت داشتن حل آنها در قالب جدول شماره‌ی ۴ عرضه شده است. اطلاعات جدول فوق نشان می‌دهد که از نظر پاسخگویان، مسائل اقتصادی دارای بالاترین اولویت بوده‌اند. فقر، تورم، تنگنای معیشتی و نیز بیکاری تحصیل‌کردگان از مهم‌ترین مشکلات مردم هستند. بدیهی است تا زمانی که مسائل مربوط به معیشت و بقاء دغدغه‌ی اصلی مردم است و مردم در تلاش برای رفع تنگنای زندگی روزمره‌ی خود باشند، مسائل فرهنگی و سیاسی در اولویت پایین‌تری قرار دارند و اطلاعات جداول ۴ مؤید آن است.

جدول ۵. سطح تحلیل و واحد تحلیل مسائل منتخب استان

مسائل اجتماعی	سطح تحلیل	واحد تحلیل
رشد فزاینده‌ی طلاق، اعتیاد به مواد مخدر، بالارفتن سن ازدواج و تجرد، فقر، تورم و تنگنای معیشتی، بیکاری تحصیل‌کرده‌ها،	کلان	ساختار
خودکشی ^(۷) ، نزاع‌های جمعی، احساس تبعیض و بی‌عدالتی، نازل بودن اعتماد نهادی(اعتماد پایین به نهادها و سازمانها)، هنجارشکنی(ابطال‌گرایی(پارتی‌بازی) ^(۸) ، بی‌تفاوتی اجتماعی و سطح پایین مدارای اجتماعی	میان	سازمان/ نهاد
فردگرایی منفی، منفعت طلبی و خشم خیابانی	خرد	فرد / گروه

در راستای پاسخ به سؤال سوم مبنی بر اینکه مسائل و آسیب‌های اجتماعی در استان بر اساس سطوح تحلیلی (کلان، میان و خرد) در چه وضعیتی هستند؟ پانزده مسئله‌ی اجتماعی منتخب بر اساس سطوح و واحد تحلیل در جدول ۵ دسته‌بندی شده‌اند. نتایج تحقیق نشان می‌دهد که ریشه‌ی بخشی از مسائل و آسیب‌های اجتماعی استان نظیر اعتیاد، تجرد، تورم، بیکاری و تا حدودی فقر در سطح کلان قرار دارد و عمدتاً، متأثر از ساختار کلان جامعه هستند و کمتر منشاء صرفاً محلی دارند و با روند کلی تحولات و آسیب‌های اجتماعی کل کشور ارتباط دارند و ارائه‌ی هرگونه راه حل برای آنها، منوط به سیاستگذاری عمومی در سطح ملی است و اطلاعات جدول فوق نتایج این سطح‌بندی را نشان می‌دهد.

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

هدف از انجام این مطالعه، شناسایی و اولویت‌بندی مهم‌ترین مسائل و آسیب‌های اجتماعی بوده است و در همین راستا مطالعه‌ی حاضر در دو سطح شناسایی و تعیین اولویت و همچنین تعیین سطح و واحد تحلیل، انجام و سازماندهی شده است. نتایج کدگذاری و استخراج داده‌های حاصل از پرسشنامه‌ی باز پاسخ، منجر به شناسایی ۸۰ مسئله‌ی اجتماعی شده است که با استفاده از پرسشنامه‌ای بسته پاسخ، در مرحله‌ی دوم بر اساس ۸ معیار و در مرحله سوم بر اساس ۳ معیار، نسبت به اولویت‌بندی آنها اقدام شده است.

مسائل اجتماعی مطرح شده در این تحقیق، بیشتر بر ذهنیت، پنداشته‌ها و نظرات متخصصان و مدیران دستگاه‌های اجرایی متکی است و البته به دلیل اشراف مدیران و صاحب‌نظران بر مسائل و روندهای اجتماعی در استان و نیز همخوانی بسیاری از مسائل اجتماعی مزبور با تحقیقات انجام گرفته در استان و نیز میزان هم‌پوشانی این مسائل با اطلاعات استانی پیمایش‌های ملی در سطح بالایی قرار دارد به گونه‌ای که مسائلی نظیر فقر، بیکاری، تورم و گرانی، اعتیاد، احساس تبعیض و بی‌عدالتی، خشونت و قانون‌گریزی در سه پیمایش ملی^(۹) (سرمايه اجتماعی ۱۳۹۲، آسیب‌های اجتماعی ۱۳۹۳ و پیمایش ارزش‌ها و نگرش‌ها، ۱۳۹۴) نیز از جمله مسائل اجتماعی مورد تأکید و نیازمند حل شدن در سطح استان بوده‌اند و در تحقیق حاضر نیز از جمله مسائل مهم مورد تأکید از نظر پاسخگویان در مراحل مختلف دلفی بوده‌اند. همچنین، نتایج تحقیقات پیشین در حوزه‌ی مسائل اجتماعی استان، مؤید مسائل مطرح شده در این تحقیق است. از جمله اینکه تحقیقات مرتبط با خودکشی، «بالاترین میزان شیوع خودکشی را در بین جمعیت مردان استانهای همدان، لرستان و ایلام و در بین زنان نیز بالاترین میزان شیوع آن را در استان ایلام گزارش کرده‌اند» (فیض‌اللهی، ۱۳۸۹) و «روند آمارهای خودکشی در استان همچنان سیر صعودی دارد» (فیض‌اللهی، ۱۳۸۹)، (جمشیدزاده، رفیعی، یاسمی، رحیمی، & اعظم، ۱۳۸۳)، (موسی‌نژاد & باپیری، ۱۳۹۰) و (سفیری & رضایی‌نسب، ۱۳۹۵). در زمینه‌ی اعتیاد نیز نتایج مطالعات مربوطه بیانگر آن است

که اعتیاد در استان دارای روندی تصاعدی بوده و رشد آن در دهه‌ی ۷۰ آغاز و در دهه‌ی ۸۰ سرعت گرفته و نوعی جابجایی از مصرف مواد سنتی به سمت مواد مخدر جدید صنعتی و آشپزخانه‌ای در دهه‌ی ۹۰ رخ داده است» (فیض‌اللهی & باپیری، ۱۳۹۳). همچنین برآورد شده است که درصد معتادان نسبت به کل جمعیت ۱۵ سال به بالای شهرستان حدود ۱۰ درصد است» (دانش، فیض‌اللهی، & حیدری، ۱۳۹۴). همچنین نسبت اعتیاد به جمعیت ۱۵ سال به بالای مردان، رقم ۷/۷ درصد است که بسیار بالاتر از میانگین کشوری و جهانی است» (فیض‌اللهی & باپیری، ۱۳۹۳). همچنین، نرخ بیکاری نیز با «۱۷/۲ درصد و نرخ مشارکت اقتصادی با ۳۵/۸» (مرکز آمار ایران، ۱۳۹۳). همچنین، روند صعودی تعداد طلاقهای ثبت شده در استان قابل ذکر است (سازمان ثبت احوال کشور، ۱۳۹۳). در زمینه‌ی تعداد پرونده‌های جرائم خشن در دادگاه‌های استان در برخی بازه‌های زمانی، رتبه پنجم کشور را داشته است (زارع & زندی لک، ۱۳۹۰)، (فیض‌اللهی، معیدفر، دانش، & ملکی، ۱۳۹۹)، (یوسفوند، احمدی، محسنی تبریزی، & ابوالحسنی، ۱۳۹۴). همچنین (قاسمی & کمریگی، ۱۳۹۶) نشان داده‌اند که مسئله‌ی نزاع بین فردی در سال‌های ۱۳۹۴ و ۱۳۹۵ یکی از سه مسئله‌ی اصلی استان به شمار می‌رفته است و استان ایلام طی سال‌های ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۴ با روند افزایشی در مسئله‌ی نزاع و درگیری بین فردی مواجه بوده است. در این پژوهش نیز همانند پژوهش (یوسفی & اکبری، ۱۳۹۰) مسائل اقتصادی دارای بالاترین اهمیت است. مستندات فراهم آمده و متکی بر تحقیقات پیشین در زمینه‌ی مسائل عمدتاً اجتماعی استان با نتایج مطالعه‌ی حاضر همداستان‌اند. گو اینکه بسیاری از این مسائل تحت تأثیر روندهای جهانی شدن و مدرنیزاسیون اجتناب ناپذیرند و از سویی عمدتاً ماهیتی فرا استانی و ملی دارند و از یک روند خاص در کل کشور اثرپذیرند. به طور کلی، نتایج تحقیق بیانگر این است که بیشترین مسائل به ترتیب؛ حول نهادهای اقتصادی، خانواده و سپس سیاست و نظام اداری و نیز حوزه اجتماعی - فرهنگ و اجتماعی - اقتصاد قرار دارند. همچنین، بر حسب سطوح تحلیل نیز مسائل سطح کلان، بیشترین و مسائل منطقه‌ای یا عمدتاً خاص در استان

کمترین درصد را به خود اختصاص داده‌اند. نتایج تحقیق همچنین نشان می‌دهند که بر حسب سطوح تحلیل، مسائل اجتماعی سطح کلان و سپس مسائل میانی - نهادی (مرتبط با کارویژه‌های نهادهای اجتماعی) بیشترین درصد و مسائل میانی - منطقه‌ای (محلی و جغرافیایی) کمترین درصد را به خود اختصاص داده‌اند. چنانکه دیدیم، برخی از مسائل مطرح شده در سطح میانه، مرتبط با کارکردهای نهادهای اجتماعی هستند. چنانکه، می‌توان نزاع‌های جمعی و سطح پایین مدارای اجتماعی را محصول کژکارکردی نهادهای اجتماعی آموزشگری، نظیر خانواده و آموزش دانست و فقدان اعتماد نهادی، بی‌تفاوتی اجتماعی، رابطه‌گرایی و احساس تبعیض و بی‌عدالتی را پژواک پر طنین سوءکارکرد نهادهای ثانویه رسمی و بطور خاص نظام حکمرانی تلقی کرد که البته هر مورد از این مسائل، نیازمند تحقیق منفرد و تبیین جداگانه است. هر کدام از این آسیب‌های اجتماعی نظیر خودکشی، رشد فزاینده‌ی طلاق، نزاع‌های جمعی، احساس تبعیض و بی‌عدالتی، نازل بودن اعتماد نهادی، هنجارشکنی، رابطه‌گرایی، بی‌تفاوتی اجتماعی به تنهایی یا در تعامل هم‌افزایانه با همدیگر، عامل خطر و در هم کوبنده‌ی توان نهادهای اجتماعی هستند و پیامدهای مسئله‌ساز دیگری نیز به همراه دارند. منشاء فردگرایی منفی، خودخواهانه و منفعت طلبانه‌ی مورد اشاره در بین اولویت‌های پانزده‌گانه را بایستی در پیوند با شرایط آنومیک مدنظر دورکیم در جریان گذار جامعه، معناکاو نمود که به دلیل دراز دامن بودن، وقفه‌آمیزی و تعلیق یافتگی گاه و بیگاه فرایند گذار از سنتی به مدرن، تداوم شرایط آنومیک را در پی داشته و زمینه‌ی مسئله‌مند شدن دائمی وضعیت جامعه را در بطن خود می‌پروراند. همچنین، خشم خیابانی که مناسب‌ترین گزینه‌ی گویا و روان‌شناختی برای نام‌گذاری نزاع‌های بین فردی، خیابانی، رفتارهای وندالیستی و اوباشی‌گرایانه به نظر می‌آید، احتمالاً برآیند احساس تبعیض، فقر، بیکاری و محنت برخاسته از تنگناهای معیشتی و ناتوانی نهادهای اجتماعی انتظام بخش است و این دو سطح اخیر به نوعی می‌توانند مرتبط با ضعف مدیریت امور سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی در استان باشند.

آنچه می‌توان به عنوان نتیجه‌ی کلی تحقیق بیان نمود، این است که هر کدام

از تحقیقات انجام گرفته در استان در طی دو دهه‌ی اخیر بر گونه‌ای خاص از آسیب‌های اجتماعی تمرکز نموده و نتایج این تحقیق نیز گویای پرمسئله بودن استان است و در تبیین آن می‌توان گفت، در طول دوران معاصر به دلایل کوچکی سطح جغرافیایی، کمی جمعیت و حجم اندک اقتصاد کشاورزی و به طور کلی، موقعیت حاشیه‌ای استان ایلام در نزد مراکز قدرت، آن را در مرکز هیچگونه توجهی از جانب حکومت قرار نمی‌داده است و از نظر تقسیمات کشوری تا سال ۱۳۴۳ جزیی از استان کرمانشاه بوده است تا اینکه در دهه‌ی ۱۳۴۰ بنا به دلایل نظامی، اداری و سیاستی به فرمانداری کل و سپس در سال ۱۳۵۳ به استان ارتقاء می‌یابد. استان ایلام تا ابتدای قرن چهاردهم، تنها دارای یک نقطه‌ی شهری بوده است که از دوره‌ی پیشا سرمایه‌داری وجود داشته و تا مدتهای مدیدی رشد جمعیت آن، تنها ناشی از تحولات درونی ساختار جمعیت شهر بوده است. آغاز روند نوسازی در دوره رضاشاه و سرکوب و تحمیل یکجانشینی بر عشایر و تأسیس نظام اداری در منطقه، منجر به رونق اندکی در گسترش نظام شهری استان و شکل‌گیری نقاط جدید شهری بدون طی کردن پروسه‌ی نظام چادرنشینی - روستانشینی و شهرنشینی در فرایندی معقول می‌شود. سیاست تجدد آمرانه‌ی رضاشاه، به سرعت و بدون هرگونه درنگ لازم برای انطباق لازم با فضای جدید اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی، فضای سنتی اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی ایران و از جمله ایلام را تغییر داد. سیاست متمرکز سازی قاطعانه و تخته قاپو کردن عشایر، پیامدهای سنگینی برای مردم استان داشت، زیرا روند مدرنیزاسیون از سویی در تعارض و جدال با ساخت تنومند سنت‌ها و هنجارهای پیشامدرن قرار داشت. کما اینکه، کارگزاران آن نیز سازماندهی دیوان‌سالاری جدید را بر مناسبات سنتی پیشامدرن ابتناء نموده و هنجارهای سنتی با سخت‌جانی در مناسبات جدید نیز رسوخ نموده و ماندگار شدند. چنانکه سوزوکی^۱ جامعه‌شناس ژاپنی نیز بر آن بود که در حالی که مدرن شدن جوامع غربی در فرایندی رخ داده است که طی آن

«سنت به نفع مدرنیسم نابود شد. پس از آن نیز مدرنیسمیون^۱ به معنای نابودی سنن و ایجاد جامعه‌ای با ایده‌های نوین قلمداد شد. اما در قاره آسیا سعی بر این بوده است که جامعه‌ای جدید ساخته شود که مدرنیسمیون و سنت دوشادوش یکدیگر حضور داشته باشند» (معیدفر، ۱۳۹۴) که همزمانی این حضور دوگانه‌ی سنت - مدرن و حفظ کارکردهای سنت در کنار تمایزات ساختاری ناشی از مدرنیسمیون، تعارضات و مناقشه‌های فراوان و تناقضات مؤثری در سطوح مختلف اجتماعی و فرهنگی این جوامع را به ارمغان آورده است (اتابکی، ۱۳۸۵)، به نحوی که این امر تاکنون همراه با آسیب‌ها و پیامدهایی در ابعاد مختلف اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و روان‌شناختی برای جامعه و فرد بوده است و بخشی از پر مسئله بودن و آسیب‌زا بودن روندهای جاری در مناطق مختلف کشور و از جمله در ایلام نشان از چنین وضعیتی دارد.

در دوره پهلوی دوم هم جامعه‌ی ایرانی در معرض یک برنامه‌ی مدرنیسمیون دولتی قرار می‌گیرد و روابط اقتصادی، نهادهای اجتماعی و قالب‌های فرهنگی کشور از آن متأثر می‌شوند. اصلاحات ارضی، ساختار روستایی را بر هم می‌زند و مهاجرت عظیم جمعیت روستایی، شکل زندگی شهری را متحول می‌کند. ساختارهای اجتماعی سنتی از قبیل خانواده، نهادهای دینی و ... همگی در معرض تحول و تغییر قرار گرفته و به خاطر مقاومت در مقابل مدرنیسمیون تنشهای شدیدی را از سر می‌گذرانند ... تحول در ساختار سیاسی مشمول مدرنیسمیون قرار نمی‌گیرد و به فرهنگ واقعی نهاده نمی‌شود (میرسپاسی، ۱۳۹۳). لذا بدلیل انجام اصلاحات ارضی در زمان پهلوی دوم و فروپاشی مناسبات سنتی روستا و گسترش سازمان‌های اداری در مناطق شهری و شکل‌گیری نوعی اقتصاد خدماتی و تجاری، شاهد مهاجرت روستاییان به مناطق شهری استان بویژه به شهر ایلام بوده که همراه با آسیب‌های متعددی بوده است. علاوه بر موارد بالا، مرزی بودن، تجربه‌ی خسارت‌های سنگین اقتصادی، امنیتی و جابه‌جایی جمعیتی ناشی از جنگ ۸ ساله عراق علیه ایران و بازسازی ناقص و نمایشی مناطق جنگ‌زده‌ی استان از

سویی و تبعیض ناشی از توزیع نامناسب و نامتناسب امکانات بین استانها و تداوم محرومیت استان را می‌توان به عنوان دلایل پر مسئله بودن استان ذکر نمود. به طور کلی، به دلیل عجین شدن تمامی عرصه‌های زندگی با سیاست، ریشه‌ی بیشتر مسائل اجتماعی کنونی را می‌توان در عملکردهای نظام سیاسی، اداری و برنامه‌ریزی جستجو کرد و نقش نظام سیاسی از طریق برنامه‌های توسعه‌ی اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی در طول هفت دهه‌ی گذشته (پیش و پس از انقلاب)، در جهت‌گیری‌های جامعه قابل مشاهده است، زیرا دولت به عنوان مسلط‌ترین و متنفذترین نهاد اجتماعی تصمیم‌ساز و مجری برنامه‌های توسعه، بیشتر اوقات به واسطه‌ی تأکید نابجا بر و ناصحیح در حوزه‌های خاص، در زمینه‌ی شناخت اولویت‌های سیاست‌گذاری و نحوه‌ی حل مسائل اجتماعی خودش نیز دچار گونه‌هایی از «ناتوانی نهادی» است، زیرا عمدتاً با تصمیم‌سازی‌های جانبدارانه یا اجرای مستمر و اصرارگونه‌ی تصمیمات و برنامه‌هایی که ناکارآمدی و ناراست کاری آنها، بر متخصصان هویدا بوده و به تبع آن همواره به بروز و ظهور مسائل جدید و نیز گستره و شدت آسیب‌زایی مسائل اجتماعی افزوده است و جامعه را با ناتوانی مواجه می‌نماید. چنانکه (فیض‌اللهی، معیدفر، دانش، & ملکی، ۱۳۹۹) نیز نشان داده‌اند، عدم تعادل نهادی موجود در ایران محصول اجبارهای مدرنیزاسیون، یکه‌تازی نهاد سیاست و اقتصاد دولتی است که نتیجه‌ی آن شکاف طبقاتی، فقر و نابرابری اجتماعی است. آسیب‌ها و مسائل اجتماعی از قبیل بیکاری، جرائم خشونت‌بار، بی‌اعتمادی و بی‌تفاوتی اجتماعی نشان از ناکارآمدی نهادهای اجماع‌ساز دارد که خود را در قالب مسائل گوناگونی در مناطق مختلف بروز می‌دهد.

دست‌آورد روش‌شناختی این پژوهش دستیابی به معیارهای جدیدی، افزون بر معیارهای سابق در زمینه‌ی مسئله‌یابی و اولویت‌بندی مسئله‌ی اجتماعی است که در جریان مراحل اجرای دلفی توسط صاحب‌نظران برگزیده، معرفی شده و در هر مرحله با برگزیدن دسته‌ای از آن معیارها، به اولویت‌بندی مسائل اجتماعی مبادرت شده است که در یافته‌های این مقاله مورد اشاره قرار گرفته‌اند.

از جمله محدودیت‌های خاص پژوهش حاضر، می‌توان به موارد زیر اشاره نمود:

اولاً از آنجایی که غالب داده‌های گردآوری شده برای تحلیل در این تحقیق، داده‌های حاصل از بر ساخت گرای و محصول تأملات و نظرات متخصصان و مطلعین کلیدی است، لذا محقق اذعان دارد که اشکالات و انتقادات وارد بر داده‌هایی از این دست بر این داده‌ها نیز وارد است و برای رفع چنین مطلبی، سعی شده است با بررسی تحقیقات پیشین، میزان همپوشانی این مسائل نشان داده شود تا به واقعیت نزدیک‌تر شود.

ثانیاً، جلب نظر متخصصان به همکاری و نیز حفظ همکاری آنان با محققان تا پایان مرحله‌ی نهایی تحقیق، از نظر هماهنگی، پیگیری، دریافت واکنش و پاسخ‌ها در هر مرحله و سپس استخراج، دسته‌بندی و کدگذاری و ... طاق فرسا و زمان‌بر بوده است. علاوه بر آن، افت جمعیت دلفی در مراحل اجرای دلفی نیز قابل ذکر است که سه نفر از اعضای دلفی به دلیل بروز پاندمی کرونا همکاری مناسب را نداشتند که از جریان مطالعه کنار نهاده شدند.

پیشنهادهات

۱- نتایج پژوهش نشان داد که نابرابری‌های اجتماعی و اقتصادی موجود در جامعه‌ی مورد مطالعه، توزیع نابرابر فرصت‌ها و مزایای اجتماعی منجر به نادیده انگاشتن استعدادها و فرصت‌ها می‌شود. بنابراین با وضع قوانین مناسب و عملیاتی نمودن آنها، در توزیع مزایا و فرصت‌ها، عدالت را لحاظ نموده و با متناسب نمودن حقوق، درآمدها و اصلاح سیاست‌گذاری عمومی در حوزه رفاه اجتماعی، به کاهش فقر و نابرابری در جامعه کمک کرد.

۲- از جمله عوامل مسئله‌ساز در جامعه‌ی مورد پژوهش، خویشاوندگرایی اجتماعی و قبیله‌گزینی سیاسی است. رویکردهای تبارگرایانه، به عنوان بستری برای هنجاری شدن رابطه‌گرایی، عرفی شدن پارتی بازی و قبیله‌گزینی سیاسی عمل می‌کند. تقویت رفتارهای عام‌گرایانه و حس شهروندی، اصلاح روند اجرایی پدیده‌هایی چون انتخابات و ... ، راهکارهایی مناسب بنظر می‌رسند. همچنین،

غلظت تعصبات قومی و زبانی محصول توزیع نامتناسب اقتدار، فرصت‌های تحرک اجتماعی نظیر استخدام در دستگاه‌های اداری و کم توجهی به امر شایسته سالاری است که لازم است فرصت‌های تحرک اجتماعی اعم از اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی عادلانه توزیع شده تا نقش اقتدار قبیله‌ای، قوم‌گرایی، پارتی بازی و ...، کم رنگ شود.

۳- تحلیل نتایج نشان می‌دهد که برخی از نهادهای اجتماعی، برای برآورده ساختن اقتضائات حیات روزمره تحت فشارند و استحکام آنها در حال فرسایش است. لذا یک راه‌حل برای اصلاح این روند، تقویت نهادهای غیراقتصادی برای رسیدن به تعادل مجدد است که البته نیازمند تحقیق مستقلی است.

۴- ارائه بسته‌ی سیاستی واحد و پیشنهادات اجرایی برای پانزده مسئله‌ی اجتماعی متفاوت از نظر سطح تحلیل، گستره‌ی شیوع، حوزه‌ی تخصصی و سازمانی بسی دشوار و حتی غیر منطقی است، لذا پیشنهاد می‌شود مدیریت کلان استان، این مسائل متنوع را به صورت موضوعات منفرد یا خوشه‌های هم‌سنخ از طریق تحقیق کیفی به روش گروه‌های کانونی، دلفی یا روش کیو در معرض پژوهش و بحث بنهند.

پی‌نوشت‌ها

۱. محل شکل‌گیری آن در دانشگاه هاروارد بود و بر ساختارهای کلان تمرکز داشتند و ریشه‌های آن در نظریه‌های دورکیم قرار دارد.
۲. این دیدگاه هم ریشه در نظریه کارکردگرایی ساختاری پارسونز و دانشگاه هاروارد دارد و هم در تحلیل فرایند اجتماعی دانشگاه شیکاگو و در اصل بسیاری از نظریه‌های آن تلفیقی از این دو هستند.
۳. تلفیقی از نظریه‌های تضاد اروپایی (مارکس و زیمل) و امریکایی (فرانک) است.
۴. ریشه در دانشگاه شیکاگو دارد، نام‌های دیگر این دیدگاه، برجسب زنی و انگ زنی است.
۵. برساخت‌گرایی در اصل دو رویکرد دارد: یک رویکرد آن که حول محور تعریف ذهنی مسئله تمرکز دارد، «برساخت‌گرایی مطلق (افراطی)» و رویکرد دیگر آن که داده‌های شرایط عینی را نیز به کار می‌برد، «برساخت‌گرایی متنی» نام دارد و در این تحقیق تا حدودی بر برساخت‌گرایی متنی تأکید شده است.
۶. در این تحقیق، ابتدا از طریق اعضای دلفی ۱۸ معیار برای مسئله‌یابی در جامعه‌شناسی شناسایی شد و در مرحله دوم به ۸ و در مرحله سوم به ۳ معیار برای اولویت‌بندی مسائل تقلیل یافتند که موضوع مقاله‌ی دیگری است که در حال داوری است و این مؤلفه‌ها در شرح ذیل جداول ۳ تا ۵ همین مقاله مورد اشاره قرار گرفته‌اند.
۷. خودکشی نظیر اعتیاد می‌تواند در سطح کلان نیز قرار گیرد، اما بدلیل صدرنشینی استان ایلام در زمینه‌ی خودکشی و تأکید تحقیقات بر ارتباط داشتن آن با نهاد خانواده و سنتهای محلی، در سطح میانه / نهادی قرار داده شده است.
۸. برخی آسیبها نظیر پارتی بازی در دو سطح خرد و نهادی قرار می‌گیرند که سعی شده در محتمل‌ترین سطح قرار داده شوند.
۹. پاسخگویان میزان شیوع این مسائل و آسیب‌ها را بالاتر از متوسط تا خیلی زیاد دانسته‌اند.

منابع و ماخذ

- اتابکی، تورج. (۱۳۸۵). تجدد آمرانه: جامعه و دولت در عصر رضاشاه. تهران: ققنوس.
- تاجیک، محمدرضا. (۱۳۸۶). اهمیت مسائل اجتماعی. مرکز بررسیهای استراتژیک ریاست جمهوری.
- جمشیدزاده، فرخ‌لقا، رفیعی، حسن، یاسمی، محمدتقی، رحیمی، سینا، & اعظم، کمال. (۱۳۸۳). روند خودکشی و اقدام به خودکشی در استان ایلام از ۱۳۷۳ تا ۱۳۸۰. *مجله رفاه اجتماعی*, ۱۲ (۳), ۳۲۵-۳۴۶.
- حبیبی، یدالله، عبوضی، یاور، & معظمی گودرزی، ابراهیم. (۱۳۹۶). مسئله فرهنگی و مسئله‌شناسی فرهنگی ایران (در دیدگاه نخبگان دانشگاهی و حوزوی داخلی). *مجله فرهنگ در دانشگاه اسلامی*, ۷ (۴), ۵۲۵-۵۵۰.
- دانش، پروانه، فیض‌اللهی، علی، & حیدری، سعیده. (۱۳۹۴). وضعیت مصرف و توزیع مصرف کنندگان مواد مخدر در شهرستان ایلام. *فصلنامه علمی ترویجی فرهنگ ایلام*, ۱۵ (۴۳-۴۲), ۱۶۶-۱۸۱.
- دورکیم، امیل. (۱۳۶۹). درباره تقسیم کار اجتماعی. (باقر، پرهام، مترجم) بابل: کتابسرای بابل.
- رایینگتن، ارل، & واینبرگ، مارتین. (۱۳۸۳). رویکردهای نظری هفتگانه در بررسی مسائل اجتماعی. (ر. ص. سروستانی، مترجم) تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- رفیعی، حسن، مدنی قهفرخی، سعید، & وامقی، مروثه. (۱۳۸۷). مشکلات اجتماعی در اولویت ایران. *مجله جامعه‌شناسی ایران*, ۹ (۱-۲), ۱۸۴-۲۰۸.
- زارع، بیژن، & زندی لک، علی‌اکبر. (۱۳۹۰). مطالعه رابطه سطح توسعه یافتگی اقتصادی - اجتماعی با میزان جرائم خشن در بین استانها. *مجله مطالعات اجتماعی ایران*, ۵ (۳), ۹۷-۱۲۵.
- سازمان ثبت احوال کشور. (۱۳۹۳). سالنامه آماری جمعیت و مهاجرت. تهران: دفتر جمعیت سازمان ثبت احوال کشور.
- سفیری، خدیجه، & رضایی‌نسب، زهرا. (۱۳۹۵). مطالعه‌ای کیفی از پدیده خودسوزی زنان شهر ایلام. *مجله زن و جامعه*, ۷ (۱), ۱۲۳-۱۴۱.
- عبداللهی، محمد. (۱۳۹۰). آسیبهای اجتماعی و روند تحول آن در ایران (جلد جلد

- اول). تهران: نشر آگه.
- فیض‌اللهی، علی. (۱۳۸۹). **فراتحلیل تحقیقات خودکشی در استان ایلام**. ایلام: دفتر تحقیقات کاربردی نیروی انتظامی استان ایلام.
- فیض‌اللهی، علی، & باپیری، امیدعلی. (۱۳۹۳). **مکان یابی اعتیاد در استان ایلام**. ایلام: معاونت فرهنگی و پیشگیری سازمان بهزیستی استان ایلام.
- فیض‌اللهی، علی، & بخارایی، احمد. (۱۳۹۷). **برساخت و اولویت‌بندی مسائل اجتماعی استان در وبلاگهای تحصیكرده های ایلام**. **مجله مسائل اجتماعی ایران**، ۹(۲)، ۱۷۵-۱۵۹.
- فیض‌اللهی، علی، معیدفر، سعید، دانش، پروانه، & ملکی، امیر. (۱۳۹۹). **آزمون تجربی رابطه‌ی آئومی نهادی و جرائم خشونت‌آمیز در ایران**. **دو فصلنامه پژوهشهای جامعه‌شناختی معاصر**، ۹(۱۶)، ۲۶۱-۲۸۶.
- قاسمی، یارمحمد، & کمریگی، خلیل. (۱۳۹۶). **بازسازی معنایی نزاع بین فردی در میان محکومان نزاع**. **مجله مطالعات اجتماعی ایران**، ۱۱(۲)، ۹۸-۱۱۹.
- قدیری، روح‌الله، & ناظمی، امیر. (۱۳۸۵). **آینده نگاری از مفهوم تا اجرا**. تهران: مرکز صنایع نوین ایران.
- کاظمی، ابوطالب، & محمودی، علی. (۱۳۹۵). **بررسی وضعیت اشتغال در استان ایلام و تاثیر مؤلفه‌های اقتصاد مقاومتی بر آن**. ایلام: اداره کل امور اقتصادی و دارایی استان ایلام.
- لوزیک، دانیلین. (۱۳۸۳). **نگرشی نو در تحلیل مسائل اجتماعی**. (سعید. معیدفر، مترجم) تهران: امیرکبیر.
- مجلس شورای اسلامی. (۱۳۹۵). **عمده‌ترین مسائل کشور: اولیتهای و راهبردهای مجلس شورای اسلامی دوره دهم**. تهران: انتشارات مرکز پژوهشهای مجلس شورای اسلامی.
- مرکز آمار ایران. (۱۳۹۳). **سالنامه آماری**. تهران: دفتر سرشماری جمعیت و نیروی انسانی مرکز آمار ایران.
- معتمدی، سیدهادی. (۱۳۸۶). **اولویت‌بندی آسیبها و مسائل اجتماعی در ایران**. **فصلنامه علمی و پژوهشی رفاه اجتماعی**، ۶(۲۴)، ۳۲۷-۳۴۷.
- معیدفر، سعید. (۱۳۹۴). **جامعه‌شناسی مسائل اجتماعی ایران**. تهران: نشر نور علم.
- موسی‌نژاد، علی، & باپیری، امیدعلی. (۱۳۹۰). **مکان یابی خودکشی در ایلام**. ایلام: سازمان ملی جوانان استان ایلام.
- میرسپاسی، علی. (۱۳۹۳). **تاملی در مدرنیته ایرانی: بحثی در باره گفت‌وگوهای روشنفکری و سیاست مدرنیزاسیون در ایران**. تهران: نشر ثالث.
- نایی، هوشنگ، & لطفی‌خاچکی، بهنام. (۱۳۹۴). **تاثیر روابط و پیوندهای خویشاوندی بر میزان آسیب‌های اجتماعی در استان‌های کشور**. **مجله بررسی مسائل اجتماعی ایران**، ۷(۱)، ۱-۲۶.

وزارت کشور. (۱۳۹۴). *پیمایش سنجش سرمایه اجتماعی کشور: استان ایلام*. تهران: مرکز ملی رصد اجتماعی: وزارت کشور.

یوسفوند, حسن رضا, احمدی, یعقوب, محسنی تبریزی, علیرضا, & ابوالحسنی, اصغر. (۱۳۹۴). تبیین رابطه جرائم خشونت آمیز با تاکید بر نابرابری در توسعه اجتماعی - اقتصادی در ایران. *مجله توسعه اجتماعی*, ۹(۳), ۱۹۵-۲۲۳.

یوسفی, علی, & اکبری, حسین. (۱۳۹۰). تأملی جامعه‌شناختی در تشخیص و تعیین اولویت مسائل اجتماعی ایران. *مجله مسائل اجتماعی ایران*, ۲(۱), ۱۹۵-۲۲۳.

- Best, J. (2017). *Social Problems* (3 ed.). NY: W. W. Norton & Company, Inc.
- Eitzen, D. S., Zinn, M. B., & Smith, K. E. (2012). *Social Problems*. Pearson Education Inc.
- Horsfall, S. T. (2018). *Social Problems: An Advocate Groupe Approach*. Routledge.
- Kendall, D. E. (2018). *Social problems in a diverse society* (6 ed.). Pearson Publication.
- Macionis, J. J. (2012). *Social Problems* (4 ed.). Pearson Education Inc.
- Mills, C. W. (2000). *The Sociological Imagination*. New York: Oxford university press.
- Mooney, L. A., Knox, D., & Schacht, C. (2016). *Undrestanding Social Problems*. Cengage Learning.
- Parillo, V. N. (2005). *Contemporary Social Problems* . Pearson Educational Inc.
- Rowe, G., & Wright, G. (1999). The Delphi technique as a forecasting tool: issues and analysis. *International Journal of Forecasting*, 15(1), 353-375.
- Rowmire, A. (2001). *Social Problems in Africa: New Versions*. Westport Conn: Praeger.
- Story, V., Hurdley, L., Smith, G., & Saker, J. (2000). Methodological and practical implications of the Delphi technique in marketing decision - making: a re-assessment. *The Marketing Review*, 1(4), 487-504.

References

- Abdollahi, M.(2014). Social harms and its evolution trend in Iran. Proceedings of the Conference on Social Injuries in Iran, Volume I, Tehran: Agah Publishing.
- Atabaki, T.(2006). Men of order: Authoritarian Modernization. trans. by Haghighatkhah, M., Tehran, ghoghnos publication, (In Persian).
- Best, J. (2017). *Social Problems* (3 ed.). NY: W. W. Norton & Company, Inc.
- Civil Registration Organization (2014). Statistical Yearbook of Population and Immigration. Tehran, Population Office, (In Persian).
- Danesh, P., Feizolahi, A. & Heidari, S. (2015). epidemiological feature of addiction in Ilam, faslnameh farhange ilam, 15(42-43), 166-11. (In Persian).
- Durkheim, E.(1990). social division of labour. trans. by Bagher Parham, Babol, Babol bookstore publication, (In Persian).
- Eitzen, D. S., Zinn, M. B. & Smith, K. E. (2012). *Social Problems*: Pearson Education, Inc.
- Horsfall, S. T. (2018). *Social Problems*: An Advocate Groupe Approach. Routledge.
- Feizolahi, A. and Bukharaee, A. (2018). construct and prioritize of social problems in Ilam educated blogs. Iranian Journal of Social problems, 9 (2), 159-175.
- Feizolahi, A. (2000). Meta-analysis of suicide research in Ilam province. Ilam: Proceedings of the National Suicide Conference, Applied Research Office of the Ilam Police Force.
- Feizolahi, A. and Bapiri, O. A. (2014). addiction's gis in Ilam province. Ilam: Cultural and Prevention Deputy of Ilam behzisti Organization.
- Feizolahi, A., Moeidfard, S., Danesh, P. and Maleki, A. (2020). Experimental

- test of the relationship between institutional anomie and violent crime in Iran. *Journal of contemporary of Socological researchs*, 9 (16), 261-286.
- Ghadiri, R. and Nazemi, A. (2006). *Futurism from concept to implementation*. Tehran, Iran New Industries Center.
- Ghasemi, Y. & Kamarbigi, Kh. (2018). Semantic reconstruction of interpersonal conflict among convicts of conflict. *Iranian Journal of Social Studies*, 11 (2), 98-11.
- Habibi, Y., Ayvazi, Y. & Moazamigoodarzi, E. (2018). Cultural problem and Cultural Problemology in Iran(in view of havze and academicians elites. *Culture in The Islamic University*, 25(7), 525-550,(In Persian).
- Islamic Consultative Assembly (2015). *The main issues of the country: Priorities and strategies of the Islamic Consultative Assembly of the tenth term*. Tehran: Islamic Consultative Assembly Research Center Publications.
- Jamshidzadeh, F., Rafiei, H., Yassemi, M., Rahimi, S. & Azam, K.(2004). suicide and suicidal attempt trend 1373 until 1380 in Ilam province from. *refahe ejtemaei magazine*, 12(3), 325-346.(In Persian).
- Kendall, D. E. (2018). *Socal problems in a diverse society* (6 ed.). Pearson Publication.
- Loseke, D.(2004). *A new approach to the analysis of social problems*. translated by Saeid Moeidfah, Tehran: Amirkabir.
- Macionis, J. J. . (2012). *Social Problems* (4th ed.): Pearson Education, Inc.
- Mahmoudi, A. and Kazemi, A. (2015). Investigating the employment situation in Ilam province and the impact of the components of the resistance economy on it Ilam: General Department of Economic Affairs and Finance of Ilam province.
- Mills, C. W. . (2000). *The Sociological Imagination*: New York, Oxford university press (original, 1959).
- Ministry of Interior (2015). *Measuring the social capital of the country: Ilam province*. Tehran, National Center for Social Monitoring.
- Mirsepasi, A. (2014). *negotiating modernity in Iran: Intellectual Discourses and the Politics of Modernization in Iran*. Translated by Jalal Tavaklian, Tehran, Third Edition, Second Edition.
- Moeidfah, S. (2015). *Sociology of Iranian social problems*. Tehran: Noor elam Publications, second edition.

- Mooney, Linda A, Knox, David, & Schacht, Caroline. (2016). *Understanding social problems*: Cengage learning.
- Naiebi, H. and Lotfi Khachki, B. (2015). The effect of kinship relations on the rate of social harms in the provinces of the country. A Study of Social problems in Iran, 6 (1), 1-26.
- Parrillo, V. N. (2005). *Contemporary Social Problems* (6 ed.): Pearson Education, Inc.
- Rafiei, H., Madanighahfarokhi, S. & Vameqi, M.(2009) the prioritization of Social problems in Iran. Iranian Sociological journal, 9(12), 151-160. (in persian).
- Rowe, & Wright). 1999. (The Delphi technique as a forecasting tool: issues and analysis. *International journal of forecasting*, 15(4), 353-375.
- Rubington, E.& Weinberg, M.(2004) the study of social problems.translated by Rahmatollah Sediq Sarvestani, 2th edition, Tehran university publication, (In Persian).
- Rwomire, A . (2001).) *Social Problems in Africa: New Visions*: Westport, Conn: Praeger.
- Safiri, Kh. and Rezaei Nasab, Z. (2015). A qualitative study of the phenomenon of self-immolation of women in Ilam. Journal of Women and Society (Women's Sociology), 7 (1), 141-123.
- Statistics Center of Iran (2014). Statistical Yearbook. Population and Manpower Census Office.
- Story, Victoria, Hurdley, Louise, Smith ,Gareth, & Saker, James %J The Marketing Review. (2000). Methodological and practical implications of the Delphi technique in marketing decision-making: a re-assessment. 1(4), 487-504.
- Yousefi, A. and Akbari, H. (2011). Sociological reflection on identifying and prioritizing Iranian social issues. Social Issues of Iran, 2 (1), 195-223.
- Yousefvand, H. R., Ahmadi, Y., Mohseni Tabrizi, A. and Abolhassani, M. (2015). Explain the relationship between violent crime (murder) and the emphasis on inequality in socio-economic development in Iran. Journal of Social Development, 9 (3), 140-115.
- Zare, B. & Zandi, a. (2011). study of ralationship between economical and social development with violent crimes among provinces in Iran. Iranian social studies magazine, 5(3), 97-125, (In Persian).

Sociological Study of the Outbreak of the Covid-19 Pandemic and its Relationship with the Feeling of Social Insecurity: A Case Study of Tehran Citizens

Touba Zamani

Corresponding Author, PhD in Social Problem Studies of Iran, Islamic Azad University,
Central Tehran Branch, Faculty Member of NAJA Institute of Law Enforcement
Sciences and Social Studies, Tehran, Iran. tooba.zamani500@gmail.com

Javad Maddahi

PhD Student in Social Problem Studies of Iran, Kharazmi University and Researcher in
the Department of Family Studies, Institute of Humanities and Social Studies, Jahad
University, Tehran, Iran. gmaddahi@yahoo.com

Yazdan Karimi Monjarmooie

PhD student in Social issues of Yazd University, Yazd, Iran. yazdan484@yahoo.com

Gholamreza Bagh Shirin

Master of Sociology, Mashhad, Iran. Rezabash.co@gmail.com

Abstract

The Covid-19 pandemic is not only a disease but also has all the characteristics of defining a social problem. On a global scale, it covers 8 billion people worldwide, and humans are experiencing a great deal of insecurity. This study aims at investigating the relationship between the outbreak of Corona19 pandemic and the feeling of social insecurity among the citizens of Tehran. The research method adopted was survey and the data collection tool was a standard questionnaire. The findings indicate that the mean of the feeling of social insecurity rising from Covid-19 pandemic in the study sample (3.28) is significantly higher than that of the theoretical one (3). Among the dimensions of the feeling of social insecurity including life, economic, general, psychological, emotional, and collective ones had the highest mean, respectively, and were mostly affected by the Covid-19 pandemic. The results also showed that there was no significant relationship between age and the

feeling of social insecurity rising from the corona virus outbreak and this feeling was significantly different among the cases of the sample in terms of education. Also, women felt more insecure than did men. Therefore, on the basis of the findings, it can be concluded that the Covid-19 outbreak has increased the feeling of social insecurity among the subjects of the sample.

Keywords: Covid-19, Pandemic, Feeling of social insecurity, Tehran

مطالعه جامعه‌شناختی شیوع پاندمی کووید-۱۹ و رابطه آن با احساس ناامنی اجتماعی (مطالعه موردی شهروندان شهر تهران)^۱

طوبی زمانی

نویسنده مسئول، دکتری بررسی مسائل اجتماعی ایران، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران مرکزی، عضو هیئت علمی پژوهشگاه علوم انتظامی و مطالعات اجتماعی ناجا، تهران، ایران
tooba.zamani500@gmail.com

جواد مداحی

دانشجوی دکتری بررسی مسائل اجتماعی ایران دانشگاه خوارزمی و پژوهشگر گروه مطالعات خانواده پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات اجتماعی جهاد دانشگاهی، تهران، ایران
gmaddahi@yahoo.com

یزدان کریمی منجرمویی

دانشجوی دکتری بررسی مسائل اجتماعی ایران، دانشگاه یزد، یزد، ایران
yazdan484@yahoo.com

غلامرضا باغ شیرین

کارشناس ارشد جامعه‌شناسی، مشهد، ایران
Rezabash.co@gmail.com

چکیده

پاندمی کووید-۱۹ نه تنها یک بیماری محسوب شده بلکه، تمامی ویژگی‌های تعریف مسئله‌ای اجتماعی را در خود دارد. در ابعاد جهانی هم، ۸ میلیارد انسان را در سرتاسر جهان در برمی‌گیرد و انسان‌ها احساس ناامنی زیادی تجربه می‌کنند. هدف این پژوهش، بررسی رابطه‌ی شیوع پاندمی ویروس کرونا با احساس ناامنی اجتماعی در شهر تهران است. روش تحقیق در این پژوهش از نوع پیمایشی است. ابزار گردآوری اطلاعات نیز پرسشنامه‌ی استاندارد بوده است. یافته‌های این پژوهش، حاکی از آن است که میانگین احساس ناامنی اجتماعی ناشی از شیوع کووید-۱۹ در نمونه‌ی مورد مطالعه (۳/۲۸) به‌طور معنی‌داری از میانگین نظری (۳) بیشتر است و در بین ابعاد احساس ناامنی اجتماعی، به ترتیب احساس ناامنی جانی، اقتصادی، عمومی، روانی، احساسی و جمعی بیشترین میانگین را داشتند و بیشترین تأثیر را از کووید-۱۹ پذیرفته‌اند. یافته‌ها نشان داد که بین سن و احساس ناامنی اجتماعی ناشی از شیوع کرونا رابطه معنی‌داری وجود

۱. این یک مقاله دسترسی آزاد تحت مجوز CC BY-NC-ND (<http://creativecommons.org/licenses/by-nc-nd/4.0/>) است.

ندارد و احساس ناامنی اجتماعی ناشی از شیوع کووید-۱۹ برحسب تحصیلات، به‌طور معنی‌داری متفاوت است. همچنین زنان بیشتر از مردان احساس ناامنی داشته‌اند. بنابراین، براساس یافته‌های پژوهش حاضر می‌توان اینگونه تبیین کرد که با شیوع کووید-۱۹ میزان احساس ناامنی اجتماعی در میان افراد مورد مطالعه افزایش یافته است.

واژه‌های کلیدی: کووید-۱۹، پاندمی، احساس ناامنی اجتماعی، تهران

تاریخ دریافت: ۰۰/۰۵/۲۹ تاریخ بازبینی: ۰۰/۰۶/۰۷ تاریخ پذیرش: ۰۰/۰۶/۱۵

فصلنامه راهبرد اجتماعی - فرهنگی، سال ۱۰، شماره ۳۹، تابستان ۱۴۰۰، صص ۳۱۹-۳۵۵

مقدمه و بیان مسئله

در دسامبر سال ۲۰۱۹، ویروس جدید کرونا^۱ ظهور کرد، جرقه‌ی یک اپیدمی و سندروم حاد تنفسی (کووید-۱۹)^۲ که مرکز آن در ووهان چین شناسایی شد. ویروسی که سازمان بهداشت جهانی از آن به‌عنوان یک بحران جهانی و همه‌گیری بین‌المللی یاد کرده و در ژانویه ۲۰۲۰ از شیوع کووید-۱۹ به‌عنوان وضعیتی اضطراری در دنیا نام می‌برد (Ebert & Steinert, 2021). بر اساس آمار سازمان بهداشت جهانی از زمان شیوع ویروس کرونا تا زمان نگارش این مقاله، در سطح جهان ۱۹۴ میلیون و ۸۰ هزار و ۱۹۴ نفر به این ویروس مبتلا و تعداد جان‌باختگان ۴ میلیون و ۱۶۲ هزار و ۳۰۴ نفر اعلام شد و در ایران نیز تعداد مبتلایان به این ویروس ۳ میلیون و ۶۹۱ هزار و ۴۳۲ نفر و تعداد جان‌باختگان از طریق این بیماری، ۸۸ هزار و ۸۰۰ نفر می‌باشد (سایت بهداشت جهانی، ۲۰۲۱). ویروس کووید-۱۹، ویران‌کننده‌ترین بحران بعد از جنگ جهانی است. ویروسی که زمینه‌ساز شکاف‌های اجتماعی و اقتصادی، تغییرات اجتماعی فراوان، ترس‌هایی همه‌گیر و احساس ناامنی در ابعاد گسترده شده و عادت‌واره‌هایی جدید را برای آدمیان در سراسر جهان خلق کرده است. ویروسی که با زایش اشکال مختلف (انگلیسی، هندی، دلتا) سویه‌های جدیدی از پاندمی وحشت و ترس را در جهان اشاعه می‌دهد و واکسن‌های مختلف بشر را تحت چالش تغییرات خود قرار می‌دهد. به نظر می‌رسد پاندمی کووید-۱۹ نه تنها یک بیماری محسوب شده که

1. SARS-CoV-2

2. COVID-19

3. <https://covid19.who.int>

تمامی ویژگی‌های تعریف مسئله‌ای اجتماعی در ابعاد جهانی را در خود جای داده است. مسئله‌ای که ۸ میلیارد انسان را در سرتاسر جهان درگیر خود نموده، مردم نسبت به آن نگرانی جدی داشته و احساس ناامنی می‌کنند و معتقدند هر چه سریع‌تر، باید برای اتمام آن کاری انجام شود. بانرجی^۱ معتقد است که کرونا ترس، سردرگمی، ابهام و اضطراب عمومی را در جامعه به وجود آورده است. همه‌گیری‌هایی مانند این و ویروس، صرفاً پدیده‌های زیست‌شناختی نیستند، آن‌ها بر جامعه تأثیر می‌گذارند و دارای تأثیرات طولانی مدت روانی - اجتماعی می‌باشند که بسیاری از آن تأثیرات تا مدت‌ها بعد از همه‌گیری‌ها ادامه دارد. حتی اگر این ویروس به عنوان مشکل بهداشت عمومی جهانی در نظر گرفته شود، بخش‌ها و قسمت‌های خاصی از جامعه در معرض خطر بیشتری قرار می‌دهد (Banerjee, 2020). شیوع ویروس کرونا در نگاه اول یک پدیده‌ی پزشکی و مربوط به سلامت به نظر می‌رسد، اما تحولات و پیامدهای مهم چند ماه اخیر در سطح جهان، حاکی از این است که کرونا نظام‌ها و زیر نظام‌های مختلف زندگی انسان قرن بیست و یک را دگرگون و دچار تحول کرده است. نوع سبک زندگی، تعاملات کنشگران، الگوهای مصرف، ارزش‌های فرهنگی، سلامت روان، روابط سیاسی و بین‌الملل، اشتغال و شاخص‌های اقتصادی - اجتماعی و فرهنگی به شدت از این پدیده‌ی بهداشتی تأثیر پذیرفته است. نمی‌توان این مسئله‌ی بزرگ جامعه‌ی انسانی و جهانی را صرفاً به امر بهداشتی تقلیل بدهیم. به همین خاطر بسیار مهم است و ضرورت دارد که دلالت‌ها و ابعاد اجتماعی و فرهنگی این بیماری نیز شناخته شود (افراسیابی & بهارلوئی، ۱۳۹۹). کووید-۱۹ از مقوله‌های بسیار مهم و فراگیری است که در ابعاد مختلف زندگی اجتماعی و روانی، افراد را دچار ناامنی کرده است. ناامنی و احساس آن در ابعاد مختلف اجتماعی، اقتصادی و روانی ناشی از این ویروس پدیده‌ای آشکار می‌باشد. این پاندمی وحشت و فراگیر با ابعادی در همه‌ی وجوه زندگی، ناامنی گسترده در جهان ایجاد کرده است. به نظر می‌رسد احساس ناامنی، ملموس‌ترین تجربه در دوران پاندمی

کووید-۱۹ و دوران قرنطینه خانگی باشد. بنابراین، می‌طلبد که با امنیت و احساس ناشی از آن آشنا شویم. امنیت و مفهوم احساس امنیت به‌عنوان موضوعی حیاتی و مهم، متغیری چند بعدی است که بیشتر از هر دوره‌ای در عصر حاضر به عنوان یکی از نیازهای اساسی برای زیست حیات بشر به شمار می‌رود. بشر امروزی، احساس امنیتی را مطالبه می‌نماید که در همه‌ی حوزه‌ها مانند احساس امنیت اقتصادی، احساس امنیت جانی و... تأمین شود و امنیت به عنوان نخستین اولویت، همسان سکو و پایه‌ای برای زندگی توأم با آرامش خود می‌داند. آرمان امنیت و واقعیت لزوم وجود آن، زیر بنای تعاملات اجتماعی و توسعه‌ی جوامع محسوب می‌شود و می‌توان گفت بدون امنیت، توسعه در هیچ بخشی از جامعه صورت نخواهد گرفت. احساس امنیت از جمله‌ی نیازهای اساسی زندگی در جامعه است و کاهش یا زوال آن، باعث اضطراب و تشویش اذهان عمومی در جامعه می‌گردد و تأمین آن، زمینه‌ی فراهم کردن بسیاری از نیازهای مهم و حتی اولیه بشر محسوب می‌شود (رفیعی، مداحی، & سیارخلج، ۱۳۹۹). احساس امنیت در موارد مختلفی تحت‌الشعاع قرار می‌گیرد، عواملی از قبیل جنگ، گرسنگی و قحطی، بلایای طبیعی و شیوع بیماری‌های واگیردار. ویروس کرونا با شوکی جهانی آغاز و با به قرنطینه کشیدن جهانی و فاصله انداختن میان انسان‌ها در سرتاسر دنیا احساس ناامنی شدید ایجاد کرد. احساس ناامنی که از وسواس شستن دست‌ها شروع و تا درگیر کردن روح و روان افراد پیش رفت. هراس از مرگ، احساس ترسی در بشر ایجاد کرد که تأثیر خود را بر همه ابعاد زندگی گستراند. کووید-۱۹ همه‌ی مردم را از هر قشر اجتماعی، از هر کشور در توسعه‌یافته‌ترین بخش دنیا تا کم توسعه‌یافته‌ترین، که یادآور جامعه‌ی خطر اولریش بک است تحت تأثیر قرار داده است. به نظر می‌رسد، ویروس کرونا در عصر حاضر به عنوان مهم‌ترین عامل تهدیدکننده‌ی امنیت جهان شناخته‌شده است و جهان را برای زندگی بشریت ناامن کرده است. تهران به‌عنوان پایتخت ایران و پرجمعیت‌ترین شهر ایران، از شیوع این ویروس در امان نبوده است. آمار بالای این شهر در ابتلا به کرونا و مرگ‌ومیر ناشی از آن به نظر می‌رسد مردم این شهر را با احساس ناامنی مواجه کرده است.

این مطالعه به دنبال بررسی ابعاد مختلف احساس ناامنی اجتماعی ناشی از کووید-۱۹ در شهر تهران می باشد، به این دلیل که تهران به عنوان مرکز کشور، بیشترین جمعیت را در خود جای داده و روزانه سفرهای زمینی، هوایی، ریلی متعددی از داخل کشور و شهرستان های مختلف و از خارج کشور را تجربه می کند. تعدد رفت و آمدها، نقص در رعایت پروتکل های بهداشتی، مدیریت سخت در اعمال محدودیت های ناشی از کووید-۱۹، همه و همه باعث شده تا این شهر از جهت شیوع پاندمی کووید-۱۹ در کشور شرایط ویژه و خاصی را تجربه کند.

۱. اهداف و سؤالات پژوهش

۱-۱. هدف اصلی

بررسی جامعه شناختی شیوع پاندمی کووید-۱۹ و رابطه آن با احساس ناامنی اجتماعی

۱-۲. اهداف فرعی

- بررسی نقش ویروس کرونا بر ابعاد مختلف احساس ناامنی اجتماعی
- بررسی رابطه بین سن و احساس ناامنی اجتماعی ناشی از ویروس کرونا
- بررسی تأثیر ویروس کرونا بر احساس ناامنی اجتماعی برحسب جنسیت
- بررسی تأثیر ویروس کرونا بر احساس ناامنی اجتماعی برحسب تحصیلات
- میزان احساس ناامنی اجتماعی ناشی از شیوع ویروس کرونا در بین شهروندان تهرانی چقدر است؟
- شیوع ویروس کرونا بر کدام یک از ابعاد احساس ناامنی اجتماعی بیشترین تأثیر را دارد؟

۲. پیشینه پژوهش

کووید-۱۹ و اشاعه آن در جهان پدیده ای نوظهور و جدید است. در سطح جهانی به صورت گسترده و در محافل مختلف علمی به پژوهش در این حوزه پرداخته شده و در ایران نیز کم و بیش پژوهش هایی در این زمینه تدوین شده و یا

در حال تدوین است که در ادامه به برخی از آنها اشاره می‌شود.

۱-۲. پیشینه‌ی داخلی

افشانی و همکاران (افشانی & کریمی منجرمویی، ۱۴۰۰) در پژوهشی تحت عنوان «شیوع ویروس کرونا و احساس ناامنی اجتماعی» به این نتایج دست یافتند که با شیوع ویروس کرونا، احساس ناامنی اجتماعی در بین افرادی که سن بالاتری دارند، بیشتر است و افرادی که بی‌سواد یا تحصیلات پایین‌تری دارند نیز، احساس ناامنی اجتماعی بیشتری را تجربه کرده‌اند. به طور کلی، با شیوع ویروس کرونا میزان احساس ناامنی اجتماعی در بین افراد مورد مطالعه افزایش یافته و بیشترین تأثیر را بر احساس ناامنی اقتصادی و جانی و کمترین تأثیر را بر احساس ناامنی جمعی داشته است.

سلطان‌پور و همکاران (سلطان‌پور، میرزایی، & کدخدای، ۱۳۹۹) به دنبال «بررسی شیوع ویروس کرونا و احساس امنیت اجتماعی در کرمان با تأکید بر نقش پلیس» بودند. نتایج تحقیق بیان‌گر این بود که نیاز است که به مردم احساس امنیت و آرامش بدهند. مقدار ضریب رگرسیونی استانداردشده بین عملکرد پلیس و احساس امنیت اجتماعی (۰/۲۵۵) بود که این میزان از دیگر متغیرها بیشتر است و میزان ضریب همبستگی کندال برابر با ۰/۶۳۱ می‌باشد و میزان همبستگی بین عملکرد پلیس و احساس امنیت اجتماعی مثبت و در حد بالا گزارش شده است.

افراسیابی و همکاران (افراسیابی & بهارلویی، ۱۳۹۹) پژوهشی را با عنوان «تعلیق، هراس و بازاندیشی: برداشت جوانان از زندگی اجتماعی در شرایط کرونایی» به انجام رساندند. این پژوهش به روش کیفی و مصاحبه‌ی عمیق برای جمع‌آوری داده‌ها صورت گرفته است. داده‌های حاصل از مصاحبه‌ها با استفاده از کدگذاری نظری، مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته و در پایان هفت مقوله‌ی اصلی آشفته‌گی روانی رفتاری، افزایش خود مراقبتی، تنگنای تعاملات، تنگنای معیشت، بازاندیشی معنوی، تلخی رسانه و مرور و بازیابی خویشتن کشف شده است. بر اساس جمع‌بندی مفاهیم و مقوله‌های تعلیق در هراس و بازاندیشی به‌عنوان مقوله‌ی نهایی ارائه شد، ارتقاء خود مراقبتی، تقویت سازوکارهای ذهنی و

هم‌افزایی اجتماعی در فضای تا حدودی غیرقابل کنترل بیرونی می‌تواند، غلبه بر ابعاد منفی این شرایط را تسهیل کند.

۲-۲. پیشینه خارجی

چنگ و همکاران^۱ (Cheng, Mendolia, Paloyo, Savage, & Tani, 2021) پژوهشی را با عنوان «اشتغال والدین، عدم احساس امنیت مالی و مراقبت از کودکان: سلامت روان در زمان کووید-۱۹ در کشور انگلیس» به انجام رساندند. در این پژوهش که از داده‌های یک مطالعه طولی در انگلستان بهره می‌برد، نشان داد که بیماری همه‌گیر کووید-۱۹ با فاصله‌گذاری اجتماعی و اقدامات بهداشتی مانند رعایت قرنطینه، منجر به انزوای اجتماعی و خدشه وارد شدن به سلامت روان و عدم امنیت مالی افراد در انگلستان شد. همچنین، نتایج پژوهش حاکی از آن است که وخیم شدن سلامت روان برای والدین شاغل به مراتب نتایج وخیم‌تری دارد و این امر به شدت با افزایش احساس ناامنی مالی و زمان صرف شده برای مراقبت از کودک و مدرسه در منزل ارتباط دارد.

مولتنی و همکاران^۲ (Molteni et al., 2021) پژوهشی را با عنوان «جستجوی آرامش و راحتی در دین، ناامنی و رفتارهای مذهبی در طی بیماری کووید-۱۹ در کشور ایتالیا» را به انجام رساندند. نتایج نشان داد که مردم ایتالیا که در خانواده خود بیماری کووید-۱۹ را گزارش کرده‌اند از نظر دینداری و رعایت موازین دینی اعتقاد بالایی را در دینداری از خود نشان می‌دهند. همچنین رجوع به دین و دینداری باعث کاهش احساس ناامنی ناشی از بیماری کووید-۱۹ می‌شود و دینداری به عنوان یک استراتژی موفق معرفی می‌شود.

گاسپارو و همکاران^۳ (Gasparro et al., 2020) پژوهشی را با هدف «بررسی نقش بیماری کووید-۱۹ در ایجاد عدم امنیت شغلی و علائم افسردگی» به انجام رساندند. نتایج پژوهش نشان داد علائم افسردگی و احساس ناامنی شغلی، ارتباط

1. Cheng et al.

2. Molteni et al.

3. Gasparro et al.

مستقیمی با ترس از کرونا ویروس داشته و این بیماری همه‌گیر باعث ایجاد احساس ناامنی در میان پزشکان شده است.

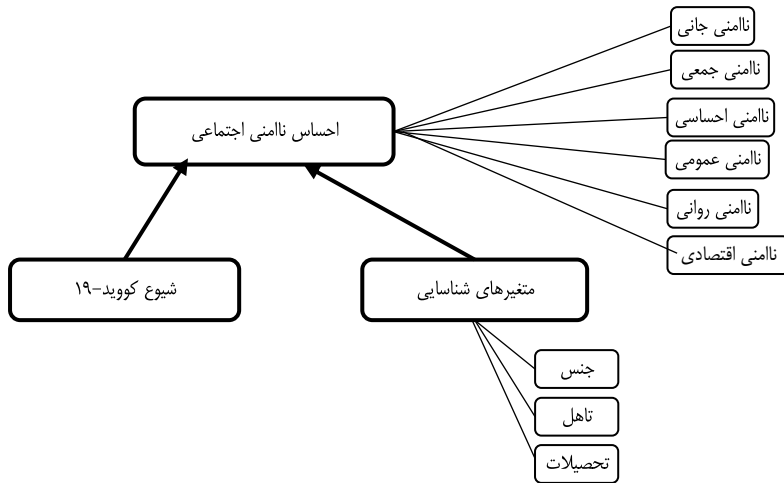
۳. مبانی نظری

واژه‌ی امنیت در کاربرد عام به معنای رهایی از مخاطرات مختلف است، فرهنگ آکسفورد این واژه را با عبارت زیر تعریف کرده است: «شرایطی که در آن یک موجود در معرض خطر نبوده یا از خطر محافظت می‌شود». از نظر چلبی، امنیت از مفاهیم عمومی است که جامعه برای شهروندان خود و هرکسی که در آن زندگی می‌کند فراهم می‌آورد. در بعد عینی امنیت، چلبی امنیت را به عنوان فارغ بودن از تهدید معرفی می‌کند و در بعد ذهنی، مقصود از امنیت، احساس آرامش، نداشتن احساس تهدید و عدم احساس ترس از سوی محیط‌های دور و نزدیک فرد است. چلبی در نظریه نظم بر ابعاد اجتماعی و فرهنگی و ارتباط آن با امنیت در جامعه می‌پردازد. او معتقد است، مادامی که ابعاد اجتماعی و فرهنگی در اجتماع ضعیف شود، روابط افراد در جامعه در تمامی سطوح به ویژه سطوح عاطفی و خاص دچار ضعف شده و از این رو اعتماد اجتماعی کاهش پیدا کرده و در نهایت احساس امنیت و علقه امنیتی دچار گسست می‌شود. در این شرایط افراد و گروه‌های اجتماعی احساس امنیت جانی، مالی و فکری نمی‌کنند (سفیری، رجب‌لو، & قلیزاده، ۱۳۹۷). از پنجره‌ی تحلیلی جامعه‌شناختی به پاندمی کووید-۱۹ و احساس ناامنی اجتماعی می‌توان از مفاهیم کلیدی نظریه‌پردازان معاصر جامعه‌شناسی مانند جامعه خطر اولریش بک و جهانی شدن مسائل مختلف اجتماعی از نگاه گیدنز پردازیم. نظریه جامعه مخاطره‌آمیز اولریش بک، یکی از نزدیک‌ترین نظریه‌های معاصر است که می‌تواند در تحلیل شیوع کرونا و پیامدهای آن کمک‌کننده باشد، بک در نظریه‌ی خود به مخاطرات جامعه‌ی مدرن پرداخته است. مفهوم مخاطره بیشتر در ارتباط با نحوه سازمان‌های جهان اجتماعی به وسیله کنشگران عادی و متخصصان مطرح است (افراسیابی & بهارلوئی، ۱۳۹۹؛ ریتزر، ۱۳۹۰). در نگاه بک، مدرنیزاسیون، مخاطره در برخی از حوزه‌ها، شیوه و سبک‌های زندگی را کاهش می‌دهد؛ ولی عوامل مخاطره‌آمیز جدیدی را نیز ایجاد

می‌کند که در گذشته ناشناخته بوده است، در جوامع امروزی، بخش عمده‌ای از این مخاطرات از وابستگی زیاد به نهادهایی مثل دولت، علم پزشکی تخصصی و بازار کار ناشی می‌شود (Bryan S Turner, 1994). از دیدگاه وی، جامعه‌ی مخاطره‌آمیز تحت تأثیر سه فرایند کلیدی شکل می‌گیرد که خود ادامه‌ی فرایندهای آغازین مدرنیته و تعمیق آن‌ها است: الف) توزیع مجدد ثروت و مخاطره، ب) فردیت‌یابی و ج) استاندارد زدایی از کار. از نظر بک، نوع مخاطرات در جوامع و عصر جدید، برخاسته از فعالیت‌های بشر (دست ساخت) است و همه‌ی ساکنان کره زمین را مورد تهدید قرار می‌دهند (افراسیابی & بهارلوئی، ۱۳۹۹؛ قاسمی، ۱۳۸۸). مخاطرات در عصر جدید، مرزهای طبقات اجتماعی، مرزهای ملی و نسلی را در می‌نورد (Bryan S. Turner, 2006) و همه گروه‌ها در جامعه را تحت تأثیر خود قرار می‌دهند. فردی شدن افراد یکی از مهم‌ترین زمینه‌های تشدید مخاطرات در جوامع است. برخلاف جامعه‌ی ماقبل مدرن که جمع‌گرایی حاکم بود و فرد به کمک خانواده و جامعه بر تناقضات و چالش‌هایی که به وجود می‌آمد؛ غلبه می‌کرد، در دنیای مدرن همه‌ی این چالش‌ها به فرد واگذار شده است. به عبارت دقیق‌تر، فرد به خودش وا گذاشته شده است. به نظر او، جوامع مدرن از طریق از بین رفتن روش‌های سنتی زندگی و میدان کنش (فضای عمل) پرمخاطره مشخص می‌شود (Heinz, 2002). جامعه‌ی مخاطره‌آمیز، جامعه‌ای است که در آن نگرانی افراد از آفات و بلایای طبیعی (قحطی و زلزله) به سمت مخاطرات ناشی از فعالیت‌های انسانی که اغلب شکل جهانی و عالم‌گیر دارند، معطوف شده است. در چارچوب نظریه‌های بک در مورد مخاطره، بیماری را نیز می‌توان به عنوان مخاطره‌ی مهمی از آن یاد کرد و خود منبع کلیدی از مخاطره می‌باشند. بر این اساس بیماری کووید-۱۹ نقش و تأثیر مهمی بر احساس امنیت افراد در جامعه دارد. همچنین، هم نظر با اولریش بک می‌توان آنتونی گیدنز را نام برد. گیدنز معتقد است جهانی که در آن زندگی می‌کنیم، جهانی پر از اضطراب و دلهره و خطرناک است، زیرا جامعه مدرن، جامعه‌ای پرمخاطره و خطرناک است که پیوسته اعتماد افراد را تهدید می‌کند و به ناامنی هستی‌شناختی می‌انجامد. به نظر گیدنز،

عصر نوین مخاطراتی را به بار آورده که دیگر جنبه محلی و محدودیت ندارند، بلکه در سراسر جهان، انسان‌ها را تهدید می‌کند. این مخاطرات که هم ابعاد و هم قدرت تخریب و تهدیدی به مراتب بیشتر از مخاطرات ما قبل نوین دارند، انسان‌ها را در گوشه و کنار جهان سرشار از دلهره‌ی وجودی کرده و به امنیت روانی، جسمی و اجتماعی‌شان سخت آسیب‌زده است (ریتزر، ۱۳۹۰). از نظر وی، زندگی در دنیای مدرن، زندگی در محیطی آکنده از شانس و خطرهای احتمالی است. در دنیای قدیم و سنتی بحث سرنوشت و تقدیر، آینده‌ی رقم‌زده شده را برای افراد ترسیم کرده بود و در آن، آینده‌ی وضعیت افراد از قبل مشخص بود، ولی در دنیای جدید کنار گذاشتن نگرشی تقدیرگرایانه به آینده، مفهوم خطر کردن به واسطه‌ی این که درها به روی آینده‌ی مسئله‌زا و ابهام‌آور گشوده است، جایگاه مرکزی پیدا کرده و احساس ناامنی در جهان ایجاد کرده است (بیات، ۱۳۸۸). به نظر گیدنز، اضطراب و استرس هسته‌ی طبیعی هر نوع خطر است. این احساس، از اوضاع و احوال معشوش و آشفته و از خطرهای ناشی از آن سرچشمه می‌گیرد (گیدنز، ۱۳۸۵). گیدنز تأکید دارد که همه‌ی افراد بر اساس امور گوناگون روزمره، چارچوب معینی را برای تضمین امنیت وجودی خود دست و پا می‌کنند، مردم برحسب فرمول عاطفی و رفتاری خاصی که به‌صورت جزئی از رفتار و اندیشه هر روزه آن‌ها درمی‌آید، با خطرات گوناگون و بیم و هراس‌های متصور از آن‌ها، دست و پنجه نرم می‌کنند. گیدنز اضطراب را در ارتباط با امنیت خاطر مورد شناسایی قرار می‌دهد و بر این اصل تأکید دارد که در دنیای جدید، شرایطی پدید آمده است که اطمینان‌بخش نیست و بر وجود امنیت دلالت ندارد و نتیجه‌اش هراس وجودی و احساس عدم امنیت است (بیات، ۱۳۸۸). بر اساس نظریه‌های مرور شده می‌توان چارچوبی نظری ارائه کرد. از این رو الگوی نظری پژوهش حاضر بر الگویی تلفیقی و ترکیبی از نظریه‌های بک و گیدنز استوار است. به طور کلی با توجه به مفهوم اصلی این پژوهش (احساس ناامنی)، می‌توان تعریف چلیپی از احساس ناامنی را اینگونه بیان کرد: «احساس عدم مصونیت فرد در مقابل تهدیدهایی که از جانب کنشگران دولتی و غیردولتی، جان، مال، فکر و توانایی

افراد را برای شرکت در اجتماعات دلخواه و یا حفظ این اجتماعات تهدید می‌کنند» (چلپی, ۱۳۷۵). اولریش بک با طرح موضوع جامعه‌ی مخاطره‌آمیز به بازتاب تغییرهای اجتماعی اساسی می‌پردازد که مشکل‌های محیطی را به زندگی سیاسی و اجتماعی آورده است. بک ادعا می‌کند که در جامعه‌ی خطر یا مخاطره‌آمیز، باید اثرات منفی و پیش‌بینی نشده و تلاش‌های گذشته را برای کنترل بر طبیعت، مدیریت و کنترل کنیم (Bryan S. Turner, 2006) (افشانی & کریمی منجرمویی, ۱۴۰۰). از این رو، می‌توان اینگونه برداشت کرد که پاندمی کووید-۱۹ با شیوع فراگیر خود، تمام انسان‌ها را در بخش‌های مختلف جهان دچار رعب و اضطراب کرده و احساس امنیت جانی، اقتصادی، روانی، جمعی، عمومی و همچنین احساسی و به طور کلی، احساس امنیت اجتماعی که در گذشته وجود داشته را از بین برده و جهان را ناامن کرده است. از طرفی دیگر، به نظر گیدنز اضطراب و احساس ناامنی همبسته‌ی طبیعی هر نوع خطر است. این احساس، از اوضاع و احوال مغشوش و آشفته و از خطرهای ناشی از آن سرچشمه می‌گیرد. بر اساس نظر گیدنز، می‌توان گفت که شیوع کرونا که به عنوان بحرانی بهداشتی و اجتماعی بروز کرده، اوضاع جامعه را دچار آشفتگی نموده و به همراه خود ترس و اضطراب را حاکم کرده است و بشر را دچار نوعی بی‌اعتمادی نسبت به خود و دیگران در راستای سلامت جسمانی (مبتلا نبودن به کرونا) کرده و به دنبال آن، حس ناامنی اجتماعی را در آن‌ها تقویت نموده است. همچنین گیدنز، در زمینه‌ی آگاهی، اعتقاد دارد؛ افرادی که تحصیلات پایین‌تری دارند به دلیل قدرت اندکی که در تجزیه و تحلیل مسائل و مشکلات جامعه به ویژه اپیدمی کرونا دارند به همان اندازه احساس ناامنی بیشتری نسبت به افراد با تحصیلات بالاتر دارند (افشانی & کریمی منجرمویی, ۱۴۰۰).



نمودار ۱. الگوی نظری روابط میان احساس ناامنی و متغیرهای مستقل اثرگذار

۴. فرضیه‌های پژوهش

- نقش ویروس کرونا در ابعاد مختلف احساس ناامنی اجتماعی، تفاوت معنی‌داری دارد.
- بین سن و احساس ناامنی اجتماعی ناشی از ویروس کرونا رابطه معنی‌داری وجود دارد.
- تأثیر ویروس کرونا بر احساس ناامنی اجتماعی برحسب جنسیت، تفاوت معنی‌داری دارد.
- تأثیر ویروس کرونا بر احساس ناامنی اجتماعی برحسب تحصیلات، تفاوت معنی‌داری دارد.
- بین شیوع ویروس کرونا و احساس ناامنی اجتماعی رابطه معنی‌داری وجود دارد.

۵. روش تحقیق

پژوهش حاضر از لحاظ روش کمی و از نوع پیمایشی است. جامعه‌ی آماری این پژوهش را کلیه افراد بالای ۱۸ سال ساکن شهرستان تهران در سال ۱۴۰۰ تشکیل می‌دهند که با استفاده از فرمول کوکران، حجم نمونه ۳۹۹ نفر برآورد گردید.

جهت جمع‌آوری اطلاعات از نمونه مورد نظر با توجه به شیوع ویروس کرونا و محدودیت تماس حضوری و رعایت نکات بهداشتی، لینک پرسشنامه به صورت آنلاین (ارسال در کانال‌ها و گروه‌های تلگرامی و واتس‌اپی فعال در سطح تهران) در اختیار اعضای شبکه‌های اجتماعی قرار گرفت و اطلاعات جمع‌آوری گردید. برای گردآوری داده‌ها از پرسشنامه استاندارد (افشانی & کریمی منجرمویی، ۱۴۰۰) با سؤالات بسته استفاده شد. برای سنجش پایایی (روایی) پرسشنامه از آزمون آلفای کرونباخ بهره برده شد. آلفای کرونباخ گویه‌های استفاده شده در پژوهش ۰/۸۲۶ بدست آمده که این امر نشان از همبستگی درونی بین گویه‌ها دارد.

۵-۱. تعریف مفهومی و عملیاتی

۵-۱-۱. احساس ناامنی اجتماعی

احساس فرد در برابر تهدیدهایی است که از جانب افراد دیگر، جان، مال، فکر و توانایی او را برای شرکت در اجتماعات دلخواه و یا حفظ این اجتماعات را به مخاطره می‌افکند (ربانی، عباس‌زاده، & اسلامی، ۱۳۹۲). احساس ناامنی اجتماعی در ابعاد ناامنی اقتصادی، جانی، جمعی، احساسی، روانی، عمومی سنجیده شده است.

۵-۱-۲. احساس ناامنی اقتصادی

به عدم احساس آرامش خاطر افراد جامعه برای انجام معاملات اقتصادی و سرمایه‌گذاری در سطح جامعه اطلاق می‌شود (ساروخانی & نویدنیا، ۱۳۸۵). برای سنجش این بعد از گویه‌های ذیل استفاده شد.

- آیا با وجود کرونا می‌توانید با خیالی راحت سرمایه‌گذاری کنید؟
- به راحتی نمی‌توان در این شرایط کرونایی کار پیدا کرد.
- آیا کرونا به شما ضرر مالی رسانده است؟
- باوجود کرونا بیکاری زیاد شده است.

۵-۱-۳. احساس ناامنی جانی

احساس ناامنی جانی، احساس ترس فرد در برابر سلامت و زندگی‌اش در مقابله با تهدیدات بیرونی است که می‌تواند کیفیت سلامتی‌اش را به خطر اندازد. برای سنجش این بعد از گویه‌های ذیل استفاده شد.

- کرونا کوچک و بزرگ نمی‌شناسد و جان همه در خطر است.

- احساس می‌کنم اگر با دیگران دست بدهم، جانم به خطر می‌افتد.

- احساس می‌کنم اگر ماسک بزنم جانم در امان است.

- آیا دست‌های خود را به طور مداوم، ضدعفونی می‌کنید؟

۵-۱-۴. احساس ناامنی جمعی

هرگونه ترس از شرکت در تجمعات و برگزاری تجمعات را احساس ناامنی جمعی گویند (افشانی & کریمی منجرمونی، ۱۴۰۰). برای سنجش این بعد از گویه‌های ذیل استفاده شد

- آیا در مراسم مذهبی شرکت می‌کنید؟

- آیا در مراسم ترحیم مثل گذشته شرکت می‌کنید؟

- آیا در جلسات و شب‌نشینی‌ها شرکت می‌کنید؟

- آیا در مراسم عروسی و جشن تولد شرکت می‌کنید؟

۵-۱-۵. احساس ناامنی عمومی

هرگونه نگرانی از تهدید و ترس از حضور در فضاهای عمومی را شامل می‌شود (شکریگی & رادین، ۱۳۹۵). برای سنجش این بعد از گویه‌های ذیل استفاده شد.

- آیا در جاهای عمومی مثل نانوایی، تاکسی یا اتوبوس، می‌ترسید که کرونا بگیرید؟

- چقدر فکر می‌کنید که در اماکن عمومی، افرادی باشند که کرونا دارند و به شما انتقال دهند؟

- آیا هنگام بیرون رفتن از خانه از ماسک استفاده می‌کنید؟

۵-۱-۶. احساس ناامنی/احساسی

این مفهوم به عدم احساس آرامش خاطر فرد در ابراز احساسات عاطفی خود نسبت به دوستان و اعضای خانواده اطلاق می‌گردد (افشانی & کریمی منجرموئی، ۱۴۰۰؛ ذاکری همامانه ۱۳۹۰). برای سنجش این بعد از گویه‌های ذیل استفاده شد.

- آیا از بوسیدن نزدیکان (خواهر، برادر، مادر، پدر و همسر) بابت انتقال کرونا، احساس نگرانی می‌کنید؟

- آیا از در آغوش گرفتن دیگران بابت انتقال کرونا، احساس نگرانی می‌کنید؟

۵-۱-۷. احساس امنیت روانی

زندگی در محیطی بی‌دغدغه و فارغ از هر نوع استرس و اضطراب را شامل می‌شود و عکس این امر را احساس ناامنی روانی گویند (فتحی، صادقی، رستمی، & جعفرپور، ۱۳۹۹). برای سنجش این بعد از گویه‌های ذیل استفاده شد.

- آیا با کوچک‌ترین علائم، فکر می‌کنید کرونا گرفته‌اید و خود را واریسی می‌کنید؟

- آیا اعلام آمار مبتلایان به کرونا، شما را نگران می‌کند؟

- آیا با فکر کردن به کرونا، مضطرب می‌شوید؟

- آیا فکر می‌کنید هر لحظه ممکن است کرونا بگیرید؟

- آیا شیوع بیشتر کرونا، شما را نگران می‌کند؟

۵-۲. شیوع ویروس کرونا

به انتشار و گسترش ویروس کرونا در سطح جامعه و احتمال مبتلا شدن به آن ویروس را شیوع ویروس کرونا گویند. برای سنجش این بعد از گویه‌های ذیل استفاده شد.

۱. خود یا اعضای خانواده‌تان، به کدام یک از بیماری‌های زیر مبتلاست؟ ۱.

بیماری قلبی ۲. بیماری ریوی ۳. بیماری کلیوی ۴. ضعف ایمنی بدن ۵. سایر بیماری‌ها ۶. هیچکدام،

۲. آیا از دوستان، آشنایان و همسایه‌های شما کسی به کرونا، مبتلا شده است؟

- ۱) خیر (۲) بله اگر بلی؟ نفر،
 ۳. آیا از اعضای خانواده شما (پدر، مادر، همسر و فرزند) کسی به کرونا، مبتلا شده است؟ (۱) خیر (۲) بله اگر بلی؟ نفر،
 ۴. آیا از دوستان، آشنایان و همسایه‌های شما کسی بر اثر کرونا فوت کرده است؟ (۱) خیر (۲) بله اگر بلی؟ نفر و
 ۵. آیا از اعضای خانواده شما (پدر، مادر، همسر و فرزند) کسی بر اثر کرونا فوت کرده است؟ (۱) خیر (۲) بله اگر بلی؟ نفر.

۶. یافته‌های پژوهش

۶-۱. یافته‌های توصیفی

جدول ۱. توزیع فراوانی پاسخگویان بر حسب متغیرهای جمعیتی

متغیر	طبقات	تعداد (نفر)	درصد
جنسیت	مرد	۱۹۶	۴۹/۱
	زن	۲۰۳	۵۹/۹
تأهل	متأهل	۱۶۶	۴۱/۶
	مجرد	۲۱۱	۵۹/۲
	سایر	۲۲	۵/۵
سن	پایین‌ترین	۱۸ (۱۶ نفر)	۴/۰
	بالا‌ترین	۷۸ (۱ نفر)	۰/۳
تحصیلات	بی‌سواد و ابتدایی	۲	۰/۵
	راهنمایی	۵	۳/۳
	دبیرستان و دیپلم	۱۲	۲۸/۱
	فوق دیپلم و لیسانس	۱۸۰	۴۵/۱
	فوق لیسانس و بالاتر	۱۰۰	۲۵/۱

بر اساس یافته‌های توصیفی پژوهش که در جدول ۱ منعکس شده‌اند، بیشتر مشارکت‌کنندگان در پژوهش به لحاظ جنسیت، وضعیت تأهل، وضعیت سن و تحصیلات به ترتیب زنان (۵۹/۹)، افراد مجرد (۵۹/۲)، فوق دیپلم و لیسانس (۴۵/۱) هستند؛ بنابراین زنان، مجردان و تحصیلات فوق دیپلم و لیسانس بیشترین فراوانی را در میان نمونه‌های پژوهش دارا می‌باشند.

جدول ۲. آماره‌های توصیفی احساس ناامنی اجتماعی ناشی از ویروس کرونا به تفکیک ابعاد

متغیر	توزیع درصدهای معتبر			انحراف معیار
	کم	متوسط	زیاد	میانگین
احساس ناامنی جمعی	۶۴/۷	۳۴/۶	۰/۸	۳/۲۸
احساس ناامنی اقتصادی	۱/۳	۴۲/۲	۵۶/۴	۳/۴۹
احساس ناامنی جانی	۱/۷	۳۰/۵	۶۷/۸	۳/۵۸
احساس ناامنی احساسی	۹/۸	۵۲/۹	۳۷/۳	۳/۲۹
احساس ناامنی روانی	۱۲/۳	۴۶/۶	۴۰/۱	۳/۴۴
احساس ناامنی عمومی	۱	۴۰/۲	۵۸/۸	۳/۳۲
احساس ناامنی اجتماعی (سازه کلی)	۳/۵	۷۲/۹	۲۲/۶	۳/۲۸

بر اساس جدول ۲، خروجی داده‌ها نشان می‌دهد که میانگین شاخص کلی احساس ناامنی اجتماعی ناشی از ویروس کرونا-۳/۲۸ و انحراف معیار آن ۰/۴۸۶ است. در میان ابعاد مختلف احساس ناامنی اجتماعی ناشی از ویروس کرونا، ناامنی جانی بیشترین میانگین (۳/۵۸) و ناامنی جمعی پایین‌ترین میانگین (۳/۲۸) را داشته است. به نظر می‌رسد بیشترین احساس ناامنی ناشی از بیماری کووید-۱۹ در رابطه با ترس از دست دادن جان و تهدید جانی این بیماری است و مردم در شهر تهران بیش از همه نگران امنیت جانی خود در مواجهه با این ویروس هستند.

۲-۶. یافته‌های استنباطی

آزمون فرضیه شماره ۱: بین سن و احساس ناامنی اجتماعی ناشی از ویروس کرونا رابطه وجود دارد.

جدول ۳. همبستگی مرتبه صفر بین سن و احساس ناامنی اجتماعی ناشی از ویروس کرونا

متغیر مستقل	متغیر وابسته	ضریب همبستگی	سطح معناداری
سن	احساس ناامنی اجتماعی	۰/۰۴۰	۰/۴۲۸

اطلاعات جدول ۳ نشان می‌دهد که بین سن و احساس ناامنی اجتماعی ناشی از ویروس کرونا رابطه معنی‌داری وجود ندارد ($P < ۰/۰۱$). به عبارت دیگر، افراد در سنین مختلف تقریباً در رنجی مشابه، احساس ناامنی ناشی از بیماری کووید-۱۹ را تجربه کرده و تفاوتی چندانی میان جوانان و افراد میان‌سال و سالمند وجود ندارد. این امر نشان‌دهنده این موضوع است که کووید-۱۹ همه‌ی اقشار و گروه‌های

سنی را تهدید کرده و افراد را دچار ترس و ناامنی می‌کند. اگرچه در بسیاری از محافل عمومی این گونه به نظر می‌رسد که جوانان احساس ناامنی کمتری به نسبت افراد سال‌خورده در رابطه با شیوع و تجربه این ویروس را دارند، اما نتایج این پژوهش چیزی متفاوت را نشان داده است.

آزمون فرضیه شماره ۲: احساس ناامنی اجتماعی ناشی از ویروس کرونا برحسب جنسیت تفاوت معنی‌داری دارد.

جدول ۴. خروجی آزمون تی جهت مقایسه میزان احساس ناامنی اجتماعی ناشی از ویروس کرونا برحسب جنس

بعد	مقولات	میانگین	انحراف معیار	تی	درجه آزادی	سطح معنی‌داری
احساس ناامنی روانی	مرد	۱۵/۲۸۰	۴/۶۶۹	-۸/۱۳۸	۳۹۷	۰/۴۵۱
	زن	۱۹/۰۹۸	۴/۷۰۰			
احساس ناامنی عمومی	مرد	۱۳/۶۵۳	۲/۶۸۳	-۵/۱۱۵	۳۹۷	۰/۰۰۶
	زن	۱۵/۱۵۲	۳/۱۴۵			
احساس ناامنی جانی	مرد	۱۵/۶۶۳	۲/۹۶۸	۱/۶۷۶	۳۹۷	۰/۷۴۳
	زن	۱۵/۱۶۷	۲/۹۴۰			
احساس ناامنی اقتصادی	مرد	۱۳/۳۲۱	۲/۵۲۸	۰/۰۲۵	۳۹۷	۰/۸۷۷
	زن	۱۳/۳۱۵	۲/۴۵۹			
احساس ناامنی جمعی	مرد	۱۲/۶۸۸	۳/۳۹۹	-۶/۱۴۵	۳۹۷	۰/۰۰۵
	زن	۱۴/۶۶۰	۲/۹۸۶			
احساس ناامنی احساسی	مرد	۱۱/۳۰۶	۳/۰۴۸	۳/۱۰۷	۳۹۷	۰/۰۲۳
	زن	۱۱/۵۰۲	۲/۶۰۶			
احساس ناامنی اجتماعی	مرد	۸۱/۹۱۳	۱۰/۸۹۱	-۵/۷۲۶	۳۹۷	۰/۰۰۰
	زن	۸۸/۸۹۶	۱۳/۳۰۲			

با توجه به نتایج به‌دست‌آمده در جدول ۴ بین احساس ناامنی اجتماعی ناشی از ویروس کرونا برحسب جنس، تفاوت معنی‌داری وجود دارد. به‌طوری‌که، میانگین احساس ناامنی اجتماعی مردان (۸۱/۹۱۳) کمتر از میانگین احساس ناامنی اجتماعی زنان (۸۸/۸۹۶) شده است. به این معنا که زنان احساس ناامنی به‌مراتب بیشتری از مردان را در دوران شیوع پاندمی کووید-۱۹ تجربه می‌کنند. همچنین در بین ابعاد احساس ناامنی اجتماعی، احساس ناامنی عمومی تفاوت معنی‌داری در میان زنان و مردان نشان می‌دهد. به‌گونه‌ای که میانگین احساس ناامنی عمومی مردان (۱۳/۶۵۳) بیشتر از میانگین احساس ناامنی عمومی زنان (۱۵/۱۵۲) شده

است. بنابراین در شرایط شیوع بیماری کووید-۱۹ زنان بیشتر از مردان احساس ناامنی عمومی می‌کنند. همچنین در بعد جمعی احساس ناامنی اجتماعی، تفاوت معناداری میان زنان و مردان وجود دارد. همچنین با توجه به اطلاعات جدول، زنان بیش از مردان به شکل معنی‌داری احساس ناامنی جمعی می‌کنند. بنابراین می‌توان گفت که مردان و زنان با شیوع ویروس کووید-۱۹، تفاوت معنی‌داری در احساس ناامنی اجتماعی با یکدیگر دارند، به صورتی که زنان بیش از مردان احساس ناامنی اجتماعی بر اثر شیوع ویروس را تجربه می‌کنند.

آزمون فرضیه شماره ۳: احساس ناامنی اجتماعی ناشی از ویروس کرونا بر حسب تحصیلات تفاوت معنی‌داری دارد.

جدول ۵. خروجی تحلیل واریانس احساس ناامنی اجتماعی بر اساس میزان تحصیلات

تحصیلات	میانگین	انحراف معیار	F	سطح معنی‌داری
بی سواد و ابتدایی	۷۶/۵۰۰	۹/۱۹۲	۲/۸۵۴	۰/۰۲۴
راهنمایی	۹۳/۲۰۰	۱۱/۵۶۲		
دبیرستان و دیپلم	۸۲/۹۱۷	۱۳/۷۶۸		
فوق دیپلم و لیسانس	۸۷/۲۵۰	۱۱/۷۴۴		
فوق لیسانس و بالاتر	۸۴/۴۶۶	۱۲/۶۵۰		

نتایج به دست آمده، حاکی از آن است که بین میزان و سطح تحصیلات و احساس ناامنی اجتماعی ناشی از شیوع پاندمی کووید-۱۹ تفاوت معنی‌داری وجود دارد ($P < ۰/۰۵$). با توجه به آزمون تعقیبی LSD، اختلاف میانگین احساس ناامنی اجتماعی در بین افراد بی سواد و ابتدایی با افرادی که تحصیلات دبیرستانی و دیپلم، تحصیلات فوق دیپلم و لیسانس دارند، به طور معنی‌داری بیشتر بود ($P < ۰/۰۵$)؛ اما در بین سایر سطوح تحصیلی، تفاوت احساس ناامنی اجتماعی، معنی‌دار نشده است ($P > ۰/۰۵$). بنابراین با توجه به یافته‌های پژوهش می‌توان این گونه تبیین نمود که میزان احساس ناامنی اجتماعی بر حسب تحصیلات متفاوت است و افراد دارای تحصیلات پایین‌تر در قیاس با افراد دارای تحصیلات بالاتر، احساس ناامنی اجتماعی بیشتری را تجربه می‌کنند و این فرضیه تأیید می‌شود.

آزمون فرضیه شماره ۴: نقش ویروس کرونا در ابعاد مختلف احساس ناامنی اجتماعی تفاوت معنی‌داری دارد.

برای تعیین نگرش شهروندان تهران به نقش ویروس کرونا در احساس ناامنی اجتماعی، از آزمون تی تک نمونه‌ای استفاده شده است. عدد ۳ به عنوان میانگین نظری (دامنه تغییرات ۱ تا ۵ بوده است) در نظر گرفته شد تا با استفاده از آزمون تی تک نمونه‌ای مشخص گردد که تأثیر ویروس کرونا در ابعاد مختلف احساس ناامنی اجتماعی چقدر است؟

جدول ۶. خروجی آزمون t تک نمونه‌ای تأثیر ویروس کرونا بر احساس ناامنی اجتماعی و ابعاد آن

متغیر	میانگین	انحراف معیار	T	سطح معنی‌داری
احساس ناامنی روانی	۳/۴۴۴	۰/۹۲۶	۸/۷۸۵	۰/۰۰۰
احساس ناامنی عمومی	۳/۳۲۶	۰/۷۳۲	۱۵/۹۸۷	۰/۰۰۰
احساس ناامنی جانی	۳/۵۸۲	۰/۷۴۰	۲۳/۰۱۴	۰/۰۰۰
احساس ناامنی اقتصادی	۳/۴۹۳	۰/۶۲۲	۱۰/۵۷۳	۰/۰۰۰
احساس ناامنی جمعی	۳/۲۸۲	۰/۵۵۶	-۲۵/۷۵۷	۰/۰۰۰
احساس ناامنی احساسی	۳/۲۹۰	۰/۹۴۳	۱۶/۹۸۱	۰/۰۰۰
احساس ناامنی اجتماعی (سازه کلی)	۳/۲۸۷	۰/۴۸۶	۱۱/۷۸۵	۰/۰۰۰

اطلاعات جدول ۶، حاکی از آن است که نقش ویروس کووید-۱۹ در ابعاد مختلف احساس ناامنی اجتماعی متفاوت بوده است. به گونه‌ای که تأثیر این ویروس در ابعاد احساس ناامنی روانی ($\bar{X} = ۳/۴۴۴$)، احساس ناامنی عمومی ($\bar{X} = ۳/۳۲۶$)، احساس ناامنی جانی ($\bar{X} = ۳/۵۸۲$)، احساس ناامنی اقتصادی ($\bar{X} = ۳/۴۹۳$)، احساس ناامنی جمعی ($\bar{X} = ۳/۲۸۲$)، ناامنی احساسی ($\bar{X} = ۳/۲۹۰$) و سازه کلی احساس ناامنی اجتماعی ($\bar{X} = ۳/۲۸۷$)، به طور معنی‌داری بیشتر از میانگین نظری (۳) بوده است ($P < ۰/۰۰۱$).

جدول ۷. خروجی آزمون فریدمن برای سنجش تأثیر ویروس کرونا بر احساس ناامنی اجتماعی

متغیر	میانگین رتبه	کای اسکوئر	سطح معنی‌داری
احساس ناامنی روانی	۴/۷۵	۱۲۵۲/۰۹۶	۰/۰۰۰
احساس ناامنی عمومی	۴/۳۴		
احساس ناامنی جانی	۵/۷۴		
احساس ناامنی اقتصادی	۵/۱۹		
احساس ناامنی جمعی	۲/۰۶		
احساس ناامنی احساسی	۱/۷۵		
احساس ناامنی اجتماعی	۴/۱۸		

جدول ۷، مقایسه‌ی میانگین رتبه‌ها برحسب آزمون فریدمن حاکی از آن است که تفاوت معنی‌داری بین تأثیر شیوع کووید-۱۹ بر ابعاد احساس ناامنی اجتماعی وجود دارد ($P < ۰/۰۰۱$). در ضمن پاسخ به سؤال نخست پژوهش که شیوع ویروس کرونا بر کدامیک از ابعاد احساس ناامنی اجتماعی تحت تأثیر خود قرار داده است؟ کروناویروس بیشترین تأثیر را بر احساس ناامنی جانی و اقتصادی به ترتیب (۵/۷۴) و (۵/۱۹) داشته و کمترین تأثیر را بر ناامنی احساسی (۱/۷۵) و احساس ناامنی جمعی (۲/۰۶) داشته است. بر اساس نتایج جدول فریدمن، می‌توان اینگونه تبیین نمود که کووید-۱۹ بیشترین تأثیرات منفی را در ترس از دست دادن جان و ابعاد اقتصادی افراد داشته است. به‌طورکلی طبق یافته‌های جدول ۷ و جدول ۸ می‌توان گفت که پاسخگویان تحت تأثیر ویروس کرونا دچار احساس ناامنی اجتماعی شده‌اند. این فرضیه نیز تأیید شد.

آزمون فرضیه شماره ۵: بین شیوع کرونا و احساس ناامنی اجتماعی رابطه معنی‌داری وجود دارد.

جدول ۸. همبستگی مرتبه صفر بین شیوع ویروس کرونا و احساس ناامنی اجتماعی

متغیر مستقل	متغیر وابسته	ضریب همبستگی	شدت رابطه	سطح معناداری
شیوع ویروس کرونا	احساس ناامنی اجتماعی	۰/۴۱۹	متوسط	۰/۰۰۰

اطلاعات جدول ۸ نشان می‌دهد که بین شیوع ویروس کرونا و احساس ناامنی اجتماعی رابطه‌ی مستقیم و معنی‌داری وجود دارد ($P < ۰/۰۰۱$) به عبارت دیگر، پاسخ به دومین سؤال پژوهش که میزان احساس ناامنی اجتماعی ناشی از شیوع ویروس کرونا در بین شهروندان تهرانی چقدر است؟ هرچقدر کووید-۱۹ شیوع بیشتری پیدا کند، به تبع آن نیز احساس ناامنی اجتماعی افزایش پیدا می‌کند. شدت رابطه‌ی این دو متغیر در سطح متوسط هست. بر مبنای جامعه‌ی خطر مدنظر اولریش بک، جامعه‌ی مدرن جامعه‌ای است که در آن رنگ ترس و نگرانی غالب بوده و افراد به دنبال در امان ماندن از خطرات هستند. همچنین نظر گیدنز نیز در رابطه با جهانی‌شدن و مخاطرات آن جهانی پر از دلهره و اضطراب است. این دلهره مرز نمی‌شناسد و به صورتی جهانی اشاعه پیدا می‌کند، امری که در رابطه با

پاندمی کووید-۱۹ به وضوح شاهد آن هستیم.

۳-۶. رگرسیون چندگانه

جدول ۹. نتایج تحلیل رگرسیون چندگانه متغیرهای مؤثر بر احساس ناامنی اجتماعی

سطح معناداری	T	ضرایب معیار شده	ضرایب معیار نشده		متغیرهای مستقل
		بتا	خطای معیار	B	
۰/۰۰۱	۱۴/۱۶۹	-	۴/۰۷۲	۵۱/۶۹۶	مقدار ثابت
۰/۰۰۰	۴/۷۵۰	۰/۳۱۴	۱/۱۳۹	۵/۴۰۸	جنسیت
۰/۶۰۳	۰/۵۲۳	۰/۰۲۳	۰/۷۱۴	۰/۳۷۳	تحصیلات
۰/۰۰۰	۸/۴۶۳	۰/۳۸۲	۰/۴۷۲	۳/۹۹۲	شیوع ویروس کرونا
آماره F	خطای استاندارد شده	ضریب (R^2) تعدیل شده	مجذورات (R)		ضریب همبستگی (R)
۳۷/۲۰۹	۱۱/۲۱۶	۰/۲۱۴	۰/۲۲۰		۰/۴۶۹

در جدول ۹ مقدار ضریب همبستگی چندگانه بین متغیرها ۰/۴۶۹ نشان می‌دهد بین مجموعه متغیرهای مستقل و متغیر وابسته (احساس ناامنی اجتماعی) همبستگی چندگانه متوسط وجود دارد. همچنین، مقدار ضریب تعیین تعدیل شده برابر با ۰/۲۱۴ است. با توجه به این مقدار، متغیرهای وارد شده توانسته‌اند ۲۱/۴ درصد از تغییرات احساس ناامنی اجتماعی را تبیین کنند، مابقی این تغییرات تحت تأثیر متغیرهای خارج از مدل است. مدل رگرسیونی تبیین شده نیز طبق آزمون تحلیل پراکنش انجام شده خطی و معنی‌دار است؛ زیرا مقدار آزمون F برای تعیین معنی‌داری اثر متغیرهای مستقل بر احساس ناامنی اجتماعی برابر ۳۷/۲۰۹ با سطح معنی‌داری $P < ۰/۰۰۱$ است. در مجموع طبق داده‌های این جدول و با توجه به ضرایب بتاهای استاندارد شده، شیوع ویروس کرونا با مقدار $\beta = ۰/۳۸۲$ بیشترین تأثیر را در تبیین تغییرات احساس ناامنی اجتماعی داشته است.

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

کووید-۱۹ ویروسی با جهش‌های زیاد و فراگیری جهانی در دو سال اخیر، جهان را در بخش‌های مختلف، دچار تهدیدی بزرگ و ناامن کرده است. تهدیدهایی که منجر به تغییرات زیادی در روال عادی زندگی مردم در تمامی نقاط دنیا شده است. آنچه روشن است و هنوز هم ادامه دارد اعمال سیاست‌های بهداشتی

ازجمله؛ رعایت فاصله اجتماعی، تعطیلی و قرنطینه‌های خانگی، در ابعاد اجتماعی منجر به کاهش شدید روابط اجتماعی، احساس تنهایی و انزوا و احساس ترس در ابعاد مختلف زندگی شده و در بعد اقتصادی باعث بیکاری طیف‌های مختلف شغلی و کاهش توان اقتصادی شده است. ازاین‌رو پژوهش حاضر باهدف بررسی تأثیر ویروس کووید-۱۹ بر احساس ناامنی در بخش‌های مختلف زندگی اجتماعی شهروندان است.

با توجه به متغیر احساس ناامنی اجتماعی، یافته‌های پژوهش و سؤال پژوهش، حاکی از آن است که در حالت کلی احساس ناامنی اجتماعی در بین مردم شهر تهران در دوران کووید-۱۹ در حد متوسط رو به بالا می‌باشد، به‌طوری‌که حدود ۷۲/۹ درصد از آن‌ها اعلام کرده‌اند که احساس ناامنی می‌کنند. این نتایج با پیشینه‌های نظری موجود و تئوری‌های مورد استفاده در چارچوب نظری همخوانی دارد. بک در نظریات خود در رابطه با جامعه‌ی مخاطره‌آمیز، جامعه‌ی عصر جدید را جامعه‌ای می‌داند که در آن نگرانی افراد از آفات و بلایای طبیعی (قحطی و زلزله) به سمت مخاطرات ناشی از فعالیت‌های انسانی که اغلب شکل جهانی و عالم‌گیر دارند، معطوف شده است. همچنین، گیدنز در نظریه‌ی جهانی‌شدن خود جامعه‌ی مدرن را آغشته‌ای از دلهره و خطرات می‌داند. این خطرات از نظر او با ناامنی‌های هستی‌شناسی همراه بوده و انسان‌های نقاط مختلف جهان را دچار دلهره و جودی می‌کند.

فرضیه‌ی اول رابطه سن و احساس ناامنی اجتماعی ناشی از کرونا ویروس را طرح می‌کند. این فرضیه با توجه به یافته‌های پژوهش مورد تأیید قرار نگرفت. یعنی هرچه سن بالاتر می‌رود احساس ناامنی اجتماعی ناشی از بیماری کووید-۱۹ تغییری پیدا نکرده و افراد در گروه‌های سنی مختلف، میزان احساس ناامنی مشابهی را تجربه می‌کنند. این یافته با یافته‌های شکریبگی (شکریبگی & رادین، ۱۳۹۵)، حاتمی و همکاران (حاتمی، احمدی، & اسمعیلی، ۱۳۹۴) و (اشتری مهرجردی، حسین زاده فرمی، عشایری، & نامیان، ۱۳۹۹)، رفیعی و همکاران (رفیعی et al., 1399)، افشانی و کریمی (افشانی & کریمی منجرموئی، ۱۴۰۰) همخوانی ندارد.

می‌توان این‌گونه تبیین نمود که کووید-۱۹ دیگر در بین سنین مختلف به اندازه مشابهی ایجاد احساس ناامنی داشته و متغیری محسوب می‌شود که همه‌ی گروه‌های سنی را در بخش احساس امنیت دچار چالش جدی کرده است.

فرضیه‌ی دوم به میزان تفاوت احساس ناامنی اجتماعی بر مبنای جنسیت می‌پردازد. این فرضیه که با آزمون تی مورد آزمون قرار گرفته، تأیید گردید و تفاوت معنی‌داری برحسب جنسیت در میزان احساس ناامنی اجتماعی مشاهده گردید. این یافته با نتایج آکل و همکاران (Akel et al., 2021)، رفیعی و مداحی (رفیعی et al., 1399)، شروتی و کیران (Raina & Bhan, 2013)، همخوانی دارد. پژوهش‌های متعددی نشان‌دهنده بالا رفتن خشونت خانگی علیه زنان در دوران شیوع پاندمی کووید-۱۹ می‌باشد. درواقع زنان بیش از مردان احساس ناامنی در ابعاد اقتصادی، اجتماعی و به‌ویژه احساسی و روحی را تجربه می‌کنند. نتایج یافته‌های در رابطه با تفاوت معنادار میان زنان و مردان به لحاظ تفاوت در احساس ناامنی و تجربه خشونت و ترس با یافته‌های زاور و همکاران (Zaver & Sharma, 2021)، سری (Sri, Das, Gnanapragasam, & Persaud, 2021)، آکل و همکاران (Akel et al., 2021) همسو می‌باشد؛ اما این یافته‌ها با نتایج پژوهش‌های افشانی و کریمی (افشانی & کریمی منجرمونی، ۱۴۰۰)، و ذاکری هامانی (ذاکری هامانه ۱۳۹۰) و بیات (بیات، ۱۳۸۸) همخوانی ندارد.

فرضیه‌ی سوم پژوهش مبنی بر «تفاوت احساس ناامنی اجتماعی بر اساس سطح تحصیلات»، تأیید شد. به این معنا، افرادی که تحصیلات دبیرستانی، فوق‌دیپلم و لیسانس دارند با افراد بی‌سواد و ابتدایی از نظر احساس ناامنی اجتماعی ناشی از ویروس کرونا تفاوت دارند. به این نحو که افراد با تحصیلات دیپلم و فوق‌دیپلم میزان احساس ناامنی اجتماعی‌شان بیشتر است. گیدنز در این زمینه معتقد است که افراد تحصیل‌کرده، احساس امنیت اجتماعی بیشتری دارند چرا که تحصیلات در قدرت تجزیه و تحلیل شرایط و موقعیت‌ها نقش مهمی ایفا می‌کند و افراد دارای تحصیلات پایین با توجه به اینکه قدرت کمتری در تجزیه و تحلیل مشکلات دارند بیشتر احساس ناامنی می‌کنند. در این زمینه می‌توان گفت

که افراد تحصیل کرده در مقایسه با افراد بی سواد یا کم سواد نسبت به نحوه مبتلا شدن و عوارض و پیامدهای ویروس کرونا از راههای گوناگون، آگاهی و اطلاعات بیشتری کسب می کنند و آگاهی نسبت به موضوعی که عوارض منفی نه تنها برای خود فرد بلکه برای سایر اعضای جامعه نیز دارد می تواند آن ها را در اتخاذ تصمیمات و رفتارهای متناسب و تحلیل شرایط موجود در جامعه یاری رساند و احساس ناامنی کمتری را تجربه کنند (افشانی & کریمی منجرموئی، ۱۴۰۰). این یافته با یافته های حاتمی و همکاران (حاتمی et al., 1394) و حسین زاده فرمی (اشتری مهرجردی et al., 1399) و افشانی و کریمی (افشانی & کریمی منجرموئی، ۱۴۰۰) همخوانی دارد.

فرضیه چهارم که اشاره به نقش کووید-۱۹ در ابعاد مختلف احساس ناامنی اجتماعی متفاوت دارد، بر اساس آزمون تی تک نمونه ای، این فرضیه مبنی بر وجود تفاوت معنی دار تأیید شد. زیرا میانگین تأثیر ویروس کرونا بر احساس ناامنی اجتماعی از حد مورد انتظار بیشتر شده است. در بین ابعاد احساس ناامنی اجتماعی، احساس ناامنی جانی بیشترین تأثیر را از شیوع ویروس کرونا پذیرفته است. پاسخ سؤال شماره دوم پژوهش در این راستا می باشد. این یافته با پژوهش های گونر و همکاران (Guner, Erdogan, & Demir, 2021)، بارنز و همکاران (Kentish-Barnes et al., 2021) و افشانی و کریمی (افشانی & کریمی منجرموئی، ۱۴۰۰) همخوانی دارد. کووید-۱۹ با ایجاد وحشت و ترس از مرگ، دلهره ای جهانی را برای مردم ایجاد کرده است، دلهره ای توأم با حقیقت بوده، چنان که این پاندمی وحشت بار جان میلیون ها انسان را در سرتاسر جهان از توسعه یافته ترین کشورها تا فقیرترین را گرفته است.

در بعد احساسی و همچنین عمومی احساس ناامنی پاندمی کووید-۱۹ تأثیرات مخربی بر امنیت شهروندان تهرانی گذاشته است. شهروندانی که دیگر برای ابراز محبت، نزدیک ترین اعضای خانواده خود را در آغوش نمی گیرند، خیلی کمتر از خانه بیرون رفته و در انزوایی احساسی به سر می برند. دائماً ترس از مبتلا شدن به ویروس را در عزیزان خود داشته و اضطرابی مستمر را تجربه می کنند. در

تبیین این مقوله پارک و سالتز^۱ می‌گویند؛ احساس امنیت، احساسی در مناطق محروم و فضاهای سنتی که روابط آن‌ها محدود به خویشاوندان است، بیشتر است. این یافته با یافته‌های ساروخانی و همکاران (ساروخانی & نویدنیا، ۱۳۸۵)، ایمانی جاجرمی (ایمانی جاجرمی، ۱۳۹۹) و افشانی و کریمی (افشانی & کریمی منجرموئی، ۱۴۰۰) همخوانی دارد. نتایج حاکی از آن است که میانگین احساس ناامنی عمومی از حد مورد انتظار بیشتر شده و این امر نشان‌دهنده آن است که کووید-۱۹ احساس امنیت عمومی را مختل کرده و مردم را در ابعاد حضور در بیرون از خرید کردن تا تفریح دچار چالش و ترس نموده است. این یافته با یافته‌های افشانی و کریمی (افشانی & کریمی منجرموئی، ۱۴۰۰) و ایمانی جاجرمی (ایمانی جاجرمی، ۱۳۹۹) همخوانی دارد.

فرضیه پنجم به رابطه‌ی شیوع ویروس کرونا و احساس ناامنی اجتماعی اشاره دارد. این فرضیه با آزمون پیرسون مورد ارزیابی و سنجش قرار گرفته و مورد تأیید واقع شد. این یافته، تأییدکننده نظریه‌های آنتونی گیدنز و اولریش بک است. این دو اندیشمند و جامعه‌شناس معاصر، جهان کنونی و مدرن را جهانی مملو از خطرات می‌دانند که بعدی فراگیر داشته و محلی محسوب نمی‌شود. اولریش بک به قدری جهان جدید را مملو از خطر دیده، به نحوی که آن را جهان خطر می‌نامد و گیدنز از همه‌گیری جهانی در همه ابعاد حتی ترس و اضطراب سخن می‌گوید (ریتزر، ۱۳۹۰). این نتایج با یافته‌های افشانی و کریمی (افشانی & کریمی منجرموئی، ۱۴۰۰) و ایمانی جاجرمی (ایمانی جاجرمی، ۱۳۹۹) هم‌خوانی دارد. به‌طور کلی، تهران به‌عنوان پایتخت ایران و پرجمعیت‌ترین شهر ایران، به نحو چشم‌گیری تحت تأثیر پاندمی کووید-۱۹ قرار گرفته و در حال حاضر که این مقاله نگارش می‌شود، درگیر پیک یا همان موج پنجم کرونا است. موجی که نوع دلنای کووید-۱۹ را نشان داده و آمار بالایی از سرایت و مرگ‌ومیر را نشان می‌دهد. از بهمن ۱۳۹۹ تاکنون (مردادماه ۱۴۰۰) تهران شاهد اثرگذاری کووید-۱۹ بر همه‌ی ابعاد زندگی مردم بوده است. تعطیلی‌ها، قرنطینه و فاصله‌گذاری اجتماعی، بیکاری

و لطامات اقتصادی ناشی از این پاندمی جهانی، چهره‌ای از ناامنی در همه ابعاد را بر مردم شهر نشان داده و نگاه نگرانیشان را به این ویروس با وحشت توأمان کرده است. به نظر می‌رسد کرونا ویروس بیش از همه تأثیرات، احساس امنیت اجتماعی شهروندان را نشانه رفت که نتایج این تحقیق مؤید این موضع است. بنابراین پیشنهادهایی کاربردی برای جبران این تأثیرات منفی ارائه می‌گردد.

پیشنهادهای کاربردی

- با توجه به ابعاد روانی و احساسی کووید-۱۹ توصیه می‌شود، حمایت‌های رایگان در حوزه‌ی مشاوره و ارتقاء سلامت روان به‌تمامی اعضای جامعه با پشتیبانی دولتی صورت گیرد.

- با استفاده از جامعه‌شناسان و کارشناسان اجتماعی، اجرای طرح‌هایی جهت ارتقای نشاط اجتماعی در دوران کووید-۱۹ و پساکرونا.

- در حوزه‌ی مالی، ارائه‌ی حمایت‌های مالی از قبیل حداقل بیمه بیکاری، اعطای تسهیلات ترجیحاً بی‌بهره یا کم‌بهره به گروه‌های آسیب‌پذیر جامعه.

- حمایت و تسهیلات پزشکی و دارویی برای بیماران کم‌بضاعت درگیر در بیماری کووید-۱۹.

- اطلاع‌رسانی در رابطه با ارتباط مستقیم توسط مشاوره رایگان ۱۴۸۰ سازمان بهزیستی توسط رسانه ملی جهت ارائه‌ی مشاوره‌های لازم در زمینه اضطراب و استرس ناشی از بحران کرونا.

- پیگیری و تلاش جدی برای تهیه تزریق واکسن کووید-۱۹ و اطلاع‌رسانی از اخبار مثبت و امیدوارکننده از اثرگذاری مثبت واکسیناسیون عمومی جهت بالا بردن احساس امنیت جانی، روانی و احساسی شهروندان.

- اعطا و تخصیص بسته‌های اینترنتی رایگان یا با بهای کم و ارزان به‌منظور برقراری ارتباطات تصویری بیشتر در راستای افزایش حس تعلق و وابستگی بین اعضای خانواده‌ها و کاهش دیدوبازدیدهای چهره به چهره.

- افزایش ارائه خدمات الکترونیکی جهت کاهش حضور در مکان‌هایی مثل بانک‌ها و ادارات.

منابع و ماخذ

- اشتری مهرجردی، اباذر، حسین زاده فرمی، مهدی، عشایری، طاهّا، & نامیان، فاطمه. (۱۳۹۹). تبیین جامعه‌شناختی امنیت اجتماعی شهروندان (فرا تحلیل پژوهش امنیت اجتماعی). فصلنامه علمی مطالعات امنیت اجتماعی، ۱۱ (۶۳)، ۵۰-۱۳.
- افراسیابی، حسین، & بهارلونی، مریم. (۱۳۹۹). تعلیق، هراس و بازاندیشی: برداشت جوانان از زندگی اجتماعی در شرایط کرونایی. فصلنامه مطالعات میان‌رشته‌ای در علوم انسانی، ۱۲ (۲)، ۱۴۳-۱۲۳.
- افشانی، سیدعلیرضا، & کریمی منجرمویی، یزدان. (۱۴۰۰). شیوع کرونا و احساس ناامنی اجتماعی. فصلنامه علمی مطالعات امنیت اجتماعی، ۱۲ (۶۶)، ۵۷-۸۶.
- ایمانی جاجرمی، حسین. (۱۳۹۹). پیامدهای اجتماعی شیوع ویروس کرونا در جامعه ایران. ارزیابی تأثیرات اجتماعی، ۱ (۲) (ویژه نامه پیامدهای شیوع ویروس کرونا- کووید ۱۹)، ۸۶-۱۰۳.
- بیات، بهرام. (۱۳۸۸). بررسی عوامل موثر بر احساس امنیت شهروندان تهرانی (با تأکید بر رسانه های جمعی، عملکرد پلیس و بروز جرایم). انتظام اجتماعی، ۱ (۱)، ۳۱-۵۵.
- چلبی، مسعود. (۱۳۷۵). جامعه شناسی نظم: تشریح و تحلیل نظری نظم اجتماعی. تهران: نشر نی.
- حاتمی، علی، احمدی، بختیار، & اسمعیلی، عطا. (۱۳۹۴). بررسی عوامل مرتبط با میزان احساس امنیت اجتماعی شهروندان مورد مطالعه زنان شهر کرمانشاه. پژوهش های راهبردی مسائل اجتماعی ایران (پژوهش های راهبردی امنیت و نظم اجتماعی)، ۴ (۳) (پیاپی ۱۱)، ۱۰۳-۱۲۱.
- ذاکری هامانه، راضیه. (۱۳۹۰). بررسی میزان احساس امنیت اجتماعی و عوامل اجتماعی موثر بر آن (مطالعه موردی: شهر یزد). (کارشناسی ارشد)، وزارت علوم، تحقیقات و فناوری - دانشگاه یزد، دانشگاه یزد.
- ربانی، رسول، عباس-زاده، محمد، & اسلامی، بتول محمود مولایی سید رضا. (۱۳۹۲). مطالعه جامعه شناختی تأثیر سرمایه اجتماعی بر احساس ناامنی زنان با کاربرد ایموس گرافیک (مطالعه موردی: دانشجویان دختر دانشگاه اصفهان). پژوهش های راهبردی امنیت و نظم اجتماعی، ۲ (۵)، ۲۵-۵۲.

رفیعی، حسن رضا، مداحی، جواد، & سیارخلج، حامد. (۱۳۹۹). رابطه دینداری و رسانه های جمعی با احساس امنیت در شهر زاهدان. *فصلنامه علمی مطالعات امنیت اجتماعی*, ۱۱(۶۲), ۸۷-۱۰۸.

ریتزر، جورج. (۱۳۹۰). *نظریه جامعه شناسی در دوران معاصر* تهران: نشر علمی. ساروخانی، باقر، & نویدنیا، منیژه. (۱۳۸۵). امنیت اجتماعی خانواده و محل سکونت، در تهران. *رفاه اجتماعی*, ۶(۲۲), ۸۷-۱۰۷.

سفیری، خدیجه، رجبلو، علی، & قلیزاده، صغری. (۱۳۹۷). رابطه بین دینداری و احساس امنیت اجتماعی در شبکه های اجتماعی مجازی (مورد مطالعه: دانشجویان دختر دانشگاه های شهید بهشتی و الزهرا(س)). *نشریه پلیس زن*, ۱۲(۲۸), ۵-۲۱. سلطانپور، فاطمه، میرزایی، سمینر، & کدخدا، کاوه. (۱۳۹۹). بررسی شیوع ویروس کرونا و احساس امنیت اجتماعی در کرمان سال ۱۳۹۹ (با تأکید بر نقش پلیس). *دانش انتظامی کرمان*, ۳۱(۳۱), ۴۹-۷۶.

شکریبگی، عالیہ، & رادین، پرنگ. (۱۳۹۵). بررسی عوامل مرتبط با احساس ناامنی اجتماعی زنان در فضاهای شهری (با تأکید بر ویژگیهای کالبدی شهری). *مطالعات اجتماعی روان شناختی زنان*, ۱۴(۲), ۸۷-۱۲۶.

فتحی، آیت الله، صادقی، سولماز، رستمی، حسین، & جعفرپور، نادر. (۱۳۹۹). نقش ویژگی های روان شناختی مرتبط با امنیت روانی در اضطراب کرونا و تجربه انگ اجتماعی پس از موج اول اپیدمی کووید-۱۹ در دانشجویان. *طب انتظامی*, ۹(۴), ۲۰۳-۲۱۰.

قاسمی، محمدعلی. (۱۳۸۸). جامعه ریسک و اهمیت آن برای مطالعات استراتژیک. *مطالعات راهبردی*, ۱۲(۳) (مسلسل ۴۵), ۲۷-۴۶.

گیدنز، آنتونی. (۱۳۸۵). *جامعه شناسی نظریه اجتماعی*. تهران: نشر نی.

Akel, Marwan, Berro, Jana, Rahme, Clara, Haddad, Chadia, Obeid, Sahar, & Hallit, Souheil. (2021). Violence against women during COVID-19 pandemic. *Journal of interpersonal violence*, 0886260521997953.

Banerjee, Debanjan. (2020). 'Age and ageism in COVID-19': Elderly mental health-care vulnerabilities and needs. *Asian journal of psychiatry*, 51, 102154.

Cheng, Zhiming, Mendolia, Silvia, Paloyo, Alfredo R, Savage, David A, & Tani, Massimiliano. (2021). Working parents, financial insecurity, and childcare: mental health in the time of COVID-19 in the UK. *Review of Economics of the Household*, 19(1), 123-144.

Ebert, Cara, & Steinert, Janina I. (2021). Prevalence and risk factors of violence against women and children during COVID-19, Germany. *Bulletin of*

- the World Health Organization*, 99(6), 429.
- Gasparro, Roberta, Scandurra, Cristiano, Maldonato, Nelson Mauro, Dolce, Pasquale, Bochicchio, Vincenzo, Valletta, Alessandra, . . . Di Lauro, Alessandro Espedito. (2020). Perceived job insecurity and depressive symptoms among Italian dentists: The moderating role of fear of COVID-19. *International journal of environmental research and public health*, 17(15), 5338.
- Guner, Türkan Akyol, Erdogan, Zeynep, & Demir, Isa. (2021). The Effect of Loneliness on Death Anxiety in the Elderly During the COVID-19 Pandemic. *OMEGA-Journal of Death and Dying*, 00302228211010587.
- Heinz, Walter R. (2002). Self-socialization and post traditional society. *Advances in life course research*, 7(1), 41-64.
- Kentish-Barnes, Nancy, Cohen-Solal, Zoé, Morin, Lucas, Souppart, Virginie, Pochard, Frédéric, & Azoulay, Elie. (2021). Lived Experiences of Family Members of Patients With Severe COVID-19 Who Died in Intensive Care Units in France. *JAMA Network Open*, 4(6), e2113355-e2113355.
- Molteni, Francesco, Ladini, Riccardo, Biolcati, Ferruccio, Chiesi, Antonio M, Dotti Sani, Giulia Maria, Guglielmi, Simona, ... Vezzoni, Cristiano. (2021). Searching for comfort in religion: insecurity and religious behaviour during the COVID-19 pandemic in Italy. *European Societies*, 23(sup1), S704-S720.
- Raina, Shruti, & Bhan, Kiran Sumbali. (2013). A study of security-insecurity feelings among adolescents in relation to sex, family system and ordinal position. *International Journal of Educational Planning and Administration*, 3(1), 51-60.
- Sri, Anna Samya, Das, Preety, Gnanapragasam, Sam, & Persaud, Albert. (2021). COVID-19 and the violence against women and girls: 'The shadow pandemic': SAGE Publications Sage UK: London, England.
- Turner, Bryan S. (1994). *Orientalism, postmodernism and globalism*: Routledge.
- Turner, Bryan S. (Ed.) (2006) *The Cambridge Dictionary of Sociology*. New York: Cambridge University Press.
- Zaver, Vasudev, & Sharma, Bhawna. (2021). Covert COVID-19 crisis: how can rising domestic abuse and violence against women be counteracted in orthopaedic surgery? *Postgraduate medical journal*.

References

- Afrasiabi, Hossein, & Baharluoei, Maryam. (2020). Suspension, Fear and Reflexivity; Youth construction of Social Living by COVID-19. *Interdisciplinary Studies in the Humanities*, 12(2), 123-143. doi:10.22035/isih.2020.3840.3975 (In Persian)
- Afshani, SeyedAlireza, & Karimi Monjarmooei, Yazdan. (2021). COVID-19 Pandemic and Social Insecurity Feeling. *Societal Security Studies*, 12(66), 57-86. (In Persian)
- Akel, Marwan, Berro, Jana, Rahme, Clara, Haddad, Chadia, Obeid, Sahar, & Hallit, Souheil. (2021). Violence against women during COVID-19 pandemic. *Journal of interpersonal violence*, 0886260521997953.
- Ashtari Mehrjadi, Abazar, Hoseinzade Feremi, Mahdi, Ashayeri, Taha, & Namian, Fatemeh. (2020). Sociological Explanation of Citizens' Societal Security (Meta-analysis of Societal Security Research). *Societal Security Studies*, 11(63), 13-50. (In Persian)
- Banerjee, Debanjan. (2020). 'Age and ageism in COVID-19': Elderly mental health-care vulnerabilities and needs. *Asian journal of psychiatry*, 51, 102154.
- Bayat, Bahram. (2008). The Role of Puplic Media in Tehran Citizens' Sense of Security. *Jornal of Social Order (Entezam-e-Ejtemaei)*, 1(1), 31-55. (In Persian)
- Chalabi, Masoud. (1996). *Sociology of Order: Theoretical Description and Analysis of Social Order*. Tehran: Nashreny. (In Persian)
- Cheng, Zhiming, Mendolia, Silvia, Paloyo, Alfredo R, Savage, David A, & Tani, Massimiliano. (2021). Working parents, financial insecurity, and childcare: mental health in the time of COVID-19 in the UK. *Review of Economics of the Household*, 19(1), 123-144.

- Ebert, Cara, & Steinert, Janina I. (2021). Prevalence and risk factors of violence against women and children during COVID-19, Germany. *Bulletin of the World Health Organization*, 99(6), 429.
- Fathi, Ayatollah, Sadeghi, Solmaz, Rostami, Hossein, & Jafar Pour, Nader. (2020). The Role of Psychological Characteristics Related to Mental Security in Corona Anxiety and Social Stigma Experience after the First Wave of the Covid-19 Epidemic in Students. *Journal of Police Medicine*, 9(4), 201-208. doi:10.30505/9.4.4 (In Persian)
- Gasparro, Roberta, Scandurra, Cristiano, Maldonato, Nelson Mauro, Dolce, Pasquale, Bochicchio, Vincenzo, Valletta, Alessandra, . . . Di Lauro, Alessandro Espedito. (2020). Perceived job insecurity and depressive symptoms among Italian dentists: The moderating role of fear of COVID-19. *International journal of environmental research and public health*, 17(15), 5338.
- Ghasemi, Mohammad ali. (2009). Risk Society and Its Implications to Strategic Studies. *Strategic Studies Quarterly*, 12(45), 27-47. (In Persian)
- Giddenz, Anthony. (2006). *Politics, Sociology and Social Theory*. Tehran: Nashreny.
- Guner, Türkan Akyol, Erdogan, Zeynep, & Demir, Isa. (2021). The Effect of Loneliness on Death Anxiety in the Elderly During the COVID-19 Pandemic. *OMEGA-Journal of Death and Dying*, 00302228211010587.
- Hatami, Ali, Ahmadi, Bakhtiar, & Esmaeli, Ata. (2016). Factors Associated with Feelings of Social Security of Citizens: A Case Study of Women in Kermanshah. *Strategic Research on Social Problems in Iran (Security and Social Order Strategic)*, 4(3), 103-121. (In Persian)
- Heinz, Walter R. (2002). Self-socialization and post traditional society. *Advances in life course research*, 7(1), 41-64.
- Imani Jajarmi, Hossein. (2020). Social Impacts of the Spread of Coronavirus in Iranian Society. *Social Impacts Assessment*, 1(2 (Special Issue of Impacts of the Spread of Coronavirus-Covid 19)), 86-103. (In Persian)
- Kentish-Barnes, Nancy, Cohen-Solal, Zoé, Morin, Lucas, Souppart, Virginie, Pochard, Frédéric, & Azoulay, Elie. (2021). Lived Experiences of Family Members of Patients With Severe COVID-19 Who Died in Intensive Care Units in France. *JAMA Network Open*, 4(6), e2113355-e2113355.

- Molteni, Francesco, Ladini, Riccardo, Biolcati, Ferruccio, Chiesi, Antonio M, Dotti Sani, Giulia Maria, Guglielmi, Simona, . . . Vezzoni, Cristiano. (2021). Searching for comfort in religion: insecurity and religious behaviour during the COVID-19 pandemic in Italy. *European Societies*, 23(sup1), S704-S720.
- Rabbani, The late Rasoul, Abbaszadeh, Mohammad, Mahmud Molaie Kermani, Batool, & Eslami Bonab, Reza (2013). A Sociological Study of the Impact of Social Capital on Women's Feeling of Insecurity Using Amos Graphics (Research subjects: Female Students of University of Isfahan). *Strategic Research on Social Problems in Iran*, 2(1), 25-52. (In Persian)
- Rafiei, hassanreza, Madahi, Javad, & Sayarkhalaj, hamed. (2020). The Relationship between Piety and Mass Media, and Security Feeling in Zahedan. *Societal Security Studies*, 11(62), 87-108. (In Persian)
- Raina, Shruti, & Bhan, Kiran Sumbali. (2013). A study of security-insecurity feelings among adolescents in relation to sex, family system and ordinal position. *International Journal of Educational Planning and Administration*, 3(1), 51-60.
- Ritzer, George. (2011). *Modern Sociological Theory*. Tehran: Nashreelmi.
- Safiri, Khadijah, Rajablou, Ali, & Gholizadeh, Soghra. (2018). The Relationship between Religiosity and Social Security Feeling in Virtual Social Networks (Case Study: Female Students of Shahid Beheshti and Al Zahra Universities). *Policewomen Studies Journal*, 1(28), 5-21. (In Persian)
- Saroukhani, Bagher, & Navidnia, Manije. (2006). Social Security of the Family and the Place of Residence in Tehran. *Social Welfare*, 6(22), 87-108. (In Persian)
- shekarbeigi, alieh, & radin, parang. (2016). the study ofSense of insecurity of women in urban public spaces and the the facts of relationship with that. *Women's Studies Sociological and Psychological*, 14(2), 87-126. doi:10.22051/jwsps.2016.2489 (In Persian)
- Sri, Anna Samya, Das, Preety, Gnanapragasam, Sam, & Persaud, Albert. (2021). COVID-19 and the violence against women and girls: 'The shadow pandemic'. In: SAGE Publications Sage UK: London, England.
- Sultanpour, Fatemeh, Mirzaei, Samanbar, & Kadkhoda, Kaveh. (2020). Investigation of the prevalence of Corona virus and the feeling of social

- security in Kerman in 2020 (With emphasis on the role of the police). *Quarterly Journal Kerman military knowledge*, 31(31), 49-76. doi:312 (In Persian)
- Turner, Bryan S. (1994). *Orientalism, postmodernism and globalism*: Routledge.
- Turner, Bryan S. (Ed.) (2006) *The Cambridge Dictionary of Sociology*. New York: Cambridge University Press.
- Zakeri Hamaneh , Razieh (2011). *Feeling of Social Security and the Role of Social Factors (A Case Study of Yazd City)*. (Master Degree), Yazd University. (In Persian)
- Zaver, Vasudev, & Sharma, Bhawna. (2021). Covert COVID-19 crisis: how can rising domestic abuse and violence against women be counteracted in orthopaedic surgery? *Postgraduate medical journal*.

Identifying the Components Affecting the Social Capital When Faced with Social Alienation: A Case Study of the Students of Tehran University and Islamic Azad University, Science and Research Branch

Fateme Adelinejad

Ph.D Student of Cultural sociology, Science and Research Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran. f.adeli9697@gmail.com

Mirtahter Mousavi

Corresponding Author, Assistant Professor, Center for Social Welfare Management Research, University of Social Welfare and Rehabilitation Sciences, Tehran, Iran.
tr_mousavi@yahoo.com

Alireza Mohseni Tabrizi

Professor, Department of Sociology, Faculty of Social Sciences, University of Tehran, Tehran, Iran. Mohsenit@ut.ac.ir

Abstract

This study aims at identifying the factors affecting the promotion of social capital and its impact on reducing social alienation. The method adopted was combined and of nested type and collecting the quantitative and qualitative data (survey - cognitive phenomena) was done simultaneously. The quantitative data were collected through two questionnaires of social alienation and social capital from 410 students of Tehran University and Science and Research Branch of Islamic Azad University through proportional stratified sampling method. The qualitative data were collected through purposive sampling and semi-structured interviews with 16 people until the stage of theoretical saturation. The collected data were then analyzed through SPSS25 & Atlas ti software. The findings of the quantitative data analysis showed that the variable of social alienation has a significant and inverse relationship with those of empathy (0.01) - 0.13 and trust (0.001) - 0.21. Qualitative analysis of 19 categories including globalization, change in values and lifestyle, gender stereotypes, media, education, religious

values, higher education, public spaces, social welfare, feelings of relative deprivation, social norms, family, social adequacy, network of mutual trust, good governance, meritocracy, crisis management, economic instability, and employment and business were extracted. Overall, the results showed that in order to promote social capital and reduce social harms, planners should take comprehensive attention to economic, cultural, political, and social areas into their serious consideration.

Keywords: *social alienation, social capital, social trust*

شناسایی مؤلفه‌های مؤثر بر سرمایه اجتماعی در مواجهه با بیگانگی اجتماعی (مورد مطالعه دانشجویان دانشگاه تهران و دانشگاه آزاد واحد علوم و تحقیقات)^۱

فاطمه عادلی نژاد

دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی فرهنگی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران
f.adeli9697@gmail.com

میرطاهر موسوی

نویسنده مسئول، استادیار مرکز تحقیقات مدیریت رفاه اجتماعی، دانشگاه علوم توانبخشی و سلامت
اجتماعی، تهران، ایران tr_mousavi@yahoo.com

علیرضا محسنی تبریزی

استاد گروه جامعه‌شناسی دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران، تهران، ایران Mohsenit@ut.ac.ir

چکیده

هدف مطالعه حاضر شناخت عوامل مؤثر بر ارتقا سرمایه اجتماعی و تأثیر آن در کاهش بیگانگی اجتماعی است. روش این مطالعه ترکیبی و از نوع تودرتو (لانه‌ای) است، جمع‌آوری داده‌ها در بخش کمی و کیفی (پیمایش - پدیدار شناختی) به صورت هم‌زمان انجام شد. در بخش کمی با استفاده از دو پرسشنامه بیگانگی اجتماعی و سرمایه اجتماعی داده‌ها از ۴۱۰ نفر دانشجوی دانشگاه علوم تحقیقات و دانشگاه تهران به شیوه نمونه‌گیری طبقه‌ای نسبتی گردآوری شد، در بخش کیفی با روش نمونه‌گیری هدفمند و مصاحبه نیمه ساختاریافته با ۱۶ نفر و رسیدن به مرحله اشباع نظری، داده‌ها جمع‌آوری گردید. داده‌ها با استفاده از نرم‌افزارهای SPSS25 & Atlas ti تجزیه و تحلیل شد. یافته‌های بخش کمی نشان داد، متغیر بیگانگی اجتماعی با متغیرهای همدلی (۰,۱۳)، و اعتماد (۰,۰۰۱)، رابطه معنی‌دار و معکوس دارد، از تحلیل یافته‌های کیفی ۱۹ مقوله شامل جهانی‌شدن، تغییر در ارزش‌ها و سبک زندگی، کلیشه‌های جنسیتی، رسانه، آموزش و پرورش، ارزش‌های دینی، آموزش عالی، فضاهای عمومی، رفاه اجتماعی، احساس محرومیت نسبی، هنجارهای اجتماعی، خانواده، کفایت اجتماعی، شبکه اعتماد متقابل،

۱. این یک مقاله دسترسی آزاد تحت مجوز CC BY-NC-ND (<http://creativecommons.org/licenses/by-nc-nd/4.0/>) است.

حکمرانی خوب، شایسته‌سالاری، مدیریت در بحران، بی‌ثباتی اقتصادی، اشتغال و کسب‌وکار استخراج شد. درمجموع نتایج این مطالعه نشان داد برای ارتقا سرمایه اجتماعی و کاهش آسیب‌های اجتماعی توجه همه‌جانبه به حوزه های اقتصادی، فرهنگی، سیاسی و اجتماعی باید موردتوجه برنامه ریزان قرار گیرد.

واژه‌های کلیدی: بیگانگی اجتماعی، سرمایه اجتماعی، اعتماد اجتماعی

تاریخ دریافت: ۰۰/۰۳/۲۳ تاریخ بازبینی: ۰۰/۰۴/۳۱ تاریخ پذیرش: ۰۰/۰۵/۲۳

فصلنامه راهبرد اجتماعی - فرهنگی، سال ۱۰، شماره ۳۹، تابستان ۱۴۰۰، صص ۳۵۷-۳۹۱

مقدمه و بیان مسئله

سرمایه‌ی اجتماعی^۱ مفهومی است که پیشینه‌ای نه‌چندان طولانی در علوم انسانی و اجتماعی دارد. کاربرد این مفهوم به‌تدریج از دهه‌ی ۱۹۹۰ میلادی به این‌طرف در تحقیقات دانشگاهی رشته‌هایی نظیر جامعه‌شناسی (بوردیو^۲، ۱۹۸۶؛ کلمن^۳، ۱۹۹۰)، اقتصاد (لوری^۴، ۱۹۹۲) و علوم سیاسی (پاتنام^۵، ۱۹۹۳) افزایش یافته است و در حوزه‌های مختلف سلامت و پزشکی، سیاست، خانواده، اجتماعات و احزاب، مدیریت شهری، رفاه اجتماعی و در سطوح منطقه‌ای و ملی مورد توجه بوده است (Kawachi, 2008) (Shortt, 2004) (Lafferty, 2015) (Krishna, 1999). ریشه‌ی سرمایه‌ی اجتماعی را می‌توان در کار لیدا جی. هانیفان^۶ (۱۹۱۶) و سپس گلن لوری^۷ (۱۹۶۰ و ۱۹۷۰)، تا آغاز قرن بیستم دنبال کرد. سپس، اصطلاح سرمایه‌ی اجتماعی نخستین بار در اثر جین جکوبز^۸ (۱۹۶۱) «مرگ و زندگی شهرهای بزرگ آمریکایی» (۱۹۶۱) طرح شد که از سرمایه‌ی اجتماعی در چارچوب همسایگی و محله یادکرد (پیران، ۱۳۹۲، ص. ۱۳). بر اساس آن، شبکه‌های اجتماعی، شکلی از سرمایه‌ی اجتماعی را تشکیل می‌دادند که در ارتباط با حفظ پاکیزگی شهر، فقدان

-
1. Social Capital
 2. Bourdieu
 3. Coleman
 4. Lory
 5. Putnam
 6. Lyda J. Hanifan
 7. Glenn Lory
 8. Jane Jacobs

جرم و جنایت خیابانی، آسیب‌های اجتماعی و بهبود کیفیت زندگی، در مقایسه با عوامل نهادهای رسمی نظیر نیروی حفاظتی پلیس، کارایی بیش‌تری از خود نشان می‌دهند. (Krisotakis, 2004, ص. ۴۳)، وی مفهوم سرمایه‌ی اجتماعی را برای تبیین این واقعیت که چرا برخی از شهرها امن‌تر از شهرهای دیگر هستند، توسعه داد و سرمایه‌ی اجتماعی را باعث ارتقاء کیفیت زندگی و کاهش جرائم اجتماعی عنوان کرد (اکبری، ۱۳۸۳، ص. ۶۰). کلمن (۱۹۸۸) برای اولین بار، این مفهوم را وارد حوزه‌ی سیاسی کرد و درنهایت، تلاش‌های وی در اروپا توسط پاتنام (۱۹۹۳) پیگیری و وارد حوزه‌ی اجتماعی شد.

سرمایه‌ی اجتماعی از طریق کاهش هزینه‌های روابط اجتماعی، باعث حل مسالمت‌آمیز تضادها و تفاوت‌های بین اشخاص و همچنین تضاد بین گروه‌های اجتماعی می‌شود (چلبی، ۱۳۸۴، ص. ۱۵). لذا حضور و نحوه‌ی صورت‌بندی سرمایه‌ی اجتماعی در جامعه باعث می‌شود، هرچه افراد در جامعه دارای روابط توأم با کمک و همیاری و اعتماد متقابل باشند، به همان میزان از ارتکاب به آسیب‌های اجتماعی در جامعه کاسته شود (چلبی & مبارکی، ۱۳۸۴، ص. ۳۷). این امر از جهت جلوگیری از بروز ناهنجاری‌ها و انواع جرائم اجتماعی و در کنار آن، از جهت زمینه‌سازی مشارکت مثبت و فعال فرد در زندگی اجتماعی، اساساً از طریق تأثیرگذاری ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی در چگونگی رفتار افراد اعمال می‌شود (تقی‌لو، ۱۳۸۵، ص. ۲۴۹).

مطالعات نشان می‌دهند که سرمایه‌ی اجتماعی، نقش مهمی در کاهش بروز آسیب‌های اجتماعی و بیگانگی اجتماعی دارد. نتایج مطالعه‌ای در سوئد نشان داد، همبستگی منفی بین مشارکت اجتماعی و اعتماد در رابطه با گرایش جوانان به رفتارهای آسیب‌زا وجود دارد (Lundborg, 2005). چندین مطالعه که در ایالات متحده آمریکا انجام شد بین اختلال در روابط همسایگی و همبستگی اجتماعی پایین با آسیب‌های اجتماعی و بیگانگی اجتماعی ارتباط معنادار یافتند (Winstanley EL, 2008) (Furr-Holden CD, 2011).

مطالعات انجام‌شده در ایران میزان بالایی از بیگانگی اجتماعی در بین

دانشجویان و جوانان را گزارش می‌دهند. (سراج زاده، قصابی، & چمنی، ۱۳۹۱) (رضایی، بساطیان، & جعفریان، ۱۳۹۴). میانگین و رتبه‌ی سرمایه‌ی اجتماعی در پیمایش ملی سرمایه‌ی اجتماعی نشان از وضعیت پایین این سرمایه در سطح کشور و برای شهر تهران دارد (غفاری، ۱۳۹۴). بازتاب‌های ضعف یا فقدان سرمایه‌ی اجتماعی در سطوح کلان، میانی و خرد می‌تواند جامعه را در وضعیت سردرگم و به‌نوعی آنومیک قرار دهد. اهمیت این موضوع، شاکله اصلی پژوهش حاضر است. با توجه به اهمیت قشر جوان و دانشجو و نقش آن در رشد و توسعه جامعه، این مطالعه در نظر دارد با یک روش ترکیبی به شناخت عوامل تأثیرگذار در افزایش سرمایه‌ی اجتماعی پرداخته و بررسی نماید که چگونه ارتقاء سرمایه اجتماعی موجب کاهش بیگانگی اجتماعی دانشجویان می‌شود.

۱. اهداف و سؤالات پژوهش

هدف از این مطالعه، شناخت آن دسته از ابعاد و مؤلفه‌های اجتماعی مرتبط با سرمایه اجتماعی است که در کاهش بیگانگی اجتماعی دانشجویان و به دنبال آن آسیب‌های اجتماعی تأثیرگذار است.

در بخش کمی به سؤالات زیر پاسخ خواهیم داد:

- ۱- آیا میان اعتماد اجتماعی و بیگانگی اجتماعی، در بین دانشجویان دانشگاه تهران و دانشگاه آزاد، واحد علوم تحقیقات رابطه وجود دارد؟
- ۲- آیا میان احساس همدلی و تعلق اجتماعی و بیگانگی اجتماعی، در بین دانشجویان دانشگاه تهران و دانشگاه آزاد، واحد علوم تحقیقات رابطه وجود دارد؟
- ۳- سؤال این پژوهش در بخش کیفی این است که سرمایه‌ی اجتماعی چگونه و از طریق کدام عوامل افزایش می‌یابد تا باعث کاهش بیگانگی اجتماعی شود؟

۲. پیشینه پژوهش

(کریمیان & غفوری کله، ۱۳۹۹) در مطالعه‌ای با عنوان «نقش سرمایه‌ی اجتماعی در میزان بیگانگی سیاسی شهروندان تهرانی» به این نتیجه رسیدند که بین سرمایه‌ی

اجتماعی و بیگانگی سیاسی، همبستگی معنی دار و معکوس وجود دارد. بر اساس یافته‌های این مطالعه، مؤلفه‌ی اعتماد اجتماعی به‌عنوان یکی از مؤلفه‌های سرمایه‌ی اجتماعی، بیشترین همبستگی را با بیگانگی سیاسی شهروندان دارد. یافته‌های پژوهش (توفیق‌یان فر & حسینی، ۱۳۹۱) با عنوان «بیگانگی اجتماعی جوانان و عوامل اجتماعی مرتبط با آن» که در میان جوانان ۲۰ تا ۳۰ ساله شهر یاسوج انجام شد، نشان داد بین متغیر اعتماد اجتماعی، گرایش‌های مذهبی، جمعی، میزان همنوایی اجتماعی و رضایت از زندگی با بیگانگی اجتماعی رابطه معنادار وجود دارد. این مطالعه نشان داد که هرچه بین فرد و جامعه اشتراکات بیشتری وجود داشته باشد، رضایت از زندگی و همنوایی بالاتر خواهد بود و در نتیجه بیگانگی اجتماعی کاهش خواهد یافت. (بنی فاطمه & رسولی، ۱۳۹۰) در «بررسی میزان بیگانگی اجتماعی در بین دانشجویان دانشگاه تبریز و عوامل مرتبط با آن» به این نتیجه رسیدند که بیگانگی اجتماعی در بین پاسخگویان، میزان بالایی را نشان می‌دهد. آن‌ها دریافتند که هرچه اعتماد اجتماعی در جامعه تقویت گردد از میزان بیگانگی اجتماعی دانشجویان کاسته می‌شود. این مطالعه بر اهمیت مشارکت دانشجویان در امور جامعه تأکید نموده و آن را عاملی در جهت کاهش بیگانگی اجتماعی در میان جامعه مورد مطالعه می‌داند. پکان (Pekkan N. U., 2019) در پژوهشی با عنوان «تأثیر سرمایه‌ی اجتماعی بر بیگانگی شغلی در کارکنان بخش بهداشت و درمان ترکیه»، اثر هشت بعد از ابعاد سرمایه‌ی اجتماعی بر سه بعد بیگانگی شغلی را مورد بررسی قرارداد، بر اساس یافته‌های این مطالعه، روابط منفی و معناداری بین تمام ابعاد سرمایه اجتماعی به‌جز مشارکت در اجتماعات محلی و روابط همسایگی و بیگانگی شغلی مشاهده شد. نتایج این مطالعه نشان داد چنانچه، سطح سرمایه‌ی اجتماعی کارمندان افزایش یابد، بیگانگی شغلی در جهت مقابل کاهش خواهد یافت. نتایج مطالعه ویتزمن (Weitzman E. R., 2005) که با هدف «بررسی ارتباط بین سرمایه‌ی اجتماعی و سوء مصرف مواد الکلی در میان دانشجویان در ایالات متحده آمریکا» انجام شد، نشان داد دانشجویانی که سطوح بالاتری از سرمایه‌ی اجتماعی را دارا بودند با کاهش خطرات ناشی از سوء مصرف

الکل و آسیب‌های اجتماعی ناشی از آن مواجه بودند. یافته‌ها نشان داد سرمایه‌ی اجتماعی، اثرات حفاظتی زیادی بر جلوگیری از مصرف الکل و آسیب‌های ناشی از آن در میان دانشجویان دارد. مطالعه‌ای را صفی‌پور و همکاران (Safipour J., 2011) باهدف «بررسی بیگانگی اجتماعی دانش‌آموزان ۱۵ تا ۱۹ ساله‌ی سوئدی با توجه به سابقه‌ی مهاجرت آن‌ها» انجام دادند، نتایج این مطالعه، ارتباط قابل توجهی بین مهاجرت و بیگانگی اجتماعی را نشان داد، طوری‌که نوجوانان نسل اول نمرات بالاتری از بیگانگی را در مقیاس انزوای اجتماعی، نسبت به نسل دوم مهاجران و سوئدی‌های بومی داشتند.

بررسی پژوهش‌های انجام‌شده و مرتبط با موضوع این مطالعه نشان می‌دهد بیشتر تحقیقات، سرمایه‌ی اجتماعی یا یکی از مؤلفه‌های آن را در مورد یکی از انواع بیگانگی و یا آسیب مورد بررسی قرار داده‌اند و در مورد عوامل مؤثر بر سرمایه اجتماعی در ارتباط با بیگانگی اجتماعی تحقیقات اندکی انجام‌شده است، بیشتر مطالعات انجام‌شده با روش پیمایش و از نوع کمی می‌باشد، این مطالعه از این نظر با مطالعات گذشته متفاوت است، در این مطالعه با روش ترکیبی (کمی و کیفی) سعی شده است تا دیدگاه شرکت‌کنندگان مورد بررسی قرار گیرد.

۳. چارچوب نظری پژوهش

با توجه به اهمیت بنیان نظری، در کاربست هریک از رویکردهای نظری پژوهش، سعی شده است اهمیت سرمایه‌ی اجتماعی در انسجام و پیوستگی جامعه و به دنبال آن کاهش بیگانگی اجتماعی موردنظر قرار گیرد.

۳-۱. رویکرد بی‌سازمانی اجتماعی

دیدگاه بی‌سازمانی بیشتر متأثر از نظریه کارگردگرایی ساختی است. تالکوت پارسونز^۱ در این نظریه، عامل اصلی پیوند خرده سیستم‌ها را فرهنگ و نظام ارزشی ناشی از آن می‌داند. دیدگاه سیستمی و کارکردی به بیان سیستم و نظام اجتماعی با توجه به دو عنصر وابستگی عناصر نظام و تمایل عناصر در دستیابی به تعادل

1. Talcott Parsons

می‌پردازد. در این طرز تلقی، جامعه یا واحدی که دارای سازگاری نیست باید معالجه و اصلاح شود. از نظر این دیدگاه، مشکلات و آسیب‌های اجتماعی در طول دوره‌های تغییرات سریع اجتماعی توسعه می‌یابد و این زمانی است که افراد در رسیدن به اجماع شکست می‌خورند. بخش‌های عمده و مشخص جمعیت از طریق تقاضاهای جدیدشان، میل شدید به تغییر در سطوح متعدد زندگی‌شان پیدا نموده‌اند که به لحاظ عدم انطباق نیازها با ساختارها، بی‌سازمانی شکل گرفته است. این نظریه بر اساس پیش فرض‌هایی از جمله: جامعه‌ی سازمان یافته دارای ثبات است، تغییر اجتماعی در هر جامعه به طور مستمر اتفاق می‌افتد، مشکلات و مسائل اجتماعی در طول دوره‌های تغییر، سریع‌تر گسترش می‌یابند و مشکلات اجتماعی غیرقابل اجتناب هستند، بنا نهاده شده است، اساس این نظریه بر نبود انطباق سیستم با نیازهای کارکردی سیستم همچون حداقل انسجام اجتماعی در دستیابی به هدف و کنترل نقش‌های فردی است (آزاد ارمکی & بهار، ۱۳۷۷، ص. ۳۸-۴۰). نظریه‌ی بی‌سازمانی به طور گسترده‌ای در مکتب شیکاگو در تبیین چرایی آسیب‌های اجتماعی در جوامع شهری به کار گرفته شد و در کار پیشگامان این مکتب چون پارک^۱ و برگس^۲ مشاهده می‌شود. پارک بنیانگذار مکتب شیکاگو بر رابطه‌ی بین مهاجرت و بی‌سازمانی اجتماعی تأکید می‌نماید، ارنست برگس نظریه‌ی دواير متحد‌المركز را با تأکید بر نواحی گذار یا انتقالی به عنوان فضاهای بی‌سازمان که یکی پس از دیگری رشد می‌کنند و توسعه می‌یابند، مطرح می‌کند (DELLER, 2010).

مشخصه‌های ساختاری همچون فقر و بیکاری همگی پیش‌بینی کننده‌ی نتایج بی‌سازمانی می‌باشد، لذا سطوح پایین‌تر انسجام اجتماعی جوانان اغلب با متغیرهای ساختاری مرتبط می‌تواند آسیب‌ها و بیگانگی اجتماعی را افزایش دهد. نزد نظریه‌پردازان بی‌سازمانی اجتماعی، مشکلات بر اساس شرایط و فرصت‌های نامساوی شکل گرفته‌اند. تغییرات متأثر از صنعتی شدن موجب ناتوانی در درونی

1. Robert Ezra Park

2. Ernst W. Burgess

کردن هنجارها و سختی در یادگیری و به‌کارگیری آن‌هاست. در این رویکرد، مشکل در سطح فرد مطالعه نمی‌شود بلکه به سازمان اجتماعی - بی‌سازمانی اجتماعی ربط داده می‌شود، به این معنی که بخش‌های نظام اجتماعی نیاز به اصلاحات دارد (آزاد ارمکی & بهار، ۱۳۷۷، ص. ۴۲). بنابراین تئوری، بی‌سازمانی اجتماعی چارچوبی را فراهم می‌کند که گسیختگی، شبکه‌های اجتماعی را که مبنای کنترل جامعه است، برهم می‌ریزد و گسیختگی اجتماعی بر پیوندهای اجتماعی آسیب می‌زند، چون سطوح دسترسی‌پذیری سرمایه‌ی اجتماعی و تأثیرپذیری جمعی را کاهش می‌دهد (عباس زاده، محمد، علیزاده اقدم، & اسلامی بناب، ۱۳۹۱، ص. ۱۵۲). می‌توان گفت سرمایه‌ی اجتماعی عاملی در کنترل اجتماعی است و آن چیزی است که گروه‌ها را نسبت به تحمیل هنجارها و در نتیجه نسبت به افزایش سطوح کنترل غیررسمی‌شان توانا می‌سازد. بنابراین، اجتماعات سازمان‌نیافته تا حدودی گرفتار جرم و شرایط منفی دیگر می‌باشند، به خاطر اینکه آن‌ها قادر به انباشت سرمایه اجتماعی لازم نیستند (چلبی & مبارکی، ۱۳۸۴، ص. ۱۲). اعتماد و مشارکت به عنوان مؤلفه‌های سرمایه‌ی اجتماعی موجب افزایش پیوندهای اعضای جامعه با ساختارهای کلان اجتماع می‌گردد و عاملی در کاهش انزوا و بیگانگی افراد جامعه است.

۲-۳. رویکرد کج‌رفتاری / آنومی

رویکرد کج‌رفتاری، متأثر از نظریه‌ی کنش متقابل نمادی به بررسی ریشه‌های مشکلات اجتماعی در ساخت‌های ذهنی متعدد و واقعیت در میان گروه‌های ذی نفوذ و افراد می‌پردازد. این دیدگاه بر انحراف از هنجارهای اجتماعی تأکید دارد. در تحلیل انحراف رفتاری، تأکید اصلی بر دو علت عمومی است: ناتوانی در قبول هنجارهای اجتماعی و شکست در قبول این هنجارها. این دیدگاه به لحاظ اینکه بر رفتار افراد تأکید دارد از دیدگاه بی‌سازمانی اجتماعی متفاوت است. نظریه‌ی رفتار انحرافی به نظریه‌های آنومی نسبت داده می‌شود (آزاد ارمکی & بهار، ۱۳۷۷، ص. ۴۴).

امیل دورکیم^۱ بر پایه‌ی نظریه‌ی آنومی نوع شناسی از خودکشی را بر پیوند

1. David Emile Durkheim

اجتماعی متمرکز نمود، او نوعی از خودکشی را خودکشی خودخواهانه نامید و آن زمانی است که افراد دارای پیوندهای اجتماعی ضعیف باشند، چیز کمی باقی می ماند که به هنگام افزایش فشارهای روانی مانع خودکشی آنها شود. نوع دوم خودکشی دیگرخواهانه است زمانی که افراد هدفی دارند که به دلیل پیوندهای قوی با گروه های اولیه و انسجام اجتماعی زیاد برای آن بمیرد، می توان آنها را به فدا کردن جان شان تشویق کرد. خودکشی های خودخواهانه و دیگرخواهانه بازتابی از دو سر یک پیوستار هستند که یک سر آن پیوند و انسجام اجتماعی ضعیف و سر دیگر آن پیوند و انسجام اجتماعی قوی است. نوع سوم خودکشی نابهنجارانه است که در پاسخ به تغییرات ناگهانی می باشد، این نوع خودکشی از نظر دورکیم در زمان بحران های اقتصادی و شکوفایی اقتصادی افزایش می یابد. در زمان شکوفایی اقتصادی، مقررات سنتی که معمولاً افراد را محدود می سازد، از بین می رود و برای افراد دشوار است که خود را محدود کنند و هرگز راضی نمی شوند (آرون، ۱۳۸۷، ص. ۳۸۰). نظریه ی آنومی رابرت مرتون^۱ به این نکته تأکید می کند که جامعه بر دستیابی به هدف و موفقیت اقتصادی و اجتماعی تأکید می کند، اما شرایط و ابزار لازم در دستیابی به این اهداف وجود ندارد. این نظریه بر تضاد بین اهداف و وسایل برای دستیابی به آن اهداف در سطح فردی تمرکز می کند، در این رویکرد افراد ناموفق از جامعه ی خود بیگانه می شوند و نتیجه ی این انزوا و بیگانگی بروز آسیب های اجتماعی است (DELLER, 2010، ص. ۲۲۷).

بر طبق این تئوری، ضعف در پیوندهای اجتماعی و به طور کلی کاهش سرمایه های اجتماعی، عامل ناهنجاری و آنومی در سطح فردی است. تزلزل در انسجام اجتماعی دلیلی برای بروز ناهنجاری ها، انزوا و سرخوردگی افراد در جامعه می باشد.

۳-۳. نظریه انتخاب عقلانی

اصول نظریه ی انتخاب عقلانی برگرفته از اقتصاد نئوکلاسیک است، تأکید نظریه ی انتخاب عقلانی بر کنشگران است. کنشگر، هدفمند یا دارای نیت به شمار می آید.

1. Robert K. Merton

از جمله مفروضات اصلی این نظریه این است که کنشگران، دارای هدف و قصدی هستند که کنش آن‌ها در جهت آن است، نظریه‌ی انتخاب عقلانی مقاصد و نیت کنشگران را در نظر می‌گیرد و دو محدودیت عمده بر کنش را مورد ملاحظه قرار می‌دهد، نخست کمیابی منابع به این معنی که کنشگران منابع متفاوتی دارند و دسترسی‌شان به منابع دیگر هم متفاوت است، کنشگر کسی است که تلاش می‌کند سودش را به حداکثر برساند و این هدف، متضمن این است که کنشگر شانس خود را برای رسیدن به اهداف خود سبک و سنگین کند؛ و دومین منبع محدودیت بر کنش‌های فرد، نهادهای اجتماعی است این محدودیت نهادی فراهم آورنده‌ی ضمانت اجرایی منفی و مثبت است که مشوق کنش‌های خاص و منع کنش‌های دیگر است. هومنز برپایه‌ی دیدگاه اسکینر به این نتیجه دست یافت که تکرار هر عملی که بیشترین پاداش را برای فرد داشته باشد در آینده بیشتر خواهد بود. پیتز بلاو^۱ صاحب‌نظر دیگر این دیدگاه قضایای هومنز^۲ را در سطح کلان ساختارهای اجتماعی مورد بررسی قرار داده است (ریتزر، ۱۳۸۶، ص. ۵۵۹). بر اساس این تئوری، می‌توان گفت در صورت وجود سرمایه‌ی اجتماعی مثبت، وجود روابط گرم متقابل و اعتماد کافی، اعضای جامعه به آسیب‌های اجتماعی رو نمی‌آورند، چراکه در این صورت شبکه روابط خود را از دست می‌دهند و در این فرآیند هزینه‌ی زیادی متحمل خواهند شد (چلبی & مبارکی، ۱۳۸۴، ص. ۱۰). در مرکز این دیدگاه نظری، کنشگر هدفمند قرار دارد بر این اساس کنشگران با توجه به منافع‌شان آگاهانه دست به انتخاب می‌زنند.

ماهیت این پژوهش به نظریه‌ی بی‌سازمانی اجتماعی نزدیک‌تر است. با توجه به سرعت تغییرات حاصل از مدرنیته، پیشرفت‌های تکنولوژی و بی‌سازمانی ناشی از آن، فشار فزاینده‌ای بر اعضای جامعه تحمیل می‌گردد که سست شدن پیوندهای اجتماعی و اعتماد متقابل بین اعضای جامعه آن را تشدید نموده و زمینه را جهت بیگانگی اجتماعی و به دنبال آن بروز انواع آسیب‌ها فراهم می‌نماید.

1. Peter Michael Blau

2. George Casper Homans

۴. روش تحقیق

روش مطالعه‌ی حاضر ترکیبی (کمی و کیفی) است که به صورت هم‌زمان انجام شد، اولویت رویکرد روش‌شناختی در آن مطالعه کیفی است. در این مطالعه از راهبرد تودرتو (لانه‌ای) و مدل همبستگی (پدیدار شناختی) استفاده گردید. طرح تودرتو یکی از روش‌های ترکیبی است که در آن یک مجموعه داده، نقش حمایتی و ثانویه را بر اساس داده‌های اولیه نوع دیگر فراهم می‌آورد، مفروضات اساسی این طرح عبارتند از؛ اینکه یک مجموعه داده به‌تنهایی کافی نیست، باید به سؤال‌های مختلف جواب داد و برای پاسخگویی به هر سؤال به انواع مختلفی از داده‌ها نیاز هست (کلارک & کرسول، ۱۳۹۸، ص. ۷۴). در مدل همبستگی، داده‌های کیفی درون یک طرح کمی جای می‌گیرند. در این مدل، پژوهشگر داده‌ها را به‌عنوان بخشی از مطالعه‌ی همبستگی خود جمع‌آوری می‌کند تا بتواند توضیح دهد که چه مکانیسم‌هایی در مدل همبستگی دخالت دارند (کلارک & کرسول، ۱۳۹۸، ص. ۷۷). بخش کمی این مطالعه به روش پیمایش انجام شد، داده‌ها از میان جامعه‌ی آماری دانشجویان دانشگاه‌های دولتی تهران و دانشگاه آزاد واحد علوم و تحقیقات در تمام مقاطع کارشناسی، کارشناسی ارشد و دکتری بر اساس راهبرد نمونه‌گیری طبقه‌ای متناسب با حجم نمونه و با روش نمونه‌گیری تصادفی ساده، گردآوری شد. حجم نمونه با استفاده از فرمول کوکران ۳۸۵ نفر برآورد گردید، سپس به‌تناسب جمعیت دانشجویان دو دانشگاه حجم نمونه در دو طبقه به شرح جدول زیر محاسبه شد.

جدول ۱. حجم نمونه بر اساس طبقات دانشگاه محل تحصیل

دانشگاه	جامعه آماری	حجم نمونه
تهران	۵۳,۴۸۸	۲۱۰
علوم و تحقیقات	۴۴,۴۴۵	۱۷۵

با توجه به توزیع آنلاین پرسشنامه‌ها ۴۱۰ پرسشنامه، (۲۳۰ نفر دانشجوی دانشگاه تهران و ۱۸۰ نفر دانشجوی دانشگاه آزاد واحد علوم و تحقیقات) از مشارکت‌کنندگان دریافت و مورد ارزیابی قرار گرفت.

سنجش بیگانگی اجتماعی با مقیاس اسرول انجام شد، این مقیاس دارای ۵ گویه در فرم مقیاس لیکرت و در یک طیف ۵ گزینه‌ای از کاملاً موافقم ۵، موافقم ۴، بی‌نظر ۳، مخالفم ۲ و کاملاً مخالفم ۱، نمره‌گذاری می‌شود. آلفای کرونباخ این پرسشنامه در پژوهش (غفوری کله & محسنی تبریزی، ۱۳۹۷) به میزان ۰.۸۳۴ محاسبه گردید، برای سنجش سرمایه‌ی اجتماعی از پرسشنامه ۲۰ سؤالی سرمایه اجتماعی درون‌گروهی و برون‌گروهی که توسط (رفیعی، موسوی، & قاسم زاده، ۱۳۹۵) ساخت و روا سازی شده است، استفاده شد. نتایج حاصل از پایایی پرسشنامه‌ی سرمایه‌ی اجتماعی با استفاده از آزمون آلفای کرونباخ در مطالعه رفیعی و همکاران ۰/۸۱ برآورد گردید. تجزیه و تحلیل داده‌ها با استفاده از نرم‌افزار spss ۲۵ انجام شد. برای تجزیه و تحلیل داده‌ها، علاوه بر آمارهای توصیفی از آمارهای استنباطی و آزمون آماری رگرسیون چندگانه به شیوه‌ی گام‌به‌گام استفاده شد. در مرحله‌ی کیفی در مورد نگرش‌ها و تجربیات مشارکت‌کنندگان در خصوص بیگانگی اجتماعی و سرمایه‌ی اجتماعی، مصاحبه‌های کیفی انجام گردید تا نتایج آن در درون داده‌های کمی قرار داده شود و به بیان رابطه‌های پیش‌بینی‌کننده کمک نماید. در بخش کیفی از شیوه‌ی نمونه‌گیری هدفمند استفاده شد، با استفاده از مصاحبه‌ی نیمه ساختاریافته از ۱۶ نفر از دانشجویان در مقاطع مختلف از دانشگاه آزاد واحد علوم تحقیقات و دانشگاه تهران، مصاحبه‌هایی انجام شد. هفت نفر از شرکت‌کنندگان در مصاحبه، دانشجوی دانشگاه علوم و تحقیقات و ۹ نفر دانشجوی دانشگاه تهران بودند، مصاحبه‌ها تا زمان رسیدن به اشباع نظری، ادامه یافت. مرحله اشباع زمانی بود که داده‌ها توسط پژوهشگر تکراری تشخیص داده شد، در طول مصاحبه با رعایت اصول اخلاق در پژوهش و با کسب اجازه از مشارکت‌کنندگان مصاحبه ضبط گردید تا در زمان مناسب توسط پژوهشگر، پیاده و کدگذاری شود. با استفاده از روش تحلیل تماتیک متن مصاحبه‌ها، کدگذاری و مقوله‌بندی شدند، برای کدگذاری داده‌های کیفی از نرم‌افزار اطلس تی‌آی استفاده شد، برای دستیابی به اعتماد در بخش کیفی (معادل اعتبار در پژوهش‌های کمی) از تکنیک ممیزی

(محسنی تبریزی، ۱۳۹۵، ص. ۲۸۷) استفاده شد و از دو نفر متخصص در امر اجتماعی درخواست شد که بر نحوه‌ی کدگذاری‌ها و استخراج مقولات نظارت نموده و آن‌ها را بررسی نمایند. از مجموع ۲۲۵ کد استخراج‌شده پس از رفت و برگشت و غور در کدها در مجموع ۱۵۵ کد استخراج شد، داده‌ها با استفاده از ماتریس و با استفاده از شیوه‌ی بحث و بررسی ادغام شدند، تبدیل داده‌های کیفی به کمی با شمارش کدها و استخراج فراوانی آن‌ها با استفاده از نرم‌افزار اطلس تی‌آی انجام شد.

۴-۱. تعریف نظری و عملیاتی متغیرها

- بیگانگی اجتماعی

بیگانگی اجتماعی را نوعی احساس یا وضعیتی بیان می‌کنند که هر فرد در رابطه با خود، دیگران و جامعه به اشکال گوناگون احساس بی‌قدرتی، بی‌هنجاری، بی‌معنایی، انزوا، تنفر از خود، بروز می‌دهد (Seeman, 1959، ص. ۷۸۳).

جدول ۲. تعریف عملیاتی مقیاس بیگانگی اجتماعی

ردیف	گویه
۱	فکر می‌کنم این روزها بیان مشکلات به مسئولان جامعه چندان تمرینش نباشد
۲	فکر می‌کنم این روزها کمتر بتوان به کسی اعتماد کرد
۳	فکر می‌کنم در فکر حال بودن (دم را غنیمت شمردن) بهتر از در فکر آینده بودن باشد
۴	فکر می‌کنم اوضاع و احوال خیلی از مردم عادی روز به روز بهتر می‌شود
۵	فکر می‌کنم در عصری زندگی می‌کنم که کمتر می‌توانم به آینده خوش‌بین باشم

- سرمایه‌ی اجتماعی

سرمایه‌ی اجتماعی، شبکه‌ای از روابط و پیوندهای مبتنی بر اعتماد اجتماعی بین فردی و بین گروهی و تعاملات افراد با گروه‌ها، سازمان‌ها و نهادهای اجتماعی و قرین همبستگی و انسجام اجتماعی است، حمایت اجتماعی لازم را برای افراد و گروه‌ها به وجود می‌آورد و انرژی لازم برای تسهیل کنش‌ها در جهت تحقق اهداف فردی و جمعی را میسر می‌سازد (عبداللهی & موسوی، ۱۳۸۶، ص. ۲۱۲). سرمایه اجتماعی با گویه‌هایی که در جدول زیر آورده شده است ارزیابی می‌شود:

جدول ۳. تعریف عملیاتی سرمایه‌ی اجتماعی

گویه	معرف
۱	همدلی و تعلق احساس تعلق و همدلی با دوستان، همکاران و همسایگان شرکت در فعالیت‌های جمعی دوستان، همکاران، همسایگان و سایر اهالی محل شرکت در فعالیت‌های جمعی افراد هم قوم و مذهب شرکت در فعالیت‌های جمعی افراد خانواده و خویشاوندان احساس دوستی، تعلق و همدلی با افراد هم قوم و هم‌مذهب خود می‌کنم
۲	علاقه متفاوت داشتن دوستانی با سبک پوشش، آرایش و اعتقادات دینی متفاوت
۳	سبک زندگی متفاوت داشتن دوستانی با سطح تحصیلات، قومیت و وضعیت اقتصادی متفاوت
۴	اعتماد اعتماد به افراد هم قوم و مذهب، دوستان و اهالی محل و اعضای خانواده و خویشاوندان
۵	مشارکت و همکاری همکاری و مشارکت در برطرف نمودن مشکلاتی افراد هم قوم و مذهب و دوستان، همکاران و اهالی محل

۵. یافته‌های پژوهش

۵-۱. یافته‌های بخش کمی

در پاسخ به سؤال اول پژوهش مبنی بر اینکه آیا میان اعتماد اجتماعی و بیگانگی اجتماعی، در بین دانشجویان دانشگاه تهران و دانشگاه آزاد، واحد علوم تحقیقات رابطه وجود دارد؟ از تحلیل داده‌های جمع آوری شده از ۴۱۰ شرکت‌کننده در بخش کمی، این نتیجه حاصل شد که (۶۲/۲) درصد افراد مورد مطالعه زن و (۳۷/۸) درصد مرد، (۶۶/۶) درصد مجرد، (۳۰/۷) متأهل و (۲/۷) درصد بی‌همسر، (۵۴/۶) درصد غیر شاغل و (۴۵/۴) درصد شاغل، (۳۸/۸) درصد مقطع تحصیلی‌شان کارشناسی ارشد، (۳۷/۱) درصد کارشناسی و (۲۴/۱) درصد دکترا بودند. (۵۶/۱) درصد، دانشجوی دانشگاه تهران و (۴۳/۹) دانشجوی دانشگاه آزاد هستند در ادامه و برای بررسی رابطه‌ی میان اعتماد اجتماعی و بیگانگی اجتماعی از ضریب همبستگی پیرسون استفاده شد.

جدول ۴. نتایج آزمون همبستگی پیرسون برای بررسی ارتباط بین متغیرهای اعتماد اجتماعی و بیگانگی

اجتماعی

بیگانگی اجتماعی		متغیرهای
مقادیر پارامترهای آزمون همبستگی	پارامترهای آزمون همبستگی	
-۰/۲۱	R	اعتماد اجتماعی
۰/۰۰۱	p-value	

نتایج نشان داد که متغیر اعتماد اجتماعی با بیگانگی اجتماعی، ارتباط معکوس و معنی دار دارد، طوری که با افزایش اعتماد بین افراد مورد مطالعه از میزان بیگانگی اجتماعی آنها کم می شود ($p\text{-value} < 0/05$).

در پاسخ به سؤال دوم که آیا میان احساس همدلی و تعلق اجتماعی و بیگانگی اجتماعی در بین دانشجویان دانشگاه تهران و دانشگاه آزاد، واحد علوم تحقیقات رابطه وجود دارد؟ از ضریب همبستگی پیرسون استفاده شد. نتایج نشان می دهد که متغیرهای همدلی و تعلق و بیگانگی اجتماعی با هم ارتباط معکوس و معنی دار دارند و با افزایش همدلی افراد مورد مطالعه، از میزان بیگانگی اجتماعی آنها کم می شود ($p\text{-value} < 0/05$).

جدول ۵. نتایج آزمون همبستگی پیرسون برای بررسی ارتباط بین متغیرهای همدلی و تعلق و بیگانگی اجتماعی

بیگانگی اجتماعی		متغیرهای همدلی و تعلق
مقادیر پارامترهای آزمون همبستگی	پارامترهای آزمون همبستگی	
-۰/۱۳	R	
۰/۰۱	p-value	

برای بررسی رابطه ی رگرسیونی متغیرهای مستقل با متغیر بیگانگی اجتماعی از مدل رگرسیونی چندگانه به روش همزمان و گام به گام استفاده شد، به طوری که، متغیرهایی که در تحلیل تک متغیره رابطه ی معنی دار با بیگانگی داشتند، برای بررسی ارتباطشان با بیگانگی اجتماعی در حضور متغیرهای دیگر وارد مدل رگرسیون چندگانه شدند.

جدول ۶. نتایج آزمون تحلیل رگرسیون چندگانه به شیوه همزمان برای پیش بینی بیگانگی اجتماعی

متغیرهای پیش بین	B	Sig	Beta	T	P
مقدار ثابت	17.262	.000		10.172	۰/۰۰۱
سن	-.014	.577	-.039	-.558	۰/۵۸
همدلی و تعلق	-.026	.455	-.040	-.748	۰/۴۶
علائق متفاوت	.080	.021	.111	2.319	۰/۰۲
اعتماد	-.279	.001	-.185	-3.417	۰/۰۰۱

نتایج آزمون تحلیل رگرسیون چندگانه به شیوه‌ی همزمان، حاکی از آن است که فرض ارتباط نداشتن مجموعه‌ی متغیرهای مستقل با متغیر وابسته تأیید نمی‌شود ($p\text{-value} < 0/05$). یعنی اینکه؛ متغیرهای اعتماد و همدلی به طور کلی با متغیر وابسته ارتباط رگرسیونی دارد.

جدول ۷. نتایج آزمون تحلیل رگرسیون چندگانه به شیوه گام‌به‌گام برای پیش‌بینی بیگانگی اجتماعی

گام	متغیرهای پیش‌بین	بتا	T	p-value	R2	F	p-value
گام ۱	مقدار ثابت		۳۱/۵۱	<0/001	0/04	۱۸/۴۱	<0/001
	اعتماد	-0/208	-۴/۲۹	<0/001			
	مقدار ثابت		۲۳/۵۰	<0/001			
گام ۲	اعتماد	-0/211	-۴/۴۰	<0/001	0/06	۱۳/۶۳	<0/001
	علاقه متفاوت	0/140	۲/۹۲	0/004			
	مقدار ثابت		۲۳/۴۸	<0/001			
گام ۳	اعتماد	-0/199	-۴/۱۶	<0/001	0/08	۱۱/۲۴	<0/001
	علاقه متفاوت	0/141	۲/۹۵	0/003			
	مقدار ثابت		۲۳/۰۹	<0/001			
	اعتماد	-0/200	-۴/۱۹	<0/001			
گام ۴	علاقه متفاوت	0/143	۳/۰۱	0/003	0/09	۹/۸۹	<0/001
	درآمد ده تا سیزده میلیون	-0/122	-۲/۵۵	0/011			
	مقطع کارشناسی ارشد	0/111	۲/۳۴	0/020			
	مقدار ثابت		۲۲/۰۸	<0/001			
	اعتماد	-0/188	-۳/۹۳	<0/001			
گام ۵	علاقه متفاوت	0/129	۲/۷۰	0/007	0/10	۸/۸۳	<0/001
	درآمد ده تا سیزده میلیون	-0/118	-۲/۴۸	0/014			
	مقطع کارشناسی ارشد	0/108	۲/۲۹	0/022			
	مجرد	0/099	۲/۰۶	0/040			

به منظور مشخص کردن قوی‌ترین متغیرها برای پیش‌بینی بیگانگی اجتماعی از روش رگرسیون گام به گام استفاده شد. نتایج این تحلیل (جدول ۷) نشان داد که متغیر اعتماد، بعنوان قوی‌ترین متغیر پیش‌بین، به تنهایی ۴ درصد واریانس بیگانگی اجتماعی را تبیین می‌کند.

۵-۲. یافته‌های بخش کیفی

در پاسخ به سؤال سوم پژوهش، مبنی بر اینکه سرمایه‌ی اجتماعی چگونه و از طریق کدام عوامل افزایش می‌یابد تا باعث کاهش بیگانگی اجتماعی شود؟ از ۱۶

نفر از دانشجویان دانشگاه‌های آزاد واحد علوم تحقیقات و دانشگاه تهران مصاحبه انجام شد، از این تعداد ۱۰ نفر زن و ۶ نفر مرد بودند. میانگین سن شرکت‌کنندگان ۳۰,۵ سال بود. از تحلیل یافته‌ها ۱۹ مقوله‌ی اصلی به شرح جدول زیر استخراج گردید.

جدول ۸. ماتریس مقولات کدها و فراوانی هر طبقه (عوامل تأثیرگذار در سرمایه اجتماعی و بیگانگی

(اجتماعی)

بعد	مقولات	تعداد کدها	مجموع فراوانی	درصد فراوانی
فرهنگی	جهانی شدن	۸	۱۳	۷,۲
	تغییر در ارزش ها و سبک زندگی	۴	۹	۵
	ساخت روابط جنسی	۹	۱۴	۷,۸
	رسانه	۵	۱۳	۷,۲
	آموزش و پرورش	۱۰	۱۳	۷,۲
	ارزش های دینی	۳	۵	۲,۷
	آموزش عالی	۸	۹	۵
	فضاهای عمومی	۳	۸	۴,۴
اجتماعی	رفاه اجتماعی	۶	۷	۳,۹
	احساس محرومیت نسبی	۸	۹	۵
	هنجارهای عمومی	۷	۸	۴,۴
	خانواده	۲	۳	۱,۶
	کفایت اجتماعی	۱۰	۱۶	۸,۹
	شبکه اعتماد متقابل	۵	۷	۳,۹
سیاسی	حکمرانی خوب	۱۳	۱۶	۸,۹
	شایسته سالاری	۵	۵	۲,۷
	مدیریت در بحران	۴	۵	۲,۷
اقتصادی	بی ثباتی اقتصادی	۷	۷	۳,۹
	اشتغال و کسب و کار	۸	۱۲	۶,۷

جمع بندی و نتیجه گیری

مطالعه‌ی حاضر با هدف شناخت عوامل و مؤلفه‌های مؤثر بر سرمایه اجتماعی در مقابله با بیگانگی اجتماعی با استفاده از رویکرد ترکیبی و در پاسخ به سوالات زیر انجام شد.

سؤال این پژوهش در بخش کیفی، این است که چه عواملی می‌تواند منجر به افزایش سرمایه‌ی اجتماعی و کاهش بیگانگی اجتماعی شود. در بخش کمی این سوالات مطرح می‌شود که آیا میان احساس همدلی و تعلق اجتماعی و بیگانگی اجتماعی، در بین دانشجویان دانشگاه تهران و دانشگاه آزاد، واحد علوم تحقیقات

رابطه وجود دارد؟ آیا میان اعتماد اجتماعی و بیگانگی اجتماعی، در بین دانشجویان رابطه وجود دارد؟ در پاسخ به این سؤالات و با توجه به یافته‌های بخش کمی، متغیر اعتماد ($R = -0.21$) با متغیر بیگانگی رابطه معکوس و معنادار دارد، به این مفهوم که هر چه میزان اعتماد بالا باشد، بیگانگی اجتماعی کاهش خواهد داشت. نتایج این مطالعه با پژوهش (بنی فاطمه & رسولی، ۱۳۹۰) (Kuchenkova, 2017)، همسو می‌باشد. همدلی و تعلق، متغیر دیگری است که با بیگانگی اجتماعی، رابطه معنادار و منفی دارد، ($R = -0.13$) (۰،۰۱) مطالعه شهریاری & نبوی، ۱۳۹۳)، نتایج این مطالعه را تأیید می‌نماید.

در بخش کیفی با تمرکز بر دلایل کلان تأثیرگذار بر دو متغیر سرمایه‌ی اجتماعی و بیگانگی اجتماعی مجموعاً، ۲۲۵ کد استخراج شد که پس از رفت و برگشت و غور در کدها در مجموع ۱۵۵ کد مشترک در عوامل مؤثر بر کاهش بیگانگی اجتماعی و افزایش سرمایه‌ی اجتماعی استخراج گردید که چهار بعد و ۱۹ مقوله، شامل عوامل فرهنگی، عوامل اجتماعی، عوامل اقتصادی و عوامل سیاسی حاصل استخراج شواهد میدانی مطالعه بود. عامل فرهنگی، شامل جهانی شدن با فراوانی و (درصد فراوانی) ۱۳ (۷،۲)، تغییر در ارزش‌ها و سبک زندگی ۹ (۵)، ساخت روابط جنسی ۱۴ (۷،۸)، رسانه ۱۳ (۷،۲)، آموزش و پرورش ۱۳ (۷،۲)، ارزش‌های دینی ۵ (۲،۷)، آموزش عالی ۹ (۵) می‌باشد. عامل اجتماعی، مقولات فضاها‌ی عمومی ۸ (۴،۴)، رفاه اجتماعی ۷ (۳،۹)، احساس محرومیت نسبی ۹ (۵)، هنجارهای عمومی ۸ (۴،۴)، خانواده ۳ (۱،۶)، کفایت اجتماعی ۱۶ (۸،۹) و شبکه‌ی اعتماد متقابل ۷ (۳،۹) را در بر می‌گیرد. عامل سیاسی، شامل حکمرانی خوب ۱۶ (۸،۹)، شایسته‌سالاری ۵ (۲،۷)، مدیریت در بحران ۵ (۲،۷) و عامل اقتصادی در برگیرنده‌ی مقولات بی‌ثباتی اقتصادی ۷ (۳،۹)، اشتغال و کسب و کار ۱۲ (۶،۷) می‌باشد.

بیشترین فراوانی مقولات مستخرج از نگرش مشارکت کنندگان در خصوص عوامل مؤثر در افزایش سرمایه‌ی اجتماعی و کاهش بیگانگی اجتماعی مربوط به حکمرانی خوب، کفایت اجتماعی، جهانی شدن، رسانه، آموزش و پرورش،

ساخت روابط جنسی، اشتغال، آموزش عالی و احساس محرومیت نسبی است. مقوله‌ای که بیشترین فراوانی را به خود اختصاص داد، حکمرانی خوب^۱ است. این نکته، بیانگر این است که بر اساس نگرش مشارکت‌کنندگان دولت می‌تواند با نقش راهبردی و تسهیل‌کننده، سطوح مختلف جامعه را هدایت کند. بانک جهانی حکمرانی خوب را بر اساس شش شاخص حق اظهارنظر و پاسخگویی، ثبات سیاسی، کارایی و اثربخشی دولت، کیفیت قوانین و مقررات، حاکمیت قانون و کنترل فساد تعریف می‌کند (سامتی، رنجبر، & محسنی، ۱۳۹۰، ص. ۱۸۶). نتایج این مطالعه با پژوهش (علمی & پاشایی، ۱۳۹۶) (زاینده رودی، خسروآبادی، & شکیبایی، ۱۳۹۶) که نشان دادند حکمرانی خوب عاملی در جهت کاهش نابرابری‌ها، خشونت و آسیب‌های اجتماعی است، همسو می‌باشد. متغیر کفایت اجتماعی^۲ بعد از حکمرانی خوب، از منظر مشارکت‌کنندگان به عنوان مهم‌ترین عامل تأثیرگذار بر سرمایه‌ی اجتماعی و بیگانگی اجتماعی می‌باشد. تراور^۳ و همکاران ۱۹۷۸ معتقد هستند که کفایت اجتماعی، داشتن مهارت‌های رفتار اجتماعی است، آن‌ها بیان داشته‌اند که اگر شخصی بتواند بر رفتار دیگران به طریقی تأثیر بگذارد که از نظر اجتماعی مقبول است، دارای کفایت اجتماعی قلمداد می‌شود، قابلیت‌ها و کفایت‌های اجتماعی بر پایه‌ی استعدادهای عاطفی و هیجانی شکل می‌گیرند، برای مثال کسانی که تأثیرات اجتماعی عمیقی بر جای می‌گذارند بر نحوه ابراز احساسات خود نظارت دقیقی دارند و از این‌رو همواره می‌توانند عملکرد اجتماعی خود را به‌خوبی تنظیم کنند، به‌گونه‌ای که مطمئن شوند تأثیر مطلوب بر جای می‌گذارند (قنبری & پورشهریاری، ۱۳۹۵، ص. ۳۵). نتایج بخش کیفی نشان می‌دهد که کفایت اجتماعی و احساس توانمندی در افراد در برقراری ارتباط و مسئولیت‌پذیری در جامعه، عاملی در کاهش بیگانگی و افزایش سرمایه اجتماعی است. این بخش از یافته‌ها با مطالعه‌ی اسدیان و پیری هم راستا است (اسدیان & پیری، ۱۳۹۰). آنچه مشخص است در دوران کنونی، جهانی

-
1. Good Governance
 2. Social Competence
 3. Trower

شدن^۱ و انقلاب ارتباطات الکترونیکی موجب درهم ریختن فاصله‌ها و عاملی در دگرگون شدن روابط اجتماعی و کنشی بین افراد جامعه است، تغییر در برخی از شاخص‌های رفتاری حاصل از تغییرات ناشی از مدرنیته و در هم شکستن فواصل در دهکده‌ی جهانی ارتباطات، موجی از تغییرات را در سبک زندگی و ارزش‌ها و باورهای جمعی به دنبال داشته است. ویژگی این تغییرات، بروز سبک‌های جدید مصارف رسانه‌ای در روابط اجتماعی و در فضاهای مجازی است، نقش رسانه^۲ در افزایش سرمایه‌ی اجتماعی و کاهش بیگانگی بر کسی پوشیده نیست. نتایج این مطالعه با مطالعات (علیزاده اقدم، سلطانی بهرام، علیزاده اقدم & بابایی آذر ۱۳۹۴) (Fisher, 2012) که نشان می‌دهند که بین میزان فعالیت در دنیای مجازی و بیگانگی اجتماعی رابطه مثبتی وجود دارد، هم راستا می‌باشد. عامل اثرگذار دیگر، باورهای جنسیتی و توجه به ساختارهای جنسی است، شیوه‌های رفتار با زنان به عنوان نیروهایی اثرگذار در تحولات جامعه، نیاز به اصلاح و رسیدگی دارد تا این بخش از جامعه از آسیب‌ها و سوء رفتارهای ناشی از ویژگی‌های جنسی در امان مانده و نقش حساس خود را در ارتقای جامعه به سرانجام رسانند. یافته‌ها نشان داد کلیشه‌های جنسیتی^۳ عامل بروز بیگانگی اجتماعی است. نابرابری جنسیتی عبارت است از؛ برخورد یا عملی بر اساس جنسیت افراد که به تحقیر، طرد، خوار شمردن و کلیشه‌بندی آنان می‌پردازد و نشان‌دهنده یکسان نبودن دسترسی زنان و مردان به فرصت‌ها و امکاناتی مانند امکانات آموزشی است. جنسیت، یکی از ویژگی‌های طبیعی افراد است که در بیشتر جوامع بر پایه‌ی معیارهای فرهنگی- اجتماعی ارزیابی می‌شود و در سال‌های اخیر، در کنار قومیت، به یکی از پایه‌های اساسی نابرابری اجتماعی تبدیل شده است. شکل‌های گوناگونی از نابرابری جنسیتی در سطح جهان دیده می‌شود که وضعیت نابسامان بهداشت، تغذیه، آموزش، آگاهی و اشتغال از جمله مصادیق آن هستند (بخارایی، ۱۳۹۴، ص. ۶۰). نتایج این مطالعه با پژوهش (معینیان، ۱۳۹۶) که نشان داد تصورات قالبی جنسی باعث احساس

1. Globalization

2. Media

3. Gender stereotypes

نابرابری و بروز آسیب می‌شود، هم سو می‌باشد.

یافته‌های کیفی نشان داد نقش آموزش و پرورش^۱ و آموزش عالی^۲ به عنوان دو متغیر تأثیرگذار در کاهش بیگانگی اجتماعی و افزایش سرمایه‌ی اجتماعی باید مورد توجه قرار گیرد، آموزش و پرورش با وظایف خطیر و گسترده‌ای که دارد، آثار دگرگون کننده‌ای بر نسل آینده خواهد گذاشت. در دوران کودکی و نوجوانی، بسیاری از استعدادها شکوفا شده و چه بسا بسیاری به شکل ناآگاهانه حتی سرکوب شوند، رونق بخشیدن به نهاد آموزش و پرورش و توجه به این نهاد مهم و به دنبال آن آموزش عالی، ثمرات زیادی برای جوامع دارد. توجه به آموزش‌های معطوف به فرصت شغلی و آموزش‌های عملی از ناامیدی و سرگردانی نیروهای جوان خواهد کاست و انگیزه‌ای برای کمک به ارتقا جامعه خواهد بود. نتایج این مطالعه در راستای نتایج مطالعه (Janis Swenson, 2001) می‌باشد، وی به این نتیجه رسید که هرچه بیگانگی اجتماعی بیشتر باشد، رضایت از نظام آموزش عالی کمتر است.

بدیهی است بیکاری و تهدیدهای مربوط به آن باعث ناامیدی، ناامنی و بی‌اعتمادی جوانان جامعه می‌شود. فشار ناشی از عدم قطعیت، زمینه را برای ارتکاب به بسیاری از جرائم در بین افراد جامعه مهیا می‌سازد، شاید این مسئله‌ای باشد که نتوان به راحتی از کنار آن عبور کرد، وقتی افراد جامعه، احساس ناامنی کنند، عکس‌العملی نشان خواهند داد که کمترین آن بی‌تفاوتی نسبت به سرنوشت آن جامعه و گرفتار شدن به بی‌هویتی است. بی‌اعتمادی به نظام مالی و اقتصادی و ورشکستگی‌های اخیر در بازار بورس و سهام، نمونه‌هایی از ناامنی‌های اخیر است. (درگاهی & بیرانوند، ۱۳۹۷) در مطالعه‌ی خود نشان دادند که تکانه‌های منفی در اقتصاد با افزایش فقر، بیکاری و گسترش آسیب‌های اجتماعی چون طلاق، اعتیاد و جرم ارتباط دارد و افزایش آسیب‌های اجتماعی موجب کاهش سرمایه‌ی انسانی، بهره‌وری و رشد اقتصادی می‌شود.

1. Education

2. Higher Education

تجربه‌ی محرومیت نسبی^۱ در بین گروه‌های مختلف، وضعیتی نگران‌کننده است، توزیع نامتناسب خدمات رفاهی در فضاهاى شهری، انسجام و همدلی را در معرض نابودی قرار داده بذر کینه و عداوت را بین طبقات مختلف جامعه می‌کارد، مقایسه‌ی مداوم هم‌تایان و تنش‌های روانی حاصل از این مقایسه، جامعه را از مشارکت بخش عظیمی از نیروهای فعال محروم خواهد ساخت که باید مورد توجه قرارگیرد. دوگانگی‌های موجود در جامعه، تفاوت مشهود بین آنچه هست و آنچه ادعا می‌شود، پیام‌های رسانه‌های گروهی و برخی حقایق تحریف شده در شبکه‌های مجازی، اثرات زیان‌باری بر کنشگران اجتماعی باقی می‌گذارد. نتایج مطالعه (Stiles B. L., 2000) (Kawachi I., 1999) که به این نتیجه رسیدند که احساس محرومیت نسبی در اتخاذ الگوهای انحرافی و جرم نقش دارد، با این مطالعه هم‌خوان است.

همان‌طور که از نتایج برمی‌آید، بی‌اعتمادی، بدبینی و کاهش سرمایه‌های جمعی نه تنها یک جنبه بلکه، تمام ابعاد زندگی اجتماعی را تحت تأثیر قرار می‌دهد، در این شرایط میل به مهاجرت در اذهان جوانان و آرزوی جستن زندگی بهتر در جایی دیگر، انگیزه‌ی تلاش را از نیروهای فعال جامعه می‌رباید و یا آنها را در ورطه بی‌تفاوتی فرو می‌برد. بی‌ثباتی‌های اقتصادی، افول مشارکت‌های عمومی را دربرداشته و همکاری با دولت را به میزان قابل توجهی کاهش می‌دهد، آنچه برمی‌آید، این است که بیگانگی مسئله‌ی اجتماعی حال حاضر ما است، به طور کلی، این گونه می‌توان نتیجه‌گیری کرد که برای افزایش سرمایه‌ی اجتماعی و کاهش بیگانگی اجتماعی توجه همه جانبه به عوامل اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و اجتماعی باید مورد توجه قرار گیرد. سرمایه‌ی اجتماعی، بین فرد و ساختارهای جامعه پیوندهایی را به وجود می‌آورد و به عنوان یک عامل حفاظتی باعث کاهش بیگانگی اجتماعی می‌گردد. نباید از این مهم غافل شد که سرمایه‌ی اجتماعی عاملی در توسعه‌ی جوامع انسانی است، پس با توجه به اهمیت آن باید سیاست‌گذاران و برنامه‌ریزان در برنامه‌های توسعه‌ای به تقویت و ارتقای سرمایه‌ی

اجتماعی توجه کافی داشته باشند.

در این پژوهش، ضمن اینکه سعی شد مؤلفه‌های تأثیرگذار بر سرمایه‌ی اجتماعی و بیگانگی اجتماعی بررسی شود، تلاشی در جهت واکاوی این دو مقوله و کشف محتواهای تجربه زیسته به عمل آمد. آنچه مسلم است، رابطه‌ی بیگانگی اجتماعی و سرمایه‌ی اجتماعی، متداخل و دوسویه است، هرچه در جامعه‌ای بیگانگی اجتماعی بالا باشد، سرمایه‌ی اجتماعی کاهش می‌یابد و یا در معرض تهدید قرار می‌گیرد.

در ادامه پیشنهادهایی جهت ارتقاء سرمایه اجتماعی و کاهش بیگانگی اجتماعی به شرح زیر ارائه می‌گردد:

- بررسی وضعیت بیگانگی اجتماعی و سرمایه‌ی اجتماعی را از نظر روندی با کمک استراتژی‌های و استنباط و استخراج یافته‌های مطالعات، بستری جهت تولید ایده‌های خلاقانه.
- بازنگری در محتوای درسی در آموزش و پرورش و آموزش عالی در جهت توانمندسازی دانشجویان و دانش‌آموزان جهت ارتقاء توانمندی‌های موردنیاز جامعه.
- توجه ویژه برنامه‌ریزان و سیاست‌گذاران به گروه‌های آسیب‌پذیر جامعه به لحاظ اقتصادی و اجتماعی.
- تقویت رابطه‌ی میان حاکمیت و نظام سیاسی و مردم در سطوح خرد و کلان و ایجاد بستر مناسب جهت جلب اعتماد اجتماعی.
- توجه به نهادهای اصلی جامعه، چون نهاد خانواده و نقش آن در اعتلای جوامع انسانی.
- توجه به نیازهای جوانان، فراهم نمودن زمینه‌ی اشتغال و حمایت از کسب‌وکارهای نوپا.
- مدیریت صحیح جامعه، بخصوص در شرایط بحرانی به عنوان عاملی جهت کسب اعتماد بین دولت و مردم.

منابع و مآخذ

- آرون، ر. (1387). *مراحل اساسی سیر اندیشه در جامعه شناسی*. تهران: انتشارات علمی فرهنگی.
- آزاد ارمکی، ت. &، بهار، م. (1377). *بررسی مسائل اجتماعی*. تهران: موسسه نشر جهاد.
- اسدیان، س. &، پیری، م. (1390). رابطه بین عملکرد خانواده و کفایت اجتماعی دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی واحد سلماس. *علوم رفتاری*. 41-25،
- اکبری، ا. (1383). نقش سرمایه اجتماعی در مشارکت: تأثیر سرمایه اجتماعی بر مشارکت سیاسی و اجتماعی (مطالعه موردی روستای فارسینجاز توابع سنقر). *(پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه تهران)*.
- بخارایی، ا. (1394). تحلیلی بر عوامل فرهنگی-اجتماعی موثر بر نابرابری جنسیتی (مطالعه ی زنان متاهل 20-49 سال شهر اصفهان). *مجله علمی پژوهشی مطالعات توسعه اجتماعی و فرهنگی*. 82-59،
- بنی فاطمه، ح. &، رسولی، ز. (1390). بررسی میزان بیگانگی اجتماعی در بین دانشجویان دانشگاه تبریز و عوامل مرتبط با آن. *جامعه شناسی کاربردی (مجله پژوهشی علوم انسانی دانشگاه اصفهان)*. 1-26،
- پیران، پ. (1392). *مبانی مفهومی و نظری سرمایه ی اجتماعی*. تهران: چاپ اول نشر علمی.
- تقی لو، ف. (1385). بررسی رابطه ی سرمایه اجتماعی و امنیت اجتماعی. *فصلنامه مطالعات راهبردی*. 240-257،
- توفیقیان، فر. ع. ح. &، حسینی، س. (1391). بررسی بیگانگی اجتماعی جوانان و عوامل اجتماعی مرتبط با آن. *فصلنامه مطالعات جامعه شناختی جوانان*. 58-45،
- چلبی، م. (1384). جامعه شناسی نظم: تشریح و تحلیل نظری نظم اجتماعی. تهران: چاپ هفتم. نشر نی.
- چلبی، م. &، مبارکی، م. (1384). تحلیل رابطه سرمایه اجتماعی و جرم در سطح خرد و کلان. *مجله انجمن جامعه شناسی ایران*. 44-3،
- خواجه نوری، ب. &، دهقانی، ر. (1395). مطالعه رابطه بین تعارضات خانوادگی و عزت نفس نوجوانان (مورد مطالعه: دانش آموزان شهر شیراز). *علوم اجتماعی*. 61-45،

خواجه نوری دب، پنهانی نسب، ص، جهانبازیان، ص &، دامیار، ا. (1395). بررسی رابطه بین سبک‌های والدینی با از خود بیگانگی نوجوانان (مطالعه موردی دانش آموزان دبیرستانی دختر و پسر شهر شیراز در سال (1390-91 علوم اجتماعی-1، 22.

درگاهی، ح &، بیرانوند، ا. (1397). بررسی رابطه آسیب‌های اجتماعی و رشد اقتصادی ایران با تاکید بر سرمایه انسانی در الگوی رشد درون‌زا: رویکرد DSGE. برنامه ریزی و بودجه. 59-100،

رضایی، م، بساطیان، س &، جعفریان، م. (1394). عوامل اجتماعی موثر بر بیگانگی اجتماعی زنان شاغل شهر خرم آباد. مطالعات ملی. 83-99،

رفیعی، ح، موسوی، م &، قاسم زاده، د. (1395). ساخت و رواسازی پرسشنامه سنجش سرمایه اجتماعی درون گروهی و برون گروهی. رفاه اجتماعی. 161-179،

ریتزر، ج. (1386). نظریه های جامعه شناسی در دوران معاصر. تهران: نشر نی. زاینده رودی، م، خسروآبادی، م، & شکیبایی، ع. (۱۳۹۶). بررسی تأثیر شاخصهای حکمرانی خوب بر توزیع درآمد با به کارگیری. پژوهشهای رشد و توسعه پایدار (پژوهشهای اقتصادی)، ۲۵-۵۲

سامتی، م، رنجبر، ه &، محسنی، ف. (1390). تحلیل تأثیر شاخص های حکمرانی خوب بر شاخص توسعه انسانی مطالعه موردی: کشورهای جنوب شرقی آسیا (ASEAN). پژوهش های رشد و توسعه اقتصادی. 183-223،

سراج زاده، س، قصابی، ر &، چمنی، س. (1391). بررسی رابطه دینداری و بیگانگی اجتماعی (مورد مطالعه: دانشجویان دانشگاه تربیت مدرس. راهبرد اجتماعی فرهنگی. 103-125،

شهریاری، م &، نبوی، س. (1393). علل و پیامد تعارض کار خانواده و بررسی بیگانگی از کار به عنوان یکی از پیامدهای آن. پژوهش های راهبردی مسائل اجتماعی ایران. 45-59،

عباس زاده، محمد، علیزاده اقدم، م &، اسلامی بناب، س. (1391). بررسی رابطه بین سرمایه اجتماعی و آنومی اجتماعی. مطالعات و تحقیقات اجتماعی. 145-172، عبداللهی، م &، موسوی، م. (1386). سرمایه اجتماعی در ایران؛ وضعیت موجود، دورنمای آینده و امکان شناسی گذار. رفاه اجتماعی. 195-233،

علیزاده اقدم، م، سلطانی بهرام، س، علیزاده اقدم، ف، & بابایی آذر، س. (۱۳۹۴). بررسی ارتباط رسانه های جمعی با بیگانگی اجتماعی مورد مطالعه دانشجویان دانشگاه تبریز. سومین کنفرانس ملی جامعه شناسی و علوم اجتماعی.

غفاری، غ. (1394). گزارش پیمایش ملی سرمایه ی اجتماعی در ایران. تهران: بینا. غفوری کله، م &، محسنی تبریزی، ع. (1397). تبیین جامعه‌شناختی تأثیر دینداری بر اشکال و موضوعات بیگانگی (از خود، از جامعه و از سیاست) (در نزد شهروندان بالغ تهرانی. بررسی مسائل اجتماعی ایران. 185-208،

قنبری ح & پورشهریاری م. (1395). سبک‌های شوخ‌طبعی، هوش هیجانی و کفایت اجتماعی در دانشجویان. *اندیشه‌های نوین تربیتی*. 79-108 ,

کاظمی ا & .عریضی سامانی س. (1387). بررسی رابطه بین سبک والدینی مادر با الگوی مصرف سیگار در دانش آموزان. *مجله روان شناسی*. 104-118 ,

کریمیان ع & .غفوری کله س. (1399). نقش سرمایه اجتماعی در میزان بیگانگی سیاسی شهروندان تهرانی. *جامعه شناسی سیاسی ایران*. 171-198 ,

کلارک و & .کرسول ج. (1398). *روش‌های پژوهش ترکیبی*. تهران :آیژ.

محسنی تبریزی ع. (1395). *روش تحقیق کیفی در مکاتب تفسیری*. تهران :اطلاعات.

معینیان ، ن. (۱۳۹۶). نگاهی جامعه شناختی به نقش تصورات قالبی جنسیتی در تبعیض شغلی علیه زنان و عوامل زمینه ای مؤثر بر شکل گیری این تصورات قالبی در فرهنگ ایران. *زن و مطالعات خانواده*، ۱۶۳-۱۷۹.

میری مهرا ، م. & میری تبریزی، ع. (۱۳۹۲). بررسی رابطه بین از خودبیگانگی (بحران هویت) جوانان و میزان گرایش آنان به انحرافات اجتماعی (مورد مطالعه جوانان ۱۵ - ۲۹ ساله شهر کرمانشاه). *فصلنامه علمی دانش نظامی* ۶۷-۷۶.

هزارجریبی ج & .صفری شالی ر. (1390). *رفاه اجتماعی و عوامل مؤثر بر آن مطالعه موردی شهر تهران. پژوهش و برنامه ریزی شهری* ۱-۲۲.

DELLER, S. C. (2010). Rural Crime and Social Capital. *Growth and Change*, 221-275.

Fisher, E. (2012). How Less Alienation Creates More Exploitation? Audience Labour on Social Network Sites. *tripleC: Communication, Capitalism & Critique*, 171-183.

Furr-Holden CD, L. M. (2011). The Growth of Neighborhood Disorder and Marijuana Use Among Urban Adolescents: A Case for Policy and Environmental Interventions. *Journal of Studies on Alcohol and Drugs*, 371-379.

Janis Swenson, T. (2001). Through a Critical Lens: Native American Alienation from Higher Education. *ERIC*, 1-27.

Kawachi, I. S. (2008). *Social Capital and Health*. New York: Springer Publication.

Kawachi, I., Kennedy, BP, Wilkinson, RG (1999). "Crime: social disorganization and relative deprivation." *Social science & medicine* 48(6): 719-731.

Krishna, A. & . (1999). *Social Capital Assessment Tool. INSTRUMENTS OF THE SOCIAL CAPITAL ASSESSMENT TOOL*.

- Krisotakis, G. G. (2004). What is social capital and how does it relate to health? *International Journal of Nursing Studies*, 43-50.
- Kuchenkova, A. (2017). "Russian intelligentsia and institutions: trust or alienation? *Political sociology*.
- Lafferty, L. C. (2015). Indicators of social capital in prison: a systematic review. *Health & Justice*, 3-7.
- Lundborg, P. (2005). Lundborg P: Social capital and substance use among Swedish. *Social science & medicine*, 1151-1158.
- Pekkan, N. U. (2019). T The Effect of Social Capital on Work Alination: Sample from Health Sector Employees. 3rd International Scientific Conference on Business and Economics, 1-747.
- Safipour, J. (2011). Feelings of social alienation: a comparison of immigrant and non-immigrant Swedish youth. *International Journal of Sociology and Social Policy*.
- Seeman, M. (1959). On The Meaning of Alienation. *American Sociological Association*.
- Shortt, S. (2004). Making sense of social capital, health and policy. *Health Policy*, 11-22.
- Stiles, B. L., Liu,X., Kaplan, H,B. (2000). "Relative deprivation and deviant adaptations: The mediating effects of negative self-feelings." *Journal of Research in crime and delinquency*: 64-90.
- Weitzman, E. R. (2005). Risk modifying effect of social capital on measures of heavy alcohol consumption, alcohol abuse, harms, and secondhand effects: national survey findings. *Journal of Epidemiology & Community*.
- Winstanley EL, S. D. (2008). The association of self-reported neighborhood disorganization and social capital with adolescent alcohol and drug use, dependence, and access to treatment. *Drug and Alcohol Dependence*, 173-182.

References

- Abbaszadeh, Mohammad, Alizadeh Aghdam, M., & Islami Bonab, S. (2012). Investigating the relationship between social capital and social anomie. *Social Studies and Research*, 145-172.(In persian)
- Abdullahi, M., & Mousavi, M. (2007). Social capital in Iran; Current status, future prospects and feasibility of transition. *Social Welfare*, 195-233. (In persian)
- Akbari, A. (2004). The role of social capital in participation: The effect of social capital on political and social participation (Case study of Farsanjaz village, Songhar functions). . Master Thesis, Faculty of Social Sciences, University of Tehran.(In persian)
- Alizadeh Aghdam, M., Soltani Bahram, S., Alizadeh Aghdam, F., & Babaei Azar, S. (2015). Investigating the relationship between mass media and social alienation studied by Tabriz University students. Third National Conference on Sociology and Social Sciences.(In persian)
- Arun, R. (2008). Basic stages of thought in sociology. Tehran: Scientific and Cultural Publications.
- Asadian, S., & Piri, M. (2011). The relationship between family performance and social adequacy of students of Islamic Azad University, Salmas Branch. *Behavioral Sciences*, 25-41.(In persian)
- Azad Armaki, T., & Bahar, M. (1998). Examining social issues. Tehran: Jihad Publishing Institute.(In persian)
- Bani Fatemeh, H., & Rasooli, Z. (2011). Investigating the extent of social alienation among students of Tabriz University and related factors. *Applied Sociology (Research Journal of Humanities, University of Isfahan)*, 1-26.(In persian)
- Bukharaee, A. (2015). An analysis of socio-cultural factors affecting gender

- inequality (Study of married women aged 20-49 in Isfahan). Journal of Social and Cultural Development Studies, 59-82.(In persian)
- Chalabi, M(2005) Sociology of order: theoretical description and analysis of social order. . Tehran: Seventh Edition. Ney Publications.(In persian)
- Chalabi, M., & Mubaraki, M. (2005). Analysis of the relationship between social capital and crime at the micro and macro levels. Journal of the Iranian Sociological Association, 3-44.(In persian)
- Clark, W., & Cresswell, J.; (2019). Combined research methods. Tehran: Ayizh.
- Dargahi, H., & Biranvand, A. (2018). Investigating the Relationship between Social Injuries and Economic Growth in Iran with Emphasis on Human Capital in Endogenous Growth Pattern: DSGE Approach. Planning and Budgeting, 59-100.(In persian)
- Deller, S. C. (2010). Rural Crime and Social Capital. Growth and Change, 221-275.
- Fisher, E. (2012). How Less Alienation Creates More Exploitation? Audience Labour on Social Network Sites. tripleC: Communication, Capitalism & Critique, 171-183.
- Furr-Holden CD, L. M. (2011). The Growth of Neighborhood Disorder and Marijuana Use Among Urban Adolescents: A Case for Policy and Environmental Interventions. Journal of Studies on Alcohol and Drugs, 371-379.
- Gafari,G(2015) National Social Capital Survey Report in Iran. Tehran: Bina. (In persian)
- Ghafouri Koleh, M., & Mohseni Tabrizi, A. (2018). Sociological explanation of the effect of religiosity on the forms and issues of alienation (from oneself, society and politics) in the eyes of adult citizens of Tehran. A Study of Social Issues in Iran, 185-208.(In persian)
- Ghanbari, H., & Pourshahriari, M. (2016). Humorous styles, emotional intelligence and social adequacy in students. New Educational Thoughts, 79-108.(In persian)
- Hezarjaribi, J., & Safari Shali, R. (2011). Social Welfare and Factors Affecting it: A Case Study of Tehran. Urban Research and Planning, 1-22.(In persian)
- Janis Swenson, T. (2001). Through a Critical Lens: Native American

- Alienation from Higher Education. ERIC, 1-27.
- Karimian, A., & Ghafouri Kaleh, S. (2020). The role of social capital in the degree of political alienation of Tehran citizens. *Political Sociology of Iran*, 171-198.(In persian)
- Kawachi, I. S. (2008). *Social Capital and Health*. New York: Springer Publication.
- Kawachi, I., Kennedy, BP, Wilkinson, RG (1999). "Crime: social disorganization and relative deprivation." *Social science & medicine* 48(6): 719-731.
- Kazemi, A., & Arizi Samani, S. (2008). Investigating the relationship between maternal parenting style and smoking pattern in students. *Journal of Psychology*, 104-118.(In persian)
- Khajeh Nouri, B., & Dehghani, R. (2016). Study of the relationship between family conflicts and adolescents' self-esteem (Case study: Shiraz students). *Social Sciences*, 45-61.(In persian)
- Khajeh Nouri, B., Panahi Nasab, P., Jahanbazian, P., & Damiar, A. (2016). Investigating the relationship between parenting styles and adolescent self-alienation (a case study of male and female high school students in Shiraz in 2011-2012). *Social Sciences*, 1-22.(In persian)
- Krishna, A. &. (1999). *Social Capital Assessment Tool. INSTRUMENTS OF THE SOCIAL CAPITAL ASSESSMENT TOOL*.
- Krisotakis, G. G. (2004). What is social capital and how does it relate to health? *International Journal of Nursing Studies*, 43-50.
- Kuchenkova, A. (2017). "Russian intelligentsia and institutions: trust or alienation? *Political sociology*.
- Lafferty, L. C. (2015). Indicators of social capital in prison: a systematic review. *Health & Justice*, 3-7.
- Lundborg, P. (2005). Lundborg P: Social capital and substance use among Swedish. *Social science & medicine*, 1151-1158.
- Miri Mehra, M., & Miri Tabrizi, A. (2013). Investigating the relationship between self-alienation (identity crisis) of young people and their tendency to social deviations (a study of 15-29 year olds in Kermanshah). *Journal of Law Enforcement Science* 67-76.(In persian)
- Moeenian, N.(2017) A sociological look at the role of gender stereotypes in occupational discrimination against women and the underlying factors

- affecting the formation of these stereotypes in Iranian culture. Women and family studies. Women and Family Studies, 163-179.(In persian)
- Mohseni Tabrizi, A. (2016). Qualitative research methods in interpretive schools. Tehran: Information.(In persian)
- Pekkan, N. U. (2019). THE EFFECT OF SOCIAL CAPITAL ON WORK ALIENATION: SAMPLE FROM HEALTH SECTOR EMPLOYEES. . 3rd International Scientific Conference on Business and Economics, 1-747.
- Piran, p. (2013). Conceptual and theoretical foundations of social capital. Tehran: First edition of scientific publication.(In persian)
- Rafiei, H., Mousavi, M., & Qasemzadeh, d. (2016). Development and validation of a questionnaire for measuring social capital within and outside the group. Social Welfare, 161-179.(In persian)
- Rezaei, M., Basatian, S., & Jafarian, M. (2015). Social factors affecting the social alienation of working women in Khorramabad. National Studies, 83-99.(In persian)
- Ritzer, J.; (2007). Sociological theories in contemporary times. Tehran: Ney Publishing.
- Safipour, J. (2011). Feelings of social alienation: a comparison of immigrant and non-immigrant Swedish youth. International Journal of Sociology and Social Policy.
- Sameti, M., Ranjbar, H., & Mohseni, F. (2011). Analysis of the effect of good governance indicators on human development index Case study: Southeast Asian countries (ASEAN). Economic Growth and Development Research, 183-223.(In persian)
- Seeman, M. (1959). On The Meaning of Alienation. American Sociological Association.
- Serajzadeh, S., Butcher, R., & Chamani, S. (2012). Investigating the Relationship between Religiosity and Social Alienation (Case Study: Students of Tarbiat Modares University). Social and Cultural Strategy, 103-125.(In persian)
- Shahriari, M., & Nabavi, S. (2014). Causes and consequences of family work conflict and examining alienation from work as one of its consequences. Strategic Research on Social Issues in Iran, 45-59.(In persian)
- Shortt, S. (2004). Making sense of social capital, health and policy. Health

- Policy, 11–22.
- Stiles, B. L., Liu, X, Kaplan, H.B. (2000). "Relative deprivation and deviant adaptations: The mediating effects of negative self-feelings." *Journal of Research in crime and delinquency*: 64-90.
- Tagiloo, F (2005) Investigating the relationship between social capital and social security. *Quarterly Journal of Strategic Studies*, 240-257.(In persian)
- Tofiqianfar, A. H., & Hosseini, S. (2012). Investigating the social alienation of young people and related social factors. *Journal of Youth Sociological Studies*, 45-58.(In persian)
- Weitzman, E. R. (2005). Risk modifying effect of social capital on measures of heavy alcohol consumption, alcohol abuse, harms, and secondhand effects: national survey findings. *Journal of Epidemiology & Community*.
- Winstanley EL, S. D. (2008). The association of self-reported neighborhood disorganization and social capital with adolescent alcohol and drug use, dependence, and access to treatment. *Drug and Alcohol Dependence*, 173-182.
- Zayandeh Rudi, M., Khosrowabadi, M., & Shakibaei, A. (2017). Investigating the effect of good governance indicators on the distribution of income by employment. *Research on Sustainable Growth and Development (Economic Research)*, 25-52 (In persian)

Explaining the Principles of Social Relations between Men and Women from the Standpoint of Islam with Emphasis on the Practical Behaviours of the Prophets and Saints (Peace Be Upon Them)

Somayeh Esmaili

Corresponding Author, PhD Student, Quranic Sciences and Tradition, Usul Al Deen
College. s.esmaeili.110@gmail.com

Maryam Hajabdolbaghi

Assistant Professor, Department of Quranic Sciences and Tradition, Seminary of Islamic
Azad University – Tehran North Branch. hajabdolbaghi@gmail.com

Abstract

The expansion of social relations and the requirements of modern human life have led to an increase in the presence of women in society and resultantly an increase in the social relations between men and women. One of the most important social issues, the relation between men and women, is knowing the basics and principles of this relation. The present research conducted through analytical-descriptive method aims at examining the principles of social relations between men and women from Islamic standpoint and employing the practical behaviours of the prophets and saints(AS). Findings showed that Islam has already recommended some moral dos and don'ts for any kind of social presence of men and women and their relations, and emphasizes that anything that leads to corruption and sedition should be avoided. Additionally, keeping respect for women's personalities; protecting their privacy; recommending them to avoid mixing, observe the principles of modesty, chastity, and hijab, and leave unnecessary mixed-gender meetings in social environments are all among the principles of male-female social relations that are the spirit of Islamic teachings and the practical behaviours of the infallibles(P.B.U.T)emphasizes and interprets them.

Keywords: *social relations between men and women, practical behaviours of the prophets and saints, mixing, chastity, hijab*

تبیین اصول ارتباط اجتماعی زن و مرد از منظر اسلام با تأکید بر سیره‌ی انبیاء و اولیاء الهی^۱ علیهم‌السلام

سمیه اسماعیلی

نویسنده مسئول، دانشجوی دکترای علوم قرآن وحديث، دانشکده اصول الدین تهران، تهران، ایران
s.esmaeili.110@gmail.com

مریم حاج عبدالباقي

استادیار گروه علوم قرآن وحديث، دانشکده الهیات دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران شمال، تهران، ایران
hajabdolbaghi@gmail.com

چکیده

گسترش روابط اجتماعی و اقتضائات زندگی نوین بشری، سبب فزونی حضور زنان در جامعه و افزایش ارتباط اجتماعی زنان و مردان گردیده است. یکی از مهم‌ترین مسائل اجتماعی، مسئله‌ی ارتباط زن و مرد، شناخت مبانی و اصول این ارتباط می‌باشد. پژوهش حاضر با هدف بررسی اصول ارتباط اجتماعی زن و مرد از دیدگاه اسلام با بهره‌گیری از سیره‌ی انبیاء و اولیاء الهی (ع) به روش تحلیلی- توصیفی انجام شد. یافته‌های پژوهش نشان داد که اسلام برای هر نوع حضور اجتماعی زن و مرد و معاشرت با هم، باید‌ها و نباید‌های اخلاقی توصیه می‌نماید و بر این نکته تأکید دارد که باید از هر آنچه منجر به فساد و فتنه شود، اجتناب کرد. احترام به شخصیت زن و حفظ حریم، توصیه به عدم اختلاط، رعایت اصل حیا، عفاف و حجاب، ترک برخوردهای غیرضروری بین زن و مرد در محیط‌های اجتماعی از جمله اصول روابط اجتماعی زن و مرد است که روح معارف اسلام و سیره‌ی عملی معصومین (ع) آن را تأکید و تقریر می‌کند.

واژه‌های کلیدی: ارتباط اجتماعی زن و مرد، سیره‌ی انبیاء و اولیاء الهی (ع)، اختلاط، عفاف، حجاب

تاریخ دریافت: ۰۰/۰۴/۱۸ تاریخ بازبینی: ۰۰/۰۶/۲۵ تاریخ پذیرش: ۰۰/۰۶/۲۹

فصلنامه راهبرد اجتماعی- فرهنگی، سال ۱۰، شماره ۳۹، تابستان ۱۴۰۰، صص ۳۹۳-۴۲۱

مقدمه و بیان مسئله

ارتباط اجتماعی انسان‌ها از ضرورت‌های اجتناب ناپذیر زندگی بشری است. در عصر حاضر، با گسترش ابزارهای ارتباط جمعی و اقتضائات جدید، حضور زنان در جامعه به شکل گسترده‌ای افزایش یافته و روابط زنان و مردان درهم تنیده است. در خصوص روابط دو جنس مخالف، دیدگاه‌های متفاوتی مطرح است. گروهی به این مسئله با نگاهی سخت‌گیرانه می‌نگرند و هر نوع ارتباط بین زن و مرد را جز در صورت ناچاری ممنوع می‌دانند. گروه دیگر که اهل تساهل و تسامح هستند، معتقدند هرگونه محدودیت بین زن و مرد، باعث افزایش التهاب و اشتیاق بیشتر بین آن‌ها می‌شود. در این میان، دین اسلام توجه ویژه‌ای به این موضوع نشان داده و بر اساس فطرت انسانی، خط قرمزها و حریم‌ها را به گونه‌ای روشن طرح‌ریزی کرده و در پی‌ریزی این طرح، اصول اعتقادی را در دستورات مشخصی مطرح می‌کند تا حریم زنان و مردان قابل شناسایی باشد و جامعه در مسیر رشد گام بردارد. بهترین راه واکاوی نظر اسلام در این مسئله، مراجعه به کتاب خدا، سنت و سیره‌ی انبیاء و اولیاء الهی (ع) است چرا که: «إِنِّي قَدْ تَرَكْتُ فِيكُمْ أُمُورَيْنِ لَنْ تَضِلُّوا بَعْدِي مَا إِن تَمَسَّكْتُمْ بِهِمَا كِتَابَ اللَّهِ وَ عِرَّتِي أَهْلَ بَيْتِي» (الکافی، ۱۴۰۷ق، ص. ۴۱۵، ج. ۲)، این کاری است که این پژوهش، مسئولیت انجام آن را به عهده دارد.

۱. اهداف و سؤالات پژوهش

این پژوهش به دنبال آن است که مهم‌ترین اصول ارتباط اجتماعی زن و مرد را مطابق موازین شرعی و برگرفته از سیره‌ی انبیاء و اولیاء الهی (ع) تبیین کند تا بتواند کمکی در فضا سازی ارتباطات صحیح در جامعه بر محور دین و توحید

باشد. بر این اساس، دو سؤال اصلی مطرح است:

- سیره و روش انبیاء الهی(ع) در ارتباط با جنس مخالف چگونه بوده است؟
- سیره اولیاء الهی (ائمہ معصومین(ع) و بانوان معصومه از خاندان اهل بیت) در ارتباط اجتماعی با جنس مخالف به چه شکلی بوده است؟

۲. پیشینه‌ی پژوهش

در میان پژوهش‌های فراوان انجام شده در حوزه‌ی مسائل زنان، تنها بخش محدودی به موضوع ارتباط زنان و مردان در اجتماع پرداخته است. کتب معاشرت زنان و مردان از دیدگاه اسلام، حسن صادقی زفره (۱۳۸۲)، مرکز پژوهش‌های اسلامی صداوسیما؛ «احکام روابط زن و مرد و مسائل اجتماعی آن»، سید مسعود معصومی (۱۳۷۳)، دفتر انتشارات اسلامی حوزه‌ی علمیه قم و پایان نامه‌ی «سبک زندگی اسلامی با رویکرد معاشرت با نامحرم از منظر آیات و روایات»، زهراسلگی (۱۳۹۳) دانشکده الهیات دانشگاه قم؛ «روابط متقابل زن و مرد در قرآن کریم»، مصطفی زمانی (۱۳۸۹) دانشگاه اصفهان؛ «حدود معاشرت با نامحرم از دیدگاه فقه»، اسدالله حسینی (۱۳۸۴)، جامعه المصطفی العالمیه و «آثار و احکام فقهی روابط زن و مرد نامحرم»، ثریا هراتی بیرانوند (۱۳۸۷)، دانشگاه پیام نور تهران و مقالات «ارتباط غیفانه به مثابه نظریه‌ای فرهنگی - ارتباطی»، محمدتقی کرمی و سیدعبدالرسول علم‌الهدی (۱۳۹۴) نشریه‌ی معرفت فرهنگی اجتماعی؛ «هنجارهای اخلاقی حاکم بر ارتباط با ناهمجنس در قرآن»، آرشام زاده عبداللهی (۱۳۹۸) نشریه اخلاق از جمله پژوهش‌ها در موضوع است که عمده‌ی تمرکز آنها بر نحوه‌ی رفتار زن در جامعه بوده و به نمونه‌های رفتاری مردان اشاره‌ای نشده است. وجه تمایز و نوآوری این پژوهش این است که با استفاده از سیره و روش انبیاء و اولیاء معصومین(ع)، نفس روابط زن و مرد را بدون تمرکز بر یک جنس، مورد بررسی قرار داده و به مهمترین اصول ارتباطی بین دو جنس دست یابد.

۳. تعریف مفاهیم

۳-۱. اصول

«اصول»، جمع اصل به معنای ارکان و پایه‌های هرچیز، قواعد و قوانینی که هر علم

بر آن استوار است (دهخدا، ۱۳۷۷). مراد از اصول ارتباط اجتماعی زن و مرد، منظومه‌ای از معیارها، مبانی و شاخص‌هایی است که توسط اسلام برای ارتباط سالم و ضابطه‌مند بین زن و مرد در جامعه مطرح شده است.

۳-۲. ارتباط اجتماعی

«ربط» به معنای محکم کردن چیزی در موضعی است تا برحالت استواری بماند (مصطفوی، ۱۴۳۰ق، ص. ۳۲، ج ۴) و «مربطه»، تحقق ارتباط بین مردم است (جوادی آملی، تسنیم، ۱۳۸۷، ص. ۷۷۱، ج ۱۶). «ارتباط» معنای مطاوعت و مشارکت دارد. بنابراین، ارتباط واژه‌ای مشارکتی، دوسویه و طرفینی است که دو طرف ربط در فعل، شرکت دارند. جامعه‌شناسان معتقدند؛ ارتباط فن انتقال اطلاعات، افکار و رفتارهای انسانی از شخصی به شخص دیگر است. (ساروخانی، ۱۳۹۱، ص. ۳۰۰).

واژه‌ی «جامعه» به معنای گرد آوردن (ابن فارس، ۱۴۰۴ق، ص. ۴۷۹، ج ۱) و پیوستن بعضی از چیزی به بعضی دیگر آن (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ص. ۲۰۱) است. واژه‌ی اجتماع، هم‌ریشه با جامعه و عبارت از مجموعه‌ی انسان‌هایی است که در جبر یک سلسله نیازها و تحت نفوذ یک سلسله عقیده‌ها، ایده‌ها و آرمان‌ها در یکدیگر ادغام شده‌اند (مطهری، ۱۳۷۴، ص. ۳۳۲، ج ۲) و با هدف مشترک، معیار معین و سنت خاص به پیروی از فردی در مکانی خاص گرد هم آمده باشند (جوادی آملی، جامعه در قرآن، ۱۳۹۱، ص. ۳۹). باتوجه به معنای این دو واژه، مراد از ارتباط اجتماعی، تمامی اشکال انتقال پیام و ارتباط میان انسان‌ها در عرصه‌ی جامعه است.

۴. روش پژوهش

این پژوهش بر پایه‌ی منابع اصیل اسلام، قرآن و سنت معصومین (ع) بنا شده است. آیات بسیاری در قرآن به آداب و شرایط حضور زن و مرد در جامعه و ارتباط با یکدیگر می‌پردازد (نور: ۲۷-۳۱؛ احزاب: ۳۲-۳۳-۵۴-۵۹ و...). اما در این پژوهش به آیاتی پرداخته شده که نمونه‌هایی عملی از شیوه‌ی برخورد انبیا الهی (ع) با نامحرم

وسیره‌ی ایشان را بیان می‌کند. بازخوانی سیره‌ی معصومین(ع) در ارتباط با جنس مخالف، روایات فراوانی نشان می‌دهد که راویان زن مطالبی را در مسائل مختلف از معصومین(ع) شنیده یا نقل کرده‌اند. این روایات، جدای از بیان حکمی از احکام عملی یا مسئله‌ای از مسائل اعتقادی و اخلاقی، از آن جهت که بیان‌کننده‌ی رفتار و سیره‌ی عملی معصوم در ارتباط با جنس مخالف و نشان‌دهنده‌ی امضای ایشان بر رفتار مردم است، قابل استناد و حجت شرعی است و می‌توان در موضوع مورد نظر از آنها بهره جست.

۵. یافته‌های پژوهش

۵-۱. سیره‌ی انبیای الهی(ص) در ارتباط با جنس مخالف

بررسی سیره‌ی انبیا، در ارتباط با جنس مخالف اولین سؤال پژوهش است که در این بخش به آن پرداخته خواهد شد.

۵-۱-۱. دیدار حضرت موسی(ع) با دختران شعیب

داستان مربوط به زمانی است که حضرت موسی(ع) از شهر مصر با حال ترس و نگرانی از دشمن به جانب مدین بیرون رفت: «وَلَمَّا وَرَدَ مَاءَ مَدْيَنَ وَجَدَ عَلَيْهِ أُمَّةً مِنَ النَّاسِ يَسْتَقُونَ وَوَجَدَ مِنْ دُونِهِمْ امْرَأَتَيْنِ تَذُودَانِ قَالَ مَا خَطْبُكُمَا قَالَتَا لَا نَسْقِي حَتَّى يُصْدِرَ الرِّعَاءُ وَأُبْنَا شَيْخَ كَبِيرَ فَسَقَى لَهُمَا ثُمَّ تَوَلَّى إِلَى الظِّلِّ فَقَالَ رَبِّ إِنِّي لِمَا أَنْزَلْتَ إِلَيَّ مِنْ خَيْرٍ فَقِيرٌ فَجَاءَتْهُ إِحْدَاهُمَا تَمْشِي عَلَى اسْتِخْيَاءٍ قَالَتْ إِنَّ أَبِي يَدْعُوكَ لِيَجْزِيَكَ أَجْرَ مَا سَقَيْتَ لَنَا» (قصص: ۲۳-۲۵).

عبارت «وَوَجَدَ مِنْ دُونِهِمْ امْرَأَتَيْنِ» نشان می‌دهد که این دو دختر عقب‌تر از گروه مردان ایستاده و منتظر بودند، مکان خلوت‌تر شود تا به سمت چاه بروند؛ چراکه حریم میان زن و مرد، یک ارزش است که دختران شعیب(ع) آن را مراعات می‌کردند (قراٹتی، ۱۳۸۳، ص. ۳۷. ج. ۷). واژه‌ی «تَذُودَانِ» یعنی دفع و دوری از چیزی یا محلی (مصطفوی، ۱۴۳۰ق، ص. ۳۷۴. ج. ۳) پس آنها به خاطر دوری از اختلاط با مردان، جلوی گوسفندان خود را گرفته بودند و در مکانی دورتر از مردان ایستاده بودند (فخررازی، ۱۴۲۰ق، ص. ۵۸۸. ج. ۲۴). از عبارت «قَالَتَا لَا نَسْقِي...» برمی‌آید که

دختران شعیب(ع) علاوه بر رعایت اختصار، هر دو با هم جواب موسی(ع) را می‌دهند. در ادامه‌ی آیه، از بین تمام صفاتی که این دختر داشت، صفت حیا برجسته سازی می‌شود: «تمشی علی استحياء»؛ یعنی عفت و نجابت از طرز راه رفتنش پیدا بود (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ص. ۲۶، ج. ۱۶). این مسئله نشان می‌دهد که در تعامل دختر با پسر، شیوه‌ی حرکت، سبک سخن گفتن و نحوه‌ی لباس پوشیدن حامل پیام است و مشی مبتنی بر حیا و عفاف بسیار حائز اهمیت است.

با توجه به این آیات، مردان در جامعه باید احساس مسئولیت کرده و نسبت به زنان باحیا، بی تفاوت نباشند. حمایت از زنان یک ارزش انسانی است. اما این ارتباط باید تا حد امکان مختصر باشد. چنان‌که می‌بینیم کلام موسی(ع) با دختران خیلی کوتاه است: «قَالَ مَا خَطْبُكُمَا». ضمن اینکه موسی(ع) هر دو دختر را مخاطب قرار داده و به هر دو کمک کرد: «فَسَقَى لَهُمَا» نه به یک دختر. حضرت انجام کار برای دختران را بهانه‌ای برای نزدیکی به آنها و سوء استفاده‌ی اخلاقی قرار نمی‌دهد؛ بلکه بلافاصله محل را ترک می‌کند: «ثُمَّ تَوَلَّى إِلَى الظِّلِّ» (نیکزاد، ۱۳۸۳)؛ یعنی به حد ضرورت اکتفا می‌کند.

از اینکه دختر شعیب(ع)، موسی(ع) را قوی و امین معرفی کرد، فهمیده می‌شود که آن دختر از نحوه‌ی کلام و عمل موسی و نیز از طرز به راه افتادن او تا خانه‌ی پدر و نظر نینداختن بدنبال زنان، به عفت و امانت او پی برده است (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ص. ۲۶، ج. ۱۶). چنانچه در برخی روایات نیز آمده: «وقتی موسی(ع) به سوی خانه حضرت شعیب(ع) حرکت می‌کند، دختر برای راهنمایی جلو حرکت می‌کرد و موسی(ع) پشت سرش، چون باد به لباس دختر می‌وزید و ممکن بود لباس را از اندام او کنار زند، موسی(ع) به دختر شعیب(ع) می‌گوید، من از جلو می‌روم و بر سر چند راهی‌ها مرا راهنمایی کن» (عروسی حویزی، ۱۴۱۵ق، ص. ۱۱۹، ج. ۴). باتوجه به این رفتار حضرت موسی(ع) رعایت «حیا» در تعامل دختر و پسر، مختص دختران نیست.

۵-۲. تعامل حضرت زکریا(ع) و مریم(س)

قرآن کریم در مورد حضرت زکریا(ع) که کفالت مریم(س) را به عهده داشت،

می‌فرماید: «كُلَّمَا دَخَلَ عَلَيْهَا زَكَرِيَّا الْمِحْرَابَ وَجَدَ عِنْدَهَا رِزْقًا قَالَ يَا مَرْيَمُ أَنَّى لَكِ هَذَا قَالَتْ هُوَ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ» (آل عمران: ۳۷). مریم سال‌ها در خانه‌ی امن خدا و تحت کفالت حضرت زکریا (ع)، پیغمبر خدا و در اطاقک بلندی در بیت المقدس به سر می‌برد، در اوقاتی که مردان بیرون می‌رفتند، پائین می‌آمد و مشغول جارو کشی خانه‌ی خدا و گردگیری نقاط آن می‌شد (دوانی، ۱۳۶۲، ص. ۷۸-۷۹).

در این آیات از جایگاهی که مریم (س) در آنجا اقامت داشته با عنوان «محراب» یاد شده است. طبق نقل برخی مفسرین محراب معادل «مذبح» اهل کتاب است که بنای کوچکی جلوی معبد با درب خاصی است که با نردبان دارای پله‌های اندک به سوی آن بالا می‌روند و کسی که در آن است، از دید اهل معبد نهان است (جوادی آملی، تسنیم، ۱۳۸۷، ص. ۱۵۱، ج. ۱۴). بنابراین، جای اقامت مریم (س) در معبد، جایگاهی خاص به دور از اهل معبد بوده که تنها یک در صعب‌الورود داشته و هر کسی نمی‌توانسته بر ایشان وارد شود؛ جز زکریای پیامبر (ع) (طبرسی، ۱۳۷۲، ص. ۷۳۹، ج. ۲).

از طرفی دیگر زکریا (ع)، دارای مقام عصمت است و البته در هنگام کفالت مریم (س) در سنین پیری به سر می‌برد (آل عمران: ۴۰؛ مریم: ۴). مسئله‌ی سن و روحیات اخلاقی دو طرف در نوع تعامل بین زن و مرد اثرگذار است. براین مبنا، اگر شرایط مناسب برای زنان در جامعه فراهم باشد، هیچ منعی برای حضور اجتماعی زنان و ارتباط با مردان وجود ندارد و در شرایط و محیطی سالم، زن و مرد می‌توانند با هم سخن بگویند (قرائتی، ۱۳۸۳، ص. ۵۰۶، ج. ۱).

۵-۱-۳. سیره‌ی رسول اکرم (ص) در تعامل با زنان نامحرم

علاوه بر روایات فراوان پیرامون تعامل پیامبر (ص) با زنان، یک آیه به ارتباط مردان نامحرم با همسران پیامبر (ص) اشاره دارد که همگی با موضوع ما مرتبط است.

۵-۱-۳-۱. رعایت حریم با همسران پیامبر (ص)

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَدْخُلُوا بُيُوتَ النَّبِيِّ إِلَّا أَنْ يُؤْذَنَ لَكُمْ إِلَى طَعَامٍ غَيْرَ نَظِيرِ مَا كَانَ إِذَا دُعِيتُمْ فَادْخُلُوا فَإِذَا طَعِمْتُمْ فَانْتَشِرُوا وَلَا مُسْتَأْنِسِينَ لِحَدِيثٍ إِنَّ ذَلِكُمْ كَانَ

يُؤْذِي النَّبِيَّ فَيَسْتَحْيِي مِنْكُمْ وَاللَّهُ لَا يَسْتَحْيِي مِنَ الْحَقِّ وَإِذَا سَأَلْتُمُوهُنَّ مَتَاعاً فَسْأَلُوهُنَّ مِنْ وَرَاءِ حِجَابٍ ذَلِكُمْ أَطْهَرُ لِقُلُوبِكُمْ وَقُلُوبِهِنَّ...» (احزاب، ۵۳-۵۴).

خطاب آیه به مؤمنان در مورد زنان پیامبر (ص) است، ولی مسلماً این حکم اختصاص به ایشان ندارد و می‌توان با الغاء خصوصیت و تنقیح مناط، به دیگر موارد تعمیم داد. فراز ابتدایی آیه در مقام بیان نهی از دخول به حجره‌های پیامبر (ص)، بدون استیذان است که در آیات دیگر (نور: ۲۷-۲۹) و در روایات نیز بر این امر تأکید شده: «عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ قَالَ نَهَى رَسُولُ اللَّهِ أَنْ يَدْخُلَ الرَّجَالُ عَلَى النِّسَاءِ إِلَّا بِإِذْنِهِنَّ» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ص. ۵۲۸، ج. ۵).

«انس»، الفت گرفتن به چیزی و «استیناس» عملی است که به این منظور انجام شود (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ص. ۱۵۳، ج. ۱۵)، عبارت «لَا مُسْتَأْنَسِينَ لِحَدِيثِ»، یعنی پس از صرف غذا، مجلس انس و گفتگو در خانه‌ی پیامبر، تشکیل ندهید. این دستور در واقع برای جلوگیری از استیناس با اعضای خانواده‌ی پیامبر (ص) بیان شده است؛ چرا که چنین کاری سبب اذیت و آزار رسول خدا می‌شود.

از عبارت «إِذَا سَأَلْتُمُوهُنَّ مَتَاعاً فَسْأَلُوهُنَّ مِنْ وَرَاءِ حِجَابٍ» نیز برمی‌آید که مردم اگر ناگزیر شدند می‌توانند با همسران آن جناب از پس پرده صحبت کنند. «حجاب» تنها یک معنای حقیقی دارد و آن منع از رسیدن و وصول چیزی به چیز دیگر (ابن فارس، ۱۴۰۴ق، ص. ۱۴۳، ج. ۲). «حجاب» آن چیزی است که حائل و مانع از رسیدن دو چیز و یا اثر آن دو به یکدیگر است (مصطفوی، ۱۴۳۰ق، ص. ۱۹۵، ج. ۲). اکثر قریب به اتفاق مفسران، واژه‌ی «حجاب» را در این آیه به «ستر و پرده» معنا کرده‌اند؛ بنابراین این آیه به مردان دستور می‌دهد هنگام صحبت کردن با زنان پیامبر و به طور کلی زنان نامحرم، سعی کنند رودرروی آن‌ها قرار نگیرند، بلکه با رعایت حریم و عدم اختلاط به سخن گفتن با ایشان بپردازند.

۵-۱-۲. پاسخ به سؤالات و حل مشکلات زنان

زنان به فراگیری مسائل و معارف اسلامی اهتمام بسیاری داشتند و در این راستا پرسش‌های فراوانی از پیامبر اکرم (ص) می‌نمودند و گاه باعث نزول وحی می‌شدند (طبرسی ح.، ۱۴۱۲ق، ص. ۵۶۰، ج. ۸).

نقل است اسماء بنت یزید نزد رسول خدا(ص) و اصحابش وارد شده و گفت: «من از طرف زنان خدمت شما آمده‌ام...، ما طایفه‌ی زنان محصور در چهار دیواری خانه‌ها و تحت سیطره‌ی مردان هستیم، درعین حال، اساس خانه و زندگی شما مردانیم. مائیم که شهوات شما را بر می‌آوریم و به فرزندان شما حمله می‌شویم و اما شما مردان در دین اسلام برتری‌هایی بر ما یافته‌اید، شما به نمازهای جمعه، و جماعت و جهاد و... می‌روید، آیا در اجر و ثواب با شما شریک نیستیم؟»، حضرت به اصحاب فرمود: «آیا سخن هیچ زنی بهتر از سؤال این زن درباره امر دینیش شنیده‌اید؟» آنگاه رسول خدا(ص) فرمود: «ای زن برگرد و به همه‌ی زنانی که این سؤال را دارند، اعلام کن همین که شما به خوبی شوهرداری کنید، خشنودی او را به دست آوردید، اجر همه اینها معادل است با اجر همه‌ی آنهايي که برای مردان شمردی...» (سیوطی، ۱۴۰۴ق، ص. ۱۵۳، ج. ۲).

این روایت بهترین نمونه از تعامل پیامبر(ص) با زنان است. توجه به فضای وقوع این جریان در آغاز شکل‌گیری حکومت اسلامی در مدینه و در حضور اعرابی که برای زنان جایگاهی قائل نیستند، نشان از جرأت این زن دارد. پیامبر اکرم(ص) در چنین شرایطی نه تنها برخورد منفی ندارند، بلکه سخنان او را شنیده، تأیید می‌نماید و در عین حفظ حریم‌ها به گونه‌ای برخورد می‌کنند که منزلت اجتماعی او تقویت و حفظ شود. در نقل‌های دیگری، زنان به خدمت پیامبر(ص) رسیده و مشکلات خویش را مطرح نموده و حضرت با صبوری، سعی در حل مسائل ایشان دارند. (راوندی، ۱۴۰۹ق، ص. ۵۱، ج. ۱).

دقت در این‌گونه احادیث نشان می‌دهد که زنان در عین این‌که در حجابند و مسئولیت آنها اداره‌ی امور منزل است؛ در عین حال ممنوع از مراوده با ولی امر و نیز تلاش در حل مشکلاتی که احیاناً پیش می‌آید، نبوده‌اند و این همان آزادی عقیده‌ای است که اسلام همیشه از آن سخن می‌گوید (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ص. ۳۵۰، ج. ۴).

۵-۳-۱. حضور زنان شاغل خدمت پیامبر اکرم(ص)

برخی زنان با شغل‌های مختلف خدمت رسول خدا(ص) رسیده و حضرت به فراخور

نیاز به ایشان مشاوره تخصصی می دادند. نقل شده که زینب عطف فروش به خانه رسول خدا(ص) نزد زنان و دختران آن حضرت رفت. در این هنگام حضرت(ص) وارد خانه شد و فرمود: هنگامی که تو نزد ما می آیی، اتاق های ما خوشبو می شود. زینب گفت: خانه شما به بوی عطر شما خوشبو تر است. پیامبر(ص) به وی فرمود: وقتی می فروشی، نیکو بفروش و نیرنگ به کار نگیر که این کار به خداترسی همسازتر و مال را پایدارتر می سازد. (صدوق، ۱۳۹۸ق، ص. ۲۷۶)

از این گونه روایات برمی آید که پیامبر(ص) بدون هیچ معذوری به زنان شاغل مشاوره تخصصی می داد؛ جالب اینکه شغل هایی که پیامبر مورد تایید قرار می دهد و زنان را در انجام آن ها سفارش می کند، بیشتر مشاغل صرفا زنانه است چون آرایشگری (طوسی، ۱۴۰۷ق، ص. ۳۶۰، ج. ۶) و یا مشاغلی که بیشتر مشتریان آن، زنان هستند مثل عطفروشی.

۵-۳-۴. حضور پیامبر اکرم(ص) در خانه‌ی زنان نامحرم

برخی از تعاملات پیامبر(ص) با زنان مصیبت دیده است که عزیزان خود را از دست داده‌اند. آنگاه که جعفر بن ابیطالب در نبرد موته شهید شد؛ پیامبر(ص) به خانه او رفته و فرزندان او را در آغوش گرفت. اسماء گفت: «گویا فرزندان من یتیم شده‌اند که این چنین رفتار می کنید». پیامبر(ص) فرمود: «آیا نمی دانستی که جعفر شهید شده؟» اسماء شروع به گریه کرد. حضرت فرمود: «سخنی ناپسند نگو، جبریل به من خبر داد که خداوند دو بال به او عطا کرده که با آن ها در بهشت پرواز می کند...». (قمی، ۱۴۱۴ق، ص. ۵۹۳، ج. ۱). ام هانی خواهر امام علی(ع) یکی دیگر از زنان آسیب دیده ای است که رسول خدا(ص) در موقعیت های مختلف در خانه‌ی او حضور می یابند (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ص. ۱۵۸، ج. ۸۰).

با دقت در رفتار پیامبر اکرم(ص) در طول دوران رسالت، شاهد آن هستیم که ایشان همواره در معاشرت با زنان به شیوه‌ی معقول، معمول، منطقی و انسانی رفتار می کنند. حضور پیامبر در خانه‌ی زنانی که همسران خویش را از دست دادند و رسیدگی به ایشان نیز از جمله‌ی این امور است که موجبات تسلی خاطر

بستگان شهدا و انس و الفت ایشان با حکومت اسلامی می‌گردد.

۵-۳-۱. فراهم‌سازی شرایط برای حضور سالم بانوان در جامعه

پیامبر اکرم (ص) برای فراهم‌سازی شرایط مساعد برای حضور بانوان در جامعه نیز اقداماتی انجام دادند که مهم‌ترین آنها جداسازی حریم‌های خاص زنان و مردان بود که از مسجد و به صورت تدریجی اجرا شد. چنان‌که نقل شده، زمانی که حضرت دیدند زنان و مردان در راه مسجد با هم اختلاط دارند، فرمودند: «زنان نباید در جامعه از وسط جاده عبور کنند و بلکه باید همیشه از دو طرف آن، یعنی از کناره‌های آن راه روند» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ص. ۵۱۸، ج. ۵) و در مرحله‌ی بعد دستور دادند درب ورودی جداگانه‌ای برای زنان قرار دهند (سجستانی، بی تا، ص. ۱۵۶، ج. ۱). بعدها عُمر صریحاً نهی کرد که مردان از آن در وارد شوند و نیز روایت شده؛ پیغمبر اکرم (ص) دستور داد که شب هنگام که نماز تمام می‌شود، اول زنها بیرون بروند بعد مردها. رسول خدا (ص) خوش نداشت که زن و مرد درحال اختلاط از مسجد بیرون روند، زیرا فتنه‌ها از همین اختلاط‌ها برمی‌خیزد (مطهری، ۱۳۷۴، ص. ۵۴۶، ج. ۱۹).

این روایات از یک سو نشان‌دهنده‌ی آن است که رفت و آمد زنان در معابر عمومی موجب جلب توجه مردان نامحرم می‌شود و شاید منجر به اعمال نامطلوب و منفی شود و از سوی دیگر، نباید مانع از رفت و آمد زنان شد و آنان را در خانه حبس نمود؛ بلکه باید شرایط مساعد برای حضور ایشان را فراهم نمود تا کمتر مورد توجه واقع شوند.

۵-۲. سیره‌ی اولیاء الهی (ع) در ارتباط با جنس مخالف

روایات بسیار پیرامون سیره‌ی ائمه معصومین (ع) و بانوان معصومه (س) در ارتباط با جنس مخالف وجود دارد که سؤال دوم این مقاله است.

۵-۲-۱. سیره‌ی امیرالمومنین علی (ع)

از آنجاکه اصول حاکم بر زندگی امام علی (ع) در همه ابعاد مبتنی بر قرآن و سنت پیامبر (ص) بوده، ایشان نیز همچون پیامبر (ص) چه در مقام امام مسلمین و چه در

مقام حاکم دینی به اشکال مختلف با زنان جامعه در تعامل بودند.

۵-۲-۱. پاسخ‌گویی به سؤالات شرعی و اعتقادی بانوان

در روایات بی‌شماری مشاهده می‌شود که امیرالمؤمنین(ع) چه پیش از دوران حکومت و چه پس از آن، در مقام پاسخ‌گویی به سؤالات مختلف بانوان برمی‌آیند. «حبابه والیه» از بانوان راوی حدیث شیعه (کشی، ۱۴۰۹ق، ص. ۱۱۴-۱۱۵) می‌گوید: «خدمت علی(ع) رسیده، عرض کردم: دلیل بر امامت چیست؟ آن حضرت با دست خود اشاره به ریگی که روی زمین افتاده بود، کرد و فرمود: آن را نزد من بیاور. من آن ریگ را برداشتم و به ایشان دادم، حضرت ریگ را در کف دست خود نرم کرد، سپس با نگین انگشترش آن سنگریزه را مهر کرد، سپس فرمود: ای حبابه! هرگاه کسی ادعای امامت کرد و توانست چنان‌که دیدی بر سنگریزه‌ای مهر بزند، پس بدان که او امام واجب‌الاطاعة است...». حبابه پس از امام علی(ع) به محضر سایر امامان معصوم تا امام رضا(ع) رسید و همه‌ی حضرات سنگریزه را با نگین انگشتر خود مهر کردند. (کلینی، ۱۴۰۷ق، ص. ۲۴۶، ج. ۱)

۵-۲-۲. رسیدگی به مشکلات بانوان

یک بررسی اجمالی در سیره‌ی امام علی(ع) نشان می‌دهد که آن حضرت در موارد بسیاری با زنان در جامعه تعامل دارند. زنان در موارد بسیاری از قضاوت‌های علی(ع) در مقام شاکی یا متهم، حضور دارند (قرشی، ۱۴۲۳ق، ص. ۴۳-۴۷-۵۳-۵۹، ج. ۹). در موارد دیگر، حضرت در مقام امام یا حاکم اسلامی، سعی در رفع مشکلات بانوان و برقراری عدالت دارند. در روایتی از امام باقر(ع) نقل شده که زنی نزد علی(ع) آمد و گفت: «شوهرم به من ستم کرده و مرا از خانه بیرون رانده است و سوگند یاد کرده که مرا کتک زند...»، علی(ع) پس از اندکی درنگ فرمود: «می‌باید حق ستم‌دیده بدون دشواری ستانده شود»، آنگاه به سوی خانه‌ی زن رفت... (ابن شهر آشوب، ۱۳۷۹ق، ص. ۱۰۶، ج. ۲).

۵-۲-۳. عدم معاشرت امام علی(ع) با زنان جوان

امیرالمؤمنین(ع) به عنوان مرجع دینی و حکومتی مردم جامعه در عین تعامل با

زنان در جامعه، حریم خویش را با زنان جوان حفظ کرده و حتی در سلام کردن به ایشان احتیاط می‌کنند. امام صادق(ع) می‌فرماید: «رسول خدا(ص) به زن‌ها سلام می‌کرد و شیوه امیرالمؤمنین علی(ع) هم این بود که به زن‌ها سلام می‌کرد و خوش نداشت که به زن‌های جوان سلام کند و می‌فرمود: «می‌ترسم آوازش مرا خوش آید و زیادت‌ر از آن جاری که می‌جویم به من رسد» (صدوق، من لایحضره الفقیه، ۱۴۱۲ق، ص. ۴۶۹، ج. ۳).

در این حدیث، حضرت امیر(ع) حکمت این رفتار را وسوسه‌ی نفس در شنیدن صدای نازک زنان جوان می‌داند. چراکه اصل سلام کردن در ادبیات دینی و اسلامی برای ایجاد مهر و محبت بین مردم است؛ ولی در مقابل جنس مخالف که رعایت حریم بین آنها لازم است، آثار ناخوشایندی خواهد داشت؛ به ویژه اگر در شرایط خاص و با لحن و حالت ویژه‌ای ادا شود که غالباً همراه با تواضع است (طاهری نیا، ۱۳۸۹، ص. ۱۴۹)، چنان‌که حضرت در روایتی دیگر گفتگو با زنان نامحرم و نگاه دوختن به آن‌ها را سبب نزول بلا و منحرف شدن دل‌ها می‌داند (حرانی، ۱۴۰۴ق، ص. ۱۵۱).

۵-۲-۴. امر به غیرت مردانه

مولی علی(ع) رعایت عفاف در روابط زن و مرد را مسئولیتی دو جانبه (از زن و مرد) می‌داند و مسئولیت مردان را مهم‌تر دانسته و این امر را مقدمه‌ی تقوای رفتاری زنان و تداوم آن می‌داند؛ لذا به غیرت مردان در مقابل حیای زنان امر می‌نماید. امام صادق(ع) نقل می‌کند که امیرالمؤمنین در فرمایشی نسبت به مردم عراق می‌فرماید: «به من خبر رسیده است که زنان شما در بین راه با مردان برخورد می‌کنند و آنان را کنار می‌زنند. آیا حیا نمی‌کنید؟» و در حدیث دیگری آمده: «آیا شرم نمی‌کنید و به غیرت نمی‌آیید که زنان شما راهی بازارها و مغازه‌ها می‌شوند و با افراد بی‌دین برخورد می‌کنند» (سیدرضی، ۱۴۱۴ق، ص. ۹۳۹). مقصود روایت این نیست که چرا زنان اهل عراق به رفت و آمد در خیابان و بازار مبادرت می‌کنند؛ بلکه گفتار حضرت متوجه سهل‌انگاری مردان در نحوه‌ی حضور اجتماعی زنان بوده و ایشان را در غیرت نورزیدن نسبت به زنان‌شان سرزنش

می‌کنند، به قرینه‌ی سخن رسول‌الله(ص) که پیش‌تر نقل شد، حضرت علی(ع) زنان اهل عراق را امر کردند به هنگام رفت و آمد باید از کنار راه عبور کنند تا برخوردی با مردان پیش نیاید، اگر غیر این اتفاق افتد، نشانه بی‌غیرتی اهل آن شهر است.

۵-۲-۲. سیره‌ی حضرت فاطمه زهرا(س) در ارتباط با نامحرم

یکی از مهم‌ترین اصول تربیتی در مکتب حضرت فاطمه زهرا(س) رعایت حریم با نامحرم و حفظ حیا است. در روایتی معروف، نقل شده که پیامبر(ص) از حضرت زهرا(س) پرسیدند: «چه چیزی برای زن بهتر است؟» حضرت(س) در پاسخ گفتند: «این که زن، مردی را نبیند و نیز مردی وی را نبیند» (قمی، ۱۴۱۴ق، ص. ۷۰۴، ج. ۲).

استعمال کلمه‌ی «خیر» در این روایت، یک توصیه‌ی اخلاقی ترجیحی است، نه یک حکم قانونی تکلیفی و در صورت عدم وجود رجحان و ضرورت، بهترین و مطلوب‌ترین سیره برای بانوان است؛ یعنی قرار گرفتن زن در منزل و دوری او از همه نامحرمان -اگر ممکن باشد و مرجعی در کار نباشد- باعث ایجاد و دوام آرامش لازم برای انجام وظایف زنانه و مادرانه‌ی او در عرصه‌ی خانواده و در نتیجه، بهترین زمینه‌ساز کمال معنوی زن خواهد بود (مصباح یزدی، ۱۳۸۸). این مسئله به عنوان یک اصل در ارتباط زن و مرد شناخته شده و حکایت از ارزشمندی عدم ارتباط مستقیم زن و مرد با هم دارد.

در عین حال زندگی حضرت زهرا(س) نشان می‌دهد که ایشان حضوری اثربخش در عرصه‌های سیاسی و اجتماعی جامعه داشتند و در یک رابطه‌ی متعادل با جامعه اعم از زنان و مردان بودند.

۵-۲-۲-۱. تعامل حضرت زهرا(س) با مردم

مقام و موقعیت حضرت زهرا(س) ایجاب می‌کرد که ایشان مورد مراجعه مردم قرار گیرند. علاوه بر زنان همسایه، دیگر بانوان مدینه نیز به آن حضرت مراجعه می‌کردند (عاملی، ۱۴۱۸ق، ص. ۵۳، ج. ۱). مردان نیز جهت کسب معرفت و

مطالب علمی از محضر حضرت به خدمت ایشان مشرف می‌شدند؛ چنان‌که «یزید بن عبدالملک» روایت می‌کند که بر حضرت فاطمه (س) وارد شدم، آن حضرت ابتدا به من سلام کرد و سپس فرمود: «پدرم در زمان حیاتش فرمود: هرکس بر من و بر تو سه روز سلام کند، بهشت برای او خواهد بود». عرض کردم: «این مطلب مربوط به دوران زندگی شما و آن حضرت است یا پس از فوت شما هم شامل می‌شود؟» فرمود: «در زندگی و پس از مرگ ما» (ابن شهر آشوب، ۱۳۷۹ق، ص. ۳۶۵، ج. ۳).

علاوه بر این، خانه‌ی فاطمه (س) همواره محل مراجعه‌ی نیازمندان و فقیران بود و هرکس به آنجا مراجعت می‌کرد، نا امید بر نمی‌گشت و پیامبر اکرم (ص) نیز در موارد زیادی نیازمندان (اعم از زن و مرد) را به ایشان ارجاع می‌داد (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ص. ۵۶-۵۷، ج. ۴۳)، حضرت زهرا (س) نیز در نهایت حیا و با حجاب کامل در مقابل نامحرمان ظاهر می‌شد، تا آنجا که در مقابل افراد نابینا هم بی‌مبالاتی نداشتند (مغربی، ۱۳۸۵ق، ص. ۲۱۴، ج. ۲).

۵-۲-۲. تعاملات حضرت زهرا (س) با سلمان فارسی

سلمان فارسی، بین یاران پیامبر (ص) از جایگاه ویژه‌ای داشته و کمتر کسی چون او در خانه‌ی امیرمؤمنان (ع) رفت و آمد داشته است. سلمان نقل می‌کند که حضرت فاطمه (س) نشسته بود و با آسیابی که در مقابلش بود، جو آسیا می‌کرد و دسته آسیا خون آلود بود و در این حال حسین در گوشه‌ی اطاق از گرسنگی بی‌قراری می‌کرد. من به فاطمه گفتم: «پوست دستان شما مجروح شده در صورتی که خادمه شما فضّه حاضر و بیکار است». فاطمه (س) گفت: «رسول خدا (ص) به من توصیه کرده که کار منزل یک روز به عهده من باشد و یک روز به عهده او و نوبت کار او دیروز بوده است». سلمان گوید: «پس اجازه دهید جو را آسیا کنم و یا اینکه حسین را ساکت کنم». حضرت فاطمه (س) گفت: «من بر آرام کردن حسین توانا ترم، تو آسیا کردن جو را عهده‌دار باش» (راوندی، ۱۴۰۹ق، ص. ۵۳۰، ج. ۲).

از مطالعه این‌گونه اخبار و نمونه‌های دیگر (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ص.

۴۷، ج. ۴۳)، نوعی سهولت در تعاملات سلمان با زهرای مرضیه احساس می‌شود. درحقیقت ارتباط سلمان با اهل بیت ارتباط خاص و نامکشوفی است و این رابطه پس از وفات پیامبر(ص) نیز همچنان باقی ماند. سلمان از جمله عارفانی بوده که پیامبر(ص) و امیرمؤمنان(ع) پیوسته به او مطالبی از اسرار پنهانی می‌آموختند که دیگران از فهم آن ناتوان و طاقت تحمل آن را نداشتند (قمی، ۱۴۱۴ق، ص. ۲۴۲، ج. ۴). نکته‌ی دیگر در نوع ارتباط سلمان با حضرت زهرا(س)، سن ایشان است. درباره‌ی سن سلمان فارسی اختلاف زیادی میان مورخان وجود دارد. شیخ طوسی، سلمان را از معمرینی دانسته که حضرت عیسی را درک نمود (طوسی، الغیبه، ۱۴۱۱ق) و برخی مورخان، مدت حیات سلمان را ۲۵۰ تا ۳۰۰ سال دانسته‌اند (عسقلانی، ۱۴۱۵ق، ص. ۱۱۹، ج. ۳). آنچه از این اخبار مورد یقین است جناب سلمان در دوران کهولت سن در خدمت خاندان اهل بیت بودند. این نوع ارتباط حضرت زهرا(س) با سلمان نشان می‌دهد که شناخت درست نسبت به صفات شایسته‌ی افراد، شرایط سنّی مخاطبان و... از جمله عوامل اعتمادسازی است که می‌تواند زمینه گفتگو و رفت و آمد را -با حفظ معیارهای دینی- فراهم کند، بدون آنکه به سهل انگاری و بی‌توجهی بیانجامد.

۵-۲-۲. دفاع حضرت زهرا(س) از حریم ولایت

پس از رحلت رسول اکرم(ص)، عده‌ای از بازیگران سیاسی برای مشروعیت بخشیدن به خلیفه‌ی وقت و برحق نشان دادن آن، برای بیعت گرفتن از حضرت علی(ع) به در خانه‌ی فاطمه(س) آمدند، ولی با امتناع حضرت فاطمه(س) و دفاع ایشان از مقام ولایت مواجه شدند (هلالی، ۱۴۰۵ق، ص. ۸۶۴، ج. ۲). وقتی به در خانه رسیدند، عمر با پای خود در خانه را شکست و بر علی وارد شده، یقه او را گرفته، از خانه بیرون آوردند. فاطمه(س) از خانه بیرون آمده گفت: «ای ابو بکر و عمر! می‌خواهید مرا بیهوده کنید، به خدا سوگند اگر از او دست برندارید، موهام را پریشان، گریبانم را چاک و کنار قبر پدرم رفته، نزد پروردگارم ناله می‌زنم». ایشان از منزل بیرون شده دست حسن و حسین(ع) را گرفته روی به سمت قبر رسول خدا(ص) نهاد (مفید، ۱۴۱۳ق، ص. ۱۸۶)، به فرموده‌ی آیت الله جوادی آملی، این حضور دو پیام الهی و انسانی را به

همراه دارد؛ یکی عدم احتجاب زن از حقوق اجتماعی و دیگری لزوم محجوب بودن زن از نامحرم (جوادی آملی، پیام‌ها، ۱۳۷۳).

۵-۲-۴. احتجاج حضرت زهرا^(س) در مقابل مردم پس از غضب فدک

هنگامی که خبر غضب فدک به حضرت زهرا^(س) رسید، مقنعه‌اش را بر سر انداخته، خود را در چادر پیچید و به همراه گروهی از کنیزان و زنان خویشاوند خود، درحالی‌که دنباله‌های لباسش بر زمین کشیده می‌شد و راه رفتن و حرکاتش چیزی از راه رفتن و حرکات رسول خدا کم نمی‌آورد و کاملاً شبیه آن حضرت بود، از خانه بیرون آمده تا اینکه وارد مسجد شد، اطراف ابوبکر را عده‌ای از مهاجر و انصار گرفته بودند، پرده‌ای برای حضرت آویختند و حضرت در پشت پرده نشست. پس از آن، ناله جانگدازی کشید که مردم از شنیدن آن گریان شدند و خروش در جمعیت پدید آمد. سپس لحظه‌ای مکث کرده تا همه‌ی جمعیت فرونشست و سخن آغاز کرد (طبرسی ا.، ۱۴۰۳ق، ص. ۹۸، ج. ۱).

نوع پوشش حضرت در ماجرای غضب فدک و رفتن به مسجد برای بیان خطبه بسیار غنی‌فانه و خاص است، نخست اینکه بیرونی‌ترین لباس این بانو در اجتماع، چادر بلندی است؛ به گونه‌ای که پایین آن به پای حضرت می‌پیچید، این نشان می‌دهد چادر عریض و طویل بوده است و دوم این‌که، فقط به چادر بسنده نشده و در زیر آن، روسری یا مقنعه‌ای پوشیدند. ایشان با چنین حجابی در میان مردم در مسجد حاضر می‌شود. حضرت به تنهایی به مسجد نرفته و تعدادی از محارم و زنان، وی را همراهی می‌کرده‌اند و برای رعایت حریم، پرده‌ای به احترام ایشان ایجاد می‌شود تا جایگاه ایشان از مردان جدا شود (عبدیایی، ۱۳۹۰).

این نشان می‌دهد حضرت حتی در میدان مبارزه نیز به عفاف و حجاب اسلامی بسیار مقید بوده‌اند. آن حضرت به حدی به امر حجاب و عفت اهمیت می‌دادند که حتی در بستر مرگ از کیفیت حمل جنازه‌ی خود نگران بودند و به پوشیده‌بودن و محفوظ بودن بدن خویش از دید نامحرم در هنگام حمل جنازه سفارش کردند (اربلی، ۱۳۸۱، ص. ۵۰۴، ج. ۱).

۵-۲-۳. سیره‌ی حضرت زینب(س) در تعامل با نامحرم

حیات اجتماعی حضرت زینب(س) را می‌توان به دو دوره تقسیم کرد؛ قبل از واقعه‌ی عاشورا و پس از آن. این بانوی بزرگوار قبل از واقعه عاشورا در مدینه و بعدها به درخواست زنان در کوفه به تعلیم زنان می‌پرداختند. (محلاتی، بی تا، ص. ۵۷، ج. ۳).

مطابق روایات تا قبل از حادثه‌ی عاشورا، نامحرمی حضرت زینب(س) را ندیده بود (بحرانی، ۱۳۸۲، ص. ۹۵۵، ج. ۱۱)، ولی پس از شهادت امام حسین(ع)، رسالت زینب(س) آغاز شد و در سخت‌ترین شرایط جسمی و روحی، بزرگترین مسئولیت اجتماعی را به عهده گرفت و به افشاگری علیه دستگاه فاسد اموی پرداخت.

۵-۲-۳-۱. حضرت زینب(س) در کوفه در میان نامحرمان

آنگاه که کاروان اهل بیت را وارد شهر کوفه کردند، زینب(س) مصمم بود تا دل‌های کوفیان را منقلب کند. «بشرین خُزیم اسدی» درباره‌ی حضرت زینب(س) می‌گوید: «سوگندبه خدا! هیچ زن باحیایی سخنورتر از او ندیدم، چنانکه گویی از زبان علی(ع) سخن می‌گوید. بر مردم نهیب زد. نه تنها آن جماعت انبوه ساکت شدند، بلکه زنگ شتران نیز از صدا افتاد! آنگاه زینب(س) خطابه خود را شروع فرمود» (ابن طاووس، بی تا، ص. ۱۴۶-۱۴۸).

زینب(س) این خطابه را در نهایت عظمت القاء کرد و در عین حال، دشمن درباره‌ی چگونگی حضور او می‌گوید: «وَلَمْ أَرَ وَاللَّهِ خَفِرَةً قَطُّ أَنْطَقَ مِنْهَا»، یعنی حیای زنانگی او در سخنانش پیدا بود. شجاعت علی(ع) با حیای زنانگی درهم آمیخته بود، این همان نقشی است که اسلام از زن می‌خواهد؛ شخصیت در عین حیا، عفت و حریم (مطهری، ۱۳۷۴، ص. ۴۰۸، ج. ۱۷).

۵-۲-۳-۲. حضور حضرت زینب(س) در دارالاماره

شیخ مفید می‌نویسد؛ هنگامی که اهل و عیال امام حسین(ع) را نزد ابن زیاد بردند، زینب(س) درحالی که لباس‌های کهنه خود را پوشیده بود، بطور ناشناس وارد شد

و در ناحیه‌ای نشست و کنیزانش در اطرافش جمع شدند. ابن زیاد گفت: «این زن که کناره‌گیری کرد و با کنیزان خود در یک گوشه‌ای نشست، کیست؟» زینب کبری جوابی نداد. یکی از کنیزان حضرت گفت: «این بانو زینب(س)، دختر فاطمه زهرا(س) است». ابن زیاد متوجه زینب شد و گفت: «سپاس خدائی را که شما را رسوا کرد و مردان شما را کشت و سخنان شما را تکذیب نمود». زینب(س) در جواب وی گفت: «سپاس مخصوص آن خدائی است که ما را بوسیله حضرت محمد(ص) گرامی داشت» و پس از آن با خطابه‌ای محکم و عزت‌مندانه به تحقیر حکومت و ابن زیاد پرداخت (مفید، ۱۴۱۳ق، ص. ۱۱۶-۱۱۷، ج. ۲).

در رابطه با نوع پوشش حضرت زینب(س) در این مجلس، تعبیر «متنکره» به کار رفته، یعنی دگرگون شده و کسی که وضع و صورت خود را تغییر داده باشد تا آنکه شناخته نشود (دهخدا، ۱۳۷۷)، این نوع پوشش و حرکت بانو در حضور حاکم جور در حقیقت نوعی تحقیر تلقی می‌شود و نشان‌دهنده‌ی اهانت به مقام امیر بود.

۵-۳-۳. سخنرانی حضرت زینب(س) در کاخ یزید

آنگاه که کاروان اسرا به شام رسیدند، یزید مجلسی ترتیب داد و دستور داد سر مطهر حسین(ع) را در برابر او حاضر سازند و زنان و فرزندان را وارد مجلس کنند و نسبت به سر بریده‌ی حضرت(ص) اسائهی ادب کرد. در این هنگام، زینب(س) قیام کرد و فرمود: «...ای پسر آزادشدگان! آیا این عدالت توست که زنان و کنیزان خود را پشت پرده جای دهی و دختران پیامبر را به اسیری ببری؟ تو چادرهای ایشان را برداشتی، صورتهای آنان را باز نمودی، دشمنان ایشان را با ذلت و خواری شهر به شهر می‌برند مردم به تماشای آنان می‌آیند، اشخاص از نزدیک و دور، ناکس و شریف متوجه صورت ایشان می‌شوند. از مردان دوستی با آنان نیست، احدی از طرفداران آنان نیست که از آنان دفاع نماید...» (ابن طاووس، بی تا، ص. ۱۸۱).

حضرت زینب(س) در این مجلس نیز به دفاع از حریم حیا و عفاف برمی‌خیزند و از اینکه اهل بیت را مکشوفه‌الوجوه در میان مردان آوردند و مانند دیگر زنان در سراپرده قرار ندادند، اعلام نارضایتی نموده و بر سر یزید فریاد می‌آورد. به تعبیر مقام معظم رهبری، زینب(س) در این مجلس نشان داد که می‌توان حجب و عفاف زنانه را

به عزت مجاهدانه و به یک جهاد بزرگ تبدیل کرد (خامنه‌ای، ۱۳۸۹).

۵-۲-۴. سیره‌ی امامین باقرین^(ع)

در زمان امامین باقرین(ع) به جهت اختلافات در سطح حاکمیت، محدودیت‌های ایجاد شده برای اهل بیت، کمرنگ شده و فرصتی پیش آمد تا اهل بیت بیشتر در میان مردم ظاهر شده و با ایشان به ویژه زنان در تعامل باشند.

۵-۲-۴-۱. تعلیم شاگردان زن

نهضت نشر احادیث در زمان امام باقر(ع) شروع و در زمان امام صادق(ع) توسعه یافت. وجود فضای باز سیاسی در این دوره، عطش شدیدی از سوی مسلمین برای علم‌آموزی در مکتب اهل بیت ایجاد کرده بود. در میان خیل عظیم شاگردان، زنان سهم بسیاری داشتند. عده‌ای از این بانوان، دختران، همسر، کنیزان و عروس‌ان امام بودند. بر همین اساس بانوانی چون «ام فروه» همسر امام باقر(ع)، «خدیجه» و «ام‌السلّمه» دختران امام باقر(ع)، «فاطمه» دختر امام صادق(ع)، «سعیده»، «جوهره» و «سالمة» کنیزان امام صادق(ع) و... جزء محدثات شیعه به شمار می‌روند (صادقی اردستانی، ۱۳۷۵، ص. ۳۲۹، ۳۲۳، ۳۲۰، ۳۱۶، ۳۱۰، ۳۰۹، ۲۹۵). شاگردان دیگری نیز بودند که بدون داشتن رابطه نسبی و یا سببی، از دریای علمشان بهره می‌بردند. از جمله «سعیده خواهر ابن ابی عمیر» (حرعاملی، ۱۴۰۹ق، ص. ۲۰۹، ج. ۲)، «ام سعید حمسی» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ص. ۷۱، ج. ۹۸) و «سالمة» خدمتگزار امام صادق(ع) (طوسی، تهذیب الحکام، ۱۴۰۷ق، ص. ۲۴۶، ج. ۹)، که خود تبدیل به مرجعی دینی و شرعی برای انتقال مفاهیم عمیق شیعی به سایر بانوان مسلمان شدند.

هم‌چنین، یاران حضرت نیز با فراگیری آداب معاشرت با زنان، به تعلیم بانوان می‌پرداختند. ابوبصیر می‌گوید؛ به زنی قرآن می‌آموختم. روزی با وی شوخی کردم. وقتی خدمت امام باقر(ع) رسیدم، فرمود: «ای ابابصیر! چه چیزی به آن زن گفتی؟» من روی خود را از خجالت پوشاندم. امام فرمودند: «دیگر این کار را تکرار نکن» (حرعاملی، ۱۴۰۹ق، ص. ۱۹۸، ج. ۲۰).

این روایت در شیوه‌ی تعامل با نامحرم، قابل تأمل است. زنی برای تعلیم و

فراگرفتن دانش در اجتماع حضور می‌یابد و در محضر مردی نامحرم با تحفظ و حجاب می‌نشیند، اما ذره‌ای پا فرانهادن از معیارها (شوخی)، از سوی امام مورد بازخواست و سرزنش قرار می‌گیرد. بر این مبنا، شوخی با نامحرم به هر قصدی به جهت خوف فتنه و کشیده شدن به گناه، به شدت مذموم و از حکم حرمت برخوردار است، اگرچه آن نامحرم همکلاسی و یا شاگرد انسان باشد.

۵-۲-۴. پاسخگویی به سؤالات شرعی و اعتقادی بانوان

در روایات بسیاری شاهد هستیم که زنانی غیر از شاگردان امامان بر آنها وارد شده و به راحتی سؤالات خویش را خدمت آن حضرات مطرح می‌کنند. در روایت آمده زنانی بر امام صادق (ع) وارد شدند و از آن حضرت درباره‌ی زنی زن با زن پرسیدند. فرمود: «حدّش حدّ زانی است». یکی از زن‌ها گفت: «آیا در قرآن آمده است؟» فرمود: «آری، آنان اصحاب رسّ بودند» (صدوق، من لایحضره الفقیه، ۱۴۱۲ق، ص. ۴۲، ج. ۴).

در مواردی نیز شاهد هستیم که امام (ع) هنگامی که زنی را می‌بیند که حکم شرعی را به درستی انجام نمی‌دهد، خود وارد عمل شده و نسبت به او عکس‌العمل نشان داده و به او تذکر می‌دهند. چنان‌که امام باقر (ع) از کنار زنی که در حال احرام بود و چهره‌اش را با بادبزن که روی چهره گذاشته پوشانده بود، می‌گذشت؛ حضرت بادبزن را با چوبش از چهره‌ی زن کنار زد (کلینی، ۱۴۰۷ق، ص. ۳۴۴، ج. ۴).

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

یکی از مهم‌ترین ابعاد سبک زندگی اسلامی، چگونگی ارتباط زن و مرد در اجتماع است. حضور آزاد و تعامل بدون قید و شرط زن و مرد در جامعه در کنار یکدیگر با توجه به میل جنسی بشری و با در نظر گرفتن ویژگی‌هایی چون، تنوع‌خواهی و لذت‌طلبی انسان، به ویژه در جنس مرد و تمایل به خودنمایی در زن، زمینه‌ی آسیب‌پذیری اجتماعی را فراهم می‌نماید (مطهری، ۱۳۷۴، ص. ۵۴۵، ج. ۱۹). از دیدگاه اسلام راه علاج هیجان‌گریزی زن و مرد در اجتماع، وجود مرز و حدودی است که دو جنس در عین فعالیت اجتماعی در اخلاق معاشرتی خود، به آن عمل

کنند که سیره‌ی انبیاء و اولیاء الهی (ع) نیز بر آن تأکید دارد. مهمترین این اصول که نمونه‌های آن در سیره‌ی نمایان است، عبارتند از:

- احترام به شخصیت زن با توجه به شأن انسانی، نه جنسیت: نگاه اسلام به جنسیت، یک نگاه درجه‌ی دو و نگاه اول، حیث انسانی فرد است که در آن، جنسیت نقشی ندارد؛ بلکه امری ثانوی و عارضی است که در کارکردهای زندگی (خانه و خانواده) معنا پیدا می‌کند و در سیر اصلی بشر هیچ تأثیری ندارد (خامنه‌ای، ۱۳۸۹). زن و مرد در عرصه‌ی اجتماع باید با نگاه به شخصیت انسانی یکدیگر در تعامل باشند؛ به گونه‌ای که جنسیت‌شان جلب توجه نکند، بلکه کیفیت رفتار از حیث انسانی مورد توجه و ملاک قرار گیرد. نوع برخورد پیامبر گرامی اسلام (ص) در تکریم شخصیت انسانی زنان چون «اسماء بنت یزید» و شیوه‌ی حضور حضرت زهرا (س) در مسجد در ماجرای فدک در کمال پوشش و به گونه‌ای که راه رفتن و حرکاتش چیزی از راه رفتن و حرکات رسول خدا کم نمی‌آورد و کاملاً شبیه آن حضرت بود، نمونه‌هایی از رعایت این اصل در سیره است.

- حفظ حریم و عدم اختلاط با نامحرم: حریم در اصل به معنای چیزی است که دست زدن و نزدیک شدن به آن ممنوع است (ابن فارس، ۱۴۰۴ق، ص. ۴۶، ج. ۲). چنان‌که در سیره بیان شد، رعایت حریم و پرهیز از هرگونه اختلاط از مهم‌ترین اصولی است که سبب تأمین بهداشت روانی افراد و کاهش التهابات جنسی در جامعه می‌شود. چنان‌که خداوند در آیه ۵۳ سوره احزاب پس از دستور به حریم نگه داشتن در تعامل با زنان پیامبر (ص) می‌فرماید: «ذَلِكُمْ أَطْهَرُ لِقُلُوبِكُمْ وَقُلُوبِهِنَّ..»؛ یعنی این نوع رفتار در برابر جنس مخالف، دل‌های شما و زنان را از میل و فجور و وسوسه‌های شیطانی پاک‌تر نگاه می‌دارد (طبرسی ف.، ۱۳۷۲، ص. ۱۷۷، ج. ۸). نوع رفتار دختران شعیب (ع) در فاصله گرفتن از جمع نامحرم، حضور حضرت مریم (س) در محرابی خاص در بیت المقدس، اقدامات رسول گرامی اسلام (ص) در ایجاد شرایط مناسب برای عدم اختلاط در جامعه، نمونه‌هایی از سیره‌ی انبیاء و اولیا در رعایت این اصل است.

- اصل حیا: حیا به عنوان موهبت فطری (اعراف: ۲۲) از مهم‌ترین عوامل

رسیدن به ارتباط عقیقانه دو جنس در عرصه‌ی اجتماع است. امیرالمؤمنین (ع) می‌فرمایند: «ثمره الحیاء العفة» (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰ق، ص. ۳۲۷). مطابق روایات جلوه‌ی حیا و عفاف در حریم روابط اجتماعی در زنان بیش از مردان است. امام صادق (ع) می‌فرمایند: «حیا ده جزء دارد، نه جزء آن در زنان و یک جزء در مردان است» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ص. ۲۴۵، ج. ۱۰۰). براین اساس، برجسته‌سازی صفت حیا در نقل قرآن از رفتار دختران شعیب (ع)، «تَمْشَى عَلَى اسْتِحْيَاءٍ» (قصص: ۲۵) و رفتار اجتماعی حضرت زهرا (س) و حضرت زینب کبری (س) کاملاً مشهود است. - اصل غیرت: عبارت است از تغییر دگرگونی انسان از حالت عادی به طوری که انسان را برای دفاع و انتقام از کسی که به یکی از مقدساتش - اعم از دین، ناموس یا جاه - تجاوز کرده، از جای خود می‌کند (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ص. ۱۷۵، ج. ۴) و بیشترین نمود و بروز آن در جنس مرد و در عرصه‌ی روابط اجتماعی زن و مرد است. مطابق فرمایش امام علی (ع): «دلیلُ غیرهِ الرَّجُلِ عِفَّتُهُ» (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰ق، ص. ۳۶۶) و «عِفَّتُهُ عَلَى قَدَرِ غَيْرَتِهِ» (سیدرضی، ۱۴۱۴ق، ص. ۴۷۷) بین صفت غیرت و عفت در وجود مرد رابطه‌ای دوسویه برقرار است. براین اساس خط مقدم مدیریت و صیانت از عرصه‌ی عفاف در روابط اجتماعی زن و مرد، به مسئولیت و غیرت مرد، نسبت به حریم خانواده برمی‌گردد. زنهار شدیدالحن امیرالمؤمنین (ع) خطاب به مردان و امر به غیرت در برابر زنانشان نیز از همین باب است.

- ارتباط در حد ضرورت و اختصار: از بارزترین اصول نظام روابط اجتماعی زن و مرد در سیره آن است که تا حد امکان از مراوده با یکدیگر پرهیز نموده و ارتباط را به موارد ضروری و حد اختصار تقلیل دهند. رعایت این اصل در گفتگوی حضرت موسی (ع) با دختران شعیب (قصص: ۲۳-۲۵) و اکتفا به حد اختصار در کلام و میزان ضرورت نمایان است.

با توجه به آنچه از سیره‌ی انبیاء و اولیاء الهی (ع) گفته شد، اگر زنان و مردان برپایه‌ی این اصول و مبانی و به دور از هرگونه جنسیت‌محوری وارد عرصه‌ی اجتماع شوند، آسیب‌های اجتماعی ناشی از ارتباط غیرمسئولانه‌ی زن و مرد کاهش یافته و مقدمات شکل‌گیری آرمان‌شهر و تمدن نوین اسلامی فراهم خواهد آمد.

منابع و ماخذ

قرآن کریم

- ابن شهر آشوب، محمد بن علی (۱۳۷۹ق)، مناقب آل ابیطالب، قم: علامه.
- ابن طاووس، علی بن موسی (بی تا)، اللهوف علی قتلی الطفوف، تهران: جهان.
- ابن فارس، احمد (۱۴۰۴ق)، معجم مقاییس اللغة، قم: مکتب الاعلام الاسلامیه.
- اربلی، علی بن عیسی (۱۳۸۱)، کشف الغمه فی معرفه الائمه، تبریز: بنی هاشمی.
- بحرانی، عبدالله بن نور (۱۳۸۲)، عوالم العلوم، قم: موسسه الامام مهدی.
- تمیمی آمدی، عبدالواحد (۱۴۱۰ق)، غررالحکم ودرر الکلم، قم: دارالکتب الاسلامیه.
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۷۳، ۳۹)، پیام ها، بازیابی از پایگاه اطلاع رسانی اسراء.
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۷)، تسنیم، قم: نشر اسراء.
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۹۱)، جامعه در قرآن، قم: اسراء.
- حرانی، ابن شعبه (۱۴۰۴ق)، تحف العقول، قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه.
- حرعاملی، محمد بن حسن (۱۴۰۹ق)، وسائل الشیعه، قم: موسسه آل البيت.
- خامنه ای، سید علی (۱۳۸۹)، بیانات، بازیابی از دفتر نشر آثار آیت الله خامنه ای.
- دهخدا، علی اکبر (۱۳۷۷)، لغت نامه دهخدا، تهران: دانشگاه تهران.
- دوانی، علی (۱۳۶۲). زن در قرآن، بی جا: بی نا.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۱۲ق)، المفردات الفاظ القرآن، بیروت: دارالقلم- دارالشامیه.
- راوندی، قطب الدین (۱۴۰۹ق)، الخرائج والجرائح، قم: مؤسسه امام مهدی.
- ساروخانی، باقر (۱۳۹۱)، جامعه شناسی ارتباطات، تهران: اطلاعات.
- سجستانی، ابوداود (بی تا)، سنن ابوداود، بیروت: المکتبه العصریه.
- سیدرضی، محمد حسین (۱۴۱۴ق)، نهج البلاغه، قم: هجرت.
- سیوطی، عبدالرحمن (۱۴۰۴ق)، الدر المنثور فی تفسیر المأثور، قم: کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی.
- صادقی اردستانی، احمد (۱۳۷۵)، زنان دانشمند وراوی حدیث، قم: دفتر تبلیغات حوزه.
- صدوق، علی بن بابویه (۱۳۹۸ق)، التوحید، قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه.
- صدوق، علی بن بابویه (۱۴۱۲ق)، من لایحضره الفقیه، قم: دفتر انتشارات اسلامی.

- طاهری نیا، احمد (۱۳۸۹)، حضور زن در عرصه های اجتماعی - اقتصادی از نگاه آیات و روایات، قم: موسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی.
- طباطبایی، سید محمد حسین (۱۴۱۷ق)، المیزان فی تفسیر القرآن، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- طبرسی، احمد بن علی (۱۴۰۳ق)، الاحتجاج علی اهل اللجاج، مشهد: مرتضی.
- طبرسی، حسن بن فضل (۱۴۱۲ق)، مکارم الاخلاق، قم: الشریف الرضی.
- طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۷۲)، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، تهران: ناصر خسرو.
- طوسی، محمد بن حسن (۱۴۰۷ق)، تهذیب الحکام، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- طوسی، محمد بن حسن (۱۴۱۱ق)، الغیبه، قم: دارالمعارف الاسلامیه.
- عاملی، جعفر مرتضی (۱۴۱۸ق)، مأساه الزهراء (س)، بیروت: دارالسیره.
- عبدیایی، نرجس (۱۳۹۰)، ابعاد عفاف درسیره حضرت زهرا، پژوهش نامه زنان و خانواده، ش ۹: ۱۱۱-۱۳۰.
- عروسی حویزی، عبدعلی (۱۴۱۵ق)، تفسیر نورالثقلین، قم: اسماعیلیان.
- عسقلانی، ابن حجر (۱۴۱۵ق)، الاصابه فی تمییز الصحابه، بیروت: دارالکتب العلمیه.
- فخر رازی، محمد بن عمر (۱۴۲۰ق)، مفاتیح الغیب، بیروت: دارالاحیاء التراث العربی.
- قرائتی، محسن (۱۳۸۳)، تفسیر نور، تهران: مرکز فرهنگی درسهایی از قرآن.
- قرشی، باقر (۱۴۲۳ق)، موسوعه الامام علی بن ابیطالب، قم: کوثر.
- قمی، عباس (۱۴۱۴ق)، سفینه البحار، قم: اسوه.
- کشی، محمد بن عمر (۱۴۰۹ق)، اختیار معرفه الرجال، مشهد: دانشگاه مشهد.
- کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷ق)، الکافی، تهران: دارالمتبّع الاسلامیه.
- مجلسی، محمد باقر (۱۴۰۳ق)، بحار الانوار، بیروت: دارالاحیاء التراث العربی.
- محلّاتی، ذبیح الله (بی تا)، ویا حین الشریعه، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- محمّدی ری شهری، محمد (۱۳۸۱)، میزان الحکمه، قم: دارالحديث.
- مصباح یزدی، محمد تقی (۱۳۸۸)، جامی از زلال کوثر، قم: موسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی.
- مصطفوی، حسن (۱۴۳۰ق)، التحقيق فی کلمات القرآن الکریم، بیروت: دارالکتب العلمیه.
- مطهری، مرتضی (۱۳۷۴)، مجموعه آثار شهید مطهری، تهران: صدرا.
- مغربی، ابن حیون (۱۳۸۵ق)، دعائم الاسلام، قم: موسسه آل البيت.
- مفید، محمد بن محمد (۱۴۱۳ق)، الاختصاص، قم: المؤتمر العالمی للافیه الشیخ مفید.
- مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۴)، تفسیر نمونه، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- نیکزاد، عباس (۱۳۸۳)، روابط زن و مرد از دیدگاه اسلام، ترویج، تعطیل، تعدیل؟، مطالعات راهبردی زنان، ۱۱۷-۱۵۱.
- هلالی، سلیم بن قیس (۱۴۰۵ق)، کتاب سلیم بن قیس، قم: الهادی.

References

Holy Quran

- Abdiyayi, N. (2011). Dimensions of Ohastity in the Life of Hazrat Zahra (Peace be upon her). *Journal of Women and Family* (9), 111-130. (In Persian)
- Ameli, J. (1997). *Ma`sat Al-Zahra (Peace be upon her)*. Beirut: Dar Al-Tafsir. (In Arabic)
- Arbali, A. (2002). *Kashf Al-Qommah Fi Ma`refat Al-Aemmah*. Tabriz: Bani Hashem. (In Arabic)
- Aroosi Hoveyzi, A. (1994). *Tafsir Noor Al-Saqaleyn*. Qom: Esmailiyan. (In Arabic)
- Bahrani, A. (2003). *Avalem Al-Uloom*. Qom: Al-Imam Al-Mahdi Institute. (In Arabic)
- Davani, A. (1983). *Woman in Quran*. No place: No publication. (In Persian)
- Dehkhoda, A. (1998). *Dehkhoda Dictionary*. Tehran: Tehran University. (In Persian)
- Fakhr Razi, M. (1999). *Mafatih Al-Gheyb*. Beirut: Dar Al-Ihya Al-Toras Al-Arabi. (In Arabic)
- Helali, S. (1984). *Book of Sulaim Ibn Qeys*. Qom. Al-Hadi. (In Arabic)
- Hurr Ameli, M. (1988). *Wasa`il Al-Shia*. Qom: Ahl Al-Beyt (Peace be upon their) Institute. (In Arabic)
- Ibn Shahr Ashoub, M. (1959). *Manaqeb Aal Abi Taleb*. Qom: Allameh. (In Arabic)
- Ibn Tavoos, A. (no date). *Al-Luhoof Ala Qatla Al-Tufoof*. Tehran: Jahan. (In Arabic)
- Ibn Fares, A. (1983). *Mo`jam Maqayees Al-Lughat*. Qom: Maktab Al-A`laam al-Islamiyah. (In Arabic)
- Javadi Amoli, A. (2007). *Data Base and Information*. Retrieved from:

- <http://www.javadi.esra>. (In Persian)
- Javadi Amoli, A. (2008). Tasnim. Qom: Isra publication. (In Persian)
- Javadi Amoli, A. (2012). Society in Quran. Qom: Isra. (In Persian)
- Kashi, M. (1988). Ikhtiyar Al-Ma`refah Al-Rejal. Mashhad: Mashhad University. (In Arabic)
- Kulayni, M. (1986). Al-kafi. Tehran: Dar al-Matba Al-Islamiyah. (In Arabic)
- Khameneyi, S.A. Office for the Preservation and Publication of the Works of Ayatollah Khamenei. Retrieved from: <http://farsi.khamenei.ir>. (In Persian)
- Mahallati, Z. (no date). Rayahin Al-Shari`ah. Tehran: Dar Al-Kotob Al-Islamiyah. (In Persian)
- Majlesi, M. (1982). Behar Al-Anvar. Beirut: Dar Al-Ihya Al-Toras Al-Arabi. (In Arabic)
- Maghrebi, E. (1965). Da`aem Al-Islam. Qom: Aal Al-bayt Institute. (In Arabic)
- Makarem Shirazi, N. (1995). Tafsir Nemooneh. Tehran: Dar Al-Kotob Al-Islamiyah. (In Persian)
- Mohammadi Rey Shahri, M. (2002). Mizan Al-Hekmah. Qom. Dar Al-Hadis. (In Persian)
- Mesbah Yazdi, M. (2009). Jami Az Zulal Kowsar. Qom: Imam Khomeini Educational and Research Institute. (In Persian)
- Mostafavi, H. (2009). Al-Tahqiq Fi Kalamat Al-Quran Al-Karim. Beirut: Dar Al-Ketab Al-Elamiyah. (In Arabic)
- Motahhari, M. (1995). Collection of Works of Shahid Motahhari, Tehran: Sadra. (In Persian)
- Mofid, M (1992). Al-Ekhtesas. Qom: Al-Mu'tamar Al-Alami Le Alfiah Al-Shaykh Mufid. (In Arabic)
- Nikzad, A. (2004). The Relationship Between Men and Women from the Perspective of Islam, Promotion, Closure, Adjustment? Strategic Studies of Women (25). 117-151. (in Persian)
- Qara`ati, M. (2004). Tafsir Noor. Tehran: Cultural Center of Lessons from the Quran. (In Persian)
- Qurashi, B. (2002). Al-Imam Ali Ibn Abi Taleb Encyclopedia. Qom: Al-kosar. (In Arabic)
- Qomi, A. (1993). Safinah Al-Bihar. Qom: Usveh. (In Arabic)

- Ragheb Isfahani. H. (1991). Mofradat Alfaz Al-Quran. Beirut: Dar Al-Qalam-Dar Al-Shamiyah. (In Arabic)
- Sajestani, A. (2012). Sunan Aboo Davood. Beirut: Al-Maktabah Al-Asreeyah. (In Arabic)
- Ravandi, G. (1988). AL-Khara`ej And Al-Jara`eh. Qom: Imam Mahdi Institute. (In Arabic)
- Sarookhani, B. (2012). Sociology of Communication. Tehran: Ittela`at. (In Persian)
- Sayyed Razi, M. (1993). Nahj al-Balaghah. Qom: Hejrat. (In Arabic)
- Siouti, A. (1983). Al-Durr Al-Mansoor Fi Tafsir Ma`sour , Qom: Ayatolalh Marashi Najafi Library. (in Arabic)
- Sadeghi Ardestani, A. (1996). Scientists Women And Narrators Of Hadith . Qom: Seminary Advertising Office. (in Persian)
- Sadugh. A. (1978). Al-Tuhid . Qom: Society of Seminary Teachers of Qom. (in Arabic)
- Sadugh. A. (1991). Man La Yahduruhi Al-Faqih . Qom: Islamic Publications Office. (in Arabic)
- Tamimi Amedi, A. (1989). Ghorar al-Hikam Va Dorar Al-Kalem . Qom: Dar al-Kotob al- Islamiyah. (in Arabic)
- Taheriniya. A. (2010). The Presence of Women in Socio-economic Fields from the Perspective of Verses and Hadiths . Qom: Imam Khomeini Educational and Research Institute. (in Persian)
- Tabatabai, S. M. (1996). Al-Mizan Fi Tafsir Al-Quran . Qom: Islamic Publications Office. (in Arabic)
- Tabarsi, A. (1982). Al-Ihtejaj Ala Ahl Al-Lejaj . Mashhad: Morteza. (in Arabic)
- Tabarsi, F. (1993). Majma~ Al-Bayan Fi Tafsir Al-Quran . Tehran: Naserkhosro. (in Arabic)
- Tabarsi, H. (1991). Makarem Al-Akhlaq . Qom. Al-Sharif Al-Razi. (in Arabic)
- Tousi, M. (1986). Tahzib Al-Ahkam . Tehran: Dar Al-Kotob Al-Islamiyah. (in Arabic)
- Tousi, M. (1990). Al-Ghaybah . Qom: Dar al-Ma`aref al-Islamiyah. (in Arabic)

The Role of Communicative Skills in Intergenerational Social Mobility: A Case Study: Tehran's Over-30-Year-Old Citizens

Norouz Hashemzahi

Assistant Professor of Communication and Social Science faculty, Azad University,
Tehran Shargh Branch, Tehran, Iran. no_hashemzahi@yahoo.com

Sahar Layeghi Barough

Corresponding Author, MA in Social Communications, Honorary Researcher of Kando
Kave Social Studies Center, from Azad University, East Tehran Branch, Tehran, Iran
Sahar.layeghi@gmail.com

Abstract

One of the indicators of judging the development of a society is the social mobility especially, its ascending vertical type and the factors affecting it. This study aims at investigating the role of speech skills, self-disclosure, writing skills, and the use of communication technologies in intergenerational social mobility. It is a quantitative research in which the survey method and the researcher-made questionnaire have been used. The statistical population included 5,240,090 people selected from Tehran's over-30-year-old citizens. The sample was 384 persons selected through Cochran's formula and Sampling was done in the form of multi-stage clusters. The results revealed that communication skills and population variables had affected the citizens' intergenerational social mobility with a coefficient of 0.19. Writing skill with β : 0.23 and self-disclosure with β : 0.24 also had affected intergenerational social mobility. There was no significant relationship between speech skills and using communication technologies and intergenerational social mobility. Besides, gender variable with β : -0.34 and marital status variable with β : 0.11 had affected social mobility. Based on the t-test and considering gender variable, vertical intergenerational social mobility was more in men and considering marital status, it was more in singles. Tehran citizens' communication skills were more than average and their intergenerational social mobility was ascending for men and descending for women.

Keywords: *Intergenerational social mobility, writing skill, speech skill, self-disclosure, communication technologies*

نقش مهارت‌های ارتباطی در تحرک اجتماعی میان‌نسلی (مورد مطالعه: ساکنین بالای ۳۰ سال شهر تهران)^۱

نوروز هاشم زهی

استادیار و عضو هیئت علمی گروه علوم اجتماعی و ارتباطات دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران شرق،
تهران، ایران no_hashemzehi@yahoo.com

سحر لایقی باروق

نویسنده مسئول، کارشناس ارشد ارتباطات اجتماعی، پژوهشگر افتخاری مرکز پژوهش‌های اجتماعی
کندوکار دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران شرق، تهران، ایران Sahar.layeghi@gmail.com

چکیده

اینکه تحرک اجتماعی در یک جامعه به ویژه از نوع عمودی صعودی چه وضعیتی دارد و تابع چه عواملی است یکی از نشانگرهای قضاوت درباره‌ی توسعه‌ی آن جامعه است. هدف از این مطالعه، شناخت نقش مهارت‌های گفتاری، خودگشودگی، نوشتاری و استفاده از تکنولوژی‌های ارتباطی در تحرک اجتماعی میان‌نسلی است. این پژوهش از نوع کمی بوده و از روش پیمایش و ابزار پرسشنامه محقق‌ساخته استفاده شده است. جامعه آماری شامل ۵,۲۴۰,۰۹۰ نفر از شهروندان بالای ۳۰ سال تهرانی بوده است. حجم نمونه با استفاده از فرمول کوکران ۳۸۴ نفر به‌دست آمد. نمونه‌گیری به‌صورت خوشه‌ای چندمرحله‌ای انجام شده است. نتایج نشان داد؛ مهارت‌های ارتباطی و متغیرهای جمعیتی با ضریب تعیین ۰/۱۹، بر تحرک اجتماعی شهروندان اثر داشته‌اند. مهارت نوشتاری با بتای ۰/۲۳ و مهارت خودگشودگی با بتای ۰/۲۴، در تحرک اجتماعی میان‌نسلی اثرگذار بودند. بین مهارت گفتاری و مهارت استفاده از تکنولوژی‌های ارتباطی با تحرک اجتماعی هیچ نوع رابطه معناداری وجود نداشت. متغیر جنس با بتای ۰/۳۴- و متغیر وضع تأهل با بتای ۰/۱۱، در تحرک اجتماعی اثرگذار بود. بر اساس آزمون t تحرک اجتماعی میان‌نسلی عمودی از نظر جنسیت به نفع مردان و بر حسب وضع تأهل نیز به نفع مجردها بوده است. مهارت ارتباطی ساکنین شهر تهران، بیشتر از حد متوسط و تحرک اجتماعی میان‌نسلی برای مردان صعودی و برای زنان نزولی بود.

۱. این یک مقاله دسترسی آزاد تحت مجوز CC BY-NC-ND (<http://creativecommons.org/licenses/by-nc-nd/4.0/>) است.

واژه‌های کلیدی: تحرک اجتماعی میان‌نسلی، مهارت نوشتاری، مهارت گفتاری، خودگشودگی، تکنولوژی‌های ارتباطی

تاریخ دریافت: ۰۰/۱۱/۲۵ تاریخ بازبینی: ۰۰/۰۳/۱۱ تاریخ پذیرش: ۰۰/۰۳/۱۷

فصلنامه راهبرد اجتماعی - فرهنگی، سال ۱۰، شماره ۳۹، تابستان ۱۴۰۰، صص ۴۲۳-۴۵۴

مقدمه و بیان مسئله

در عصر حاضر، تحرک اجتماعی در جوامع گوناگون از اهمیت بسزایی برخوردار است؛ تاجایی که توسعه‌یافتگی جوامع در بخش‌های مختلف را می‌توان با میزان تحرک اجتماعی افراد جامعه مورد قضاوت قرار داد. به‌واقع این موضوع در علوم اجتماعی به عنوان یکی از مباحث بنیادین و پراهمیتی محسوب می‌شود که در تبیین نظام قشربندی، روند توسعه، تعیین میزان نابرابری و بی‌عدالتی‌ها نقش تعیین‌کننده‌ای دارد. در کشور ایران، تحرک اجتماعی با کاهش تمرکزگرایی دولت، گسترش سطح آگاهی، تحصیلات و افزایش سازمان‌های اداری در دوره پهلوی آغاز شد. بررسی روند تاریخی و تحقیقات مختلف، برخی تحولات سازگار با تحرک اجتماعی در ایران را تأیید می‌کند. از اواخر دهه‌ی چهل و اوایل دهه‌ی پنجاه این تغییر با پدیده‌هایی چون صنعتی‌شدن، شهرنشینی و رشد جمعیت و از همه مهم‌تر مهاجرت همراه شد. این روند پس از انقلاب اسلامی سرعت بیشتری به خود گرفت (سراقی، ابوالفتحی، & ملکی، ۱۳۸۸، ص. ۱۶۹). انقلاب اسلامی، موجب فروپاشی و زوال طبقه‌ی اشراف و هزار فامیل و پیدایش گروه‌های اجتماعی و منزلتی جدید شد و در دهه‌ی اول پس از انقلاب حمایت از مستضعفان و کوخ‌نشینان در اهداف و برنامه‌های نظام اسلامی قرار گرفت. شهرنشینی بعنوان پدیده‌ای مساعد برای توسعه و تحرک اجتماعی پس از انقلاب گسترش پیدا کرد. طی دوره‌ی ۱۳۸۵ تا ۱۳۹۰ قدر مطلق جمعیت روستانشین کاهش پیدا کرده، به طوری که رشد سالانه‌ی جمعیت روستانشین به نرخ منفی (۶۳، -) هم رسیده است. در همین دوره، متوسط رشد سالانه جمعیت

شهرنشینی ۲,۱۴ بوده است. بُعد خانوار در این دوره در روستا شدیدتر از شهر دچار کاهش شده است (مرکز آمار ایران، ۱۳۹۱). جایگاه ایران در بین کشورهای منطقه و محقق نشدن سند چشم‌انداز نشان می‌دهد که روند عمومی توسعه و تحرک اجتماعی ایران در سال‌های اخیر وضعیت مناسبی ندارد. مجمع جهانی اقتصاد در گزارشی، وضعیت ۸۲ کشور دارای شرایط ارزیابی در زمینه‌ی شاخص تحرک اجتماعی در سال ۲۰۲۰ را ارائه نموده است که شوربختانه کشور ایران همراه با کشورهای دیگر در حال توسعه، رتبه مناسبی در آن ندارند. مجمع مذکور دو دلیل برای این ناتوانی مطرح نموده؛ اول، نبود شرایط مناسب کاری و دستمزدهای منصفانه و دوم گسترش نابرابری‌ها در عمده کشورهای دنیا به ویژه کشورهای در حال توسعه. شاخص تحرک اجتماعی جهانی به طور مستقیم و غیرمستقیم با متغیرهای اقتصادی مرتبط است. از سوی دیگر، روندها نشان می‌دهد معیارهای سنجش نابرابری در کشور ما از سال ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۷ به طور کاملاً محسوسی افزایش یافته و ضریب جینی کل کشور به بالاترین سطح در دهه ۱۳۹۰ یعنی ۰/۴۰۹۳ رسیده است (تحلیل بازار، ۱۳۹۸). حسینی (۱۳۹۸) در پژوهشی به این نتیجه رسیده که در سال ۱۳۹۵-۱۳۹۰ در ایران تغییرهای معناداری در تحرک شغلی بین‌نسلی رخ نداده است (حسینی، ۱۳۹۸: ۲۵-۵۰). این وضعیت، جامعه‌ی شهری ایران را وارد عرصه جدیدی کرده و ایجاب می‌کند پویایی افراد و گروه‌ها، میزان نابرابری، بی‌عدالتی، نوع نظام موجود تحرک اجتماعی تاحدودی روشن و موانع کارکردی آن پژوهش و شناخته شود. در یک دوره‌ی زمانی معین با سنجش میزان تحرک اجتماعی و بررسی الگوهای میان‌نسلی - درون‌نسلی تحرک می‌توان مشخص کرد امکان پیشرفت آحاد جامعه، برخورداری از فرصت‌های یکسان، ثروت، قدرت تا چه حد بوده و متأثر از چه عواملی است. همچنین، پژوهش‌ها در این باره این امکان را به دست‌اندرکاران، مسئولان، نهادها و سازمان‌های برنامه‌ریزی جامعه می‌دهد که در مسیرهای بازدارنده‌ی توسعه اقتصادی - اجتماعی برنامه‌ریزی نموده، به پویایی و تحرک اجتماعی کمک نمایند، با موانعی که سد راه روند توسعه هستند، مبارزه‌ی ریشه‌ای داشته باشند و در جهت آموزش و آگاهی بخشی

به افراد جامعه، آنها را در رفع موانع موجود یاری رسانند. شهر تهران با بیش از ۸ میلیون نفر جمعیت، جامعه‌ای است که تقریباً از همه شهرهای ایران مهاجرپذیری داشته است (اکبری خنجی، ۱۳۸۲ ص. ۹۲). داده‌های پیمایش تنبلی در ایران نشان می‌دهد که میانگین میزان تنبلی در تهران در دامنه‌ای از صفر تا ۱۰۰، ۴۷،۵ است (جوادی یگانه، فاطمی امین، & فولادیان، ۱۳۹۰ ص. ۱۲۶). تنبلی و تحرک اجتماعی دو نشانگر متضاد توسعه و پیشرفت محسوب می‌شوند. یکی از بحث‌های حائز اهمیت در این زمینه شناخت عوامل گوناگون و چندلایه‌ای است که در افزایش و کاهش تحرک اجتماعی جامعه‌ی ایرانی نقش داشته و دارند. دسته‌ای از عوامل در این زمینه که خلاء آن محسوس بوده و مستلزم مطالعه بیشتری است، نقش ارتباطات انسانی و مهارت‌ها بر تحرک اجتماعی می‌باشد. از آنجائی که تحرک شغلی از شاخصه‌های مهم تحرک اجتماعی محسوب شده و در اکثر مواقع این اصطلاح، دارای مضمون بهبود وضعیت است؛ بهبود وضعیت شغلی و شناخت عوامل اثرگذار بر آن می‌تواند، یکی از آثار مطالعه نقش مهارت‌های ارتباطی بر تحرک اجتماعی باشد. از این‌رو، این پژوهش می‌تواند به افزایش شعاع علمی در این حوزه و ارائه‌ی چشم انداز روشنی از وضعیت تحرک اجتماعی در کلان شهر تهران کمک نماید. در این راستا برای محققین این پرسش‌ها مطرح می‌شود که انواع مهارت‌های ارتباطی و متغیرهای جمعیتی با تحرک اجتماعی چه رابطه‌ای دارند؟ آیا بر آن اثر می‌گذارند؟ نقش آنها از چه نوع و تا چه اندازه است؟ تحرک اجتماعی تابع عوامل مختلفی است که می‌بایست مورد پژوهش قرار بگیرد. این مطالعه در پی آن است که نقش انواع مهارت‌های ارتباطی مثل: مهارت گفتاری، خودگشودگی، نوشتاری و استفاده از تکنولوژی‌های ارتباطی را در تحرک اجتماعی تهران‌نشینان مورد بررسی قرار دهد.

۱. اهداف و سؤالات پژوهش

با توجه به مباحث مطرح شده در طرح مسئله، اهداف پژوهش به طور خلاصه بررسی موارد زیر خواهد بود:

- تبیین نقش انواع مهارت‌های ارتباطی و متغیرهای جمعیتی شهروندان در

تحرک اجتماعی میان‌نسلی آنان،

- شناسایی ارتباط مهارت گفتاری با تحرک اجتماعی میان‌نسلی،
- شناسایی ارتباط مهارت خودگشودگی با تحرک اجتماعی میان‌نسلی،
- شناسایی ارتباط مهارت نوشتاری با تحرک اجتماعی میان‌نسلی،
- شناسایی ارتباط مهارت استفاده از تکنولوژی‌های ارتباطی با تحرک اجتماعی میان‌نسلی و
- شناسایی تحرک اجتماعی میان‌نسلی شهروندان تهرانی بر حسب متغیرهای جمعیتی

این پژوهش بر اساس اهداف تحقیق، درصدد پاسخگویی به سوالات زیر می‌باشد؛

- مهارت‌های ارتباطی تهران‌نشینان چه اندازه است؟
- شهروندان تهرانی تا چه اندازه تحرک اجتماعی میان‌نسلی دارند؟
- آیا بین ابعاد مختلف مهارت‌های ارتباطی با تحرک اجتماعی میان‌نسلی شهروندان تهرانی ارتباط معناداری وجود دارد؟
- آیا تحرک اجتماعی میان‌نسلی شهروندان تهرانی بر حسب متغیرهای جمعیتی متفاوت است؟
- آیا ابعاد مهارت‌های ارتباطی شهروندان تهرانی و متغیرهای جمعیتی آنان بر تحرک اجتماعی میان‌نسلی تهران‌نشینان تأثیرگذار است؟

۲. پیشینه‌ی پژوهش

با مرور مطالعات گذشته، روشن می‌شود که چنین موضوعی به صورت تبیینی و علی در گذشته در کشور ایران مورد تحقیق و مطالعه قرار نگرفته است، اما در مورد هر یک از متغیرها، یعنی مهارت‌های ارتباطی و تحرک اجتماعی جداگانه پژوهش‌هایی انجام گرفته است که در اینجا تعدادی از آنها معرفی می‌شود.

- حسینی (۱۳۹۸) در پژوهشی با عنوان «تحرک شغلی بین نسلی مردان در ایران از سال ۱۳۷۵ تا ۱۳۹۵» دریافت؛ تحرک شغلی در بازه‌ی سال‌های ۱۳۸۵-۱۳۷۵ کاهش ملایم داشته، سپس کاهش شدیدتر آن در بازه ۱۳۹۰-۱۳۸۵ اتفاق

می‌افتد و در سال ۱۳۹۵-۱۳۹۰ در ایران تغییرهای معناداری در تحرک شغلی بین‌نسلی رخ نداده است (حسینی، ۱۳۹۸، صص. ۲۵-۵۰).

- هاشم‌زهی و بهره‌دار (۱۳۹۷) در پژوهشی با عنوان «مقایسه تحرک اجتماعی مردان و زنان در شهر تهران (جامعه مورد مطالعه: شهروندان تهرانی بالای ۲۰ سال» به این نتیجه رسیدند که میزان اندکی تحرک میان‌نسلی و درون‌نسلی صعودی رو به بالا در بین شهروندان تهرانی وجود داشته است و تحرک اجتماعی درون‌نسلی زنان کمتر از مردان مشاهده شده است (هاشم‌زهی & بهره‌دار، ۱۳۹۷، صص. ۱۲-۲۶).

- حُسنی آریفین^۱ (۲۰۱۷)، محقق اندونزیایی در پژوهشی با عنوان «نقش تحصیلات عالی بر افزایش تحرک اجتماعی در کشور اندونزی» به این نتیجه رسید که هرچه نابرابری در جامعه افزایش یابد؛ افراد بیشتری به تحصیلات عالی رو می‌آورند و تحرک اجتماعی صعودی رشد می‌کند (Arifin, 2017, pp.234-242).

- زیمداز و همکاران^۲ (۲۰۱۳)، مقاله‌ای با عنوان «تأثیر تحصیلات تکمیلی در تحرک اجتماعی» به چاپ رساندند. آنها به عنوان بخشی از نتایج این تحقیق بر این باورند که تحصیلات تکمیلی در رسیدن به سطوح بالای اجتماعی مؤثر است و افرادی که تحصیلات تکمیلی ندارند، مایل هستند تا فرزندانشان برای بهره‌مندی از زندگی بهتر، تحصیلات تکمیلی داشته باشند (Mountford zimdars, 2013, pp.792-811).

- مهدوی و همکاران (۱۳۹۶) در پژوهشی با عنوان «نقش مهارت‌های ارتباطی مدیران در توسعه کسب و کار با تأکید بر مشتری‌مداری» دریافتند؛ مهارت‌های ارتباطی مدیران همچون مهارت خودگشودگی، مهارت اجتماعی و مهارت همدلی بر توسعه کسب و کار و رضایت شغلی افراد اثرگذار هستند (مهدوی، عقیلی، هاشم‌زهی، & فرهنگی، ۱۳۹۷، صص. ۱۲۷-۱۵۷).

- آفتابی (۱۳۹۲) در تحقیقی تحت عنوان «نقش مهارت‌های ارتباطی بر فضای

1. Muhammad Hosni Arifin

2. Anna Mountford-Zimdars , Steven Jones , Alice Sullivan & Anthony Heath

کسب و کار» به این نتیجه دست یافت که مهارت‌های ارتباطی بر موفقیت در فضای کسب و کار مؤثر است، به عبارت دیگر، کسب مهارت‌های ارتباطی باعث موفقیت در فضای کسب و کار می‌گردد و مهارت‌های ارتباطی مانند مهارت کلامی بر موفقیت شغلی اثرگذار است (آفتابی، ۱۳۹۲، صص. ۱-۱۸).

- غفاری (۱۳۹۵)، پژوهشی با عنوان «تأثیر سرمایه فرهنگی تجسم یافته (ذهنی) بر تحرک اجتماعی میان‌نسلی (مورد مطالعه: شهروندان ۳۰-۵۴ ساله شهر گرگان)» به این نتیجه دست یافت که ارتقاء میزان مهارت‌ها و توانمندی‌های فردی، افزایش میزان تحرک اجتماعی را در پی داشته و عامل جنسیت نیز در این تحرک اثرگذار بوده است، همچنین تفاوت معناداری میان تحرک اجتماعی مردان و زنان مشاهده شد که به نفع مردان بوده است (غفاری، ۱۳۹۶، صص. ۱۸۳-۲۰۶).

- معصومی‌راد و نایی (۱۳۹۲) در پژوهشی با نام «عوامل اجتماعی مؤثر بر تحرک اجتماعی (شغلی) اعضای هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی» دریافتند تحرک اجتماعی میان‌نسلی در بین زنان و مردان تفاوت معنادار داشته و به نفع مردان است و عامل جنسیت نیز بر تحرک اجتماعی اثرگذار می‌باشد. همچنین، فرصت‌های تحرک شغلی پس از اشتغال برابر بوده و فرصت‌های نابرابر مربوط به عوامل برون‌سازمانی و قبل از استخدام افراد است (معصومی‌راد & نایی، ۱۳۹۲، صص. ۱-۳۴).

- بهشتی‌فر و نوروزی (۲۰۱۳) در پژوهشی با نام «مهارت‌های اجتماعی فاکتوری برای موفقیت کارمندان» نقش مهارت‌های اجتماعی را بر موفقیت‌های شغلی مطالعه کردند و دریافتند که مهارت‌های اجتماعی قدرتمند موجب سهولت در برقراری روابط بین افراد شده و نتایج مثبتی را در مشاغل گوناگون به همراه دارند (Beheshtifar & Norwzi, 2013, pp.74-79).

- کاکرمن^۱ (۲۰۱۲) در پژوهشی تحت عنوان «مهارت‌های ارتباطی مؤثر برای مدیریت کتابخانه و روابط بین مدیران و کتابداران» دریافت که مهارت‌های ارتباطی به کار گرفته شده توسط مدیران در افزایش رضایت شغلی، پیشبرد اهداف و

موفقیت افراد تأثیر زیادی می‌گذارد (Kakirman Yildiz, 2012, pp. 141-153).

- معصومی‌راد و ناییبی (۱۳۹۰) در مطالعه‌ای با عنوان «عوامل فرهنگی مؤثر بر تحرک اجتماعی مطالعه موردی مردان ۳۵ تا ۶۴ ساله شهر تهران» تأثیر عوامل فرهنگی به ویژه، اخلاق کار و سرمایه‌ی فرهنگی بر تحرک اجتماعی درون نسلی و بین‌نسلی را مورد بررسی قرار دادند و به این نتیجه رسیدند که بین متغیرهای سرمایه‌ی اقتصادی خانواده، سرمایه‌ی فرهنگی خانواده، سرمایه‌ی فرهنگی و اخلاق کار، اول اخلاق کار و پس از آن سرمایه‌ی فرهنگی، تأثیر مستقیمی در تحرک اجتماعی دارند (ناییبی & معصومی‌راد، ۱۳۹۰، صص. ۱-۳۴).

- زارع و لطفی (۱۳۸۷) در پژوهشی با نام «بررسی عوامل اجتماعی مؤثر بر تحرک اجتماعی در شهر کرمانشاه» دریافتند ۱۸ درصد از تغییرات متغیر وابسته‌ی میزان تحرک اجتماعی توسط متغیرهای مستقل سرمایه‌ی اجتماعی خانواده و پایگاه اجتماعی - اقتصادی خانواده و تحصیلات فرد تبیین می‌شود و مابقی مربوط به سایر متغیرها است. متغیرهای تحصیلات فرد و سرمایه‌ی اجتماعی خانواده دارای ضریب مثبت با متغیر وابسته بوده در حالی که متغیر پایگاه اجتماعی - اقتصادی خانواده، دارای ضریب منفی با متغیر وابسته هستند، همچنین سرمایه‌ی فرهنگی در تحرک اجتماعی افراد اثرگذار است (زارع & لطفی، ۱۳۸۷، صص. ۱۱۳-۱۳۹).

۳. مبانی و چارچوب نظری

درباره‌ی مهارت‌های ارتباطی و تحرک اجتماعی، نظریه‌پردازان زیادی بحث کرده‌اند. در این مطالعه، شاخص‌های تحرک اجتماعی و انواع مهارت‌های ارتباطی اثرگذار بر آن با رویکرد تلفیقی از آرای نظریه‌پردازان دیدگاه کنش متقابل نمادین مثل هربرت مید^۱، کارکردگرایان مانند تالکوت پارسونز^۲ و دورکیم^۳، دیویس^۴ و

1. Georg Herbert Mead

2. Talcott Parsons

3. Emile Durkheim

4. Kingslii Davis

مور^۱ و ترکیب‌گرایان مثل آنتونی گیدنز^۲، بوردیو^۳، دانیل بل^۴، آلتمن^۵ و تیلور^۶ استخراج و نظریه‌آزمایی می‌شود. تالکوت پارسونز در نظریه‌ی قشربندی اجتماعی باور دارد؛ قشربندی اجتماعی شامل صورت‌های گوناگون سلسله‌مراتب است که از ارزیابی افتراقی افراد یا گروه‌ها بر پایه‌ی معیارهای مختلف استخراج می‌گردد. معیارهای عمده‌ی قشربندی از نظر پارسونز عبارتند از: خاستگاه خانوادگی، مهارت‌های اکتسابی، تمکن مالی، صفات شخصی، منزلت شغلی، مرجعیت و قدرت. باتوجه به نظریه‌ی شغل، درآمد و تحصیلات، شاخص‌های بااهمیتی هستند که تحرک اجتماعی را می‌سنجند (روشه، ۱۳۷۶، ص. ۲۱۲). عوامل گوناگونی وجود دارد که در تحرک اجتماعی و شاخص‌های آن نقش دارند. به عقیده‌ی پارسونز، ارزش‌های اجتماعی معمول در یک جامعه، میزان پاداش‌های موقعیت اجتماعی و شغلی را تعیین می‌کنند. از نظر وی، مفهوم تقسیم کار به رشد مهارت‌های مختلف، منجر شده که مستلزم استعدادهای متفاوتی است و کسانی که قادر به انجام مشاغل ماهرانه‌تری هستند از احترام بیشتری نیز برخوردار خواهند شد. تقسیم کار مستلزم آن است که کسی وجود داشته باشد تا بتواند مشاغل جزئی متفاوت تشکیل‌دهنده‌ی شغل بزرگتری را هماهنگ نماید؛ از این رو، به وجود رهبرانی نیاز است و افرادی که این نقش را برعهده می‌گیرند می‌بایست، پایگاه مهم‌تر و متفاوتی نسبت به افرادی که کارهای جزئی‌تر را انجام می‌دهند، داشته باشند و از احترام بیشتری نیز برخوردار شوند. دورکیم در نظریه‌ی همبستگی اجتماعی باور دارد؛ نابرابری‌های درست و مشروع یا همان تحرک اجتماعی از شایستگی‌های نابرابر، نشأت گرفته به‌طوری‌که افراد برای برعهده گرفتن نقش‌های گوناگون از استعداد ویژه‌ای برخوردارند و زمانی که، عهده‌دار این نقش‌ها می‌شوند،

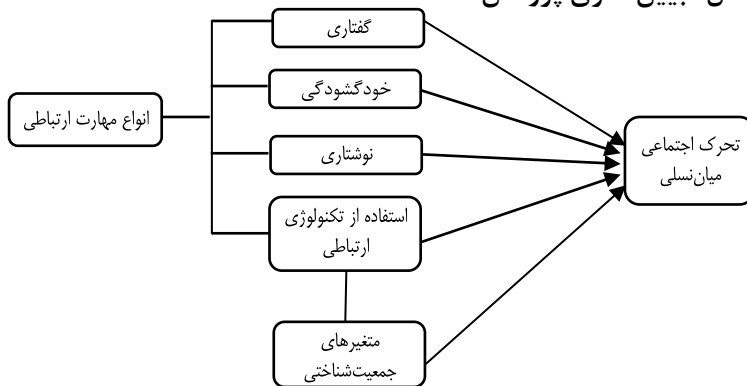
-
1. Wilbert Moore
 2. Anthony Giddens
 3. Pierre Bourdieu
 4. Daniel Bell
 5. Irwin Altman
 6. Dalmas Taylor

باید در خدمت نظام باشند. از نظر او، عوامل اثرگذار بر تحرک اجتماعی؛ بعد خانوار، تخصص، آموزش و انگیزه‌ی کار هستند. وی معتقد است جامعه‌ای که در آن فرصت برای تحرک اجتماعی وجود دارد؛ هماهنگ و متوازن بوده و برای تحرک ضرورتی به دگرگونی بنیادی نیست. از نظر دورکیم، تراکم جمعیت و تراکم اخلاقی به رقابت برای رسیدن به منابع نایاب منجر شده و این رقابت به تمایزیافتگی می‌انجامد و تمایزیافتگی نیز منجر به توسعه یا همان تقسیم کار ارگانیکی می‌گردد (ملک، ۱۳۷۴، ص. ۶۳). کینگزلی دیویس و مور در نظریه‌ی طبقات اجتماعی باور دارند، برخی از نقش‌های اجتماعی حیاتی و مهم، مستلزم وجود استعدادهای کمیاب و آموزش‌های طولانی است. اگر قرار باشد، جامعه‌ای به طور مؤثر، کارکرد داشته باشد باید این نقش‌ها را به افرادی ماهر و تحصیل‌کرده واگذار نماید. به‌طورکلی، توزیع نابرابر مزایای اجتماعی برای جامعه به این شکل دارای کارکرد است؛ زیرا تواناترین افراد، جذب ضروری‌ترین نقش‌ها خواهند شد و این نابرابری‌ها، شایسته‌ترین افراد را به وسوسه می‌اندازد که مهم‌ترین موقعیت‌ها را تصاحب کنند و در نتیجه قشربندی اجتماعی اجتناب‌ناپذیر خواهد بود (رابرتسون، ۱۳۷۲، ص. ۲۱۹). از نظر آنها، رضایت شغلی و مهارت شغلی در تحرک اجتماعی افراد در جامعه جدید مهم است. پیربورديو در نظریه‌ی منش و میدان، طبقه‌بندی روشنی از عوامل اثرگذار بر پایگاه اقتصادی و اجتماعی و تحرک اجتماعی ارائه نموده است. او با مطرح نمودن چهارشکل سرمایه‌ی ۱- اقتصادی، ۲- فرهنگی، ۳- نمادین و ۴- اجتماعی، باور دارد که سرمایه‌های مذکور به کنش‌گران در مبارزه برای رسیدن به جایگاه در فضای اجتماعی قدرت داده و موقعیت‌هایی که افراد در جامعه کسب می‌کنند، به میزان بهره‌مندی آنها از سرمایه بستگی دارد. به عبارت دیگر، میزان سرمایه‌ی فرهنگی، ربط وثیقی با آموزش (تحصیلات) و شغل (طبقه اجتماعی) و مهارت‌های ارتباطی دارد. افراد با سرمایه‌ی فرهنگی بالا، احتمالاً دارای آموزش و مهارت بالا و ثروت بیشتر و در مقابل، افراد با سرمایه‌ی فرهنگی پایین دارای آموزش و مهارت پایین و ثروت کمتری هستند (مهدی زاده، ۱۳۹۶، ص. ۲۸۰). آنتونی گیدنز در نظریه‌ی

ساخت‌یابی، ساخت را مجموعه‌ی قواعد، منابع یا دانش و مهارت می‌داند که افراد در فرایند جامعه‌پذیر شدن، آنها را به دست می‌آورند و باور دارد، زبان و قواعد دستوری به طور پیوسته در جریان ساخت‌یابی بوده و عمل انسان بی‌مهارت و دانش، محال و پر آشوب خواهد بود. دانیل بل در نظریه‌ی جامعه‌ی فراصنعتی، ظهور معیارهای کیفیت زندگی در سراسر جهان، افزایش درآمدها به معنای واقعی و کاهش نابرابری‌های طبقاتی در جوامع غربی را از پیامدهای مثبت تغییر و تحول تکنولوژیکی بر جهان اجتماعی می‌داند. وی اطلاعات و تکنولوژی‌های اطلاعاتی و ارتباطی را در ساخت‌یابی جامعه، مورد توجه قرار داده است و استدلال می‌کند که تکنولوژی، روابط اجتماعی و شیوه‌ی نگاه کردن ما به جهان را تغییر داده و باعث بهره‌وری اقتصادی می‌شود (مهدی‌زاده، ۱۳۹۶، ص. ۳۳۲). هربرت مید در نظریه‌ی روانشناختی- اجتماعی وجود زبان را به عنوان یک محصول اجتماعی و مبنای کنش متقابل اجتماعی دانسته و انواع ارتباط زبانی، مثل زبان گفتاری را مدنظر داشته است. به اعتقاد وی، زبان از اهمیت بالایی برخوردار است؛ چراکه توسط آن می‌توانیم، نمادهای معنی‌دار شفاهی را استفاده و تفسیر کنیم (انواری، ۱۳۹۰، ص. ۱۵۹-۱۶۰). آلتمن و تیلور در نظریه‌ی نفوذ اجتماعی، خودگشودگی را روش اصلی پیش‌برد روابط غیرصمیمانه و کم عمق به روابط عمیق و صمیمانه دانسته و معتقدند؛ خودگشودگی می‌بایست به افراد یاری دهد تا روابطی را که وجود دارد، تقویت کرده و تحکیم بخشند، نه آنکه آنچه وجود دارد را تخریب کرده و از بین ببرند (مهدوی، عقلی، هاشم‌زهی & فرهنگی، ۱۳۹۷، ص. ۱۳۱). با توجه به متغیرهای موجود در این تحقیق و با توجه به بررسی آراء نظریه‌پردازان مذکور می‌توان بیان کرد، شاخص‌های سنجش تحرک اجتماعی از نظر تالکوت پارسونز شغل، درآمد و تحصیلات می‌باشند. عوامل اثرگذار بر تحرک اجتماعی از نظر پارسونز، صفات شخصی، مهارت‌های اکتسابی و قدرت هستند. همچنین این عوامل به اعتقاد دورکیم، تخصص، مهارت‌های انفرادی و تأهل است. مهارت گفتاری از نظریه آنتونی گیدنز و هربرت مید استخراج شد. مهارت نوشتاری از نظریه پیربوردیو استنباط شد. مهارت استفاده از تکنولوژی‌های ارتباطی از نظریه

دانیل بل و مهارت خودگشودگی از نظریه آلمن و تیلور استخراج گردید. با توجه به نظریه‌های مذکور می‌توان، مدل تبیین نظری نقش انواع مهارت‌های ارتباطی در تحرک اجتماعی میان‌نسلی را به شکل زیراستنتاج نمود.

۳-۱. مدل تبیین نظری پژوهش



شکل ۱. مدل تبیین نظری پژوهش

۳-۲. فرضیه‌های پژوهش

با توجه به پیشینه و نظریه‌های مطروحه، فرضیه‌های اصلی و فرعی با استنباط از نظرات تالکوت پارسونز، امیل دورکیم، آنتونی گیدنز، پیربوردیو، هربرت مید، آلمن و تیلور بدین شرح مطرح می‌گردد:

- پیش‌بینی می‌شود، بین مهارت گفتاری با تحرک اجتماعی ارتباطی معنادار وجود داشته باشد.
- پیش‌بینی می‌شود، مهارت نوشتاری با تحرک اجتماعی ارتباط معنادار داشته باشد.
- پیش‌بینی می‌شود، بین خودگشودگی با تحرک اجتماعی رابطه‌ی معنادار وجود داشته باشد.
- پیش‌بینی می‌شود، استفاده از تکنولوژی‌های ارتباطی با تحرک اجتماعی ارتباط معنادار داشته باشد.
- پیش‌بینی می‌شود، تحرک اجتماعی بر حسب جنس متفاوت باشد.

- پیش‌بینی می‌شود، تحرک اجتماعی بر اساس گروه‌های سنی متفاوت باشد.
- پیش‌بینی می‌شود، تحرک اجتماعی بر اساس وضع تأهل افراد متفاوت باشد.
- پیش‌بینی می‌شود، انواع مهارت‌های ارتباطی و متغیرهای جمعیتی در تحرک اجتماعی میان‌نسلی تهران‌نشینان نقش دارد.

۴. روش پژوهش

این پژوهش از نظر هدف، کاربردی و از نظر رویکرد، کمی است. روش اصلی پژوهش حاضر ریاال پیمایشی می‌باشد. مهم‌ترین ابزار گردآوری اطلاعات علاوه بر مطالعات اسنادی، پرسشنامه‌ی محقق‌ساخته مشتمل بر ۳۰ سؤال در مورد متغیرهای مستقل بوده که در قالب طیف لیکرت طراحی شده است. این پرسشنامه همچنین با چندین سؤال متغیر وابسته و متغیرهای جمعیتی را سنجیده است. جامعه‌ی آماری را ۵,۲۴,۰۹۰ نفر از شهروندان بالای ۳۰ سال در سال ۱۳۹۹ تشکیل داده‌اند. با استفاده از فرمول کوکران حجم نمونه ۳۸۴ نفر تعیین شد. روش نمونه‌گیری احتمالی از نوع خوشه‌ای چندمرحله‌ای بوده است. ابتدا مناطق نمونه، انتخاب شد و توزیع نسبی حجم نمونه در مناطق، تعیین و سپس از میان محلات هر منطقه‌ی نمونه، دو یا سه محله انتخاب شد. بعداز انتخاب بلوک‌های در نظر گرفته شده به واحدهای مسکونی و افراد مورد مطالعه مراجعه شد. روایی صوری پرسشنامه با استفاده از نظر اساتید و متخصصان مجرب به دست آمد. پایایی ابزار تحقیق با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ عدد ۰/۸۲/ حاصل شد که نشان از قابل قبول بودن گویه‌های مورد نظر دارد. جزئیات نتایج ضریب آلفای کرونباخ در جدول ذیل مشاهده می‌شود.

جدول ۱. آزمون پایایی متغیرهای مستقل تحقیق

متغیرها	تعداد گویه‌ها	آلفای کرونباخ
گفتاری	۱۰	۰,۷۳
خودکشودگی	۱۰	۰,۸۴
استفاده از تکنولوژی‌های ارتباطی	۷	۰,۸۳
نوشتاری	۳	۰,۷۱
کل مهارت‌ها	۳۰	۰,۸۰

۴-۱. تعریف متغیرها

مهارت گفتاری: به کارگیری آگاهانه‌ی نمادهای کلامی و زبان بدن، به منظور ترغیب کردن دیگران به انجام کار و انتقال معنا و پیام است (حسینی نسب & مصطفی پور، ۱۳۹۱، ص. ۳۱). در سطح عملیاتی، مهارت گفتاری نمره‌ای است که فرد از پاسخگویی به سؤال‌های ده‌گانه‌ی مربوط به این مؤلفه در پرسشنامه به دست آورده است.

مهارت خودگشودگی: شامل آن‌دسته از اظهاراتی است که فرد به‌گونه‌ای آگاهانه، تعمدی و اختیاری با دیگران در مورد خود در میان می‌گذارد و برای اظهاراتی به کار می‌رود که خود فرد، آن را می‌داند و دیگران، احتمالاً بدان دسترسی پیدا نکرده و یا آن را نمی‌توانند کشف کنند (فرهنگی & ترزومی‌نژاد، ۱۳۸۷، ص. ۱۷۴). این متغیر با ۱۰ گویه به صورت عملیاتی مورد سنجش قرار گرفته است.

مهارت استفاده از تکنولوژی‌های ارتباطی: تسلط بر فن استفاده از اینترنت و فضای مجازی، آشنایی با طرز کار اپلیکیشن‌های ارتباطی مثل: تلگرام، وایبر، واتساپ، اینستاگرام و ... در جهت برقراری ارتباط با سایرین و رفع نیازهای شخصی و کاری خود. امروزه تکنولوژی‌های ارتباطی و اطلاعاتی را می‌توان مجموعه‌ی فنون و ابزارهایی دانست که با گردآوری، پردازش، نگهداری و پخش اطلاعات در جهت بهینه‌سازی و پشتیبانی فعالیت‌ها به‌کار گرفته می‌شوند (فرهنگی & ترزومی‌نژاد، ۱۳۸۷، ص. ۲۱). این متغیر با ۷ گویه به صورت عملیاتی سنجیده شده است.

مهارت نوشتاری: مهارت نوشتن احساسات، عقاید، منظور خود و داشتن تصویر کلی از کلمات و عبارات کوتاه است (قاسم‌پور، میرزایی، لطفی، & والی، ۱۳۸۹، ص. ۲۹). مهارت نوشتاری برقراری ارتباط، انتقال اطلاعات و عقاید از طریق نظامی از نشانه‌های نوشتاری را مهارت نوشتاری گویند. نمره‌ای که فرد از پاسخگویی به سؤال‌های سه‌گانه مربوط به این مؤلفه در پرسشنامه کسب می‌کند، معرف تعریف عملیاتی این مفهوم است.

تحرك اجتماعی میان‌نسلی: تحرك اجتماعی میان‌نسلی مقایسه‌ی پایگاه اجتماعی پدر، مادر و فرزندان است. هرگاه پایگاه اجتماعی پاسخگویان در مقایسه با پایگاه اجتماعی والدینشان افزایشی باشد، آنگاه تحرك اجتماعی پاسخگویان از

نوع صعودی است و در غیر این صورت، تحرک اجتماعی آنها از نوع نزولی و یا افقی است. با ملاک قرار دادن منزلت شغلی افراد، تحرک اجتماعی میان‌نسلی را بدین صورت محاسبه می‌کنند: (جایگاه کنونی شغل فرد - جایگاه کنونی یا آخرین شغل پدر) + (رتبه و جایگاه شغلی فرد در آغاز زندگی شغلی - رتبه و جایگاه شغلی پدر در آغاز زندگی شغلی) (هاشم‌زهی & بهره‌دار، ۱۳۹۷، ص. ۱۶).

منزلت شغلی: قدر، ارزش یا وزن اجتماعی مشاغل در نظر افراد بوده و همچنین، ارزشی است که جامعه برای یک نقش اجتماعی قائل است (فیض، شرفی، & شول، ۱۳۹۵، ص. ۱۰۹-۱۱۰). در این پژوهش، منظور نمره یا رتبه‌ی منزلت شغلی است که بر اساس جدول پرستش شغلی ایران (نایی & عبداللهیان، ۱۳۸۱، صص. ۲۱۷-۲۳۶)، به شغل هر پاسخگو اختصاص یافته است.

۵. یافته‌های پژوهش

از مجموع ۳۸۴ نفر پاسخگو به لحاظ ترکیب جنسی ۵۱ درصد مرد و ۴۹ درصد زن هستند. به لحاظ تأهل ۶۵٫۱ درصد متأهل و ۳۴٫۹ درصد مجردند. به لحاظ ترکیب سنی ۴۱٫۹ درصد بین ۴۰-۳۰ سال، ۲۴٫۷ درصد بین ۵۰-۴۱ سال، ۲۲٫۷ درصد بین ۶۰-۵۱ سال، ۶٫۸ درصد بین ۷۰-۶۱ سال، ۱٫۸ درصد بین ۸۰-۷۱ سال و ۲٫۱ درصد بین ۹۰-۸۱ سال قرار دارند. در این قسمت بر اساس سؤالات و فرضیه‌های پژوهش، مشروح یافته‌های توصیفی و استنباطی ارائه می‌گردد.

سؤال اول: مهارت‌های ارتباطی تهران‌نشینان چه اندازه است؟

مهارت ارتباطی یکی از متغیرهای اصلی پژوهش است که متغیرهای فرعی آن در قالب چهار بُعد، مورد سنجش قرار گرفته و در جدول زیر قابل ملاحظه است.

جدول ۲. نتایج توصیفی سنجش مهارت‌های ارتباطی شهروندان تهرانی

متغیرها	میانگین	بیشترین	کمترین	درصد نمره از کل
مهارت گفتاری	۴۱٫۵۵	۴۹	۲۸	۸۳٫۱۲
مهارت خودگشودگی	۲۳٫۷۳	۴۹	۱۴	۶۵٫۴۶
مهارت نوشتاری	۱۰٫۸۸	۱۵	۳	۷۲٫۵۳
مهارت استفاده از تکنولوژی‌های ارتباطی	۲۲٫۷۰	۳۵	۹	۶۴٫۸۵
کل مهارت‌ها	۱۰۷٫۸۸	۱۴۱	۷۸	۷۱٫۹۲

با مقایسه‌ی نتایج مندرج در جدول بالا مشاهده می‌شود که میانگین مهارت گفتاری ۴۱,۵۵ از ۴۹ است و مهارت کلامی پاسخگویان در حد بالا بوده است. مهارت خودگشودگی شهروندان با میانگین ۳۲,۷۳ که از ۴۹ به دست آمده نیز در حد بالا می‌باشد. همچنین میانگین ۱۰,۸۸ از ۱۵ گواه بالا بودن مهارت نوشتاری شهروندان است. بالا بودن مهارت استفاده از تکنولوژی‌های ارتباطی در میان پاسخگویان با میانگین ۲۲,۸۳ یافته‌ی دیگر پژوهش است. مهارت ارتباطی کل از نمره‌ی ۱۰۰ حدود ۷۲ بدست آمده که در مجموع، مهارت‌های ارتباطی شهروندان تهرانی را در حد بالا نشان می‌دهد. شهروندان تهرانی در هیچ یک از ابعاد مهارت ارتباطی، نمره‌ی کمتر از ۶۵ بدست نیاورده‌اند.

سؤال دوم: شهروندان تهرانی تا چه اندازه تحرک اجتماعی میان نسلی دارند؟ متغیر اصلی دیگری که مورد سنجش قرار گرفته، تحرک اجتماعی میان‌نسلی است که متغیر وابسته در این پژوهش به حساب می‌آید و در دو بُعد، میزان تحرک اجتماعی میان‌نسلی و منزلت شغلی مورد سنجش قرار گرفت. نتایج در جدول‌های زیر قابل ملاحظه می‌باشد.

جدول ۳. نتایج توصیفی سنجش متغیر تحرک اجتماعی میان‌نسلی شهروندان تهرانی

متغیر وابسته	بیشترین	کمترین	میانگین
تحرک اجتماعی میان‌نسلی	۴۲,۷	-۷۵,۷	-۲,۴۹

اندازه تحرک اجتماعی میان‌نسلی:

$$۱۲ = (۷-۱) + (۷-۱) \text{ حداکثر نظری تحرک میان‌نسلی (صد درصد تحرک صعودی)،}$$

$$-۱۲ = (۱-۷) + (۱-۷) \text{ حداقل نظری تحرک میان‌نسلی (صد درصد تحرک نزولی)،}$$

$$۰ = (۷-۷) + (۷-۷) \text{ جامعه بی تحرک (بدون تحرک) و}$$

$$-۲/۴۹ = \text{میانگین تحرک اجتماعی میان‌نسلی در شهر تهران بر اساس نتایج این پژوهش.}$$

به طور متوسط هر کدام از پاسخگویان ۲,۴۹- واحد، نسب به پدران‌شان تحرک اجتماعی میان‌نسلی عمودی از نوع نزولی و منفی داشتند. به بیان دیگر، نسل جدید در مقایسه با منزلت شغلی پدر خود به جای ارتقاء منزلت شغلی، تنزل منزلت شغلی داشتند. شاید یکی از دلایل این باشد که در مطالعه‌ی حاضر، منزلت شغلی فرزندان دختر و پسر هم‌زمان با منزلت شغلی پدران‌شان محاسبه شده و اگر تنها فرزندان پسر را وارد محاسبات می‌نمودیم، نتایج تحرک اجتماعی آنها، سیر صعودی پیدا می‌کرد، چرا که معدل تحرک اجتماعی فرزندان دختر در برابر فرزندان پسر دارای تنزل زیادی بوده است.

جدول ۴. توزیع نتایج توصیفی سنجش منزلت شغلی شهروندان تهرانی

کمترین	بیشترین	میانگین	منزلت شغلی
۳۶,۸	۹۰,۴	۵۹,۵	نمره‌ی منزلت شغل فعلی پاسخگویان
۳۶,۸	۸۱,۷	۵۷,۴	نمره‌ی منزلت شغل پاسخگویان در آغاز زندگی
۳۶,۸	۸۰,۴	۵۹,۴	نمره‌ی منزلت آخرین شغل پدر
۳۶,۸	۷۳	۵۷,۹	نمره‌ی منزلت شغل پدر در آغاز زندگی
۵۰	۷۲,۵	۵۳,۱	نمره‌ی منزلت آخرین شغل مادر
۳۶,۸	۷۵,۲	۵۳,۵	نمره‌ی منزلت شغل مادر در آغاز زندگی
-۵۹,۴	۳۰,۵	-۰,۹۶	تفاضل شغل فعلی فرد با شغلی فعلی پدر
-۵۸	۳۲,۲	-۱,۵	تفاضل اولین شغل فرد با اولین شغل والدین
-۷۵,۷	۴۷,۲	-۲,۴۹	میزان تحرک اجتماعی میان‌نسلی فرد نسبت به منزلت شغلی پدر
۳۸۴			تعداد

میانگین منزلت شغل کنونی افراد در مقایسه با منزلت شغل کنونی والدین ۰,۹۶- واحد سیر نزولی و میانگین منزلت اولین شغل پاسخگو در مقایسه با منزلت اولین شغل والدین نیز ۱,۵- واحد نزول دارد و پدران از منزلت شغلی بالاتری برخوردارند. صرف نظر از مقایسه و سنجش میزان تحرک اجتماعی میان‌نسلی، در مجموع میانگین منزلت شغلی والدین و فرزندان، چه در آغاز و چه در آخرین شغل یا شغل کنونی در همه موارد، متوسط بوده است. این بدان معنا است که منزلت شغلی ساکنان بالای ۳۰ سال شهر تهران و والدین آنان در مجموع کمتر از متوسط نبوده است.

سؤال سوم: آیا بین ابعاد مختلف مهارت‌های ارتباطی با تحرک اجتماعی میان‌نسلی شهروندان تهرانی ارتباط معناداری وجود دارد؟

برون‌داد اجرای آزمون کولموگروف-اسمیرنوف برای متغیر منزلت شغلی نشان داد که این آزمون معنی‌دار نیست، بنابراین داده‌های پژوهش شرایط استفاده از آزمون‌های پارامتری برای بررسی سؤالات و آزمون فرضیه‌های پژوهش را دارد. از این رو، برای بررسی این سؤال که آیا بین ابعاد مختلف مهارت‌های ارتباطی با تحرک اجتماعی میان‌نسلی شهروندان تهرانی ارتباط معناداری وجود دارد؟ چهار فرضیه‌ی همبستگی به شرح زیر مطرح گردید:

- پیش‌بینی می‌شود، بین مهارت گفتاری با تحرک اجتماعی میان‌نسلی، رابطه‌ای معناداری وجود داشته باشد.

- پیش‌بینی می‌شود، بین مهارت نوشتاری با تحرک اجتماعی میان‌نسلی، ارتباط معنادار وجود داشته باشد.

- پیش‌بینی می‌شود، بین خودگشودگی با تحرک اجتماعی میان‌نسلی، رابطه‌ی معنادار وجود داشته باشد.

- پیش‌بینی می‌شود، استفاده از تکنولوژی‌های ارتباطی با تحرک اجتماعی، ارتباطی معنادار داشته باشد.

با توجه به فاصله‌ای بودن سطوح سنجش متغیرهای این فرضیه‌ها برای تحلیل ارتباط همبستگی میان آنها از آزمون ضریب همبستگی پیرسون استفاده شد که نتایج در جدول زیر قابل ملاحظه است.

جدول ۵. ارتباط همبستگی میان ابعاد مختلف مهارت‌های ارتباطی با تحرک اجتماعی بر اساس ضریب پیرسون

نوع مهارت	معناداری	میزان همبستگی
مهارت گفتاری	۰,۱۰	۰,۰۸
مهارت خودگشودگی	۰,۰۰	۰,۱۸
مهارت نوشتاری	۰,۰۰	۰,۱۴
مهارت استفاده از تکنولوژی‌های ارتباطی	۰,۲۵	۰,۰۵

طبق نتایج حاصل شده در جدول فوق تحرک اجتماعی با مهارت گفتاری و

مهارت استفاده از تکنولوژی‌های ارتباطی رابطه معنادار ندارد، ولی با مهارت خودگشودگی، ارتباط معنادار داشته و جهت رابطه، مستقیم و شدت آن ضعیف است. همچنین با مهارت نوشتاری رابطه معنادار، مستقیم و ضعیف داشته است. سؤال چهارم: آیا تحرک اجتماعی میان‌نسلی شهروندان تهرانی بر حسب متغیرهای جمعیتی متفاوت است؟

برای مقایسه‌ی میانگین تحرک اجتماعی بر اساس متغیرهای جمعیتی، سه فرضیه‌ی مقایسه‌ای مطرح گردید و برای بررسی آنها از آزمون T استفاده شده است که فرضیه‌ها و جدول نتیجه‌ی آزمون فرضیه‌ها در زیر قابل ملاحظه می‌باشد. - پیش‌بینی می‌شود، تحرک اجتماعی بر اساس گروه‌های جنسی متفاوت باشد.

- پیش‌بینی می‌شود، تحرک اجتماعی بر اساس گروه‌های سنی متفاوت باشد.

- پیش‌بینی می‌شود تحرک اجتماعی بر اساس تأهل افراد متفاوت باشد.

جدول ۶. خلاصه محاسبات آزمون T مستقل در زمینه‌ی مقایسه‌ی میانگین تحرک اجتماعی بر اساس

ویژگی‌های جمعیتی

متغیرهای جمعیتی	تعداد	میانگین	معناداری
جنسیت			
مرد	۱۹۵	۳,۲۷	۰,۰۰۰
زن	۱۸۹	-۸,۴۴	—
سن			
کمتر از ۵۰ سال	۲۸۷	-۲	—
بیشتر از ۵۰ سال	۹۷	-۳,۱۳	۰,۱۱
تأهل			
متأهل	۳۴۱	-۳,۸۴	۰,۳۱
مجرد	۱۳۱	-۰,۱۳	—

طبق جدول فوق، تحرک اجتماعی میان‌نسلی پاسخگویان بر اساس جنسیت، سن و تأهل متفاوت است. مقایسه تحرک اجتماعی میان مردان و زنان گویای آن است که تحرک اجتماعی مردان صعودی، مثبت و بیشتر از زنان بوده و مردان نسبت به پدران خود از ۳ واحد تحرک اجتماعی صعودی برخوردار بوده‌اند، ولی تحرک

اجتماعی زنان جامعه سیر نزولی داشته و نسبت به پدران خود وضعیت مطلوبی ندارند. افراد بیش از ۵۰ سال از افراد کمتر از ۵۰ سال تحرک اجتماعی میان‌نسلی نزولی بیشتری دارند. همچنین، مجردها نسبت به متأهلین توانسته‌اند از شدت تحرک اجتماعی نزولی خود بکاهند.

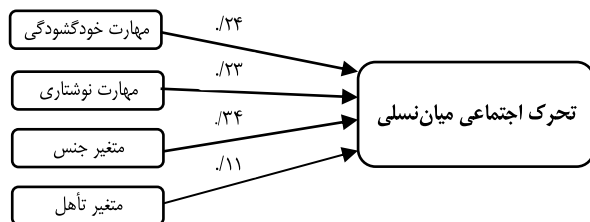
سؤال پنجم: آیا ابعاد مهارت‌های ارتباطی شهروندان تهرانی و متغیرهای جمعیتی آنان بر تحرک اجتماعی میان‌نسلی تهران‌نشینان تأثیرگذار است؟ در نهایت برای پاسخ به سؤال بالا، این فرضیه کلی مطرح شد که پیش‌بینی می‌شود، انواع مهارت‌های ارتباطی و متغیرهای جمعیتی بر تحرک اجتماعی میان‌نسلی تهران‌نشینان اثرگذار است. این فرضیه با استفاده از روش تجزیه و تحلیل رگرسیون چند متغیره، مورد آزمون قرار گرفت و اثر انواع مهارت‌های ارتباطی و متغیرهای جمعیتی بر روی متغیر تحرک اجتماعی میان‌نسلی مورد سنجش قرار گرفت.

جدول ۷. تحلیل تأثیر مهارت‌های ارتباطی و متغیرهای جمعیتی بر تحرک اجتماعی میان‌نسلی شهروندان تهرانی

مدل	معناداری	بتا
ضریب تعیین		۰,۱۹
متغیر ثابت	۰,۰۰۰	—
مهارت گفتاری	۰,۷۷	۰,۰۱
مهارت خودشنودگی	۰,۰۰۰	۰,۲۴
مهارت نوشتاری	۰,۰۰۰	۰,۲۴
مهارت استفاده از تکنولوژی‌های ارتباطی	۰,۰۸	۰,۲۴
جنس	۰,۰۰۰	-۰,۳۴
سن	۰,۱۶	-۰,۰۷
تاهل	۰,۰۲	۰,۱۱

طبق نتایج جدول اجرای رگرسیون، مهارت‌های ارتباطی و متغیرهای جمعیتی توانسته‌اند ۱۹ درصد از تغییرات تحرک اجتماعی را تعیین نمایند. به بیان دیگر، به ازاء هر واحد تغییر در مهارت‌های ارتباطی و متغیرهای جمعیتی ۱۹ درصد از تحرک اجتماعی میان‌نسلی تعیین می‌شود. در میان انواع مهارت‌های ارتباطی، مهارت خودشنودگی و مهارت نوشتاری بر تحرک اجتماعی اثرگذار بودند که

تأثیر مهارت خودگشودگی بر تحرک اجتماعی بیشتر، مثبت و مستقیم است. به عبارت دیگر، بالارفتن مهارت خودگشودگی در افراد تحرک اجتماعی آنها را متأثر ساخته و افزایش می‌دهد. در بین متغیرهای جمعیتی، متغیر وضع تأهل و جنسیت نیز بر تحرک اجتماعی میان‌نسلی تأثیر داشتند، به طوری که، افراد مجرد از تحرک اجتماعی بالاتری برخوردار بوده‌اند. همچنین، متغیر جنسیت حاکی از آن است که حرکت از یک جنس به جنسی دیگر اثر منفی در تحرک اجتماعی می‌گذارد. تحرک اجتماعی مردان مثبت و صعودی بوده، ولی تحرک اجتماعی زنان منفی و نزولی بوده و همین امر در کل، سیر نزولی تحرک اجتماعی در مردان را موجب شده است.



شکل ۲. مدل تبیین تجربی نقش مهارت‌های ارتباطی و متغیرهای جمعیتی در تحرک اجتماعی میان‌نسلی

به ازاء یک واحد تغییر در مهارت خودگشودگی ۰,۲۴ درصد از تغییرات تحرک اجتماعی میان‌نسلی تعیین می‌شود.

به ازاء یک واحد تغییر در مهارت نوشتاری ۰,۲۳ درصد از تغییرات تحرک اجتماعی میان‌نسلی تعیین می‌شود.

به ازاء یک واحد تغییر در متغیر تصنعی جنسیت ۰,۳۴- درصد از تغییرات تحرک اجتماعی میان‌نسلی تعیین می‌شود.

به ازاء یک واحد تغییر در متغیر تصنعی تأهل ۰,۱۱ درصد از تغییرات تحرک اجتماعی میان‌نسلی تعیین می‌شود.

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

در جهان پیچیده و سراسر اطلاعات هزاره‌ی سوم، آموزش مهارت‌های ارتباطی به عنوان دستاوردهای فردی برای بیشتر افراد، امری ضروری تلقی می‌شود. این مهارت‌ها، توانایی برقرارکردن رابطه با دیگران، درست مطرح کردن خود و اثرگذاری بر سایرین به شکل کارآمد را فراهم می‌آورند. مهارت‌های ارتباطی در محیط کار به فرد کمک می‌کنند تا حرمت و شأن وی احیا شده، امکان آزادی عمل و ابتکار داشته باشد، شغل وی، رضایت بخش شده، همینطور اهمیت و جایگاهش در محیط کار به درستی شناخته شود. نارسایی انسان‌ها در مهارت‌های ارتباطی آنها را با انزوا، اضطراب اجتماعی، عدم موفقیت و نارضایتی شغلی مواجه می‌کند؛ بالعکس افراد مسلط، ارتباطات مثبت و مؤثرتری در جامعه و محل کار برقرار کرده و محیط مساعدتری برای پیشرفت خود خلق می‌نمایند. باتوجه به این‌که، مهارت‌های ارتباطی توانایی‌های بالقوه و بالفعل افراد هستند که توسط آنها می‌توان به رفتار قابل پذیرش، شکوفا شدن استعدادها و موفقیت در کسب و کار دست یافت. در این پژوهش هدف، شناخت نقش مهارت‌های ارتباطی در تحرک اجتماعی میان‌نسلی تهران‌نشینان بالای ۳۰ سال بوده است. نتایج حاکی از آن بود که انواع مهارت‌های ارتباطی در تحرک اجتماعی میان‌نسلی تهران‌نشینان نقش داشتند. این مهارت‌ها ۱۹ درصد از تغییرات تحرک اجتماعی در این پژوهش را تعیین کردند، لذا فرضیه‌ی پیش‌بینی می‌شود انواع مهارت‌های ارتباطی و متغیرهای جمعیتی در تحرک اجتماعی میان‌نسلی اثرگذار است، اثبات می‌شود. این نتیجه با نتایج مطالعه مهدوی، عقیلی، هاشم‌زهی و فرهنگی (۱۳۹۶)، غفاری (۱۳۹۵)، بهشتی‌فر و نوروبی (۲۰۱۳) و کاکرم‌ن (۲۰۱۲) مبنی بر اثرگذاری مهارت‌های ارتباطی بر تحرک اجتماعی تطابق دارد. در میان انواع مهارت‌های ارتباطی، مهارت گفتاری و استفاده از تکنولوژی‌های ارتباطی نقشی در تحرک اجتماعی نداشتند. فرضیه‌ی پیش‌بینی می‌شود، بین مهارت گفتاری با تحرک اجتماعی ارتباطی معنادار وجود داشته باشد و فرضیه‌ی پیش‌بینی می‌شود استفاده از تکنولوژی‌های ارتباطی با تحرک اجتماعی ارتباط معنادار داشته باشد، تأیید نمی‌شود و با عدم تأیید

نظریه‌ی هربرت مید و دانیل بل در این جامعه آماری مواجه می‌شویم، همین‌طور نتیجه‌ی به‌دست آمده با نتیجه پژوهش آفتابی (۱۳۹۲) که مبتنی بر اثرگذار بودن متغیر مهارت کلامی بر تحرک اجتماعی افراد است، مطابقت ندارد. بیشترین اثرگذاری ابعاد مهارت ارتباطی بر تحرک اجتماعی به مهارت خودگشودگی تعلق داشت. این متغیر از آراء ابروین آلمن و دالماس تیلور استنباط شده بود و آنها معتقد بودند که خودگشودگی در محوریت پیشرفت روابط قرار دارد. در این مطالعه نیز شهروندان توانسته‌اند با تسلط بر این مهارت موجب افزایش تحرک اجتماعی و بالا رفتن از نردبان شغلی خود شوند. به عبارت دیگر، لبخند زدن به دیگران، شفاف و آزادانه سخن گفتن و در اختیار قرار دادن اطلاعاتی از خود که دیگران بدان دسترسی نداشته‌اند و دیگر شاخص‌های خودگشودگی موجب می‌شود تا این افراد در محیط کاری بیشتر دیده شده و در دیگران نفوذ کنند. همین امر در ارتقاء کسب و کار و افزایش منزلت شغلی پاسخگویان اثرگذار بوده است، بنابراین فرضیه‌ی پیش‌بینی می‌شود بین خودگشودگی با تحرک اجتماعی رابطه‌ی معنادار وجود داشته باشد، اثبات می‌شود و این نتیجه با آراء آلمن و تیلور همسو بوده و با نتیجه‌ی پژوهش مهدوی، عقیلی، هاشم‌زهی، فرهنگی (۱۳۹۶) مبنی بر اثرگذاری مهارت خودگشودگی بر ارتقاء کسب و کار مطابقت دارد. نتیجه‌ی بعدی حاکی از آنست که مهارت نوشتاری توانسته بر میزان تحرک اجتماعی افراد اثرگذار باشد. این متغیر از نظریه‌ی پیر بوردیو که وی از آن به عنوان سرمایه‌ی فرهنگی یاد کرده، استخراج شده بود. از نظر بوردیو وجود چنین سرمایه‌ای افراد را در مبارزه برای کسب جایگاه در فضای اجتماعی، قدرت و توانایی بخشیده و ربط وثیقی با آموزش و شغل فرد دارد. بوردیو معتقد است سرمایه‌ی فرهنگی منبعی است تا افراد، توانایی‌های فردی خود را نشان داده و این موضوع ارتباط تنگاتنگی با خاستگاه اجتماعی آنها دارد. افرادی با سرمایه فرهنگی بالا، دارای آموزش و ثروت بیشتری نیز هستند. نتایج در این بخش با آراء بوردیو مطابقت داشته و بر نتایج مطالعاتی لطفی (۱۳۸۷) و نایی و معصومی‌راد (۱۳۹۰) که حاکی از اثرگذاری سرمایه‌ی فرهنگی بر تحرک اجتماعی افراد است، مهر تأیید می‌زند و فرضیه‌ی

پیش‌بینی می‌شود مهارت نوشتاری با تحرک اجتماعی ارتباط معنادار داشته باشد را تأیید می‌نماید. نتیجه‌ی دیگر نشان داد که استفاده از تکنولوژی‌های ارتباطی که از آراء ترکیب‌گرایان استنباط شده بود، با تحرک اجتماعی میان نسلی شهروندان رابطه معنادار نداشت. در واقع، نتیجه‌ی حاصل شده موجب شد تا نظر دانیل بل در این جامعه آماری مورد تأیید قرار نگیرد و فرضیه‌ی پیش‌بینی می‌شود استفاده از تکنولوژی‌های ارتباطی با تحرک اجتماعی ارتباط معنادار داشته باشد، تأیید نشود. بررسی وضعیت مهارت ارتباطی پاسخگویان نشان داد، مهارت‌های مذکور در پاسخگویان بالاتر از حد متوسط بوده است. این موضوع می‌تواند گواهی بر شناخت مهارت‌های ارتباطی و آثار بهره‌مندی از آنها توسط شهروندان باشد. اینک خیلی از پایتخت‌نشینان برای بالا بردن مهارت‌های ارتباطی خویش و کسب جایگاه بهتر شغلی بر اساس شایستگی‌هایشان به فراگیری و توجه نمودن به مهارت‌های مذکور روی آورده‌اند. نتیجه‌ی دیگر این بود که از میان متغیرهای جمعیتی، جنسیت و وضع تأهل بر میزان تحرک اجتماعی میان‌نسلی افراد نقش داشته‌است. به عبارت دیگر، میزان تحرک اجتماعی در مردان و زنان، متفاوت و به نفع مردان و مجردان بوده است. این نتیجه، بررسی غفاری (۱۳۹۵)، معصومی‌راد و نایی (۱۳۹۲) مبنی بر تفاوت تحرک اجتماعی میان‌نسلی بر اساس جنسیت و بالابودن تحرک اجتماعی مردان را تأیید کرده و نتیجه‌ی تحقیق هاشم‌زهی و بهره‌دار (۱۳۹۷) مبنی بر عدم تفاوت تحرک اجتماعی براساس جنسیت را رد می‌نماید. همچنین دو فرضیه‌ی پیش‌بینی می‌شود تحرک اجتماعی بر حسب جنس متفاوت است و پیش‌بینی می‌شود تحرک اجتماعی بر اساس وضع تأهل افراد متفاوت است، اثبات شد. در مجموع می‌توان گفت، ارتقاء شغلی و بالابودن تحرک اجتماعی میان مردان هنوز نشان از وجود رگه‌هایی از جامعه‌ی مردسالاری دارد. امروزه می‌بایست برنامه‌ریزی مناسب و مؤثر برای تحرک اجتماعی زنان به عنوان نیمی از افراد جامعه بیشتر مورد توجه قرار گیرد و سرمایه‌گذاری‌های مهمی در این زمینه انجام شود. برنامه‌ریزان و مسئولان می‌بایست بیش از پیش، توانمندی‌ها و نیازمندی‌های جامعه‌ی زنان را در نظر داشته باشند. نتایج حاکی از آن است که

افراد مجرد نسبت به متأهلین، تحرک اجتماعی بیشتری داشته‌اند که می‌تواند نشانگر این واقعیت باشد که مجردها برای حفظ شغل و پیشرفت کاری خود به حائز اهمیت بودن مهارت‌های ارتباطی و آثار آنها پی برده و سعی در فراگیری و به‌کار بستن این مهارت‌ها نموده‌اند. نظر تالکوت پارسونز و امیل دورکیم در این قسمت مورد تأیید قرار می‌گیرد. در این مطالعه، متغیر سن اثری بر تحرک اجتماعی افراد نداشته است. به‌صورت کلی، می‌توان گفت که در نمونه‌ی آماری این مطالعه، تحرک اجتماعی میان‌نسلی صعودی وجود نداشته است، البته اگر مردان و زنان را در معادله از هم جدا نماییم؛ نتیجه‌ی مقایسه‌ای حاکی از آن است که مردان تحرک اجتماعی بالا و مثبتی نسبت به پدران‌شان داشته‌اند. بهتر است در این زمینه به جامعه‌ی زنان توجه بیشتری داشت تا موجب تقویت عزت نفس آنها شده، حس رقابت در زنان با مردان بر اساس شایستگی‌های فردی ایجاد شود و از این راه، به رفع بی‌انگیزگی در زنان یاری شود. در نمونه‌ی آماری این تحقیق انواع مهارت‌های ارتباطی نقش زیادی نداشت و پاسخگویان نسبت به پدران‌شان از تحرک اجتماعی کمتری برخوردار بودند؛ به بیانی دیگر، پدران منزلت شغلی بالاتری داشته‌اند. دولت، نهادهای فرهنگی، آموزشی و همچنین سازمان‌های ذی‌ربط می‌بایست به این موضوع، اهمیت ویژه‌ای بدهند و با وضع قوانین و بسترسازی مناسب موجب تقویت اصل شایسته‌پروری و شایسته‌سالاری شوند.

منابع و مآخذ

- آفتابی، مریم (۱۳۹۲)، نقش مهارت های ارتباطی بر فضای کسب و کار. اولین همایش ملی مدیریت کسب و کار. همدان: دانشگاه بوعلی، ص. ۱-۱۸.
- اکبری خنجی، نظام (۱۳۸۲)، مهاجرت و سازگاری: پژوهشی در مورد ایرانیان مقیم امارات متحده عربی. شیراز: نوید شیراز.
- انواری، محمدرضا (۱۳۹۰)، نقد و بررسی نظریه کنش متقابل نمادین. معرفت، سال بیستم، شماره ۸، صص. ۱۵۳-۱۷۱.
- تحلیل بازار (۱۳۹۸، ۱۰ بهمن). برترین های دنیا در شاخص تحرک اجتماعی. بازیابی از <https://www.tahlilbazaar.com/news/3937>
- جوادی یگانه، محمدرضا؛ فاطمی امین، زینب & فولادیان، مجید (۱۳۹۰)، بررسی تطبیقی شاخص تنبلی در ایران و کشورهای جهان و برخی راه حل ها. راهبرد فرهنگ، شماره ۱۲، صص. ۱۱۱-۱۳۴.
- حسینی، محمد (۱۳۹۸)، تحرک شغلی بین نسلی مردان در ایران از سال ۱۳۷۵ تا ۱۳۹۵. برنامه ریزی و بودجه، سال بیست و چهارم، شماره ۱، صص. ۲۵-۵۰.
- حسینی نسب، داوود & مصطفی پور، کبری (۱۳۹۱)، بررسی رابطه بین مهارت های ارتباطی با سلامت سازمانی مدارس. علوم تربیتی، دوره پنجم، شماره ۱۹، صص. ۲۴-۴۰.
- رابرتسون، ایان (۱۳۷۲)، درآمدی بر جامعه با تأکید بر نظریه های کارکردگرایی، ستیز و کنش متقابل نمادین. مترجم، حسین. بهروان، مشهد: آستان قدس رضوی.
- روشه، گی (۱۳۷۶)، جامعه شناسی تالکوت پارسونز. مترجم، عبدالحسین. نیک گهر، تهران: تبيان.
- زارع، بیژن & لطفی، مهوش (۱۳۸۷)، بررسی عوامل اجتماعی مؤثر بر تحرک اجتماعی در شهر کرمانشاه. مسائل اجتماعی ایران، سال چهارم، شماره ۱، صص. ۱۱۳-۱۳۹.
- سراقی، عیسی؛ ابوالفتحی، داریوش & ملکی، حسین (۱۳۸۸)، فرایند جهانی شدن و تأثیر آن بر روند شهرنشینی در کلان شهرهای کشورهای در حال توسعه (نمونه موردی: کلان شهر تهران). تحقیقات کاربردی علوم جغرافیایی، جلد دهم، ص شماره ۱۳، صص. ۱۳۹-۱۷۲.

غفاری، زهرا (۱۳۹۶). تأثیر سرمایه فرهنگی تجسم یافته (ذهنی) بر تحرک اجتماعی میان نسلی (مورد مطالعه: شهروندان ۵۴-۳۰ ساله شهر گرگان). **توسعه اجتماعی**، دوره یازدهم، شماره ۴، صص. ۱۸۳-۲۰۶.

فرهنگی، علی اکبر & ترزمنی‌نژاد، وحیده (۱۳۸۷)، ارتباطات سازمانی در جامعه اطلاعاتی: اثربخشی تکنولوژی های نوین ارتباطات و اطلاعات در کارایی ارتباطات سازمانی (در سازمان صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران). **مدیریت**، شماره ۷۸، صص. ۱۳۹-۳۲.

فیض، داوود؛ شرفی، وحید & شول، حسین (۱۳۹۵)، رابطه بین منزلت شغلی و زیر کار در روی: بررسی نقش بی تفاوتی سازمانی. **پژوهش های مدیریت منابع سازمانی**، سال ششم، شماره ۳، صص. ۱۰۷-۱۲۸.

قاسم پور، حسین؛ میرزایی، شهربانو؛ لطفی، عشرت & والی، معصومه (۱۳۸۹)، **کتاب معلم (راهنمای تدریس)**. تهران: سازمان آموزش و پرورش استثنایی کشور.
مرکز آمار ایران (۱۳۹۱)، ۱۵ اردیبهشت، **گزیده نتایج سرشماری عمومی، نفوس و مسکن ۱۳۹۰**. بازیابی از

www.amar.org.ir/sites/nnt.sci.org.ir/sites/nnt/SitePages/report_90/gozaresh_ostani_hahrestani.asp

معصومی‌راد، رضا & نایبی، هوشنگ (۱۳۹۲)، عوامل اجتماعی مؤثر بر تحرک اجتماعی (شغلی) اعضای هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی. **راهبرد اجتماعی فرهنگی**، سال دوم، شماره ۷، صص. ۱-۳۴.
ملک، حسن (۱۳۷۴)، **جامعه شناسی قشرها و نابرابری های اجتماعی**. تهران: دانشگاه پیام نور.

مهدوی، سمیه السادات؛ عقیلی، سید وحید؛ هاشم‌زهی، نوروز & فرهنگی، علی اکبر (۱۳۹۷)، نقش مهارت های ارتباطی مدیران در توسعه کسب و کار با تأکید بر مشتری مداری. **مطالعه توسعه اجتماعی**، دوره دهم، شماره ۲، صص. ۱۲۷-۱۵۲.

مهدی زاده، سید محمد (۱۳۹۶)، نظریه های رسانه (اندیشه های رایج و دیدگاه های انتقادی). تهران: همشهری.

نایبی، هوشنگ & عبداللهیان، حمید (۱۳۸۱)، تبیین قشر بندی اجتماعی. **نامه علوم اجتماعی**، دوره دهم، شماره ۲۰، صص. ۲۰۵-۲۳۶.

نایبی، هوشنگ & معصومی‌راد، رضا (۱۳۹۰). عوامل فرهنگی مؤثر بر تحرک اجتماعی مطالعه موردی در بین مردان ۳۵ تا ۶۴ ساله شهر تهران. **مطالعات جامعه شناختی**، دوره هجدهم، شماره ۳۹، صص. ۱-۳۴.

هاشم‌زهی، نوروز & بهره‌دار، سمیه (۱۳۹۷). مقایسه تحرک اجتماعی مردان و زنان در شهر (جامعه مورد مطالعه: شهروندان تهرانی بالای ۲۰ سال). **مطالعات آینده پژوهش و سیاستگذاری**، دوره یازدهم، شماره ۱۱، صص. ۱۲-۲۶.

- Arifin, Mohammad hosni.(2017). The role of higher education in promoting social mobility in Indonesia *Europen Journal of Multidisciplinary Studies*, 2 (6) , ۲pp.234-242.
- Beheshtifar, Malikeh & Norwzi, Tayyebbeh (2013). Social skills: A factor to employees succsess *International Journal of Academic Research in Business and Social Sciences*, (3), pp.74-79.
- Kakirman Yildiz, Asiyeh (2012). Effective communication skills to manage the library : Relations between managers and librarians *.Qualitative and Quantitative Methods in Libraries(QQML)*, 1(2), pp.141-153.
- Mountford zimdars, Ana., Jones, Steven., Sulivan, Alice & Helth, Anthony (2013). Farming higher education : Questions and responses in the British social attitudes survey1980-2013 *.British of Journal of Sociology of Education*, 34 (5-6), pp.792-811.

References

- Aftabi, Maryam (1392). The role of communication skills in the business environment. *The first national conference on business management*, pp.1-18. (In persian)
- Akbari Khonji, Nezam (1382). *Immigration and Adaptation: A Study of Iranians in the UAE*. Shiraz: Navid shiraz. (In persian)
- Anvari, Mohammadreza (1390). A review of symbolic interaction theory. *Maerefat*, Twentieth Year, No.8, pp.153-171. (In persian)
- Farhangi, Aliakbar & Tarzaminejad, Vahideh (1387). Organizational communication in the information society: The effectiveness of new communication and information technologies in the efficiency of organizational communication (in the Broadcasting Organization of the Islamic Republic of Iran). *Management*, No. 78, pp.19-32 (In persian)
- Feyz, Davoud; Sharafi, Vahid & Shoul, hossein (1395). Relationship between job status and evading responsibilities: A study of the role of organizational indifference. *Organizational Resource Management Research*, sixth Year, No. 3, pp.107-128. (In persian)
- Ghaffari, Zahra (1396). The effect of embodied (mental) cultural capital on inter-generation social mobility (Case study: citizens aged 30-54 in Gorgan). *Social Development*, Issue 11, No. 4, pp.183-206. (In persian)
- Ghasempour moghadam, Hosein; Mirzaee, Shahrbanou; Lotfi, Eshrat & Vali, Masoumeh (1389). *Teacher's book (teaching guide)*. Tehran: Exceptional Education Organization of the country. (In persian)
- Guy, Rocher (1376). *Sociology of Talcott Parsons*. (A. Nikgozar, Trans.) Tehran: Tebyan.
- Hashemzahi, Norouz & Bahredar, Somayeh (1397). Comparison of social mobility of men and women in Tehran (Study population: Tehran citizens over 20 years old). *Future Studies Research and Policy Making*, Issue 11, No. 11, pp.12-26. (In persian)

- Hosseini, Mohammad (1398). Intergenerational job mobility of men in Iran from 1996 to 2016. *Planning and budgeting*, Twenty fourth Year, No.1, pp.25-50. (In persian)
- Hosseininasab, Davoud & Mostafapour, Kobra (1391). Investigating the relationship between communication skills and organizational health of schools. *Educational Science*, Issue 5, No. 19, pp.27-40. (In persian)
- Javadi Yeganeh, Mohammadreza; Fatemi Amin, Zeinab & Fouladian, Majid (1390). Comparative study of laziness index in Iran and other countries and some solutions. *Culture strategy*, No.12 pp.111-134. (In persian)
- Mahdavi, Somayeh; Aghili, Seyed vahid; Hashemzehi, Norouz & Farhangi, Aliakbar (1397). The role of managers' communication skills in business development with emphasis on customer orientation. *Social development studies*, Issue 10, No. 2, pp.127-152. (In persian)
- Malek, Hassan (1374). *Sociology of social strata and inequalities*. Tehran: Payam Noor university. (In persian)
- Masoumirad, Reza & Nayeibi, Houshang (1392). Social Factors Affecting Social (Occupational) Mobility of Faculty Members of Islamic Azad University. *Socio-cultural strategy*, Second Year, No. 7, 1-34. (In persian)
- Mehdizadeh, Seyed mohammad (1396). *Media theories (common ideas and critical views)*. Tehran: Hamshahri. (In persian)
- Nayeibi, Houshang., & Abdollahian, Hamid. (1381). Explaining social stratification. *Social Science Letter*, Issue 10, No. 20, pp.205-236. (In persian)
- Nayeibi, Houshang & Masoumirad, Reza (1390). Cultural factors affecting social mobility: Case study in men 35 to 64 years in Tehran. *Sociological studies*, issue 18, No. 39, pp.1-34. (In persian)
- Robertson, Eian (1372). *An Introduction to Society Emphasizing Theories of Functionalism, Conflict, and Symbolic Interaction*. (H. Behravan, Trans.) Mashhad: Astan Qods Razavi.
- Soraghi, Issa; Abolfathi, Dariush & Maleki, Hossein (1388). The process of globalization and its impact on the process of urbanization in metropolises of developing countries (Case study: Tehran metropolis). *Applied Research in Geographical Sciences*, No.13 pp.139-172. (In persian)
- Zare, Bijan & Lotfi, Mahvash (1387). Investigation of social factors affecting social mobility in Kermanshah. *Social issues of Iran*, Fourth Year, No.1, pp.113-139. (In persian)